

برگی از تاریخ

برای نسل های آینده

چه عواملی در مرداد سال 1332 تلاش ملت ایران
را برای رسیدن
به
آزادی، استقلال، و حاکمیت ملی
خنثی کردند؟

رضا قاسمیان

پیشگفتار

استیفن کینزر، نویسنده، تحلیلگر و خبرنگار نیویورک تایمز که بیش از پنجاه کشور را بازدید و گزارش و تحلیل های جامعی درباره سیاست گذاران و اثرات آنها تهیه کرده است، در کتاب "همه مردان شاه" در مورد کودتای ایران دیدگاه های مختلفی را از تحلیل گران نقل میکند:

نوشته ای از مجله تایمز در کتاب مردان شاه

روزی، روزگاری در سرزمینی کوهستانی که میان بغداد و دریاچه خاویار واقع شده است نجیب زاده ای زندگی میکرد که پس از یک عمر شکوه و شکایت از حکومت سلطنتی کشورش رئیس دولت شد. او در عرض چند ماه همه دنیا را متوجه کلمات و رفتار و لطیفه ها و خنده ها و کج خلقی های خود کرد. در پشت دلقک بازی های مضحک او نکات متعددی در مورد جنگ یا صلح وجود داشت که بسیاری از سرزمین های ماورای این سرزمین کوهستانی را تحت تأثیر قرار داد. او محمد مصدق، نخست وزیر ایران در سال ۱۳۳۰ بود. او مرد سال بود. او تجارت نفت را به آشوب کشید. اشک های او ستون های باقیمانده یک امپراتوری بزرگ را ویران کرد. او با صدای بریده بریده و محزون، مبارزه ای جسورانه را که مملو از حسرت و نفرت و برای غرب تقریباً غیر قابل درک بود منعکس ساخت.

موفقیت بریتانیا در سراسر خاور میانه ناامید کننده است. آن ها همه جا مورد نفرت و بی اعتمادی اند. رابطه استعماری گذشته به آخر رسیده است و هیچ قدرت دیگری نمیتواند جانشین بریتانیا شود. ایالات متحده امریکا چه بخواهد و چه نخواهد ناچار به اتخاذ سیاستی برای خاور میانه است، هنوز مردد است و تصمیمی اتخاذ نکرده است. امریکا در نقش رهبر کشورهای غیر کمونیست مسئولیت خطیری برشانه هایش احساس میکند. یکی از آنها رویارویی با مبارزات اخلاقی است که جادوگری پیر و عجیب که در این سرزمین کوهستانی زندگی میکند و مرد سال است آغاز نموده است.

آغاز کودتا توسط طرح آژاکس

.... در این زمان تبلیغات منفی علیه مصدق به اوج رسیده بود. مطبوعات بر ضد او حرف میزدند و مقالاتی که مرکز عملیات دیکته میکرد در روزنامه ها منعکس میشد. سازمان سیا با یادداشت های

جعلی از جانب حزب توده به رهبران مذهبی هشدار میداد که اگر با مصدق مخالفت کنند به مجازات سنگینی محکوم میشوند و تلفن های تهدید کننده به خانه های آنها زده میشد و در خانه یکی از رهبران مذهبی بطور ساختگی بمب گذاری شد. به زودی خبر رسید که شاه مستقیماً در عملیات ضد مصدق دخالت دارد. این خبر از طریق مرکز "عملیات روزولت" بر سر زبان ها افتاد.

در ۲۳ مرداد، مرکز عملیات تلگرافی به واشنگتن فرستاد و اعلام داشت که پس از پایان عملیات آژاکس حکومت زاهدی با خزانه خالی روبرو خواهد بود و نیاز به کمک مالی دارد و پنج میلیون دلار پول تقاضا شد که سازمان سیا باید چند ساعت پس از پایان عملیات این مبلغ را تهیه میکرد.

شامگاه ۲۴ مرداد روزولت و سایر عوامل کودتا کاری نداشتند جز این که منتظر خبر اعلام پیروزی باشند اما خبری که دریافت داشتند نا امید کننده بود. زیرا آنچه روزولت از آن وحشت داشت اتفاق افتاد و نه تنها سرتیپ ریاحی بازداشت نشد بلکه نصیری که فرمان عزل مصدق را داشت خلع سلاح و بازداشت شد. ولی ۳ روز بعد کودتا با موفقیت انجام و شاه دوباره جایگاهش را بدست آورد اما....

از مجله سیاست خارجی امریکا

حقیقت این است که اگر آن کودتا نبود، ایران میتوانست از دموکراسی بالغی بهره مند شود. یادآوری آن کودتا آن قدر دردناک بود که در سال ۱۳۵۷ زمانی که شاه ایران را ترک میکرد بسیاری ترس از آن داشتند که تاریخ تکرار شود و این یکی از انگیزه های دانشجویان برای اشغال سفارت امریکا در تهران بود. بحران گروگان گیری در مقابل موجب تهاجم عراق به خاک ایران گردید و از طرفی انقلاب اسلامی در ایران موجب شد که روسیه به افغانستان حمله کند. حاصل کلام آنکه، بخش وسیعی از تاریخ تنها به دلیل عملیاتی که فقط یک هفته به طول انجامید شکل گرفت.

کودتای سال ۱۳۳۲ و پیامد های آن ، نقطه آغازین صف بندی های سیاسی امروز خاور میانه و درون قاره آسیا بود. آیا کسی میتواند با اندیشیدن به گذشته بگوید که انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ایران اجتناب ناپذیر بود؟ یا اینکه انقلاب به وقوع پیوست زیرا امید های ملت ایران در سال ۱۳۳۲ برای همیشه به باد رفته بودند؟

با دید تاریخی آسان است که تأثیرات فاجعه آمیز عملیات آژاکس را به عیان دید. این تأثیرات سال های طولانی دنیا را به ستوه خواهد آورد. اما اگر کودتا در ایران اجرا نمیشد، چه اتفاقی میافتاد؟

رئیس جمهور ترومن (رئیس جمهور دموکرات) تا آخرین لحظه حضور در کاخ سفید اصرار داشت که امریکا نباید در امور داخلی ایران دخالت کند. راستی اگر رئیس جمهور آیزنهاور نیز با ترومن اتفاق نظر داشت، چه اتفاقی میافتاد؟

ریچارد کانم: "تصمیم بر براندازی مصدق راستی تصمیمی تاریخی بود. ایران در نقطه عطفی قرار گرفته بود که در آن درصد افرادی که وارد جریانات سیاسی میشدند و یا از شرکت در این جریانات منع می گشتند ، با رشدی سریع افزایش می یافت. این افراد بیدار شده رهبران خود را به الگوی ارزش ها و سنت های خود می پذیرفتند و از آنها حمایت میکردند. اگر مصدق، جبهه ملی و رهبران مذهبی که گفته های قرآن را به نحو ملایم تری بیان میکردند حکومت را در دست خود حفظ مینمودند ، می توانستند در نقش ناجیان اجتماعی به این ملت بیدار خدمت کنند. اما در عوض پادشاهی دیکتاتور حکومت را بدست گرفت و از مردم جدا ایستاد. سیاست امریکا شالوده تاریخ ایران را دگرگون ساخت ، این سیاست کمک کرد تا افراد فرهیخته ملی گرا ، همان هائی که امریکا را دوست خود می پنداشتند و آن را حامی خارجی قابل اعتماد خود تلقی میکردند از میدان خارج شوند «.

مارک گازیوفسکی: « با نگاهی به گذشته ، کودتای امریکائی که در ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ در ایران روی داد به صورت حادثه ای بحرانی در تاریخ پس از جنگ دوم جهانی به ثبت رسیده است. اگر این کودتا اجرا نشده بود ، آینده ایران به یقین متفاوت بود. نقش امریکا در تقویت قدرت دیکتاتوری شاه پس از کودتا نیز در ارتباطات آتی ایران با امریکا بسیار سرنوشت ساز بود. دخالت امریکا در این حوادث به وضوح در حملات تروریستی به امریکا و رویداد هائی که در اوایل دهه ۱۳۵۰ در ایران رخ داد، در طبیعت انقلاب ضد امریکائی سال ۱۳۵۷ و همچنین در سایر عملیات ضد امریکائی که در ایران پس از انقلاب رخ داد و مهم تر از همه در ماجرای گروگان گیری در سفارت امریکا در تهران منعکس شده است. امروز طرفداران این کودتا ادعا میکنند که حداقل بیست و پنج سال ثبات و آرامش کشور ایران تحت رهبری حکومتی طرفدار امریکا مدیون همین کودتا بوده است ، درحالی که مضرات انقلاب ایران

برای منافع آمریکا هر روز آشکارتر میشود، این سؤال پیش میآید که "آیا کودتا ارزش چنین بهای سنگین و طولانی مدتی را داشته است؟"

مری آن هاپس : شاید در دراز مدت بپذیریم که ناتوانی بریتانیا در معامله با مصدق، که دارای سیاست معتدلی بود، راه را نه تنها برای شاه و عواملش در طول چند دهه بعدی، بلکه برای حکومت افراطی ضد غربی که پس از سال ۱۳۵۷ روی کار آمد هموار ساخت. دخالت آمریکا در کودتای سال ۱۳۳۲ و قرارداد کنسرسیوم در سال ۱۳۳۳، ملت ایران را متقاعد ساخت که آمریکا کوچکترین توجهی به منافع آنها ندارد و بیشتر نگران تثبیت نظام امپریالیستی بریتانیا است تا خواسته های ملی و استقلال طلبی ایرانیان. این امر موجب گشت که ملی گرایان ایران آمریکا را شیطان بزرگ بخوانند (نه ملی گرایان، بلکه روحانیون که بار دیگر در نتیجه سیاست نا درست جیمی کارتر شکل گرفت) مسبب همه بدبختی های ملت ایران بدانند.

منازعات نفتی دهه ۱۳۳۰ با سرکوبی ایرانیان ملی گرا هسته اصلی انقلاب اسلامی را در دل ایرانیان کاشت که ۲۵ سال بعد منجر به روی کار آمدن حکومتی شد که برخلاف دکتر مصدق احساسات ضد غربی داشت. نتیجه آنکه این پیامد ها حتی اکنون بر خلیج فارس و ماورای آن سایه ای سنگین افکنده است تعجب آور نمیشد."

نیکي اورکدي : « کودتای سال ۱۳۳۲ که نتایجش در قرارداد نفت سال بعد ظاهر گشت و محصولات نفتی و بازاریابی و ۵۰ درصد منافع نفت را در اختیار کارتل های نفتی خارجی گذاشت ، تأثیرات دردناکی بر افکار عمومی ایرانیان نهاده که تا به امروز ادامه یافته است. احساس خشم ملت پس از آگاهی از دخالت مستقیم آمریکا در کودتای ایران به اوج رسید. حمایت آمریکا از دیکتاتوری شاه به مدت ۲۵ سال به آتش این خشم دامن زد. اما در هرحال اتهامات گاه مبالغه آمیز و افراطی ایرانیان، هم در مورد آمریکا و هم انگلیس میتواند ریشه در رویداد های مهم و حقیقی داشته باشد ، به ویژه شرکت در سرکوب حرکت های انقلابی مردمی و حمایت از حکومت های غیر مردمی».

ویلیام راجرز لوئیس : «ملت ها نیز چون افراد نمیتوانند استثمار شوند ، مگر آنکه سر انجام استثمار کننده باید روزی تصفیه شود... در کوتاه مدت ، دخالت آمریکا در کودتای سال ۱۳۳۲ مفید واقع شد ، اما در طولانی مدت ، شاید درایت سیاسی حکم میکرد که آمریکا دستان خود را از ایران کوتاه کند».

این نگرش ها هم جهت با آرای عمومی است ، و کسانی را که مخالف براندازی مصدق بودند، بطور قابل ملاحظه ای تیرئه میکند. رئیس جمهور ترومن پیش بینی میکرد که روش نادرست مقابله با بحران ایران موجب ایجاد « فاجعه ای برای جهان آزاد» میشود. هنری گریدی، سفیر ترومن در تهران هشدار داده بود که اجرای کودتا در ایران «کاملاً احمقانه است و موجب تجزیه ایران و عواقب آن میشود». اگر کسی در طی ربع قرن پس از کودتا در ایران این کلمات را میخواند آنها را اشتباه میدانست، اما اکنون تاریخ درستی آنها را نشان میدهد. نتایج عملیات آژاکس همان طور که آن ها پیش بینی میکردند وحشتناک بود. اگر چه ضربات نهائی آن ، بیش از آنچه مردم انتظار داشتند به طول انجامید.

اگر عوامل انگلیس و امریکا آن چنان بی شرمانه در امور داخلی ایران دخالت نکرده بودند، سرانجام صلح، آرامش و رفاه به ایران بازمیگشت. نمیتوان تصور کرد که هیچ حادثه دیگری چون عملیات آژاکس می توانست این همه درد و وحشت در طول ۲۵ سال بعد برملت ایران نازل کند.

کودتا ایرانی قابل اعتماد را به مدت ۲۵ سال به ایالات متحده امریکا، انگلیس و غرب اهدا کرد و این یک پیروزی کامل بود، اما با توجه به آنچه بعد ها رخ داد و با پذیرش فرهنگ عملیات پنهانی به صورت بخشی از سیاست خارجی امریکا ، پیروزی ای خدشه دار بود. از خیابان های پرهرج و مرج تهران و سایر پایتخت های کشور های اسلامی تا صحنه های حملات تروریستی در سراسر جهان ، اسطوره دردناک و وحشت آفرین عملیات " آژاکس" به چشم میخورد.

اشتباه بزرگ امریکا و انگلیس در ایران

دکتر گریدی سفیر کبیر سابق امریکا در ایران درحضور بیش ازچند هزار نفر دانشجو و اساتید دانشگاه "ایندیانا" که حدود ۱۵ دانشجوی ایرانی نیز در آن دانشگاه به تحصیل مشغول هستند درنطقی به شدت دولت امریکا را مورد انتقاد قرارداد وگفت جای تأسف است که دولت امریکا هنوز هیچگونه کمک عملی به دولت ایران نکرده است ودولت انگلیس نیز بدبختانه هنوز با ایران مانند یک کشور مستعمره رفتار میکند.

وی گفت دولت شوروی بدون تصرف منابع نفت ایران قادر نیست در جنگ با مغرب پیروز شود، لذا نفت ایران دیگرصورت تجارتی ندارد بلکه باید آنرا یک مسأله سیاسی و نظامی دانست که سرنوشت آینده جنگ بین شرق و غرب را تعیین میکند. اگر در آتیه نزدیکی یک نوع

توافق بین ایران و انگلیس حاصل نشود دورنمای بسیار خطرناکی صلح دنیا را تهدید خواهد کرد.

البته از نقطه نظر انگلیس نفت ایران قسمت اعظم احتیاجات نیزه های نظامی انگلیس را تأمین میکرد و فقدان آن باعث شد که چرچیل به امریکا آمده و برای پیدا کردن راه حلی که مجددا جریان نفت ایران را به انگلستان تضمین کند با ترومن مذاکره نماید ولیکن من فکر میکنم که انگلیس ها در کوتاه کردن نفوذ شوروی در ایران چندان مجاهدت به خرج نمیدهند و بطور کلی آنها برای جواب سیاسی مسأله نفت ایران اهمیت زیاد قائل نیستند بلکه بیشتر متوجه اهمیت تجارتي این مسأله هستند.

با وجودی که از نقطه نظر اصول دموکراسی عمل دولی که مبادرت به ملی کردن صنایع و ثروت های طبیعی خود مینمایند باید به رسمیت شناخته شوند معذالک انگلستان تاکنون سعی کرده که با ایران مانند یک کشور مستعمره رفتار نماید. این رفتار انگلیس بکلی با اصول دموکراسی ماینت دارد. دولت انگلیس مدعی است هروقت وضع مالی ایران دچار تزلزل شد دولت ایران حاضر خواهد شد با کمپانی نفت قراردادی منعقد سازد. انگلیس ها و حتی امریکائی ها انتظار نداشتند و بلکه باور نمیکردند که ایران برای حفظ حیثیت و آبروی خود حاضر خواهد شد بزرگ ترین فداکاری ها و محرومیت ها را متحمل گردد و به قراردادهائی که متناقض با مصالح ملی است تن دردهد.

نمیدانم چرا دولت انگلیس حاضر نیست این حقیقت مسلم را قبول کند که هر اقدام انگلستان صد در صد صحیح و کامل و منطقی نیست باید در سیستم قدیم معامله با دول خارجی یک تجدید نظر کلی به عمل آورد.

امریکا تاکنون قدم مثبت و مفیدی به نفع مردم ایران برنداشته است. وزارت امور خارجه امریکا ابتدا نسبت به ایران افکار و عقاید صحیحی داشت ولیکن در مذاکرات خود با انگلستان ضعف و عجز عجیبی از خود نشان داد. جای تأسف است که امریکا بزرگترین دول غربی بشمار میآید، و معذالک نمیتواند نظرو عقاید خود را به سایر دول ضعیف غربی تلقین و یا تحمیل کند.

آقای دکتر مصدق نخست وزیر ایران برای جبران کمبود بودجه خود که از تعطیل شدن صنعت نفت ایران ناشی شده است از امریکا تقاضای 120 میلیون دلار وام کرده است. کمک های مالی ما به فرانسه ، ایتالیا و یونان باعث شده است که کمونیست ها در آن کشورها با شکستهای ممتد مواجه شوند ولی باکمال تأسف باید گفت مساعی ما در ایران به وضع مفتضحی درآمده و ما هیچگونه موفقیتی در آن کشور بدست نیاوردیم.

هنگامیکه من به ایران رفتم وزارت خارجه امریکا قول داده بود که 50 میلیون دلار به ایران وام خواهد داد ، این وام سپس به 25 میلیون دلار تقلیل یافت سپس در سفری که به واشنگتن کردم اولیای وزارت امور خارجه صریحا به وی گفتند که پرداخت این وام با مشکلات فنی توأم شده است. من اعلام میکنم که دیپلماسی انگلیس و امریکا در سال گذشته بزرگترین اشتباه را در ایران مرتکب شده اند.

چگونه توطئه سال ۱۹۵۳ در سال ۱۹۷۹ ایران را دگرگون ساخت

نوشته جمز رایزن در سایت نیویورک تایمز

بعد از پنج دهه، نقش امریکا در کودتای نظامی که منجر به سقوط یک دولت دموکرات و قانونی و بازگشت شاه به قدرت شد هر چند ظاهراً در روند رخداد های تاریخ گم شده است، اما هنوز در ایران به عنوان مسأله ای زنده و فراموش نشدنی در خاطره ها مانده است و در امریکا مسأله با سکوت بر گذار میشود. شرکت کنندگان در آن حادثه یکی پس از دیگری بازنشسته یا مرده اند بدون اینکه جزئیات کلیدی طرح را فاش کرده باشند. سازمان مرکزی اطلاعات «سیا» نیز میگوید مقداری از اسناد عملیات که نخستین طرح براندازی موفقیت آمیز یک دولت خارجی بود بکلی نابود شده است. ولی یک نسخه از تاریخ سری مجری طرح کودتا حقایق را آشکار میسازد و فاش میکند که چگونه یک طرح توانسته صحنه را برای شکل گرفتن انقلاب اسلامی آماده سازد و برای یک نسل تفکر ضد امریکائی تبدیل به دشمنی در یکی از نیرومند ترین کشورهای خاور میانه گردد.

اسنادی که هنوز به صورت محرمانه مانده اند آشکارا نشان میدهند که چگونه مقامات اطلاعاتی بریتانیا در تدوین و طرح ریزی کودتا نقش اساسی داشته اند و همچنین نشان میدهد که واشنگتن و لندن در حفظ منافع خود برای کنترل نفت ایران با یکدیگر همکاری داشتند.

اسرار تاریخ (سیا در ایران) نوشته کرومیت روزولت رئیس طرح توطئه کودتا در سازمان مرکزی اطلاعات امریکا که در اختیار روزنامه نیویورک تایمز میباشد میگوید که موفقیت عملیات را بیشتر میتوان یک اتفاق دانست.

اسناد همچنین نشان میدهند مردی که می بایست اختیارات کشور به او واگذار شود کاملاً مورد استهزاء مجری طرح بوده است. از نظر او محمدرضا شاه پهلوی ترسوی دو دل و مسخره ای بود. او همچنین برای اولین بار رازی را فاش میکند که برای راضی کردن شاه به شرکت

در توطئه کودتائی که در جهت منافع خود او بوده، چه کوشش های زجر آور و تملقات فریب دهنده ای را بکار برده است. عملیات، که با رمز «تی . پی . آژاکس» نام گذاری شده بود، الگویی شد برای اجرای طرح های آینده کودتا و بی ثبات کردن دولت ها در دوران جنگ سرد. از آنجمله موفقیت در کودتای گواتمالا در سال ۱۹۵۴.

اسرار تاریخ میگوید که مأمورین سازمان اطلاعاتی برای اجرای کودتا مستقیماً با نظامیان طرفدارشاه همکاری کرده و جانشین نخست وزیر را از بین آنها انتخاب نمودند، نمایندگانی برای تشویق شاه به همکاری نزد او فرستادند. ترتیبی دادند که گروهی از ایرانی ها به عنوان اعضای عضو حزب توده در خیابان ها ایجاد بلوا کنند، و روزنامه هائی برای حمله و دشنام دادن به نخست وزیر منتشر سازند.

با همه این ترتیبات شبی را که برای براندازی نخست وزیردکتر مصدق در نظر گرفته بودند هیچ یک از ترتیباتی که در طرح پیش بینی شده بود نتوانست موفقیتی بدست آورد. در حقیقت فردای آن روز همه مأمورین سیا قصد فرار از کشور را داشتند. اما تعدادی از افسرانی که توسط مأمورین استخدام شده بودند به ابتکار خود وارد عمل شده رهبری تظاهر کنندگان طرفدار شاه را به عهده گرفته و همان روز دولت را در دست گرفتند.

دو روز بعد از کودتا مبلغ ۵ میلیون دلار در اختیار دولت کودتا قرار داده شد تا بتواند سلطه خود را مستقر سازد.

طرح امریکا برای اجرای کودتا و نقشی که امریکا در کودتا ایفا نمود برای ایرانی ها آشکار بود ولی بعد بصورت خاطرات و نشریات توسط مأمورین سیا منتشر شد، اما بسیاری از جزئیات جزو پرونده های محرمانه باقی ماند و وقتی روزنامه نیویورک تایمز توانست بخشی از آن را بدست آورد آن اسناد را در اختیار عموم گذارد.

بعد از انتشار این بخش سیا از انتشار بقیه اسناد خودداری کرد. دو نفر از مدیران سیا رابرت گیت و جمس وسلی تصمیم گرفتند که اسناد محرمانه کودتا را منتشر سازند اما سازمان اظهار داشت که سه سال پیش در اوایل دهه ۶۰ تمام اوراق پرونده از بین برده شده است. کمی بعد از این اظهارات یکی از افسران سیا اظهار داشت که پیش از نابود کردن اوراق اصلی یک کپی از آن ها تهیه شده که به عنوان پرونده کاری «در بایگانی نگهداری میشود.

اسرار تاریخ همراه با ارزیابی عملکرد آن که توسط طراح کودتا نوشته شده بود توسط یکی از مسئولین سیا که یک نسخه از آن را در اختیار داشت برای انتشار به نیویورک تایمز واگذار گردید. این اوراق را دکتر دونالد ویلبر کارشناس مسائل ایران و خاور میانه که یکی از نخستین طراحان طرح کودتا بود معتقد است که انتشار عملیات آژاکس اطلاعات سودمندی از تاریخ در اختیار خواهد گذارد که درآینده میتوان از آنها استفاده کرد.

در خاطرات مختصری که دکتر ویلبر در سال ۱۹۸۶ زیر عنوان «حادثه ای در خاورمیانه» منتشر کرد میگوید «کودتای ایران در طرح اولیه با آنچه که سیا انجام داد تفاوت داشت. طراحان امریکائی آن را تغییر داده تبدیل به طرح عدم ثبات در ایران کردند و بدین ترتیب برای ایرانی ها فقط دو انتخاب گذاردند، عدم ثبات و نا امنی یا قبول حاکمیت شاه».

کودتا نقطه عطفی در تاریخ مدرن ایران بود که بعنوان خاطره دردناکی در روابط تهران - واشنگتن باقی خواهد ماند. کودتا قدرت شاه را مستحکم کرد که برای مدت ۲۶ سال بعنوان دیکتاتور مطلق با روابط نزدیکی که با امریکا برقرار کرده بود حکومت کند اما شاه در سال ۱۹۷۹ بوسیله انقلابیون سرنگون گردید. به دنبال آن اشغال سفارت امریکا و گروگان گرفتن دیپلماتها و اعلام این که سفارت امریکا لانه جاسوسی امریکا در ایران بود دهه های متمادی در خاطره ایرانی ها باقی خواهد ماند.

دولت اسلامی آیت الله خمینی از تروریست ها حمایت کرد تا منافع امریکائی ها را در جهان به خطر اندازد با این بهانه که امریکا سالیان دراز از شاه حمایت میکردند. حتی در دولت های به مراتب معتدل تر هنوز اکثر ایرانی ها از نقشی که امریکائی ها در کودتائی که در دفاع از شاه داشت رنجیده خاطر هستند. برای رفع این کدورت مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در کابینه کلینتون که توسط کلینتون نیز تکرار گردید در یک سخنرانی که به منزله پوزش از ملت ایران بود برای شرکت زمامداران گذشته امریکا در براندازی حکومت قانونی دکتر مصدق اظهار میدارد: «آیزنهاور و همکاران او معتقد بودند که با توجه به مسائل استراتژیکی حاکم، براندازی دولت دکتر مصدق توجیه پذیر بوده است اما بدین مسأله توجه نداشته اند که کودتا از خاطره ایرانی ها زدوده نخواهد شد و عکس العمل آن در روابط آینده امریکا و ایران باقی خواهد ماند. آنچه مادلین آلبرایت در سخنرانی خویش اظهار داشت با توجه به روابط فعلی ایران و امریکا کاملاً قابل فهم میباشد

دولت بریتانیا برای حفظ منافع خود در سال ۱۹۵۲ طرح کودتا علیه دکتر مصدق را تدوین نمود اما کابینه ترومن پیشنهاد انگلستان را برای اقدام به کودتا رد کرد ولی رئیس جمهور آیزنهاور در سال ۱۹۵۳ مدت کوتاهی پس از ورود به کاخ سفید طرح را تصویب نمود زیرا از تسلط کمونیست ها بر منابع نفت ایران نگران بود.»

درآمد

هموطن...
 من و تو همدردیم
 پس بیا ...
 تا من و تو، ما بشویم
 تا دگر بار، خانه اجدادی را
 ز غم و عسرت واماندگی خویش
 رهایی بخشیم

هم میهن، نوروز امسال با دوست نازنینی که از سال اول دبستان، سپس دبیرستان و نهایتاً در آخرین سال دانشگاه، دوست و همدم یکدیگر بودیم بعد از گذشت سالیان پس دراز اتفاقاً موفق به دیدار او شدم. سخنانی میگفت که در ژرفای آن هزاران درد پنهان بود، نه برای خود، بلکه برای بیشتر هم میهنانی که در زادگاه خود به سختی لقمه نانی برای ادامه زندگی بدست میآورند. و با شرایط حاکم بر کشور امیدی به فردای خود نمیتوانند در سینه خود داشته باشد.

چه کس یا چه کسانی مقصر هستند؟ دوست نازنین من یکی از قربانیان کودتایی است که روند سرنوشت ما ایرانیان را تغییر داد. او بعد از کودتای مرداد 32، سه سال به جرم ملی گرایی با هدف رهایی میهن خود از سلطه جنایتکارانه انگلستان در روز 28 آذر 1332 با اعلام محکومیت دکتر مصدق در محکمه نظامی شاه بدون توجه به شرایط در خیابان کاخ روبروی خانه شماره 107 با فریاد «زنده باد دکتر مصدق» بازداشت و به سه سال زندان محکوم گردید.

بعد از پایان دوره زندان، پدر او را برای ادامه تحصیل به خارج از کشور میفرستد. بعد از پایان تحصیلات با خروج شاه از ایران در سال 1357 برای خدمت به میهن باز میگردد، پدر با بازگشت او به ایران مخالفت میورزد. مهندس بازرگان با آگاهی از مدارج تحصیلی او، او را استخدام میکند. پند روز پس از انقلاب فرهنگی از دانشگاه اخراج میگردد اما میهن خود را ترک نمیکند، با این امید که روزی بتواند آنچه را آموخته است به فرزندان میهن بیاموزد.

بعد از گذشت 25 سال از کودتا وقتی محمدرضا پهلوی که از پشتیبانی مردم ایران برخوردار نبود، علیه اربابان خود طغیان میکند و در اجلاس اوپک سرکشی آغاز مینماید، ضمن اعلام افزایش بهای نفت، تراست های نفتی را تهدید میکند که "بعد از پایان قرارداد کنسرسیوم در سال 1979 که بر اساس قرارداد سال 1333 میبایست سه نوبت پنجاه ساله قرارداد را تمدید میکرد، اعلام داشت که هرگز قرارداد را تمدید نخواهد کرد، از اینرو به گناه سرکشی از فرامین اربابان در کنفرانس "گوآدلوپ" با پایه ریزی نظام دینی در ایران، با دیدگانی پر از اشک، اجبارا میهن خویش را ترک و پس از چند سال دوری از میهن به ابدیت می پیوندد. متأسفانه مرگ به او فرصت نمیدهد که ثمره بی تدبیری و خود بینی خویش را بنگرد، و شاهد باشد که ایران تبدیل به ویرانه ای شده است که حتی در زمان ایلغاران مغول و تازیان عرب نیز مشابهی نداشته است..

نگاهی بسطور این نوشتار صرفنظر از بیان تحریکات بیگانگان علیه ملت ایران در درخشان ترین نهضت استقلال طلبی آنها، به نسل های امروز و فردای میهن ما خواهد گفت چگونه گروهی بی وطن به خاطر منافع خویش با کارشکنی در مبارزه رهبرملت ایران در راستای منافع تراست های نفتی، پس از پیروزی در شورای امنیت و دیوان بین المللی دادگستری لاهه بزرگترین جنبش آزادی خواهی و ملی گرایی ملت ایران را مواجه با شکست میکنند که بازده آن شرایطی است که امروز میهن ما شاهد آن میباشد.

زیر و بم های این نوشتار شاید ناقوسی باشد برای کسانی که هنوز بدون توجه به واقعیات حاکم بر کشور طبل هایی مینوازند و دیدگان خود را به حقایقی که آسمان میهن ما را فرا گرفته هست فرو می بندند، زیرا گذشته درسی عبرت آمیزی برای آنها نشده است.

چرا و چگونه چنین شده است؟ آیا همکاری و هم اندیشی هیولای جنایتکار انگلستان با امریکا و چند کشور غربی عامل شکست نهضت رهایی بخش مردم ایران بودند؟ یا خود بودیم که در روند خیانت بی وطنانی قرار گرفتیم که در حساس ترین موقعیت تاریخ صد ساله اخیر علم مخالفت با دولتی را برافراشتند که صادقانه در اندیشه رهایی میهن و هم میهنان خود از زندان بزرگ بریتانیا بود. تو و من هر که هستیم و هر مرام و مسلکی که داریم باید بپذیریم که مردم میهن برای حفظ حاکمیت ملی و حفظ استقلال میهن، نیاز به هم بستگی

ملی دارند. چگونه میتوانیم درد های هموطنان خود را به شادی و ناله های جانگداز آنها را به خنده تبدیل کنیم؟

شصت و یکسال از کودتای ننگین مرداد سال 1332 میگذرد، اما هنوز گروه هایی که مدعی هستند دردوطن و هموطن را دارند در پشت درهای بسته می نشینند، سخنی میگویند و جوابی می شنوند، اما هیچ گاه اقدام مثبتی که نتیجه ثمر بخشی داشته باشد نداشته ایم. چرا؟ همه میدانیم چرا؟ زیرا هر کدام سخن خود را میگوییم و آمادگی آن را نداریم که حرف دیگری را بپذیریم. ولی اکنون با شرایط موجود اجبار داریم به گذشته بیندیشیم و شجاعانه راه گریزی از حلقه ای که میهن ما در آن گرفتار شده است را پیدا کنیم.

گروهی از ما به یاد دارند و گروهی نیز تاریخ را خوانده ایم. آزادی و حفظ حاکمیت ملی گوهر گرانبهائی است که رایگان بدست نخواهد آمد. ملت های آزاد جهان برای رسیدن به آزادی از خود گذشتگی کرده و میکنند. به تاریخ های دور نویم. در جنگ دوم جهانی ارتش فرانسه پس از مقاومت کوتاهی تسلیم نازی ها میشود. و ژنرال پتن فرمانده ارتش قرارداد تسلیم را امضا میکند. هیتلر با غرور به پاریس میآید و مفتخرانه در خیابان های پاریس زیر چتر حمایتی «اس اس» ها پرسه میزند و به موزه لوور چشم طمع میدوزد، اما مردم فرانسه آن قرارداد ننگین را نمی پذیرند.

هرچندفرانسویان باتفکرات وعقاید مختلف وابستگی های احساسی زیادی به اندیشه های خود داشتند اما گزینه میهن دوستی آن ها فرا تر از تفکرات و مسلک های شخصی آنها بود. گروه هایی که تا قبل از جنگ، دشمنان سوگند خورده یکدیگر بودند یکباره فارغ از همه تفکرات فردی برای نجات میهن بهم پیوستند. کمونیست ها، سوسیالیست ها، محافظه کاران و بی طرف ها همگی در زیر پرچم واحدی که پرچم میهن آنها بود صرفنظر از همه اختلافات مذهبی و مسلکی زیر پرچم رهایی میهن گرد آمدند و حماسه هایی آفریدند که قرنهای متوالی نه فقط در تاریخ فرانسه بلکه در تاریخ همه ملت هایی که به میهن خود عشق میورزند به جای خواهد ماند.

آزادی مردم لهستان از سلطه حاکمیت کمونیستی دست نشاندۀ و تحمیلی روسیه، مبارزه مردم آفریقای جنوبی برای محو آپارتاید و رسیدن به زیستی مسالمت آمیز با انگلیسی های مهاجر و فارغ شدن

از قوانین ظالمانه فرمانداران انگلیسی، با همدلی و هم فکری همه افراد ممکن گردید. در هر دو کشور همچون همه مردم جهان اختلاف عقیده و سلیقه وجود داشت، اما فرهیخته گان جامعه به مرحله ای از تکامل فکری رسیده بودند که در آن شرایط خاص مصلحت ملی خود را فراتر از مسلک و مرام و سنت های قبیله ای خود دانستند و هموطنان خود را به اتحاد و همدلی فرا خواندند. بدین جهت بود که علیرغم برتری فرمانروایان نازی، زوسی، انگلیسی همه جهانیان شاهد پیروزی آنها شدند.

هموطن شرایط میهن به ما این اجازه را میدهد که با عناوین ملی گرا، چپ رو، مذهبی، سکولار، شاهی، سوسیالیستی، جبهه ملی، فدائیان اکثریت یا اقلیت، آذری، کرد، بلوچ، فارس، عرب، لر، ترکمن، طبری، گیلک، شیعه، سنی، زرتشتی، بهایی، صفی علیشاهی، گنابادی و..... بتوانیم درکنار یکدیگر قرار گیریم و برای رهایی میهن و هم میهنان خود از فرو رفتن در مرداب نابودی تلاش نکنیم تا چاره ای بیندیشیم.

باردیگر بیهانه ای «نو» استقلال میهن ما در معرض مخاطره قرار گرفته است. تحریم های جانفرسا همچون آسیابی زجر آور هم میهنان ما را زیر فشار درناکی قرار داده که هر ایرانی را افسرده میکند.

صرفنظر از غارت های میلیاردی وابستگان به نظام به بهانه تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته ای علاوه بر اینکه میلیاردها دلار از منابع ملی مردم ایران تلف گردید، میلیارد دلار نیز به عنوان تحریم در بانک ها و تراست های بین المللی در گردش بهره برداری میباشند و طبیعی به نظر میرسد که آنها حاضر نخواهند بود به آسانی سرمایه بر باد آورده را باز پس دهند. و پس از سالیان دراز و فشار تحریم های سخت علیه مردم ایران که منجر به عقب گرد هیأت حاکمه نه برای رهایی مردم ایران از فقر و بی کاری، بلکه برای ادامه فرمانروایی خود حاضر شده اند به میز مذاکره بنشینند، یکبار دیگر مردم ایران ناچار به صحنه ای پای گذارده اند که خاطره دردناک کودتای 28 مرداد سال 1333 (قرارداد کنسرسیون) را زنده میکند.

تاریخ نشان داده است نظام هایی که از پشتیبانی اکثریت شهر وندان خود برخوردار نمیباشند نمیتوانند در بحران ها و تلاطم های جهانی از موجودیت خود دفاع نمایند. خاورمیانه در تلاطمی قرار گرفته که حفظ

استقلال و حاکمیت کشورهای منطقه جز با برخورداری از پشتیبانی ملت ها امکان پذیر نمیباشد.

دیدگان مردم دربند ایران و همه جهانیان به گروه های خارج از کشور که آزادی بیشتری دارند دوخته شده که بدانند ما چه اندازه درگفتار و کردار خود صادق می باشیم. تصمیم گیری نهایی در مورد آینده ایران و مردم ایران به عهده مردمی است که سی و شش سال در بلا تکلیفی گرفتار میباشند. آنها هستند که در مورد سرنوشت خود باید تصمیم بگیرند، اما ما بعنوان ایرانیانی که در فضای آزاد خارج از کشور زندگی می کنیم، میتوانیم با توجه به پشتیبانی افکار عمومی جهانیان و با نگرش به شرایط و روابط بین دولت ها در جستجوی راه هایی منطقی و عملی برای رهایی میهن خود از فروپاشی و تجزیه بدون کشتار و خونریزی باشیم تا بتوانیم دین خویش را به مام میهن اهدا کنیم و زادگاه خود و نیاکان خویش را از شرایط موجود بدون آنکه خون هموطنی در دشتها و سطوح خیابانها و کوچه های شهر و روستا فرو ریزد رهایی بخشیم.

ما در خارج از کشور امکانات فراوانی را در اختیار داریم اما نخست باید همگی خود را ایرانی بدانیم و از تفکرات و علایق فردی بطور موقت با توجه به امکانات و روابط و زیر و بم های جهانی چشم بپوشیم و منحصرأ به هم میهنان و میهن خود بیندیشیم.

دراین نوشتار گذری به تاریخ کشور خویش میاندازیم، شاید رمز عدم موفقیت «نهضت رهایی بخش ملی شدن نفت» را صرفنظر از توطئه های برون مرزی، در عملکرد های خود بیابیم تا پندی باشد برای امروز و فردای ما....

نفت و مشکلات آن

در سال 1872 (1251) ناصر الدین شاه زیر امتیاز نامه ای را امضا میکند که بر اساس آن استخراج نفت و کلیه معادن زیر زمینی به استثنای (طلا، نقره و جواهر) و کشیدن راه آهن به ژولیوس روتیر تبعه انگلیس واگذار میشود. اما بدلیل مخالفت عمومی با آن، امتیازنامه لغو میگردد

در سال 1901 (1280) مظفرالدین قاجار مجدداً امتیاز اجازه اختصاصی و انحصاری اکتشاف، استخراج، حمل و فروش گاز طبیعی، نفت و آسفالت مملکت به استثنای ولایات آذربایجان، گیلان، مازندران، خراسان و استرآباد (که مراکز نفوذ روسیه تزاری بودند) را برای مدت 60 سال به ویلیام نوکس دارسی استرالیائی که تبعه انگلیس بود واگذار میکند.

حق الامتیاز ایران در این قرارداد شانزده درصد از سود خالص و 2000 تومان در سال تعیین میشود و دارنده امتیاز از پرداخت هرگونه مالیات و حقوق گمرکی معاف می گردد.

عملیات اکتشاف از سال 1903 (1282) در ناحیه نفتون مسجد سلیمان آغاز و در سال 1904 نخستین نشانه وجود نفت پدیدار میشود، اما پس از سه ماه فوران نفت متوقف میگردد. بعد از قطع فوران نفت و تمام شدن سرمایه شرکت دارسی، عملیات اکتشاف متوقف میشود. اما با توجه بجای گزینی نفت با زغال سنگ و افزایش سریع مصرف نفت در جهان کمیسیون درياداری انگلیس ظاهراً سهیم کردن شرکت انگلیسی برمه با شرکت دارسی به یاری دارسی میشتابد و دستگاه های حفاری دوباره بکار می افتند که تا سال 1908 ادامه مییابد.

با فوران نفت از چاه شماره 1 نفتون در مسجد سلیمان شرکتی به نام شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن تشکیل و به ثبت میرسد و به اصرار وینستون چرچیل لرد اول دریاداری انگلیس به بهانه تأمین منبع

قابل اطمینان سوخت برای دریاداری انگلیس شمار قابل ملاحظه ای از سهام شرکت دارسی و برمه به شرکت نفت انگلیس و ایران منتقل میگردد.

این نقل و انتقال سهام بلافاصله در پارلمان انگلیس تصویب و مقررات قانونی آن بدین ترتیب به تصویب میرسد :

دومیلیون ودویست هزار لیره انگلیس در اختیار شرکت نفت قرار میگردد که شامل دو میلیون لیره سهام عادی ، هزار لیره سهام ممتاز و 199000 لیره اوراق قرضه خواهد بود. در ازاء خرید این سهام دو نفر از مدیران هیات مدیره شرکت توسط دولت انگلیس تعیین میگرددند. در سیاست گذاریهای شرکت، دولت انگلیس دارای حق وتو میشود. تامین سوخت مورد نیاز دریاداری به بهای نازل تر از قیمت بازار جهانی در اختیار دریاداری انگلیس قرار میگردد. ولی دولت ایران که واگذار کننده امتیاز و صاحب منابع نفتی میباشد نقشی در این نقل و انتقالات ندارد.

بدین ترتیب فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران همزمان با شروع جنگ جهانی اول آغاز میشود که تا ملی شدن صنایع نفت در 29 اسفند سال 1330 و خلع ید از شرکت انگلیس - ایران در 30 خرداد 1331 ادامه می یابد.

برای آگاهی از میزان احجاف شرکت نفت انگلیس نسبت به صاحبان اصلی نفت ، نگاهی به کتاب "بحران جهانی" نوشته چرچیل در پایان جنگ دوم جهانی می نماییم. دولت بریتانیا در دوره چهار ساله جنگ علاوه براینکه مبلغی بالغ بر هفت میلیون و پانصد هزار لیره از شرکت با کمپانی نفت سود برده است، نفت مورد نیاز دریا داری انگلیس نیز با بهائی بسیار نازل تر از بازار جهانی به وسیله شرکت نفت تامین شده است.

در سال 1928 جان کدمن معاون شرکت نفت انگلیس و ایران ضمن مذاکره با تیمور تاش وزیر دربار درخواست تجدید نظر در قرارداد دارسی را می نماید. تیمور تاش در نامه ای به شرکت نفت می نویسد که قرارداد دارسی در زمانی منعقد شده است که حکومت قاجار از اهمیت نفت و امتیازی را که داده اطلاعی نداشته است و از اینرو دولت ایران مصراً می خواهد اصول قرارداد مورد تجدید نظر قرار گیرد.

درآبان همان سال (1307) رضا شاه بعد از بازگشت از سفر خوزستان ناراضایتی خود از شرکت نفت و میزان پرداخت سالیانه به دولت ایران را به شرکت نفت اعلام و متذکر میگردد "چنانچه اولیای شرکت روش و میزان پرداخت به دولت ایران را تغییر ندهند عواقب سوء آن متوجه خود آنها خواهد بود".

در آوریل سال 1929 بعد از مذاکرات هیأت ایرانی و سر جان کدمن نماینده شرکت نفت در مورد تغییر شروط قرارداد داریسی، نمایندگان ایران تجدید قرارداد را منوط به تعهد شرکت به پرداخت مقرری سالیانه دو میلیون و هفتصد هزار لیره به دولت ایران اعلام می دارند. ولی دولت انگلیس علاوه بر اینکه از قبول آن به عنوان زیاده خواهی ایرانیان سر باز میزند به بهانه بحران اقتصادی در جهان سهم سالیانه ایران را به مبلغ 307,000 لیره کاهش میدهد، در حالی که حقوق پرداخت شده به مدیران شرکت در آن سال 220,648 لیره و مالیات پرداختی به دولت بریتانیا 894,027 لیره بوده است.

مذاکرات نمایندگان ایران و شرکت نفت از سال 1929 تا سال 1931 ادامه می یابد، بدون آنکه توافقی بین طرفین صورت گیرد. در تمام این مدت آنچه بیشترین وقت مذاکرات را میگیرد اصرار نمایندگان شرکت نفت به افزایش مدت قرارداد تا سال 1993 است.

در جولای 1932 (خرداد 1311) شرکت نفت بیلانی منتشر میکند که شامل پرداخت های شرکت از سال 1915 تا 1931 به دولت ایران میباشد:

سال 1915 تا 1920 مجموعاً 1000000
 سال 1920 تا سال 1931 مجموعاً 9966000 لیره
 سال 1929، 1437000 لیره، بیشترین مبلغ (زمان شروع مذاکره) و
 سال 1931، 307000 لیره، کمترین مبلغ (در سال اعتراض دولت ایران
 به عمل کرد شرکت)، درحالیکه تولید نفت در سال 1931 برابر
 6540000 هزار تن بود.

درآبان سال 1311 (1932) روزنامه ایران درمقاله ای با عنوان سوقات شاهانه مینویسد که "افکار عمومی از اعلیحضرت استدعا می کنند که نسبت به لغو امتیاز داریسی اقدام فرمایند".

با توجه به اینکه اعلیحضرت شاهنشاه برای مردم ایران حقی قائل نبودند افکار عمومی نمیتواند اثری در خیمه شب بازی اجرای درخواست دولت بریتانیای کبیر برای تمدید قرارداد تا سال 1993 داشته باشد.

علی دشتی در روز سوم آذر 1311 دولت را زیرسؤال میبرد که « چرا در الغاء امتیازنامه داری مسامحه می شود؟ »

در همین زمان لرد کدمن برای مذاکره مجدد در مورد نفت به ایران میآید. براساس نوشته مهدیقلی هدایت (نخست وزیر) از شاه درخواست میکند دوسیه نفت را به هیأت دولت بیاورند. شب ششم آذر تیمور تاش دوسیه را به هیأت دولت میآورد ، شاه دوسیه را گرفته به داخل بخاری می اندازد و میگوید « حالا امتیاز را لغو کنید».

طبق نوشته مصطفی فاتح دوسیه نفت شامل مدارک با ارزشی بود که میتوانست در مجامع بین المللی در اختلافات فیما بین به نفع دولت ایران مورد استفاده دولت قرار گیرد که عبارتند بودند:

- 1- فروش نفت ارزان به دریا داری انگلیس.
- 2- عدم پرداخت سهم دولت ایران به میزان 16 درصد درآمد خالص فروش نفت توسط شرکت نفت .
- 3- عدم ارائه تراز نامه و میزان استخراج و تولید نفت به دولت ایران به عنوان شریک و صاحب منابع نفت.

دولت انگلیس به جامعه ملل شکایت میکند. همزمان واسطه هایی برای حل اختلاف مداخله می نمایند ، نهایتاً با ورود نمایندگان عالیرتبه دولت انگلیس به عنوان نمایندگان شرکت نفت به ایران ، اعلیحضرت در جلسه هیأت دولت بدون مشورت با هیأت دولت به تقی زاده وزیر دارائی ، فروغی ، علا و داور دستور میدهد که با در نظر گرفتن چهار شلینگ برای هر تن نفت، کار را تمام کنید. و با اصرار لرد کدمن برای تمدید قرارداد تا آوریل سال 1312، به دستور اعلیحضرت رضا شاه، تقی زاده متن قرارداد را که از پیش توسط شرکت نفت نوشته شده بود امضا میکند. این قرار داد بدون هیچ مخالفت در مجلس شورای ملی نیز به تصویب میرسد

در قرارداد تمدید شده علاوه بر طولانی شدن مدت قرارداد سهم ایران از درآمد نفت به مراتب کمتر از قرارداد داری می باشد.

با توجه به اظهارات علی دشتی در روز چهارم مهر 1320 در مجلس ، در مورد دارائی های رضا شاه ، شاید بتوان پاسخ دلیل واقعی لغو و تمدید قرارداد را پیدا کرد، بر طبق گفته دشتی «جزء دارائی های رضا شاه مقداری سهام شرکت نفت نیز وجود داشته است» علاوه بر آن رضا شاه سالیانه مبلغ 12000 لییره بابت اجاره اراضی بایر نفت شاه و خطوط لوله مربوط به آن را از شرکت نفت دریافت میداشته است.

یازده سال بعد از تمدید قرارداد در روز نوزده مرداد 1323 ساعد نخست وزیر در پاسخ دو نفر از نمایندگان مجلس ، طوسی نماینده بجنورد و دکتر رادمشن عضو فراکسیون حزب توده ایران درباره مذاکرات دولت با نمایندگان شرکت های نفتی اظهار میدارد: «دو نفر از مدیران شرکت نفت شل از لندن و دو نفر از نمایندگان شرکت های امریکایی پیشنهاداتی دایر به اخذ امتیاز نفت در قسمت جنوب شرقی ایران به دولت تسلیم کرده اند که در دست مطالعه میباشد و به مجرد پایان مطالعات به مجلس گزارش داده خواهد شد».

بعد از فاش شدن مذاکرات محرمانه دولت با نمایندگان شرکت های نفتی، در تاریخ بیست و چهارم شهریور هیأت اقتصادی شوروی به ریاست کافتارادزه به ایران وارد و درخواست امتیاز نفت در بعضی از مناطق شمالی ایران را مینمایند.

روز یازده آذر دکتر مصدق طرحی در چهار ماده بقید دو فوریت به مجلس شورای ملی ارائه و تصویب آنرا درخواست مینماید. به موجب این طرح:

اول - هیچ دولتی نمیتواند با نمایندگان شرکت های نفتی مذاکره یا قرار دادی امضا نماید.

دوم - نخست وزیر و وزیران میتوانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره کند مذاکره نمایند و از جریان باید مجلس شورای ملی را مستحضر کنند .

سوم - متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

چهارم - تعقیب متخلفین از سوی دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس آنها را تصویب نماید. این طرح با اکثریت آراء به تصویب میرسد.

در پانزدهم فروردین 1325 درمواقت نامه ای که بین قوام نخست وزیر و سادچیکوف سفیر دولت شوروی در ایران در مورد واگذاری امتیاز نفت منعقد میشود ضمن مذاکرات در مورد اصول موافقت نامه ، دولت شوروی بنا به درخواست دولت ایران متعهد میگردد که ارتش های خود را از ایران خارج کرده و مسأله خود مختاری آذربایجان نیز به عنوان یک مسأله داخلی تلقی گردد که باید طرفین ذینفع آنرا حل و فصل نمایند. ضمناً طرفین موافقت میکنند که قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ اسفند 1325 تا انقضای مدت هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم ارجاع گردد.

در روز بیست و پنج تیر ماه دوره پانزدهم مجلس شورای ملی افتتاح میگردد. قبل از گشایش مجلس معاون وزارت امور خارجه امریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار میدارد: «دولت امریکا امیدوار است که لایحه نفت شمال از تصویب مجلس ایران نگذرد».

در روزهای پیش از گشایش مجلس ، نمایندگان که اکثریت منتخبین حزب دموکرات قوام بودند ماده واحده ای را در چهار ماده به منظور کان لم یکن کردن توافقنامه قوام- سادچیکوف تنظیم میکنند که بعد از گزارش نخست وزیر آن را از تصویب مجلس بگذرانند.

بند های اول و دوم ماده واحده مربوط به لغو مقاوله نامه قوام - سادچیکوف می باشد.

بند سوم «چون ایران درباره نفت جنوب ادعای غبن داردوبا تمدید بدین صورت موافق نیست بدین جهت دولت وظیفه دارد با دولت انگلیس در این مورد مذاکره کند».

بند چهارم درخواست برقراری استقرار حاکمیت ایران بر جزیره بحرین میباشد.

طبق برنامه قبلی قرار بود عصر روز بیست و هشتم مهر جلسه علنی مجلس برای بحث در مورد برنامه دولت تشکیل شود ، ولی به علت عدم حضور گروهی از نمایندگان به علت نرسیدن به حد نصاب جلسه تشکیل نمیشود و قوام نیز به مجلس نمیآید.

طبق نوشته روزنامه ها علت تشکیل نشدن جلسه این بود که جرج الن سفیر امریکا در ایران از قوام میخواست قبل ازتشکیل جلسه برای مذاکره در مورد مسائلی که قرار است در مجلس شورا مطرح گردد بدیدن او برود، از اینرو قوام بجای حضور در مجلس بدیدن سفیر میروید! و مذاکرات آنها تا نیمه شب ادامه می یابد ، نتیجه مذاکرات این است که بند چهارم مربوط به الحاق بحرین از طرح پیشنهادی اکثریت حذف میشود.

درهمین جلسه عباس اسکندری نماینده مجلس نیزطرحی شامل دو ماده به مجلس ارائه میکند : قرارداد سال 1312 لغو و ضرر و زیانی که در نتیجه آن به ملت ایران وارد شده جبران شود. در ماده دوم بازپس گرفتن بحرین از دولت انگلیس و لغو قرارداد بهره برداری امریکا از چاه های نفت بحرین است. این پیشنهاد برای اظهار نظر به کمیسیون ارجاع میگردد.

همزمان با مذاکرات مجلس و انعکاس آن در خارج از کشور در بحرین تظاهرات گسترده ای برگزار میشود و در قطعنامه تظاهرات درخواست می گردد مستشاران انگلیسی از بحرین اخراج گردند ، روابط تجارتي با ایران برقرار و مسافرت به ایران آزاد شود و بجای سربازان انگلیسی پلیس ملی تشکیل گردد.

دولت انگلیس بسرعت عکس العمل نشان داده اعلام میدارد بحرین دولت مستقلی است و بنا بر مفاد قرارداد سال 1924 دولت انگلیس متعهد است که از استقلال آن دفاع کند.

همزمان هارولد سکی رئیس کمیته اجرائی حزب کارگر برای اینکه از حمایت دولت شوروی در مسأله نفت برخوردار گردد در مورد واگذاری امتیازنفت شمال به روسیه در مجلس عوام میگوید «ما در انگلستان راجع به واگذاری امتیاز نفت شمال به روسیه اعتراضی نداریم و معتقد هستیم همچنان که انگلیسی ها در جنوب ایران اراضی نفت خیز مهمی را در اختیار دارند، شوروی ها نیز حق دارند در شمال ایران نفت داشته باشند.»

بعد از لغو مقاوله نامه قوام - سادچیکوف تا دی ماه 1327 مسائل مربوط به نفت بفراموشی سپرده میشود. در دی ماه که ساعد مجدداً به نخست وزیری منصوب میگردد در مصاحبه ای با مخبر خبرگزاری رویتر

در تهران اظهار میدارد «ازچند ماه پیش بین دولت ایران و کمپانی نفت مذاکراتی در جریان بوده است و دولت من صمیمانه میکوشد که از حقوق ملت ایران دفاع کند و به اجرای پاره ای از مواد کمپانی را مجبور نماید.»

بعد از پخش این خبر موجی از اعتراض در روزنامه ها و مجلس بوجود میآید و عباس اسکندری دولت ساعد را مورد استیضاح قرار می دهد. در همان جلسه تقی زاده که در موقع تمدید قرارداد وزیر دارائی و امضا کننده قرارداد بود اظهار میکند: «قرارداد در زمانی تمدید شد که برای هیچ کس در این مملکت اختیاری نبود و هیچ مقاومتی در برابر اراده حاکم مطلق آن عهد نه مقدور بود و نه مفید، شد آنچه که شد. یعنی کاری که ما چند نفر مسلوب الاختیار به آن راضی نبودیم و بی اندازه و فوق هر تصویری ملول شدیم.»

در اوایل بهمن سال 1327 طرح الغای امتیازنامه نفت جنوب تنظیم و به امضای ده نفر از نمایندگان اقلیت میرسد. اما چون برای قرارگرفتن یک طرح در دستور کار مجلس می بایست پانزده نفر زیر درخواست را امضا نمایند ، پیش از اینکه فعالیت برای جلب موافقت پنج نفر دیگر انجام شود ، در روز پانزده بهمن که قرار بود شاه به دانشگاه برود ، هنگامی که در برابر دانشکده حقوق از ماشین پیاده میشود، شخصی به نام ناصر فخرآرائی که دارای کارت خبرنگاری روزنامه پرچم اسلام بود شاه را مورد سوء قصد قرار میدهد.

ضارب با گلوله سرتیپ صفاری که به پایش اصابت می کند اسلحه را به زمین می اندازد . در این حال با وجودی که هم شاه و هم دکتر متین دفتری فریاد میزنند: «ضارب را نکشید اما افسران حاضر در محل با شلیک یازده گلوله او را از پا درمی آورند.»

بعد از سوء قصد به شاه حکومت نظامی در سراسر کشور برقرار میگردد. حزب توده ایران بعنوان عامل سوء قصد منحل اعلام میشود. روزنامه هایی که مقالاتی در مورد نفت می نوشتند و یا انتقاداتی از شاه یا دولت میکردند توقیف و مدیران آنها بازداشت میگرددند. شخصیت های مخالف دولت بر اساس ماده 5 حکومت نظامی بازداشت و اجتماعات بیش از سه نفر ممنوع اعلام میگردد. با استفاده از فضای بوجود آمده به دستور محمد رضا شاه مجلس مؤسسان تشکیل و اختیاراتی

برخلاف اصول قانون اساسی، از جمله حق انحلال مجلسین شورا و سنا به شاه تفویض میگردد.

در خفقان حاکم بر کشور استیضاح اسکندری منتفی میشود. در این شرایط دولت ساعد با نمایندگان شرکت نفت مذاکره و قرارداد الحاقی بین وزیرداری گلشائیان و گس نماینده تام الاختیار شرکت نفت تنظیم میشود تا در آخرین روزهای دوره پانزدهم برای تصویب به مجلس داده شود.

با حاکمیت نظامیان و ممانعت از فعالیت احزاب و اعتراضات عمومی، دولت انگلیس و هیأت حاکمه بار دیگر رؤیای تکرار فاجعه سال 1312 را مجسم می بینند و اطمینان دارند که قرارداد به آسانی به تصویب خواهد رسید.

نخستین نماینده ای که در دوره پانزدهم در مورد شرکت نفت سخن میگوید مهندس رضوی نماینده کرمان است که ضمن مخالفت با برنامه دولت ساعد خلافاکاریهای شرکت نفت را بر ملاء میسازد، ولی پس از چند روز در حیات مجلس مورد ضرب و جرح یک سرهنگ ارتش قرار میگیرد.

با تصویب اکثریت قرارداد الحاقی برای اظهار نظر به کمیسیون دارائی و پیشه و هنر ارجاع میگردد درحالیکه میبایست به کمیسیون های دارائی، بودجه و خارجه ارجاع می شد. اما لایحه بدون اظهار نظر به درخواست دولت مجدداً به مجلس عودت داده میشود.

روزی که قرارداد الحاقی در جلسه علنی مجلس مطرح میشود حسین مکی نماینده اراک به عنوان مخالف برای صحبت پشت تریبون قرار میگیرد. مکی صحبت خود را با خواندن نامه ای از دکتر مصدق خطاب به نمایندگان آغاز میکند که با این سطور به پایان می رسد:

«آقایانی که در مجلس، اقلیت متشنت دارند سکوت نکنند که برخلاف مصالح ایران است و هیچ فرقی بین این سکوت و رأیی که مجلس برای تمدید داد نمی باشد. به دولت رأی منفی بدهید و ثابت کنید که شما نماینده افکار ملت ایران هستید».

بعد از خواندن نامه دکتر مصدق ، مکی در مخالفت با قرارداد الحاقی شروع به صحبت میکند وعلیرغم جنجال اکثریت و تذکرات سردار فاخر حکمت رئیس مجلس ، مکی با حمایت دکتر بقائی ، عبدالقدیر آزاد، دکتر معظمی و حائری زاده و امیر تیمور کلالی به بازگویی و بررسی جزئیات مواد لایحه که با یاری مهندس حسینی تنظیم میگردد آنقدر ادامه میدهد تا آنکه در ساعت یک بامداد روز ششم مرداد سال 1328 بدون تصمیم گیری درباره قرارداد الحاقی عمر مجلس دوره پانزدهم به پایان میرسد.

بعد از عدم موفقیت در مجلس پانزده ، هیأت حاکمه و دولت انگلیس همه امیدوار هستند در انتخابات دوره شانزدهم بتوانند با انتخاب مهره های دست چین شده لایحه الحاقی را در جو خفقانی که ساخته اند به تصویب برسانند.

تقلب و اعمال نظر در حوزه های انتخاباتی در دوره شانزده بدان حد مییرسدکه رئیس انجمن نظارت بر انتخابات تبریز در مصاحبه با خبرنگار باختر امروز میگوید « انتخابات تبریز از روی تحمیل و تطمیع انجام گرفت و اکثریت انجمن نظار رأی بر ابطال انتخابات دادند ، لکن دولت وکلای بی اعتبارنامه شهرتبریز را بعنوان نمایندگان تبریز درمجلس میپذیرد».

با شمارش آراء در تهران به علت اینکه شمارش آراء توسط اعضای سازمان نگهبانان آزادی که به ابتکار دکتر بقائی از جمعی دانشجویان ودانش آموزان بمنظور نظارت درانتخابات تهران تشکیل شده بود کنترل میشود، دکتر مصدق ، اقلیت دوره پانزده و جمعی از رجال مورد اعتماد مردم در رأس حائزین اکثریت قرار میگیرند. ولی در روزهای آخر شمارش آرا بیپایانه برگزاری مراسم عزاداری ایام محرم دربار و شرکت شاه در روز عاشورا در آن مراسم ، به دستور هژیر وزیر دربار، صندوق های آراء از مسجد سپهسالار به فرهنگستان منتقل میشوند. در فاصله دو روز و درغیاب ناظرین، حائزین اکثریت قبلی به نفرات سیزده به پائین تنزل میکنند. برای اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات دکتر مصدق برنامه ای خطاب به ملت ایران اعلام می دارد: «ما تصمیم گرفته ایم که روز جمعه 22 مهر ماه دو ساعت قبل از ظهر در جلو در سنگی اعلیحضرت حاضرشویم، ای مردم ما را تنها وبی کس نگذارید»

استقبال آنروزمردم تهران بی سابقه و غرورآفرین بود. پاسخی که آنها به دعوت دکتر مصدق و یاران او میدهند طلیعه امیدی برای مردم و زنگ خطری برای دولت بریتانیا و یاران ایرانی آنها میشود.

به منظور هم آهنگ کردن مبارزه، نوزده نفر از جمع حاضر انتخاب و درخواست خود را در 2 ماده به وزیر دربار ارائه میدهند:

اول - الغای انتخابات کشور

دوم - تعیین دولت بی نظری که درکمال آزادی انتخابات را برگزار کند. پس از اعلام دو شرط و تصویب آن با هماهنگی کلیه شرکت کنندگان تحصن پایان مییابد، و در همان مکان تشکیل جبهه ملی ایران را اعلام میگردد.

دکتر محمد مصدق ، شمس الدین امیر علائی ، دکتر شایگان ، دکتر حسین فاطمی ، محمود نریمان ، دکتر سنجابی ، دکتر بقائی ، حسین مکی ، عبدالقدیر آزاد ، عباس خلیلی ، حایری زاده ، آیت اله غروی ، عمیدی نوری ، جلالی نائینی ، احمد ملکی ، ارسلان خلعتبری ، مهندس زیرک زاده ، یوسف مشار ، دکتر کاویانی .

در نیمه دوم آبان انجمن مرکزی نظارت بر انتخابات تهران به استناد گزارش هائی که درباره تخلفات انتخاباتی دریافت کرده بود انتخابات تهران و حومه را باطل اعلام میدارد.

با تجدید انتخابات تهران کاندیداهای جبهه ملی حائز اکثریت میگردند. دکتر مصدق وکیل اول تهران برنامه کار نمایندگان جبهه ملی در مجلس را مخالفت با قرارداد الحاقی، و حفظ آزادیهای فردی واجتماعی اعلام میدارد.

چون ساعد نتوانسته بود لایحه الحاقی نفت را به تصویب برساند برکنار و بجای او منصور به نخست وزیری منصوب میشود. منصور پیشنهاد میکند کمیسیونى به نام کمیسیون نفت تشکیل گردد تا لایحه نفت برای بررسی دقیق تر به کمیسیون ارجاع گردد. بدین ترتیب لایحه الحاقی به کمیسیون نفت که پنج نفر از نه نفر اعضای آن از جبهه ملی هستند ارجاع می گردد.

برخلاف دولت ساعد که دفاع و به تصویب رسانیدن لایحه الحاقی را صدر برنامه های دولت خود قرار داده بود، دولت منصور نه علاقه ای به دفاع از لایحه الحاقی و نه تصویب آن نشان میدهد.

ازسوی دیگر با توجه به پشتیبانی اکثر ملت ایران ازاهداف جبهه ملی و با توجه به مصر بودن دکتر مصدق و یاران او در دفاع ازحقوق مشروع ملت ایران کنفرانسی درلندن با شرکت وزرای خارجه انگلیس امریکا و فرانسه به منظور بررسی رخدادهای ایران تشکیل میگردد.

نتیجه مذاکرات این نشست استعفای منصور در روز پنجم تیر و چند ساعت بعد از استعفای دولت منصور، رزم آرا رئیس ستاد ارتش بدون تمایل مجلسین به عنوان نخست وزیر به مجلس معرفی میگردد.

جبهه ملی انتصاب رزم آرا را یک شبه کودتا اعلام و با دولت او مخالفت می ورزد و در روز بیست مهر 1329 دولت رزم آرا را استیضاح مینماید. دکتر مصدق که ریاست کمیسیون نفت را به عهده دارد در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام میکند « ملت ایران نه قرارداد دارسی و نه قرار داد 1933 و نه قرار داد الحاقی را نمیتواند به رسمیت بشناسد و این نوع اوراق بی ارزش نخواهند توانست وسیله غصب حقوق مردم باشند».

در پاسخ به استیضاح ، رزم آرا اعلام میدارد که از لایحه الحاقی دفاع خواهد کرد، و درجلسه خصوصی مجلس میگوید:

«آقایان شما که یک کارخانه سیمان را هنوز نمی توانید با پرسنل خود اداره نمایید، با کدام پرسنل و با کدام وسایل میخواهید نفت را شخصاً استخراج و ملی نمائید؟» درمصاحبه با مخبرین جراید نیزمیگوید «ملت ایران شایستگی ساختن لوله هنگ را هم ندارد».

روز چهارم آذر کمیسیون نفت پیشنهاد خود را با امضای پنج نفر از نمایندگان جبهه ملی به مجلس شورای ملی ارائه میدهد:

«به نام سعادت ملت ایران و به منظور کمک به تأمین صلح جهانی امضا کنندگان ذیل پیشنهاد می نمائیم که صنعت نفت ایران در تمام کشور بدون استثناء ملی اعلام شود. یعنی تمام عملیات اکتشاف ، استخراج و بهره برداری در دست دولت ایران باشد»
حایری زاده - الهیار صالح - دکتر شایگان - دکتر مصدق - حسین مکی

درروزنوزدهم آذرکمیسیون نفت با عنوان اینکه قراردادالحاقی گلشانیان گس کافی برای استیفای حقوق ملت ایران نمی باشد گزارش خود را

مبنی بر رد لایحه الحاقی تقدیم مجلس شورای ملی میکند. و روز 16 اسفند رزم آرا در صحن مسجد شاه بدست خلیل طهماسبی به قتل میرسد. پس از قتل رزم آرا حسین علا یکی از عاقدین قرارداد 1933 بدون تمایل مجلس شورا با فرمان مستقیم شاه به نخست وزیری منصوب میگردد.

در روز نوزده فروردین 1330 جلسه ای در واشنگتن با شرکت سفیر انگلیس سر اولیور فرانسیس و جرج مک گی نماینده امریکا تشکیل و پیشنهادات زیر را به دولت ایران ارائه میدهند:

- دولت انگلستان با ملی شدن نفت موافقت میکند.
- قراردادی با دولت ایران منعقد مینماید که به موجب آن شرکت نفت به نمایندگی از طرف دولت ایران عملیات شرکت نفت را انجام میدهد.
- منافع حاصله بطور تساوی تقسیم میگردند.
- دولت ایران بعلت نقض قرارداد به دولت انگلیس غرامت می پردازد.
- چون دولت ایران قادر به پرداخت غرامت نمی باشد دولت امریکا حاضر میشود مبلغ مزبور را در اختیار دولت ایران بگذارد.

در روز 26 فروردین 1330 کمیسیون نفت به ریاست دکتر مصدق هفت نفر را انتخاب می نماید که طرح اجرایی قانون ملی شدن صنعت نفت را تنظیم و در طول دو ماه به مجلس شورای ملی پیشنهاد کند.

دولت انگلیس امیدوار است طی این دو ماه به نحوی مسأله نفت فیصله یابد. زیرا شاه و علا هر دو با ملی شدن نفت مخالف میباشند و دوره دو ماهه مذاکرات کمیسیون هفت نفره نفت ممکن است شانسی در اختیار آنها برای کان لم یکن کردن آن بگذارد.

رور پنجم اردیبهشت کمیسیون نفت طرح 9 ماده ای اجرای قانون صنعت نفت را بر اساس خلع ید از شرکت نفت با اکثریت آرا به تصویب میرساند. و در روز 6 اردیبهشت علاء به عنوان اعتراض به تصمیم مجلس از نخست وزیری استعفا میدهد.

یک روز بعد از استعفای علا سفیر انگلیس در مصاحبه مطبوعاتی در تهران نقطه نظرات دولت انگلیس را در مخالفت با ملی شدن نفت اعلام و ادعا میکند که قرارداد منعقد شده تا سال 1953 معتبر و غیر قابل تغییر است. و برای اثبات حقانیت شرکت و پرداخت منصفانه بر اساس

قرارداد بدولت ایران آماری ارائه میدهد که توجه بآنها برای درک ضرورت نهضت ملی مردم ایران لازم میباشد.

استخراج نفت برابر 3,666,600,000 تن پرداخت سود بصاحبان سهام 115000000 لیتره پرداخت مالیات به دولت انگلیس 175000000 لیتره وجوه برداشتی از درآمد 500000000 لیتره حق الامتیاز به دولت ایران 105000000 لیتره

بعد از استعفای علاء روز هفتم اردیبهشت جمال امامی در مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید دکتر مصدق برای حل مسأله نفت با نخست وزیری خود موافقت نماید. بعد از پایان سخنان امامی مجلس شورای ملی تمایل خود را به نخست وزیری دکتر مصدق اعلام میدارد. اما دکتر مصدق قبولی نخست وزیری را منوط به تصویب لایحه 9 ماده ای کمیسیون نفت میکند. لایحه خلع ید بلافاصله همانروز در مجلس شورای ملی تصویب و در روز نهم اردیبهشت نیز در مجلس سنا به تصویب میرسد.

بعد از اعلام تمایل مجلس شورا به نخست وزیری دکتر مصدق رادیو لندن اعلام میدارد "دولت انگلیس ازاین به بعد در مورد مسائل فیمابین دو دولت مستقیماً با شاه تماس خواهد گرفت".

دکتر مصدق برنامه دولت خود را در دو بند اعلام میدارد. «اجرای قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور مصوب نهم اردیبهشت ماه سال 1330 و تخصیص عواید حاصله از آن به تقویت بنیه اقتصادی کشور و ایجاد موجبات رفاه و آسایش عمومی و اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای ملی و شهرداری ها».

به سوی رهایی از سلطه چند صد ساله بریتانیا

فرمان نخست وزیری رزم آرا بلافاصله بعد از استعفای علاء با تأیید دولتهای بریتانیا و آمریکا پیش از رأی تمایل مجلس، توسط شاه صادر میگردد. ولی رزم آرا در طول چند ماه نخست وزیری خود روی خوشی به آمریکا نشان نمیدهد و با توجه نکردن به درخواست آمریکا برای اعزام سربازان ایران به کره و لغو قرارداد های چند شرکت آمریکایی در ایران عملاً در جهت کاهش نفوذ آمریکا در راستای منافع بریتانیا اقدام میکند.

رزم آرا در این اندیشه بود که با اعلام وضعیت غیر عادی و درخواست انحلال مجلسین از شاه و برگذاری یک انتخابات فرمایشی و یا سلب مصونیت از نمایندگان طرفدار نهضت ملی و زندانی کردن آنها شرایط لازم را برای تصویب قرارداد الحاقی فراهم سازد.

با توجه به این طرح و اطمینان کامل از تصویب قرارداد در تاریخ 12 بهمن 1329 مذاکرات محرمانه ای با شرکت نفت انگلیس برای دریافت کمک مالی از شرکت انجام داد که اسناد مبادله شده بعد از ترور رزم آرا در تاریخ دوم اردیبهشت 1330 فاش گردید.

اول اردیبهشت 1329

دولت بریتانیا ملی شدن نفت ایران را برسمیت می شناسد

خبرگزاری یونایتد پرس از واشنگتن اعلام داشت که نمایندگان تام الاختیار دولت انگلستان در جلسات متوالی کنفرانس واشتگتن اصل ملی شدن صنعت نفت و حق مالکیت ملت ایران را بر منابع نفت کشور خود به رسمیت می شناسد.

مذاکرات انجام شده بین آمریکا و انگلستان بیشتر بر این اساس بود که دولت ایران حق کامل حاکمیت بر نفت خود را داشته باشد و در عوض نفت را بدون زحمت به بزرگترین مشتری خود که انگلستان میباشد بفروشد. همچنین مقرر شد شرکت نفت ایران و انگلیس در آن کشور منحل و بجای آن یک شرکت مختلط ایران و انگلیس با حفظ سرمایه فعلی در ایران تشکیل گردد.

کلیه متخصصین و کارشناسان نفت که فعلاً در پالایشگاه ویا سایر نقاط نفت خیز مشغول کار هستند پس از انحلال شرکت و تأسیس شرکت مختلط ایران وانگلیس کماکان در این شرکت انجام وظیفه خواهند کرد.

دولت انگلیس در مذاکرات آینده خود با دولت ایران سعی خواهد کرد نظریه خود را مبنی بر اینکه « منابع زیرزمینی متعلق به ایران و مؤسسات روی زمین تحت نظارت انگلیس ها باشد » برکرسی بنشاند

نطق دکتر مصدق در مجلس شورای ملی

ششم اردیبهشت 1329

آقایان، نمایندگان مجلس شورای ملی

طبق اطلاعاتی که دارم در آتیه ممکن است اتفاقاتی روی دهد که همه کار ها و فداکاری هایی را که شما و ملت ایران کرده اید عقیم گردد. روی این اصل هرچه زودتر به این کار نفت خاتمه دهیم اعمال و افکار آنها کمتر به نتیجه میرسد، به فرض اینکه این اخبار صحیح نباشد از نظر اقتصادی ما هر روز حدود سیصد هزار لیره ضرر میدهم درحالیکه با این درآمد می توانیم تعداد زیادی گرسنه را سیر نمائیم.

کمسیون نفت با این رویه ای که دارد موفق نخواهد شد که قبل از حوادثی که ممکن است روی دهد وظیفه خود را تمام کند ، استدعای من از آقایان اعضای کمسیون این است که آقایان چهار بعد از ظهر تشریف بیاورند تا کمسیون را تشکیل بدهیم و اگر کار امروز تمام نشد روز جمعه هم تشریف بیاورند در مجلس و این کار را تمام کنند و جناب آقای رئیس مجلس سنا هم عصر روز شنبه مجلس را تشکیل بدهند تا آنچه را که کمسیون می کند به عنوان یک طرح سه فوریتی بیاورند و تصویب کنند تا کار نفت خاتمه یابد.

آقایان شما به این مملکت خدمتی کردید و به اتفاق رأیی دادید و مردم هم نهایت فداکاری را کردند. لذا نباید بگذارید که فداکاری مردم و خدمت شما به نفع شرکت غاصب نفت به هدر برود.

ممکن است برای از بین بردن کار و فداکاری شما و مردم حوادثی روی دهد که تمام این مسائل عقیم بماند ، شما اگر این قدم آخری را

برداشتید میتوانید فداکاری خود را به مرحله آخر برسانید و به عایداتی که متجاوز از تمام عایدات مملکت است نایل شوید.

بعضی میگویند این هیأتی را که ما در نظر داریم از قوه مقننه تشکیل بدهیم دخالت قوه مقننه در مجریه است ، در حالیکه بهیچوجه اینطور نیست زیرا کار این کمیسیون این است که بلافاصله تأسیسات نفت جنوب را از شرکت سابق نفت تحویل بگیرد ، یعنی خلع ید از آنها بکند و در عایدات نفت جنوب نظارت کند و عده ای را بگمارد تا این کار را انجام دهند و بعد اساسنامه نفت جنوب را تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی نمایند.

7 اردیبهشت 1330

تصویب طرح اجرایی ملی کردن صنعت نفت

کمیسیون نفت که بر اساس قانون 24 و 29 اسفند 1329 مأمور تهیه اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تشکیل گردید در روز 5 اردیبهشت طرحی را باتفاق آراء تصویب و در تاریخ 7 اردیبهشت برای اظهار نظر نهایی و تصویب به مجلس شورای ملی ارائه داد.

ماده 1- به منظور ترتیب اجرای قانون مورخه 24 و 29 اسفند 1329 راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیأت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هریک از مجلسین و وزیر دارائی یا قائم مقام او یکنفر به انتخاب دولت تشکیل میشود.

ماده 2- دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به عذر وجود ادعایی بر دولت متعرض شود دولت میتواند تا میزان 25 درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعایه شرکت در بانک ملی ایران یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده 3- دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط به مطالعات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده و نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد و پس از تصویب مجلسین به موقع اجرا گذارده شود.

ماده 4- چون از تاریخ 29 اسفند 1329 که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیأت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیأت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده 5 - هیأت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت را که در آن هیأت عامله و هیأت نظارت مختلطی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده 6 - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیأت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوط به صنایع نفت به کشورهای خارج تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران بوسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد. (مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخته خواهد شد.)

ماده 7 - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال 1948 تا تاریخ بیست و نهم اسفند ماه (20 مارس 1951) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند از این بابت هم به نرخ عادلانه بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.

ماده 8 - کلیه پیشنهاد های هیأت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تسلیم میشود باید قبلاً به کمیسیون نفت مجلس شورای ملی تسلیم و در صورت موافقت کمیسیون گزارش به مجلس شورای ملی تقدیم گردد.

ماده 9 - هیأت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده 8 به مجلس تقدیم کند و در صورتی که احتیاج به تمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید.

شرایط زندگی کارکنان ایرانی در مناطق نفت خیز

منوچهر فرمانفرمایان که در سال 1328 رئیس اداره نفت در وزارت دارائی بود در مورد کارگران ایرانی صنعت نفت چنین میگوید :

«حقوق کارگران روزانه 50 سنت بود. آنها در زمان بیماری و یا تعطیلات حقوق دریافت نمیکردند. کارگران در شهر مخروبه ای به نام حلبی آباد زندگی میکردند که فاقد آب و برق بود. در زمستان سیل جاری میشد و شهر را دربر میگرفت. مردم تا زانو در گل و لای فرو میرفتند و با قایق رفت و آمد میکردند. پس از توقف باران هجوم مگس ها که از مرداب های درون شهر برمیخاستند اهالی را به تنگ میآوردند. دسته های مگس بر لبه ظروف پخت و پز می نشستند ، انگار با چسبی محکم به آنها چسبیده بودند.»

کارمندان دون پایه که دارای دیپلم دبیرستان و یا فارغ التحصیل آموزشگاه شرکت نفت بودند در خانه هایی زندگی میکردند که تنها وسیله خنک کردن آنها در تابستان یک پنکه سقفی بود از داشتن یخچال محروم بودند. شرکت نفت در روزهای تابستان یک بار در روز با ماشین مقداری یخ به منازل این کارکنان تحویل میداد.

در روزنامه جروسالم پست یک اسرائیلی که سال ها در آبادان کار کرده بود مردم آبادان را فقیرترین مخلوقات روی زمین می خواند. «آنها هفت ماه سوزان سال را در زیر درخت ها زندگی می کنند. در زمستان این توده جمعیت به سالن های بزرگی که شرکت نفت ساخته بود انتقال می یافتند و درحدود 300 یا 400 نفر در هر یک از این سالن های بهم پیوسته زندگی میکردند. هر خانواده فضائی به اندازه یک پتو اشغال میکردند. دستشوئی و توالت وجود نداشت. ما در گفتگو با همکاران انگلیسی مان تلاش می کردیم که اشتباهات آنها را به آنها نشان بدهیم و معمولاً پاسخ آنها این بود " ما انگلیس ها تجربه صد ساله در رفتار با ملت ها بدست آورده ایم. در کشور ما سوسیالیسم قابل قبول است ، اما اینجا ما باید ارباب باشیم».

با پخش خبر تصویب طرح اجرای اصل ملی شدن نفت در کمیسیون نفت در شامگاه روز پنجم اردیبهشت آقای علا بحضور شاه شرفیاب و بعد از مذاکرات طولانی استعفای خود را به دلیل اینکه مشکلات طوری است که ادامه کار برای دولت ایشان غیر میسر میباشد و بهتر است کنار برود به شاه تقدیم میدارد.

در ساعت 9 روز 7 اردیبهشت جلسه خصوصی مجلس شورای ملی تشکیل می‌گردد.

آقای جمال امامی اظهار می‌دارد آقای دکتر مصدق اظهار کردند که آقای علاء را مجبوره استعفا کردند، من جداً این اظهار را تکذیب می‌کنم زیرا مطلع هستم که اعلیحضرت همایونی به هیچوجه راضی نبودند که آقای علاء استعفا بدهند و حتی اصرار کردند در اینموقع باریک کشور را دچار بحران نکنند. ولی استدلال آقای علاء این بود که کمسیون نفت با عملی که کرده بدون استشاره با دولت عملاً به دولت رأی عدم اعتماد داده است. حالا هم دکتر مصدق می‌فرمایند برویم در مجلس نسبت به رأی کمسیون نفت رأی بگیریم. بنده با این نظر مخالفم زیرا دولتی وجود ندارد که نظریه خود را ابراز کند و ما نمیتوانیم بدون حضور دولت به این موضوع رأی بدهیم، بنابراین در نظری که اظهار می‌دارم خدا را شاهد می‌گیرم که هیچگونه غرضی ندارم، نظر من این است که آقایان فی المجلس و متفقاً به آقای دکتر مصدق رأی تمایل بدهند که ایشان زمامدار شده و اگر می‌خواهند آن لایحه را خود ایشان به مجلس عرضه بدارند و متفقاً رأی بدهیم.

بعد از سخنان آقای جمال امامی در تالار جلسه علنی جلسه سری برای ابراهیم تمایل به نخست وزیر آینده تشکیل شد و آقای حکمت اعلام رأی نمود که در نتیجه از 100 نفر عده حاضر 79 نفر به آقای دکتر مصدق ابراز تمایل نمودند و 17 نفر ورقه سفید دادند.

دکتر مصدق قبولی پست نخست وزیری را منوط به تصویب طرح اجرائی قانون ملی شدن صنعت نفت اعلام می‌دارد.

در مخالفت با نظر دکتر مصدق آشتیانی زاده به عنوان مخالف اظهار داشت: این امر باید با دقت رسیدگی شود خصوصاً اینکه این امر مواجه با اعلامیه واشنگتن شده است. این 9 ماده نفت را ملی نمی‌کند و منافع منافع ملت ایران را تأمین نمی‌نماید. جناب دکتر مصدق در جلسه گذشته فرمودند یک حوادثی در شرف تکوین است و این حوادث بی نهایت خطرناک است و اگر ما جلسه فوق العاده تشکیل ندهیم و این کار را نکنیم ممکن است برای مملکت خطراتی داشته باشد.

می خواستم از جناب دکتر پیرسم این حوادث چیست که شما اطلاع دارید و ما نداریم؟ آیا اگر با ترور میخواهید نمایندگان را مجبور کنید رأی بدهند اگر حادثی برای این ملت و مملکت در آینده رخ دهد و منافع ما را تأمین نکرد شما مسؤول میشوید یا خیر؟

ماده هفتم ملی شدن نفت این معنی را میدهد که ارتش ایران برود و مؤسسات شرکت نفت را بگیرد و بعد به مزایده گذاشته شود.

آقای فرامرزی درموافقت اظهارداشت ما درمقابل قضیه ای قرار گرفته ایم که تا تمام نشود ممکن است هر روز گرفتار خطرانی شویم که اکنون نمونه هایش را می بینیم ضمناً باید به عرض برسانم آنچه را که ملت میخواهد مجلس انجام می دهد برای اینکه مجلس نماینده ملت است.

آقای آشتیانی زاده گفتند این حادثی را که آقای دکتر مصدق گفتند ما خبرنداریم، بنده عرض میکنم ما هم میدانیم وحتی یچشم خود می بینیم. این آتش زدن انبار مهمات شیراز که 16 میلیون دلار ارزش داشته و اعتصاب خوزستان اینها مسائلی است که ما می بینیم .

دیشب که به من گفتند دولت ساقط شده من باور نکردم برای اینکه تا ساعت 10 پنج شبه ما با آقای علا بودیم و ایشان ابدأ راجع به استعفا صحبت نمیکردند و از مطبوعات استمداد میکردند که به دولت مساعدت شود. بعلاوه مسأله نفت که برای آقای علا چیز تازه ای نبود ، آقای علا می گفتند که نفت را به آنها بفروشیم قانع میشوند و ما گفته ایم که اینکار را میکنیم زیرا نفت را میخواهیم بفروشیم ولی آقای آشتیانی زاده گفتند که هر اتفاقی بیفتد بدست کمپانی است.

متأسفانه این تصور در رجال ما پیدا شده و همین تصور به پای ما زنجیر بسته و یک مأمور عالیرتبه هم خیال میکند که اگر انگلیس ها میخواهند آن مأمور می ماند و الا خیر!

درشور دوم آقای تیمورتاش بعنوان مخالف گفتند موقعی که مجلس در حال تنفس بود یکی از ارباب جرأید نامه تهدید آمیزی برای من نوشته و گفته که عاقبت کار معلوم است که چیست. بنده عرض میکنم که اگر گلوله ای به سینه من بنشیند من آن را ترجیح میدهم باینکه ببینم زنم و بچه ام در معرض خطر خواهند افتاد.

از اینکه مجلس شورای ملی تصمیمی گرفته که مورد بحث همه دنیا است حرفی نیست ولی نکته ای که برای من غیر قابل فهم است این است که با وجود تمام حسن نیتی که مجلس نشان داد و با وجودی که همه موافق هستند که این بار سنگین به مقصد برسد چه چیز موجب شده که باید با عجله و فی البداهه جلسه فوق العاده تشکیل شود و در عرض چند ساعت این تصمیم گرفته شود؟

جناب آقای دکتر مصدق در جلسه گذشته اعلام خطر کرده و گفتند اگر این گزارش تصویب نشود حوادثی در شرف تکوین است. من خواهش میکنم بفرمائید که چه حادثه ای مهم تر و خطرتر از حادثه ای که فعلا دارد در این مملکت پیش میاید هست. در موقعی که دولت استعفا داد انبار مهمات فارس منفجر میشود. آقایان تأمل کنید، فکر کنید، زیرا بالاخره این ملت و این پرچم باید پایدار بماند.

آقایان در دنیای امروز هیچ دولتی بدون دوست و بدون موافق نمیتواند زندگی کند زیرا دنیا دنیای هم آهنگی و توافق است، شما آقایان نمایندگان اگر فقط روی احساسات بخواهید بروید عاقبتان وخیم است.

بعد از آقای تیمورتاش آقای دکتر شایگان به عنوان موافق اظهار داشتند مجلس شورای ملی چند سال است که درباره نفت فکر میکند، بنابراین، این امر یک مسأله تازه نیست. باید عرض کنم تا ریشه در آب است، امید ثمری هست. این استخوان را باید از لای زخم درآورد زیرا مخالفین ملی شدن نفت مایلند که این استخوان همیشه در زخم بماند. جبهه ملی می خواهد هرچه زودتر قطع ریشه فساد را بکند. بنابراین نباید تأخیر کرد و آقایان باید رأی خود را بدهند و همان نام نیک گذشته را که به اتفاق آرا برای خود کسب کرده اند دوباره تأیید کنند.

مطالبی که آقای آشتیانی زاده گفتند که درست نبود. ایشان گفتند که آقای دکتر مصدق مجلس را تهدید کرده اند در حالی که هر عرضی از طرف جبهه ملی می شود برای جلب توجه آقایان است نه برای تهدید. هر دو ناطق محترم که به عنوان مخالف صحبت کردند خودشان حوادث اخیر را دیده اند ولی باز میگویند ما را نسبت به حوادث روشن کنید و بگویند که چه حوادثی رخ میدهد. بنده در خصوص این حوادث عرض می کنم که آقایان چرا دولتی که مورد علاقه مجلس بود بدون سابقه یک

دفعه رفت و استعفا داد؟ همه میدانند که رفتن این دولت بی جهت نبود و ایشان را مجبور کردند که استعفا بدهد.

8 اردیبهشت 1330

آغاز زمامداری دکتر مصدق

در جلسه امروز مجلس شورای ملی بعد از اظهار نظر نمایندگان موافق و مخالف در مورد لایحه اصول اجرای قانون ملی شدن نفت و انجام تصحیحاتی در آن، لایحه با حضور هشتاد و پنج نماینده حاضر به اتفاق آرا تصویب گردید.

مجلس سنا نیز به دولت آقای دکتر مصدق رأی اعتماد داد و با صدور فرمان همایونی دکتر مصدق رسماً به نخست وزیری انتخاب میگردد. شرکت نفت درمورد ملی شدن نفت و تصویب طرح اجرائی قانون ملی شدن نفت به دولت ایران اعتراض کرد.

9 اردیبهشت 1329

پیام دکتر مصدق به ملت ایران

هموطنان عزیز

هیچ تصور میشد موقعی پیش آید که به عنوان نخست وزیر به وسیله رادیو با شما صحبت کنم و هیچ تصور نمیکردم با ضعف مزاجی که دارم مسئولیت چنین کار خطیری را قبول نمایم. قضیه نفت سبب شد که من این بار گران را به دوش بکشم و اکنون تنها خدا میداند تا کی بتوانم آن را تحمل نمایم.

هموطنان عزیز، رأی بی سابقه و بی شائبه نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا و اظهار تمایل آنها به زمامداری اینجانب سبب شد که از نظر فریضه ملی از قبول زمامداری کوتاهی نکنم و امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی را در تشکیل دولت اطاعت نمایم. هموطنان عزیز، تردید ندارم که برای قبول اینکار و بارگرانی که به دوش گرفته ام، از بین میروم چون مزاج من متناسب با قبول چنین وظیفه مهمی نیست ولی در راه شما جان چیز قابلی نیست و از صمیم قلب راضی هستم که آن را فدای آسایش شما کنم.

در اینجا از دو دسته از هموطنان عزیزم درخواستی دارم که ناچارم آن را عرض کنم و از حضورشان تقاضا نمایم با قبول آن به من کمک کنند.

تقاضای اول من از بعضی از آقایان ارباب قلم و روزنامه نگاران است که از آزادی سوء استفاده نکنند و عفت قلم را همیشه رعایت نمایند زیرا هیچوقت نمیخواهم ترتیبی پیش آید که آنها نتوانند منویات خود را اظهار کنند ولی اظهار منویات و استفاده از آزادی باید تا حدی باشد که به آزادی دیگران و حقوق مشروع آنها و به امنیت مملکت خللی وارد نکند. تقاضای دوم من از هموطنان عزیزم کارگران است که من آنها را مثل فرزندان حقیقی خود دوست دارم و میدانم آنها زحمت می کشند و نان میخورند و از کار دیگران سوء استفاده نمی نمایند.

امیدوارم فردا که به مناسبت روز اول ماه مه که عید کارگران دنیا است و آنها هم بالطبع در آن جشن بزرگ شرکت میکنند طوری رفتار نمایند که نظم و ترتیب و آرامش آنها برای دیگران سرمشق شود.

کارگران ارجمند و عزیز ما میدانند که جبهه ملی از ابتدای تشکیل خود برای بسط دموکراسی و تأمین آزادی و مخصوصاً برای فراهم کردن موجبات رفاه و آسایش طبقات محروم مملکت مبارزه کرده و در راه نجات ملت ستم دیده ایران و وصول به این مقاصد ملی را در استقلال اقتصادی و تسلط بر منابع ثروت ملی تشخیص داده است.

اینک که به خواست خداوند متعال و به همت نمایندگان مجلسین بزرگترین منابع ثروت ملی به ملت بازگشته همگی یقین داریم که اگر درست از آن ثروت سرشار استفاده شود ملت ما خواهد توانست در آتیه با نهایت رفاه و آسایش بسر برده و دوش به دوش ملل راقیه و وظیفه خود را در کمک به تمدن عالم به انجام برساند ولی واضح است که اگر تفرقه و نفاق و اغتشاش در میان ما پیدا شود تمام زحمات ملت ایران نقش بر آب خواهد شد زیرا با هرج و مرج و بی نظمی قوای ملی باید مبارزه با اغتشاش کند و ناچار از بهره برداری از منابع نفت و از هرگونه فعالیت برای عمران و آبادی کشور خود باز خواهد ماند.

ولی اطمینان دارم کارگران هوشیار ما با حفظ نظم و آرامش و جلوگیری از بروز اغتشاش این بهانه را از دست دشمنان خواهند گرفت و به دنیا ثابت خواهند کرد که ملت ایران راه را از چاه تشخیص میدهد و اینک که می بیند شب تیره کشور رنج دیده آنها به سحر نزدیک شده و عنقریب انشاالله آفتاب سعادت ملت ایران طالع میشود به دولتی که جز خدمت به آنها هیچگونه منظور و مقصودی ندارد مجال خواهند داد تا با فراغ بال به وظیفه خطیر ملی خود که تقویت استقلال اقتصادی کشور است

عمل نموده، عدالت اجتماعی و رفاه و آسایش عموم طبقات مملکت را انشاءالله فراهم کند شما را به خدا می سپارم و از باریتعالی مسألت دارم که مرا در مقابل هموطنان عزیزم شرمسار نکند.

8 اردیبهشت 1330

بزرگنمایی های حزب توده

زد و خورد در کارخانه چیت سازی

برای جلوگیری از دامنه دار شدن اعتراضات کارگران کارخانه چیت سازی امروز مأمورین انتظامی با قصد توقیف عاملین اغتشاشات به کارخانه میروند. با ورود مأمورین به کارخانه اعتراضات تبدیل به حمله بمأمورین میشود و دو نفر از مأمورین با مشیت و سنگ کارگران مجروح میگردند و یکی از بازرسین شهربانی که خود را در میان کارگران محصور می بیند با شلیک تیر هوایی با اسلحه کمری موفق میشود خود را از مهلکه نجات دهد.

با این عمل، به شدت عملیات کارگران افزوده میشود. پس از خاتمه غائله شش نفر از کارگران و همچنین سرگرد قطبی معاون کلانتری و یک مأمور دیگر مجروح میگردند.

10 اردیبهشت 1330

درجلسه فوق العاده مجلس سنا طرح اجرای قانون ملی شدن نفت به اتفاق آراء به تصویب رسید. با توجه به این امر سخنگوی وزارت امورخارجه انگلیس اظهار داشت: از این پس برای حل قضیه نفت مستقیماً با شاه ایران تماس خواهند گرفت.

صدای امریکا دربرنامه شامگاهی خوداظهار داشت امروزملت ایران به رهبری شاهنشاه خودآینده ای خوشتر وسعدات بارترخواهند داشت. و در رأس دولت شخصیتی میهن پرست و دموکرات قرار گرفته است. این همان سیاستمداری است که مجلس پانزدهم را وادار ساخت که بتقاضای شوروی مبنی برگرفتن امتیازبهره برداری نفت شمال جواب منفی بدهد.

روزنامه تایمز لندن در سرمقاله امروز خود می نویسد : نفت ایران برای انگلستان جنبه حیاتی دارد و حتی اگر مجلس سنای ایران طرح کمیسیون نفت را تصویب و شاه ایران آنرا توشیح کند معذالک دولت انگلیس و شرکت نفت با این طرح موافقت نخواهند کرد.

متن طرح اجرای ملی شدن نفت بعد از تصحیحات مجلسین

ماده 1- به منظور اجرای قانون مورخ 24 و 29 اسفند ماه 1329 راجع به ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور هیأت مختلطی مرکب از پنج نفر از نمایندگان مجلس سنا و پنج نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی به انتخاب هر یک از مجلسین و وزیر دارائی وقت و یا قائم مقام او تشکیل میشود.

ماده 2 - دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط بلافاصله از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران خلع ید کند و چنانچه شرکت برای تحویل فوری به عذر وجود ادعایی بر دولت متعذر شود دولت میتواند تا میزان 25 درصد از عایدات جاری نفت را پس از وضع مخارج بهره برداری برای تأمین مدعای احتمالی شرکت دربانک ملی ایران و یا بانک مرضی الطرفین دیگر ودیعه گذارد.

ماده 3 - دولت مکلف است بانظارت هیأت مختلط به مطالبات و دعاوی حقه دولت و همچنین به دعاوی حقه شرکت رسیدگی نموده نظریات خود را به مجلسین گزارش دهد که پس از تصویب مجلسین به مورد اجرا گذاشته شود.

ماده 4 - چون از تاریخ 29 اسفند 1329 که ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس سنا نیز رسیده است کلیه درآمد نفت و محصولات نفتی حق مسلم ملت ایران است ، دولت مکلف است با نظارت هیأت مختلط به حساب شرکت رسیدگی کند و نیز هیأت مختلط باید از تاریخ اجرای این قانون تا تعیین هیأت عامله در امور بهره برداری دقیقاً نظارت نماید.

ماده 5 - هیأت مختلط باید هرچه زودتر اساسنامه شرکت ملی نفت ایران را که در آن هیأت عامله و هیأت نظارتی از متخصصین پیش بینی شده باشد تهیه و برای تصویب به مجلسین پیشنهاد کند.

ماده 6 - برای تبدیل تدریجی متخصصین خارجی به متخصصین ایرانی هیأت مختلط مکلف است آئین نامه فرستادن عده ای محصل به طریق مسابقه در هر سال برای فرا گرفتن رشته های مختلف معلومات و تجربیات مربوطه به منابع نفت به کشور های خارج را تدوین و پس از تصویب هیأت وزیران به وسیله وزارت فرهنگ به موقع اجرا گذارد. مخارج تحصیل این محصلین از عواید نفت پرداخت خواهد شد.

ماده 7 - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی 1948 تا تاریخ 29 اسفند 1329 از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند می توانند از این بعد هم به نرخ عادلانه بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خریدن حق تقدم خواهند داشت.

ماده 8 - کلیه پیشنهادات هیأت مختلط که برای تصویب مجلس شورای ملی تهیه و تقدیم مجلس خواهد شد به کمیسیون مخصوص نفت ارسال میگردد.

ماده 9 - هیأت مختلط باید در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بکار خود خاتمه دهد و گزارش عملیات خود را طبق ماده 8 به مجلس تقدیم کند و در صورتیکه احتیاج به تمدید مدت باشد با ذکر دلایل موجه درخواست تمدید نماید. تا زمانی که تمدید مدت بهره جویی از جهات از تصویب مجلس نگذشته است هیأت مختلط میتواند بکار خود ادامه دهد.

وزرای دولت دکتر مصدق

آقای باقر کاظمی وزیر امور خارجه، آقای وارسته وزیر دارائی، آقای سرلشگر زاهدی وزیر کشور، آقای دکتر حسن ادهم وزیر بهداری، آقای علی هیئت وزیر دادگستری، آقای سپهبد نقدی وزیر جنگ، آقای فرهنگد وزیر کشاورزی، آقای یوسف مشار وزیر پست و تلگراف و تلفن، آقای دکتر سنجابی وزیر فرهنگ.

نامه شاه در مورد اجرای قانون ملی شدن نفت

با تأیید خداوند متعال
ما محمد رضا پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر میداریم:

ماده اول - طرح قانونی دائر بطرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور که در جلسه نهم اردیبهشت ماه 1330 به تصویب مجلس سنا و شورای ملی رسیده و منضم به این دستخط است به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم - هیأت دولت مأمور اجرای این قانون است. در تاریخ دهم اردیبهشت ماه 1330 نیویورک تایمز مینویسد: مسأله ملی شدن نفت و اقدام ایران را بزرگ ترین حادثه جهان در سال 1951 باید خواند. باید تصریح کنیم تاچندی قبل انگلیس ها نهضت مردم ایران را شوخی تصور میکردند. برخلاف عده ای که انگلیس ها را درتشخیص حقایق و همراهی و هماهنگی با جریانات جدید سیاسی و تاریخی استادی مبرز میدانند باید اذعان کنیم که این ملت یعنی انگلیس ها در تشخیص حقایق مربوط به ایران نه تنها هیچگونه استادی نشان نداده اند بلکه هنوز نتوانسته اند به عمق تحولات اجتماعی و جنبش های ملی و فکری ملل دیگر جهان واقف گردند.

باکمال تأسف باید گفت که هنوز عده زیادی از سیاستمداران و روزنامه نگاران، ایران را در ردیف کشورهای سودان و سومالی وگینه جدید قرار میدهند و هنگام بحث از حوادث اخیر ایران طوری نام آن کشور را به زبان میآورند که گویی از میراث محرز و مسلم امپراطوری گذشته خود صحبت می کنند. مضحک این است که در قرن بیستم که قرن آزادی و دمکراسی است انگلیس ها صحبت از پیاده کردن نیرو در ایران و ارسال ناوگان جنگی به آب های آن کشور می کنند و بدینوسیله سعی دارند از یک جنبش ملی با زور و تهدید چلوگیری کنند.

15 اردیبهشت 1330

امروز آقای دکتر مصدق برنامه دولت را که شامل دو ماده است برای اظهار نظر به مجلس شورای ملی تقدیم داشته است:

اول - اجرای قانون طرح ملی شدن صنایع نفت. دوم- اصلاح قانون انتخابات مجلسین شورا و سنا. بعد از اظهارات نمایندگان مخالف و موافق در مورد برنامه دولت مجلس شورای ملی با اکثریت 99 موافق 1 مخالف و 2 ممتنع به تصویب رسید.

نظریات دکتر مصدق ما فکر میکنیم که اصلاحات این نیست که چند نفر را تغییر و تبدیل دهیم بلکه اگر بعضی با حقوق بسیار کم زندگی میکنند و حقوقشان اغلب کفاف کرایه خانه شان را هم نمیدهد شاید نتوانند به راستی و درستی به خدمت خود ادامه دهند.

بنابراین تا دولت معاش مستخدمین خود را اداره نکند نمیتوان امیدوار بود که مستخدمین به وظیفه خود عمل کنند. اصلاحی که ما به آن معتقد بودیم این بود که هم از حیث معاش و هم از حیث اخلاق مردم مؤثر باشد و این اصلاح ملی شدن نفت بود که ما بوسیله آن هم فقر و بدبختی را از مملکت برکنار می کنیم و هم دست شرکت نفت را از مملکت کوتاه مینمائیم. نظر موافق مجلسین درمورد ملی شدن نفت سبب شد نقشه هایی برای عدم پیشرفت موضوع کشیده شود و به همین لحاظ من در یکی از جلسات مجلس شورای ملی اعلام خطر کردم و بعد هم در کمیسیون نفت گزارش اجرای طرح ملی شدن نفت گذشت و آنهایی که میخواستند این امر انجام نشود نقشه دیگری کشیدند و همانروز که این گزارش تصویب شد آقای علاء شب به منزل من آمدند و درباره گزارش با من صحبت کردند و من به ایشان عرض کردم که گزارش اجرای ملی شدن نفت از کمیسیون نفت گذشته است.

ایشان یک نسخه از گزارش را گرفتند و در آن موقع به هیچوجه خیال استعفا نداشتند و غرضشان فقط مطالعه گزارش بود ولی بعدکه آن نقشه میخواست اجرا شود دولت آقای علاء استعفا داد و قرار بود که دولتی تشکیل شود که کارها را فلج کند و آن نقشه را اجرا ننماید.

بنابراین در آن موقعی که در جلسه خصوصی مرا بعضی از اشخاص کاندیدای نخست وزیری کردند من دیدم اگر قبول نکنم دولتی تشکیل میشود که تمام فداکاری های ملت ایران را عقیم خواهد گذاشت و شاید مجلس شورای ملی را منحل کند و یا اینکه لااقل در مرحله اجرا به راه راست نرود. این بود که من با وجود کسالت مزاج خدمت را قبول کردم و بعد هم کوشش کردم که آن گزارش در عرض سه روز از مجلسین گذشت و اعلیحضرت همایونی هم با نظریات صادقانه ای که به مملکت دارند تا قانون را دیدند توشیح فرمودند.

حالا ما قانونی داریم که باید آنرا عملی کنیم و اگر بخواهیم در محیط متشنجی وارد کار شویم به هدف نمیرسیم. ما اکنون به اتفاق احتیاج

داریم. من عرض می کنم اگر به این هدف برسیم تمام بدبختی های مملکت از بین رفته است. مسلماً باید زندگی معلمین خود را تأمین کنیم تا بتوانند فرزندان ما را درست تربیت کنند. ما باید زندگانی ارتشی های خود را تأمین کنیم تا بتوانند به نفع مملکت خود جنگ نمایند.

18 اردیبهشت 1330

امروز مجلس سنا با اکثریت 48 نفر از 50 نفر سناتور حاضر، به برنامه پیشنهادی دولت رأی موافق داد.

آقای مکی نماینده تهران طی نطق مفصلی در جلسه علنی مجلس شورای ملی اظهار میدارد:

امروز تمام ملل آزاد جهان دیدند که سیاسیون امریکا و وزارت خارجه و دولت امریکا برخلاف آنچه که تاکنون مدعی بودند در امور داخلی ایران که کشوری آزاد و مستقل است، مداخله مینمایند.

ما انتظار داشتیم که بعد از هشت ماه دخالت در حکومت رزم آرا دولت امریکا لاقلاً از تجربیات تلخ خود عبرت گرفته و دیگر به کمک شرکت غاصب نفت به جنگ ملت ایران نیامد، ولی متأسفانه چنین نشد و دولت امریکا به کمک شرکت غاصب نفت شتافت. از اینکه امریکا اعلامیه بدهد یا ندهد برای ما کمترین ارزشی را ندارد، برای اینکه ملت ایران و مجلسین ایران که قانون ملی شدن نفت را به تصویب رسانیدند که ضامن این تصویب هیجده میلیون نفر ملت ایران است. امریکا و انگلیس با این مانور ها میخواهند ما را در آغوش شوروی بیاندازند. وقتی ملت ایران راه را از هر طرف مسدود دید آن وقت است که زمینه برای کمونیسزم آماده میشود.

آقای نخست وزیر فعلی در یکی از جلسات مجلس شورای ملی قبل از ملی شدن نفت چنین اظهار نمودند: «ای کاش نمایندگانی از مجلس شورای ملی انگلستان به ایران میآمدند و بچشم خود میدیدند که شرکت نفت بروز مردم این مملکت چه میآورد و چگونه برخلاف حق و انصاف و عدالت عایدات گزاف سرشار میبرد و حق مملکت را غصب کرده است.»

رفتار و عملیات شرکت سابق نفت طوری مردم ایران را خشمگین و عصبانی ساخته بود که اراده واقعی ملت ایران به خاتمه دادن به آن

اوضاع و ملی شدن صنعت نفت قرار گرفت و اکنون که قانون مزبور از تصویب مجلسین گذشته است، دولت غیر از اجرای آن تکلیفی ندارد و اندک تعلل و مسامحه در اجرای آن خشم و غضب ملت ایران را جلب میکند. بنابراین انتظار این است که ملت بزرگ و آزادیخواه امریکا بطوری که در پاره ای از موارد از لحاظ طرفداری از حق و عدالت کمک های معنوی به اجرای مقاصد حقه ایران نموده اند در این مورد نیز مانند سابق روش بی طرفانه و دوستانه خود را از دست ندهد.

18 خرداد 1330

آقایان دکتر متین دفتری، مکی، و اردلان نمایندگان هیأت خلع ید از شرکت نفت در میان استقبال بی نظیر اهالی اهواز با هواپیما وارد فرودگاه اهواز شدند و قرار است به سوی آبادان حرکت نمایند. شرکت نفت نام چهار نفر از نمایندگان خود را که قرار است در مذاکرات مربوط به نفت در تهران شرکت نمایند به دولت ایران اطلاع داده است. ریاست این گروه با آقای جاکسون معاون شرکت نفت میباشد.

ترومن رئیس جمهور امریکا در مصاحبه مطبوعاتی خود اظهار داشت امیدوار هستم «دولت های ایران و انگلیس بتوانند در موضوع نفت به یک وحدت نظر دوستانه ای نایل گردند و این مسأله را که مورد توجه خاص دولت های غربی است و با ادامه جریان صنایع و اقتصاد کشور های اروپایی ارتباط مستقیم و محسوس دارد بطور مودت آمیزی حل گردد.»

زمزمه های مخالفت با دولت در بحبوحه خلع ید

آقای عبدالغدير آزاد در مجلس شورای ملی اظهار داشت آقایان میدانند که من عضو جبهه ملی و فراکسیون وطن بودم و مدتی با آقای دکتر مصدق همکاری میکردم. روزی که آقای دکتر مصدق کابینه خود را معرفی کردند من به ایشان رأی ندادم و بعد از فراکسیون وطن نیز استعفا کردم.

در پروژه ای که برای ملی کردن صنعت نفت نوشته شده ماده اول میگوید هیأتی مرکب از چهار نفر نمایندگان مجلس سنا ، چهار نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی و وزیر مالیه ، دادگستری ، اقتصاد ملی و مدیر کل بانک ایران به نام هیأت تصفیه اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت تشکیل میشود.

خیلی مضحک است که تمامی رفقای جبهه ملی و آقای دکتر مصدق مکرر در اینجا اظهار داشتند که میخواهیم قرارداد نفت جنوب را ملغی و صنعت نفت را ملی کنیم که دست انگلیس ها از دامن ملت کوتاه شود. آنها مکرر در پشت همین تریبون گفتند که ضرر سیاسی شرکت نفت بیشتر از ضرر مالی است. دولت حق ندارد که نمایندگان دولت انگلیس را بپذیرد. من حدس میزنم میخواهند مؤسسات نفت را روی کاغذ به ما تحویل بدهند. سه نفر کجا میتوانند تأسیسات شرکت نفت را تصرف کنند.

22 خرداد 1330

پیام دکتر مصدق به کارکنان شرکت ملی نفت ایران

در این موقع که بحمدالله صنعت نفت ملی شده و نتیجه کار کارکنان شرکت سابق نفت مستقیماً عاید مملکت میشود مناسب دیدم آن برادران عزیز را مطمئن کنم که از وجود آنها استفاده کامل به عمل خواهد آمد و دولت هم در فراهم نمودن اسباب ترقی مادی و معنوی آنها از هیچ چیز دریغ نخواهد نمود.

انتظار ملت و دولت از آنها این است که به دست توانای آنها صنعت نفت روز بروز ترقی کند، و بدین وسیله مملکت از نتیجه زحمات آنها بهره مند شود و برای مصرف کنندگان نفت به هیچوجه نگرانی پیش نیاید.
دکتر محمد مصدق

امروز پرچم ایران بعد از 50 سال بر فراز ساختمان شرکت سابق نفت انگلیس و ایران در خرمشهر به اهتزاز درآمد. هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران از رئیس شرکت سابق نفت رسماً خواسته است تأسیسات پالایشگاه نفت آبادان را در اختیار نمایندگان هیأت موقت قرار دهد.

دریک رئیس شرکت نفت در روزنامه اخبار روز اعلام داشت که شرکت حاضر نیست ناظر مداخله شما در امور مؤسسات خود باشد و او در این مورد منتظر دریافت دستور از لندن میباشد.

طرح چهار ماده تشکیل هیأت مدیره موقت و وظایف آنها

اول - هیأت مدیره موقت مرکب از آقایان مهندس بازرگان، دکتر علی آبادی، مهندس بیات به مجرد ابلاغ از طرف دولت به خوزستان حرکت مینمایند که طبق مواد شش گانه راجع به اجرای ماده 2 قانون مصوب 29 اردیبهشت 1330 با نظارت هیأت مختلط عمل نمایند.

دوم - در حکم مأموریت هیأت نامبرده که به امضای جناب آقای نخست وزیر صادر میگردد تصریح خواهد شد که مؤسسات تابع شرکت سابق نفت باید از این تاریخ کلیه دستورالعمل های هیأت موقت را اجرا نمایند و حکم مزبور و همچنین حکم عزیمت هیأت نامبرده منتشر خواهد شد.

سوم - در موضوع حقوق و عوارض گمرکی هیأت مدیره موقت نظر خود را به اطلاع دولت میرساند تا دستور مقتضی صادر گردد.

چهارم - هیأت مدیره موقت باید ترتیبی فراهم نماید که در توزیع داخله خللی وارد نیاید.

پیام دکتر مصدق به ملت ایران

هموطنان عزیز، درود فراوان و سلام صمیمانه خود را برای شما میفرستم.

بخوبی میدانید که در تاریخ حیات ملت ها ندرتاً روزهای درخشان و پر مسئولیت و افتخار و موفقیت پیدا میشود. ایام عادی و گذران برای همه ملل یکسان است ولی آن ملتی که خوب و شرافتمندانه وظیفه اش را در برابر وطن، پرچم و تاریخ مملکت ادا کند بیشتر از دیگران قدرت اخلاقی و عظمت روحی از خود نشان داده است.

امروز یکی از آن ایامی است که شما هموطنان میتوانید صفحه جدید

و مقدسی در حیات اجتماعی و اقتصادی خود باز کنید و پس از پنجاه سال که از استقلال و آزادی سیاسی ما نامی بیش باقی نمانده بود دوره نوینی را در برابر نژاد معاصر و نسل آینده بوجود بیاورید. رشد و نبوغ سیاسی شما میتواند امروز را مبدأ تحول آینده قرار دهد یا خدای ناکرده موجب سر شکستگی و خجلت و انفعال بشود. پیمودن این راه اکنون در اختیار عزم و اراده و همت شما است. من تردید ندارم که شما هموطنان عزیزان طریقی را انتخاب خواهید کرد که با شرافت ایرانیت و با غرور ملی و احساسات وطنی مطابقت دارد. باید یک بار دیگر به دنیایی که چشم دقت به سوی ما دوخته است نشان بدهیم که ما لیاقت حفظ موارث گرانها و پر عظمت نیاکان خود را داریم و میخواهیم کاملاً آزاد و فارغ از تحریکات و دسایس این و آن زندگانی قرین عزت و احترام و سربلندی را در پیش گیریم.

آوازه همت و عزم خلل ناپذیر شما در گسستن زنجیرهای استعمار اقتصادی بگوش جهانیان رسیده و خواهد رسید و همه خواهند دانست که روح ایرانی از ورای تاریخ کهن چندین هزارساله اش از نو درخشیدن گرفته و روزهای زبونی و ضعف و ناتوانی خویش را اینک پشت سر گذارده است. هیچ چیز جز اراده آهنین شما نمیتوانست این زنجیرهای جانفرسا و گران را از میان بردارد. تقویت و احساسات صمیمانه هموطنان عزیزم کار نفت را بدانجا کشانید که قوه قانون گذاری مملکت به متابعت از افکار عمومی ملی شدن صنعت نفت و قانون اجرایی آن

را باتفاق آراء تصویب کرد و آن قانون به توشیح اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رسید و مأموریت انجام این امر خطیر به من محول گردید.

قبول این مسؤولیت برای کسی که به ضعف مزاج مبتلا است و عمر خود را در بستر میگذرانند جز تبعیت از اراده ملت چیز دیگر نبود. من افتخار خدمت گزاری مردم را بالاترین و پر قیمت ترین افتخارات حیات خود محسوب داشتم و میدارم و به غیر از اطاعت و امتثال فرمان هموطنان چاره دیگر ندارم. از روز اول زمامداری تمام سعی و مجاهدت اینجانب به حل مسالمت آمیز قضیه نفت معطوف گردید و در تمام مکاتبات و مذاکرات با نمایندگان و وابستگان کمپانی سابق مکرر تذکر دادم که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت برای این است که ملت ایران از یک طرف بند های سیاسی را از گردن خود بردارد و از طرف دیگر به فقر و بدبختی غلبه کند. آنچه توانستیم تسهیلات فراهم آوریم و طریق حل مشکلات را پیش بینی کردیم و دست خریداران سابق نفت را برای خرید آن باز گذاشتیم و موافقت کردیم آنان همچنان گردش چرخ صنایع مملکت خویش را با نفت خوزستان تأمین کنند ولی ناچار بودیم قانون را اجرا کنیم.

شرکت سابق در جواب اخطار خلع ید که از طرف دولت ایران به او ابلاغ شد اظهار داشت که پیشنهاد هایی در زمینه قانون ملی شدن نفت دارد و نمایندگان خود را برای بیان مطلب به تهران اعزام میدارد. دولت شاهنشاهی با حسن نیت کامل ورود آن هیأت و حتی تمدیدی را که خواسته بودند پذیرفت ولی دیشب پس از آنکه پرده از روی پیشنهادات آنها برداشته شد معلوم گردید که زبان ما را نخواسته اند بفهمند. من مکرر چه در مجلس و چه در یادداشت ها و بیانیه ها و مصاحبه ها اعلام کرده بودم که به هیچوجه در اجرای قانونی که مظهر آرزو و اراده ملت ایران است نمیتوانم قصور و مسامحه بکار برم.

گویا نمایندگان شرکت این حقیقت را ندیده گرفته اند و راه ادامه مذاکرات را بر ما بستند. بنابراین برای اینکه اجرای قانون ادامه پیدا کند و وقفه و تأخیری در کار روی ندهد صبح امروز با تصویب کمیسیون مختلط نفت و هیأت دولت تصمیمات لازمه اتخاذ شد و دستور دادم عملیات اجرایی ادامه داده شود.

اکنون به شما هموطنان عزیز که در تهران و ولایات پراکنده اید این پیام مخلصانه و صمیمانه را میفرستم و از تقویت و حمایتی که در همه حال

از دولت برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت نموده و مینمائید قبلاً تشکر میکنم و تمنا دارم با آرامش و دور اندیشی بیشتری که شأن و شایسته ملت تاریخی ایران است مراقب اوضاع باشید و صف آهنین وحدت و یگانگی خود را حفظ کنید و نگذارید عوامل و ایادی حریف کهنه کار بر قدرت روحی و نیروی ایمان شما هجوم آورد.

شرکت سابق نفت میخواست بدون توجه به حق مسلم حاکمیت ملی و قانون مصوب مجلسین ما را با دادن چند میلیون لیره علی الحساب گرم مذاکرات دور و دراز نگهدارد غافل از اینکه من اطمینان دارم فرد فرد شما بادیه و کاسه ای را که در خانه دارید حاضرید همه را در راه نجات وطن در اختیار حکومت خدمتگذار خود بگذارید و گلیم زیر پای خویش را در گذرها به فروش برسانید.

در پایان این پیام حاجت به تذکر نیست که هوشمندی و شرافت کارمندان و کارگران ایرانی مخصوصاً در منطقه نفت خیز در پیشرفت و انجام این منظور ملی تاکنون بی نهایت مؤثر بوده و یقین دارم این متانت و خونسردی قابل تحسین تا پایان کار کاملاً حفظ خواهد شد و ما را هر روز به مقصد نهایی نزدیکتر خواهد ساخت. عرایض خود را با درود قلبی به شما و با اتکاء به حول قوه الهی و بامید موفقیت ملت لایق و رشید ایران پایان میدهم.

1 تیر 1330

شکایت انگلیس به دیوان داوری لاهه

دولت انگلیس از دادگاه بین المللی لاهه درخواست کرده قبل از اینکه دادگاه به ماهیت دعوی ایران وانگلیس رسیدگی نماید برای جلوگیری ازهرگونه خسارت به مؤسسات آبادان موقتاً اقدامات تأمینی در مناطق نفت خیز آبادان به عمل آورد. دولت انگلیس همچنین در تقاضای خود به دیوان دادگستری بین المللی خاطر نشان ساخته است که اگر اشخاص بی تجربه بخواهند تأسیسات و دستگاه های آبادان را مورد استفاده قرار دهند ممکن است خطرات جانی و مالی فوق العاده زیادی دربر داشته باشد. و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط حق تقدم خواهند داشت لازم بود از شرکت سابق نفت تحقیقات بعمل آورد. به علاوه چون سعی دولت و هیأت مختلط در این بود که اجرای قوانین نفت و عمل خلع ید را حتی پیش از پاسخ شرکت نفت اجرا نماید، این عمل انجام گردید.

6 تیر 1330

امروز خلع ید بطور کامل اجرا شد

با توجه به اینکه دریک رئیس شرکت سابق نفت در مناطق نفتخیز به ضرب العجل هیأت مدیره موقت درمورد انجام مسؤولیت فعلی خود زیر نظر هیأت مدیره موقت پاسخی نداده است امروز آقای مهندس بازرگان به جای دریک در اطاق کار او قرار گرفت و به این ترتیب تمام عملیات پالایشگاه و بهره برداری از چاه های نفت زیر نظر شرکت ملی نفت ایران قرار گرفته، عملیات اجرائی خلع ید به پایان رسیده است. با عزیمت دریک به کویت و استعفای دو نفر از معاونین او تقریباً اکثریت کارکنان انگلیسی از آبادان و مناطق نفتخیز خوزستان و منطقه غرب از ایران خارج شده اند.

کشتیهای نفتکش که برای بارگیری نفت عازم آبادان بودند به علت درخواست دولت ایران که نفتکش ها باید رسید های نفت تحویلی را امضاء نمایند در خارج از شط العرب متوقف شده اند. علاوه بر ناو جنگی موریشس که در 200 متری آبادان لنگر انداخته، امروز نیز رزمناو دیگری در بصره قرار گرفته است و کشتی 4500 تنی مسینا که مخصوص حمل تانک است به آب های شط العرب رسیده است. معهدا امروز سفیر انگلیس در تهران در مصاحبه ای اظهار داشت که ورود رزمناو و ناوشکن های انگلیسی به آب های مجاور ایران تهدید به حکومت ایران محسوب نمیشود.

پاسخ دولت ایران به دیوان دادگستری لاهه و رد عرضحال دولت انگلیس**دادگاه دادگستری بین المللی لاهه**

دادگاه دادگستری بین المللی لاهه امروز برای رسیدگی به عرضحال دولت انگلیس تشکیل گردید. هیأت نمایندگی انگلستان شامل دادستان کل انگلیس و شش نفر از کارشناسان شرکت نفت انگلیس و ایران میباشند. این دادگاه باید به درخواست دولت انگلیس مبنی بر تأخیر اجرای عمل خلع ید دولت ایران تصمیم اتخاذ نماید.

دولت ایران چون صلاحیت دادگاه را در مورد اتخاذ تصمیم در موضوع ملی شدن صنعت نفت قبول ندارد از فرستادن نماینده جهت شرکت در جلسات دادگاه خودداری کرده است ولی امروز آقایان دکتر شایگان و معاونین حقوقی وزارت امور خارجه آقایان حسن صابر و اصغر زاده پارسا

توضیحات کتبی دولت ایران را به لاهه میبرند که به دادگاه تسلیم نمایند.

13 تیر 1330

متن رأی دیوان دادگستری لاهه

تاریخ 5 ژوئیه 1951

دادگاه با شرکت 12 قاضی برای بررسی به شکایت دولت انگلستان تشکیل گردید و با توجه به مواد 41 و 48 اساسنامه دیوان و نظر به ماده 61 آئین نامه دیوان در دعوائی که به موجب عرضحال مورخ 26 می از طرف دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی برعلیه دولت ایران در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس در حضور دیوان افتتاح یافته قرار زیر را صادر مینماید :

نظر به درخواست 22 ژوئن 1951 که در همانروز به دفتر دیوان تسلیم و ثبت شده و به موجب آن دولت انگلیس با اشاره به ماده 41 اساسنامه و ماده 61 آئین نامه و عطف به عرضحال مورخ 26 می که به موجب آن حق تقاضای اقدامات تأمینی را برای خود محفوظ داشته از دیوان درخواست نموده که در انتظار صدور رأی قطعی دیوان در قضیه شرکت نفت ایران و انگلیس مقرر دارد که :

الف - دولت شاهنشاهی ایران باید به شرکت نفت ایران و انگلیس محدود و کارکنان و مأمورین آن اجازه دهد که نفت را جستجو و استخراج و حمل و تصفیه نمایند و بهر طریق دیگر مورد عمل قرار دهند و آنرا برای تجارت آماده کنند و نفت استخراجی را بفروشند و یا صادر کنند. بطوری که بهره برداری را که شرکت قبل از اول ماه می 1951 می نمود ادامه دهد و دولت شاهنشاهی ایران و کارمندان یا مأمورین آن یا هر هیأت و کمیسسیون یا کمیته یا دستگاه های دیگر که از طرف دولت نامبرده تعیین شده باشد باید از هرگونه مداخله که منظور آن ممانعت یا به مخاطره انداختن عملیات شرکت باشد خودداری نماید.

ب - دولت شاهنشاهی ایران نباید به وسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی از اجرای عملیات فوق یا ادامه اجرای آن به توسط شرکت نفت ایران و انگلیس جلوگیری و ممانعت نماید یا سعی در جلوگیری و ممانعت از آن کند.

ج - دولت شاهنشاهی ایران نباید به وسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی هیچیک از اموال شرکت نفت ایران و انگلیس را توقیف و یا ضبط نماید یا سعی در توقیف و ضبط آن کند و به هیچوجه به این قبیل اموال به انضمام اموالی که دولت شاهنشاهی ایران تاکنون ملی کرده یا به نحو دیگری خلع ید نموده لطمه وارد آورد.

د - دولت شاهنشاهی ایران نباید به وسیله هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی وجوه تحصیلی شرکت نفت ایران و انگلیس یا وجوهی که در تصرف یا تحت نظر شرکت نفت انگلیس و ایران است به انضمام وجوهی که دولت شاهنشاهی ایران ملی کرده است یا به نحو دیگری خلع ید کرده توقیف یا ضبط نماید یا سعی در توقیف یا ضبط آن کند.

ه - دولت شاهنشاهی ایران نباید به هیچگونه اقدام اجرائی یا قانون گذاری یا از طریق قضائی به شرکت نفت ایران و انگلیس دستور دهد که وجوه مذکور در بند (د) فوق مورد استفاده قرار گیرد یا سعی در صدور چنین دستوری کند مگر آنکه استفاده از این وجوه برطبق مفاد قرار داد 1933 یا بر طبق هر اقدام دیگری که از طرف دیوان معلوم میشود باشد.

و - دولت شاهنشاهی ایران باید ترتیبی دهد که هیچ اقدامی به عمل نیاید که به حقوق دولت انگلستان در اجرای رایبی که دیوان در ماهیت امر بر له او صادر میکند اصرار کند.

ز - دولت شاهنشاهی ایران و دولت انگلیس باید ترتیبی دهند که هیچ اقدامی به عمل نیاید که اختلاف مرجوعه به دیوان تشدید یا توسعه یابد من جمله دولت شاهنشاهی ایران باید ازرگونه تبلیغات به منظور تهییج افکار عمومی ایرانیان برعلیه شرکت نفت انگلیس و ایران و دولت انگلستان خودداری کند.

نظر به اینکه روز تسلیم درخواست تعیین اقدامات تأمینی ، متن درخواست مزبور به دولت ایران ارسال شده و نیز در همان روز استنتاجات مذکور در آن بوسیله تلگراف به دولت نامبرده مخابره شد.

نظر به اینکه دفتر دیوان عطف به بند 2 از ماده 41 اساسنامه درخواست مذکور را به دبیر کل ملل متحد ابلاغ کرده و برطبق بند 3 از ماده 40

اساسنامه درخواست مزبور توسط دبیر کل به اعضای ملل متحد و سایر دولی که در مقابل دیوان اجازه اقامه دعوا دارند ابلاغ شده است. نظر به پیامی که رئیس دیوان تلگرافا در تاریخ 23 ژوئن به نخست وزیر امور خارجه ایران به مضمون زیرفرستاده شده است:

«چون دیوان باید برای رسیدگی به درخواست تعیین اقدامات تأمینی که در تاریخ 22 ژوئن توسط نماینده دولت انگلیس تسلیم شده تشکیل گردد لذا اینجانب برطبق ماده 61 آئین نامه موظف هستم اقداماتی را که لازم بدانم به عمل آورم تا دیوان بتواند به طرز مفیدی اظهار نظر نماید. برای این منظور محترماً به آن جنابان پیشنهاد میکنم که دولت شاهنشاهی ایران به دوایر خود دستور دهد که از هرگونه اقداماتی که ممکن است اجرای رأی دادگاه را غیر ممکن سازد خودداری نماید و مراقبت کند که از تشدید اختلاف مرجوع به دیوان جلوگیری شود.

اقداماتی که دولت شاهنشاهی ایران برای این منظور مقرر خواهد داشت با نظریاتی که دولت نامبرده خواه در رسیدگی نسبت به درخواست اقدامات تأمینی که هر یک از طرفین حق اظهار نظر در جلسه 30 ژوئن را خواهند داشت و خواه بعداً نسبت به عرضحال مورخ 26 می انگلستان مقتضی بداند به دفتر دیوان برساند منافات نخواهد داشت.»

نظر به پاسخ پیام مزبور که در تاریخ 29 ژوئن تلگرافی به سفارت ایران در لاهه مخابره شده و همان روز توسط وزیر مختار ایران در لاهه به رئیس دیوان تسلیم گردید و به ثبت رسیده و به نماینده دولت انگلیس ابلاغ شده.

نظربه متن قطعی پیام مزبور که مرکب از پیامی به امضای ب. کاظمی وزیر امور خارجه ایران به انضمام شرحی متضمن سه پیوست است و متن مزبور در تاریخ 30 ژوئن توسط وزیر مختار ایران به رئیس دیوان تسلیم شده و آن نیز به نماینده انگلیس ابلاغ گردیده. و نظر به اینکه پاسخ مزبور اشعار میدارد:

«بنا بر ملاحظات فوق دولت ایران امیدوار است که دیوان نظریه نقد اختیار قضائی مدعی و باتوجه باینکه اجرای حقوق حاکمیت قابل رجوع به دیوان نیست اعلام نماید که موضوع از صلاحیت او خارج است، در این شرایط درخواست تعیین اقدامات تأمینی بالطبع مردود است.»

نظر به اینکه روز 23 ژوئن یعنی روز بعد از تسلیم درخواست تعیین اقدامات تأمینی دولت انگلیس به وسیله نماینده ای که در این قضیه تعیین کرده و به دولت ایران به وسیله وزیر امور خارجه آن اطلاع داده شده که دیوان جلسه خود را روز 30 ژوئن تشکیل خواهد داد تا طرفین بتوانند ملاحظات خود را درباره درخواست اظهار نمایند.

نظر به اینکه در موقع شروع جلسه ای که بدین طریق تعیین شده بود رئیس دیوان مشاهده نمود که نماینده دولت انگلیس سر اریک بکت و مشاور حقوقی وزارتخارجه انگلیس و جناب سر فرانک ساسکیس دادستان کل و آقای لوئی پاکت استاد حقوق بین الملل دانشگاه کمبریج و آقای ا. ک. راتنی از اداره شرقی وزارت امور خارجه و آقایان فیشر و جانسن مشاورین در دیوان حضور دارند.

نظر به اینکه دولت ایران به این جلسه نماینده نفرستاده بیانات سر فرانک ساسکیس را درباب ملاحظات که به نام دولت انگلیس راجع به درخواست تعیین اقدامات تأمینی ابراز نمود استماع کرد.

نظرباینکه استنتاجات درخواست دولت انگلیس که در بالا ذکر گردید در جلسه تأیید گردید.

نظر به اینکه دولت ایران در پیام 29 ژوئن 1951 خود اظهار داشته که درخواست دولت انگلیس مبنی بر اقدامات تأمینی را رد مینماید و علل عمده آنرا عدم صلاحیت دولت انگلیس در مراجعه به دیوان در قضیه اختلاف حاصله بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس و ایران و همچنین کیفیت این اختلاف که مربوط به اجرای حقوق حاکمیت ایران و منحصرأ در صلاحیت ملی این دولت است ذکر نموده و به این دلیل رسیدگی به آن را به علت نوع اختلاف از اصول حق اختلاف مشروحه در منشور خارج میداند.

نظر باینکه از عرضحال تقاضای رسیدگی دولت انگلیس مستفاد می گرددکه دولت نامبرده دراین قضیه برای یک شرکت انگلیسی تقاضای تقاضای احقاق حق مینماید و چون به عنوان حمایت سیاسی اقدام میکند.

نظر به اینکه شکایت مندرجه در عرضحال عبارت از ادعای نقض حقوق بین المللی است که با نقض قرارداد امتیاز مورخ 29 آوریل 1933 ایجاد

گردیده و همچنین عبارت از استنکاف دادرسی است که به عقیده دولت انگلیس ناشی از امتناع دولت ایران از قبول داوری مذکور در این قرارداد میباشد و بنابراین نمیتوان (پریو موتو) قبول کرد که درخواستی مبنی بر چنین شکایتی باشد بکلی از حیثه قضاوت بین المللی خارج است.

نظر به اینکه ملاحظات فوق کافی است که به دیوان از نظر حقوقی اجازه دهد که درخواست تعیین اقدامات تأمینی را رسیدگی کند.

نظر به اینکه تعیین این قبیل اقدامات به هیچوجه در صلاحیت دیوان از جهت رسیدگی به ماهیت امر لطمه وارد نمیکند و حق مدعی علیه را از حیث اقامه وسایل خود به منظور رد صلاحیت محرز نگاه میدارد.

نظر به اینکه منظور از اقدامات تأمینی مذکوره در اساسنامه عبارت است از حفظ حقوق هر یک از طرفین تا زمان صدور رأی دیوان است و از فرمول کلی که در ماده 41 اساسنامه استعمال شده و از حقی که بند 6 از ماده 61 این آئین نامه برای دیوان قاعلاً گردیده که رأساً اقدامات تأمینی را تعیین نماید چنین نتیجه گرفته میشود که دیوان باید با این قبیل وسائل در حفظ حقوقی که حکم صادره دیوان بعداً خواه برای مدعی و خواه برای مدعی علیه بشناسد اقدام کند.

نظر به اینکه اوضاع فعلی تعیین اقدامات تأمینی را موجه میسازد بنابراین جهت دیوان درانتظار رأی قطعی در دعوی که دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی بر علیه دولت شاهنشاهی ایران تسلیم نموده اقدامات موقتی ذیل را که بر اساس رعایت متقابل بایستی اجرا شود تعیین مینماید که بر اساس احترام متقابل اجرا شود :

اول - دولت ایران و دولت انگلستان بایستی هریک مراقبت نمایند که از هرگونه عمل زیان آور نسبت به حقوق طرف دیگر در اجرای رأی که دیوان ممکن است در ماهیت امر صادر نماید جلوگیری کند.

دوم - دولت ایران و دولت انگلستان هرکدام مراقبت نمایند که از هرگونه عملی از هر قبیل که ممکن است اختلاف مرجوع به دیوان را تشدید یا توسعه دهد جلوگیری کند.

سوم - دولت ایران و دولت انگلیس هرکدام مراقبت نمایند که هیچ گونه اقدامی از هر قبیل به منظور ممانعت از ادامه بهره برداری صنعتی

و بازرگانی شرکت نفت انگلیس و ایران به نحوی که شرکت نامبرده قبل از اول می 1951 میکرده اجرا نشود.

چهار - بهره برداری شرکت در ایران تحت ریاست اعضای مدیره آن به شکلی که قبل از اول می 1951 موجود بود با فید تغییراتی که ممکن است با موافقت کمیسیون نظارت مذکور در بند 5 بعمل آید ادامه یابد.

پنج - برای تأمین اجرای مقررات فوق که بهر حال اعتبار خود را حفظ مینماید با توافق دولت ایران و دولت انگلیس کمیسیون نظارت مرکب از دوعضو به تعیین هر یک از دول فوق و یک عضو پنجم تبعه یک دولت ثالث که با توافق دول مزبور یا در صورت عدم توافق بنا به تقاضای مشترک طرفین توسط رئیس دیوان تعیین میشود تشکیل گردد. وظیفه کمیسیون این خواهد بود که مراقبت نماید بهره برداری شرکت مطابق آنچه قبلاً بوده است ادامه یابد. منجمله وظیفه دار خواهد بود که درآمد ها و هزینه ها را رسیدگی کند و مراقبت نماید که وجوه حاصله از درآمد های دریافتی که اضافه بر هزینه های ضروری جریان عادی بهره برداری و سایر عوارض عادی متعلق به شرکت نفت انگلیس و ایران باشد به مؤسسات بانکی که کمیسیون مزبور انتخاب خواهد نمود پرداخت شود و مؤسسات بانکی مزبور تعهد نمایند که آن وجوه را جز برطبق نتایجی که خواه از تصمیمات دیوان و خواه از موافقت طرفین حاصل شود به مصرف نرسانند.

در کاخ صلح لاهه به تاریخ پنجم ژوئیه به انگلیسی و فرانسه (متن انگلیسی معتبر است) در چهارنسخه تنظیم شد که یک نسخه آن به بایگانی دیوان و نسخ دیگر به دولت شاهنشاهی ایران و دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و دبیر کل ملل متحد برای ارسال به شورای امنیت تسلیم خواهد شد. امضای رئیس دیوان و رئیس دفتر

دکتر مصدق در شورای امنیت

جناب آقای رئیس، اعضای محترم شورای امنیت، پیش از آغاز سخن لازم می‌دانم از فرصتی که در این جلسه به من می‌دهید تا پاسخ دولت ایران را به شکایت بدون اساس دولت بریتانیای کبیر، به اطلاع آن جنابان برسانم سپاسگزاری کنم. بعقیده دولت ایران و بر اساس دلایلی که متعاقباً به اطلاع خواهم رساند، شورای امنیت سازمان ملل متحد صلاحیت رسیدگی به این شکایت را ندارد. ولی باید اذعان دارم که این شورا مجمع معتبری است که مسئولیت حفظ صلح و امنیت جهان را بعهدہ دارد، این مکان مطمئن‌ترین پناهگاه برای کشور های ضعیف و زیر سلطه می‌باشد و آخرین مدافع حقوق آنها است.

من با ضعف مزاج سفردرازی راطی کرده‌ام تا دراین مکان بیان‌کننده احترامات کشورخود باین مجمع محترم باشم. شورای امنیت سازمان ملل متحد با این اعتقاد تأسیس شده است که کشور های بزرگ و کوچک در کنار یکدیگر نشسته تا با همکاری یکدیگر بتوانند بر پایه اصولی که سازمان ملل متحد بر اساس آن‌ها به وجود آمده است از صلح جهان نگرهانی نمایند. اما اگر ابر قدرت‌ها نخواهند از اصولی که این سازمان برپایه آن اصول بنا شده پیروی کنند، شورای امنیت قادر نخواهد بود به عنوان پناهگاه کشور های کوچک قلمداد گردد. علاوه بر این اگر کشوری بخواهد مسأله‌ای را در شورای امنیت مطرح کند که خارج از صلاحیت شورا باشد ولی شورا به علل سیاسی تصمیمی درباره آن مسأله اتخاذ کند که اطلاع درست و کاملی از آن نداشته

باشد در آن صورت شورا وسیله ای خواهد شد برای دخالت در امور داخلی کشور های دیگر. در نتیجه شورا اعتماد کشور های جهان را ازدست میدهد و از انجام وظیفه خود که حفظ صلح و امنیت جهان می باشد عاجز می ماند.

جنگ دوم جهانی نقشه جهان را تغییر داده است درهمسایگی کشور من صد ها میلیون نفر آسیائی بعد از قرن ها مستعمره بودن و استثمار شدن، استقلال و آزادی خود را به دست آورده اند. این باعث خوشحالی است که می بینیم قدرت های اروپایی به حقوق قانونی مردم هند، پاکستان و اندونزی و ملت هایی که در اشتیاق به دست آوردن حق ورود به خانواده ملت های آزاد دارای حقوق کامل و برابر هستند احترام میگذارند. این امر سبب دلگرمی است که می بینیم سازمان ملل متحد برای به ثمر رسانیدن این آرزو ها از هیچ کمکی دریغ نمیکند. ایران در حال حاضر این حق را از شورای امنیت درخواست میکند. انتظار این است که این دادگاه عالی بین المللی و قدرت های بزرگ و صلح دوست جهان به ما کمک کنند تا استقلال اقتصادی خود را برای رسیدن به ترقیات اجتماعی بدست آوریم تا بتوانیم استقلال سیاسی خود را نیز تأمین کنیم. میهن ما با وسعتی برابر ۱۶۰۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع دارای فقط ۱۸۰۰۰۰۰۰ جمعیت می باشد که قربانیان موانع و مشکلات بی شمار طبیعی هستند. هم میهنان من فاقد کلیه امکانات زندگی میباشند. استاندارد زندگی آنها احتمالاً یکی از بدترین استانداردهای زیستی در بین ملتهای جهان است.

بزرگترین سرمایه طبیعی ما نفت است. این سرمایه باید صرف تولید کار و تأمین غذا برای ساکنین ایران شود. بهره برداری از نفت باید صنعت اصلی و ملی ما باشد و عایدات آن میبایست صرف بهبود شرایط زندگی مردم ایران گردد ، همان طور که اکنون در این راستا در حرکت می باشد. صنعت نفت ایران تاکنون عملاً نه کاری برای بهبود زندگی ایرانیان کرده و نه سبب توسعه صنایع کشور شده است. شاهدهی که برای اثبات این گفتار می باشد این است که بعد از پنجاه سال بهره برداری توسط یک کشور خارجی ما هنوز به اندازه کافی کارکنان فنی برای نگهداری و اداره آن نداریم و باید از متخصصین خارجی استفاده کنیم.

با آنکه ایران سهم نسبتاً زیادی در تأمین نفت مصرفی کشور های جهان دارد و در طول پنجاه سال گذشته مقدار ۳۵۰ میلیون تن نفت از چاه های آن استخراج شده است ولی کل درآمد ایران بر حسب صورت

حساب های کمپانی سابق نفت برابر ۱۱۰ میلیون پوند بوده است. برای اینکه دیدی واقعی در مورد درآمد ایران از این منبع عظیم داشته باشید به اطلاع میرسانم که در سال ۱۹۴۸ بر طبق صورت حسابی که شرکت سابق ارائه داده است درآمد خالص کمپانی ۶۱ میلیون پوند است، اما دریافتی ایران فقط ۹ میلیون پوند بوده است درحالی که خزانه داری دولت بریتانیا مبلغ ۲۸ میلیون پوند به عنوان مالیات از شرکت سابق نفت دریافت کرده است. ارقامی که به استحضار آن جنابان رسیده است ارقامی هستند که از دفاتر مالی شرکت سابق نفت استخراج شده اند و شاید این موضوع باعث تعجب شود که در طول پنجاه سال گذشته شرکت نفت سابق اجازه نداده است که نمایندگان دولت ایران دفاتر مالی شرکت را بازرسی و یا حتی آنها را رؤیت نمایند.

من باید حقیقت دیگری را به استحضار برسانم. در جنوب ایران در مناطق نفت خیز و آبادان که بزرگترین پالایشگاه نفت دنیا در آن قرار دارد کارگران نفت و اهالی که در آن منطقه زندگی می کنند در شرايطی هستند که میتوان آنها فقر مطلق نامید. آنها حتی فاقد ابتدائی ترین وسایل روز مره زندگی هستند. با توجه به این شرایط تصدیق خواهید کرد که اگر بهره برداری از نفت ایران همان طور که در گذشته انجام میشده ادامه داشته باشد و این وضع را نیز بپذیریم که ایرانی ها فقط کارهای ساده و غیر تخصصی را در مناطق نفتخیز مسجد سلیمان، آغاچاری، کرمانشاه و آبادان انجام دهند و کارکنان خارجی همچون گذشته درآمد حاصل از نفت را بخود اختصاص دهند، در آن حالت مردم آن نقاط برای همیشه در فقر مطلق باقی خواهند ماند. با توجه به این حقایق تلخ بود که پارلمان ایران (مجلس شورای ملی و سنا) به اتفاق آرا به نفع ملی شدن صنایع نفت ایران در سراسر کشور رأی موافق دادند.

بیان کلمه باتفاق آراء مؤید این است که ملی کردن صنایع نفت آرزو و خواست همه ملت ایران بوده است که امروز موضوع شکایتی شده است که در شورای امنیت مطرح میباشد. جنبش خود جوشی که امروز در ایران وجود دارد مردمی هستند که کاملاً به حقوق خود واقف میباشند. این مردم مصمم هستند که از این منبع حیاتی که بخشی از ارثیه ملی آنها به حساب میآید، برای بهبود زندگی خود استفاده کنند تا عاملی برای توسعه و تداوم صلح در جهان شود. برای نیل به این اهداف مردم ایران انتظار دارند که از کمک و پشتیبانی سازمان ملل و کشورهای صلح دوستی که اعضای سازمان ملل متحد را

تشکیل داده اند برخوردار گردند. با توجه به منشور ملل متحد و اصول والایی که در آن درج شده و بطور مسلم جوهر آن در اعضای تشکیل دهنده باید متبلور شده باشد، ملت ایران انتظار دارد دست هایی را که به سوی آن ها دراز کرده اند بفشارند، و این امر نشانه واقعی همکاری بین المللی برای توسعه و پیشرفت های اجتماعی می باشد که منظور غائی نویسندگان منشور سازمان ملل متحد است.

من آرزو می کنم توانسته باشم توجه اعضای محترم شورای امنیت را باین نکته جلب نمایم که اگر ابر قدرتی درفرستادن چتر باز و ناوگان جنگی به کشور کوچکی دچار تردید می باشد، علت آن وجود سازمان ملل متحد است و این امر مؤید این است که این سازمان به خوبی از وظیفه ای که به عهده دارد آگاه بوده و بدان عمل می کند. در این صورت من اطمینان کافی دارم که این شورای محترم عدم صلاحیت خود را در رسیدگی به شکایتی که بدان ارجاع شده اعلام خواهد داشت و به این ترتیب صلح و بهروزی را برای کشور های ضعیف به ارمغان خواهد آورد. درمورد مصالحه بین دو کشور که بریتانیای کبیر آن را به شورای امنیت احاله داده است، باید به اطلاع شورا برسانم که کشور من در نهایت حسن نیت پیشنهادهای ارزنده بر اساس روش های مختلف برای جبران خسارت و فروش نفت را کرارا به نمایندگان شرکت سابق نفت ارائه کرده است. ولی متأسفانه این روش مسالمت آمیزانه تاکنون بدون نتیجه بوده و فقط اتلاف وقت و جلوگیری از جریان نفت به بازارهای مصرف قبلی شده است که نتیجه آن تشدید مشکلات اقتصادی ایران می باشد. علاقمند هستم یک بار دیگر مصرأ اعلام دارم که دولت من کاملاً برای آغاز گفتگوهای مستقیم در مورد دو نکته ای که بدان ها اشاره کرده ام با دولت بریتانیا آمادگی کامل دارد. اما اگر شروع بهره برداری و صدور نفت به بازارهای جهانی به علل مختلف به تأخیر بیفتد اقتصاد کشور ما ازبد نیز بدتر خواهد شد. باین علت امیدوار هستم شورای امنیت بپذیرد که صلاحیت دخالت در این امر را ندارد و برای این که توافق مشترک بین طرفین را تسریع کند از ابراز هرگونه توصیه در این مورد خودداری ورزد.

اساسی ترین دلیلی که عدم دخالت شورای امنیت را در این مورد توجیه پذیر می کند این است که منابع نفتی ایران مشابه خاک، رود ها و کوه های ایران هستند که متعلق به مردم ایران می باشند. مردم ایران هستند که حق دارند تصمیم بگیرند چگونه، چه وقت و توسط چه کسی باید از مایملک خود استفاده کنند. آنها هیچ وقت موافقت نخواهند کرد حاکمیت و مالکیت خود را با کسی تقسیم کنند یا کسی

را در آن سهیم نمایند، حاکمیت و مالکیت ایران انتقال ناپذیر می باشد. شاید لازم باشد بار دیگر اعلام دارم که چگونه ملت ایران توسط نمایندگان منتخب خود در مورد باز پس گرفتن منابع نفتی خویش تصمیم گرفته اند. در بیستم مارس ۱۹۵۱ قانون گزاران ایران به اتفاق آرا تصمیم گرفته اند با تصویب قانونی بهره برداری از منابع نفتی ایران را کاملاً ملی اعلام نمایند و بدنبال آن در تاریخ ۲۰ آوریل چگونگی اجرای قانون ملی شدن نفت را نیز به تصویب رسانیدند. جامعیت این قانون تمام حوزه جغرافیائی ایران را در بر می گیرد.

آقایان اعضای شوری، پاره ای از دلایلی را که ضمن توضیحات خود به اطلاع آن جنابان رسانیده ام کلاً درجهتی بودند که ثابت کنند شکایت دولت بریتانیای کبیر دخالت در امور داخلی یک کشور مستقل می باشد و نمی تواند مورد قبول واقع گردد.

به سبب مسئولیت های کاری که اجبار به بازگشت دارم از این رو از نمایندگان محترم شورای خدا حافظی میکنم و از آن جنابان درخواست می نمایم در قضاوت خود عدالت را در نظر داشته باشید. هرچند اطمینان دارم تصمیم گیری شما درباره کشور کوچکی که مورد ظلم قرار گرفته با احساس همدردی و رعایت عدالت همراه خواهد بود. مردم ایران اعتماد کامل دارند که اعضای شورای امنیت در مورد شکایت بریتانیا تصمیمی اتخاذ نخواهند کرد که سدی در برابر آرزو های ملی آنان ایجاد کند. جنابان آقایان اعضای شورای امنیت به خاطر پذیرانی صمیمانه آن جنابان و توجه کاملی که به عرایض بنده نموده اید ضمن سپاسگزاری به سخنان خود پایان میدهم.

بعد از پایان سخنان دکتر مصدق، گلاوین جب نماینده انگلیس دلایل ارجاع مسأله شکایت دولت انگلیس به شورای امنیت را شرح میدهد که پس از رأی گیری اکثریت اعضای شورای امنیت به عدم صلاحیت شورا رأی میدهند و مسأله را به دیوان بین المللی داد گستری لاهه ارجاع مینمایند.

انتشار اوراق قرضه ملی

نخست وزیر لایحه قرضه ملی را تقدیم مجلس میکند

مجلس شورای ملی، بطوری که خاطر نمایندگان مستحضر است در اثر ملی شدن نفت از طرف طبقات مختلف چه در داخل و چه در خارج کمک های شایان توجهی خواه رایگان و خواه به عنوان قرضه به دولت پیشنهاد و افراد وطنخواه از روی احساسات پاک و صادقانه فکر کمک به دولت را استقبال نمودند، لیکن برای اینکه استمداد از مساعدت ملی به صورت صحیح و منظم انجام شود و از طرفی چون احتمال می رود تا موقعی که کار فروش نفت به مرحله اجرا درآمد دولت احتیاج به کمک موقت مالی پیدا کند چنین مصلحت دیده شد که برای استفاده از کمک مالی مردم به تحصیل اجازه مقدماتی برای اقدام به قرضه عمومی در صورت ضرورت مبادرت نماید که با آزمایشی که در این مدت از احساسات خالصانه مردم به عمل آمده دولت امیدواری کامل دارد که عموم افراد میهن دوست کشور ایران از نیت دولت حسن استقبال نموده و کمک لایقی به اجرای کامل قانون ملی شدن نفت که آرزوی تمام ایرانیان میباشد به عمل آورند و روی این اصل ماده واحده دیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب مینماید.

ماده واحده - به دولت اجازه داده میشود برای کلیه امور مربوط به اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در صورتی که ضرورت ایجاب نماید تا

حدود دو میلیارد ریال به عنوان قرضه ملی به مدت دو سال برگ های وام دویست ریالی بی اسم و قابل انتقال با بهره صدی شش منتشر نماید.

تبصره 1- اوراق قرضه در چهار سری و هر سری پانصد میلیون ریال منتشر خواهد شد و مدت انتشار هر یک از سری ها حداکثر دو ماه خواهد بود.

تبصره 2 - کوپن های بهره اوراق قرضه مربوط به هر سری از ابتدای سال دوم در باجه های کلیه بانک ها به حساب دولت قابل پرداخت است.

تبصره 3 - از تاریخی که اوراق قرضه به موجب این قانون قابل پرداخت است دارندگان آنها میتوانند اوراق مزبور را بابت مالیات و حقوق و عوارض و سایر دیون دولت واگذار نمایند. و مأمورین وصول مکلف به قبول این اوراق میباشند.

تبصره 4 - وجوه پرداختی از بابت وام و بهره آن از هرگونه مالیات معاف میباشد.

هریمن نماینده رئیس جمهور امریکا برای مذاکره به ایران میاید

آقای آورل هریمن مشاور رئیس جمهور امریکا در امور بین الملل عازم ایران میباشد تا درباره موضوع نفت با آقای دکتر مصدق مذاکره کند.

23 تیر 1330

مخالفت حزب توده با ملی شدن نفت

برای اینکه به روش و تاکتیکهای حزب توده ایران در نهضت ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور و عواملی که باعث حادثه دردناک 23 تیر ماه 1330 شد آگاه گردیم، نگاهی گذرا به نشریات مختلف حزب توده و دیدگاه این حزب نسبت به جبهه ملی ایران و دکتر مصدق می نمائیم تا از نقش خراب کارانه حزب توده در مردمی ترین نهضت مردم ایران آگاه شویم.

"جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت که پس از رد قرارداد الحاقی گلشائیان - گس در کمیسیون مجلس شورای ملی، توسط حزب توده ایران تشکیل گردید به بهانه (یادبود شهدای 23 تیر سال 1325 خوزستان) از هواداران و مردم دعوت مینماید با شعار «اعلام لغو امتیاز نفت ایران و انگلیس» در یک راه پیمائی شرکت نمایند.

علیرغم دفاع نمایندگان جبهه ملی ایران در مجلس شورای ملی از زندانیان سیاسی که منحصراً شامل رهبران و فعالین حزب توده بودند که پس از حادثه سوء قصد به شاه در 15 بهمن 1327 و اعلام غیر

قانونی بودن حزب دستگیر و محکوم شده بودند در روزنامه بسوی آینده ارگان حزب مینویسد:

«ملی نقاب سیاهی است که چهره های ننگین را میپوشاند. ملی سرپوشی است که قبايح و رذایل را مخفی میکند. عوام فریبان ، دزدان ، غارتگران ، مزدوران فرومایه استعمار و آخرین تیر ترکش استعمار هستند که دکتر مصدق نماینده این گروه میباشد.» مردم ارگان مخفی حزب توده نیز در برابر شعار ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور که توسط جبهه ملی داده شده شعار «الغای بی قید و شرط امتیاز نفت جنوب» را اعلام و از همه میخواهند برای پیشبرد این شعار در جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت متحد شوند. با این طرز تفکر در روز ورود اورل هریمن راه پیمائی حزب توده آغاز میگردد.

راه پیمایان حرکت خود را از اول خیابان استانبول آغاز و بسوی میدان بهارستان ادامه مییابد. هنگامی که کامیون حامل دکل که نوشته جمعیت ملی مبارزه با شرکت نفت بر روی آن نصب بود ظاهر میشود عده ای از راه پیمایان به بلندگوی صامت و ساکت حزب ایران حمله ور و با چوب و سنگ آنرا خورد میکنند و شیشه مغازه های اطراف آن را نیز درهم می شکنند عده ای نیز قصد خورد کردن تابلوی حزب ایران را داشتند که میسر نشد و جمعیت درحالی که پرچم ها را از چوب ها جدا میکنند بطرف حزب زحمتکشان درخیابان اکباتان حمله ور میشوند.

در اینجا اولین مداخله پاسبان ها شروع میشود و افراد پلیس ابتدا سعی میکنند تا جلو مهاجمین را سد کنند و چون این عمل ممکن نمیشود ناچار در چهارگوشه میدان بهارستان به استعمال گازهای اشک آور مبادرت مینمایند.

پخش گازهای اشک آور در فضا و اثر آن بر روی چشم مهاجمین تا اندازه ای از هجوم جمعیت ممانعت به عمل میآورد ولی مأمورین انتظامات راه پیمائی، پی درپی به تظاهر کنندگان دستور حمله به پاسبان ها را میدهند. پاسبان ها که ابتدا دستور تیراندازی نداشتند در مقابل سنگ و چوب مهاجمین مجبور به عقب نشینی میشوند و همین امر باعث تشویق حمله کنندگان و شدت حملات آنها میگردد.

ساعت هفت و سه ربع بعد ازظهر چون تعداد افراد پلیس کافی نبود ارتش به کمک پاسبان ها میآیند. با پیاده شدن سربازان از کامیون ها

چون هنوز تظاهر کنندگان آرام نمیشوند سربازان ناچار تیرهای هوایی شلیک میکنند. در همین موقع چند تانک از راه شاه آباد و سرچشمه به میدان بهارستان میآیند ولی تظاهر کنندگان با سنگ و چوب به تانک ها حمله و سربازان را مجروح میکنند.

یکی از تانک ها که با سرعت از خیابان شاه آباد عبور میکرد به یک کامیون که حامل عده ای از تظاهر کنندگان بود تصادف کرده و کامیون در پیاده رو واژگون میگردد در این حادثه عده از تظاهر کنندگان مجروح میگردند. یکی دیگر از تانک ها در اثر هجوم جمعیت نرده های اطراف محوطه چمن میدان بهارستان را خورد و وارد محوطه گلکاری میگردد. تانک ها تا ساعت 10 شب در خیابان شاه آباد، سرچشمه و بهارستان در حرکت بودند و عبور و مرور از ساعت 8 در این خیابان ها قطع میگردد.

تظاهر کنندگان بعد از این جریان پراکنده شده و عده ای از آنها در خانه صلح که محل برگزاری انجمن هواداران صلح میباشد و در خیابان فردوسی واقع است اجتماع میکنند ولی از طرف شهربانی برای اینکه اتفاق سوئی رخ ندهد از ازدحام آنها جلوگیری میکند و جمعیت پراکنده میشوند.

19 آذر 1330

آغاز مخالفت با دولت دکتر مصدق در مجلس

جنجال و تظاهرات در مجلس

از ساعت 8 صبح امروز روزنامه نگاران متحصن و عده ای از افراد غیر روزنامه نویس در باغ بهارستان اجتماع و در انتظار تشکیل جلسه هستند. موقعی که آقای کشاورز صدر وارد مجلس میگردد روزنامه نگاران متحصن وعده ای از افراد متفرقه دوراوجمع و بنای پرخاش میگذارند که چرا به دولت رأی موافق میدهی؟

آقای کشاورز صدر در برابر اظهارات آنها میگوید «دکتر مصدق با اجنبی مبارزه کرده و به نظرم و تمام وکلا که به او رأی میدهند این مرد را خادم مملکت میدانند و این تشنجات را هم ایادی شرکت سابق ایجاد میکند تا اتحاد و اتفاق ما را از بین ببرند.»

پس از مدتی مباحثه روزنامه نگاران شروع به پرخاش و ادای کلمات رکیک کردند و آقای کشاورز صدر به ناچار به سرسرای مجلس وارد و جریان را به سایر نمایندگان اطلاع میدهد.

امروز چون قرار بود آقای نخست وزیر به مجلس بیاید کارت ورود به تالار مجلس بین تماشاچیان پخش نشد ولی روزنامه نگاران متحصن و همراهان آنها از دری که باغ بهارستان را به تالار جلسه متصل میکند بالا رفتند و در انتظار نواختن زنگ در راهرو پشت جلسه علنی منتظر ماندند.

ساعت ده آقای نخست وزیر از در چاپخانه وارد بهارستان شد و راه سرسرا را پیش گرفت. چند نفر از وزرا نیز قبلاً به مجلس آمده بودند. در خارج شایع بود که طرفداران نمایندگان مخالف دولت امروز به جلسه آمده و میخواهند علیه نخست وزیر و موافقین تظاهرات کنند.

ساعت 11:20 زنگ جلسه علنی نواخته شد و روزنامه نگاران و طرفداران آنها به سرعت به داخل تالار هجوم برده و همه صندلی ها را اشغال مینمایند. ساعت یازده و سی دقیقه نمایندگان مخالف با هم به جلسه آمدند و ناگهان از لژ روزنامه نگاران و تماشاچیان فریاد زنده باد جمال امامی، زنده باد شوشتری و مرده باد دکتر مصدق، مرده باد نخست وزیر سر دادند.

از طرف دیگر عده ای از تماشاچیان طرفدار دولت و کریمپور شیرازی با فریاد زنده باد مصدق مرگ بر جمال امامی به مقابله پرداختند.

چون تعداد تماشاچیبانی که با روزنامه نگاران متحصن آمده بودند تعداد زیادی تری بودند با برداشتن صندلی ها به طرفداران دولت حمله کرده به ضرب و جرح آنها پرداختند.

پیراسته نماینده اقلیت و عده ای از کسانی که فریاد زنده باد جمال امامی سر داده بودند شروع به زدن کریمپور کردند و در حالی که او را به زمین انداخته بودند با مشت و لگد کتکش میزدند. ولی سربازان گارد مجلس به کمک کریمپور آمده او را نجات دادند.

عده ای ازمديران روزنامه ها مير اشرافی (آتش) عباس شاهنده (سیاسی) عباس پهلوان (سپید سیاه) که در لژ بانوان نشسته بودند هنوز فریاد مرگ بر مصدق و زنده باد جمال امامی سر میدادند. همزمان در بیرون نیز عده ای که از صبح در خارج بهارستان اجتماع کرده بودند با فریاد زنده باد جمال امامی لیدر اقلیت و مرده باد دکتر مصدق با تماشاچیان داخل همزبانی میکردند.

با شنیدن فریادهای مرگ بر دکتر مصدق عده زیادی از طرفداران دولت که با شنیدن مرگ بر مصدق به اطراف بهارستان آمده بودند بطرف طرفداران جمال امامی و اقلیت هجوم آوردند ولی در این زمان چند کامیون سرباز و پاسبان به میدان بهارستان آمده جمعیت را محاصره نمودند و هر لحظه به تعداد جمعیت در میدان افزوده میشد. با آمدن جمعیت به تدریج تعداد طرفداران دولت افزایش می یافت و فریاد مرده باد جمال امامی نوکر انگلیس و مرده باد اقلیت جای شعارهای قبلی را گرفت. یکی فریاد زد مردم تهران نوکران انگلیس با ایجاد واقعه روز 14 آذر و مانور امروز میخواهند دولت ملی دکتر مصدق را ساقط کنند.

سرتیپ دانشپور مرتب از جمعیت خواهش میکرد که متفرق شوند اما چون جمال امامی امروز 300 چاقوکش استخدام کرده بود که با گرفتن کارت ورودی و بطور قاچاق وارد تالار شده بودند. چاقو کشان جمال امامی علیه مردی که انگلیس ها را از این مملکت بیرون کرد عربده کشی میکردند تا از او انتقام بگیرند.

در ساعت دو و نیم بعد از ظهر جمعیت کثیری در میدان بهارستان اجتماع کرده و علیه نمایندگان مخالف ابراز احساسات میکردند. سربازان و پاسبان ها اطراف زده های بهارستان را مسدود کرده و مانع ورود جمعیت به داخل مجلس میشدند.

در ساعت سه ربع بعد از ظهر آقای مکی به میدان بهارستان آمد و بعد از چند دقیقه صحبت از مردم درخواست کرد میدان را ترک کنند. مردم نیز بتدریج میدان را ترک کردند. چند دقیقه بعد میدان به حالت عادی درآمد.

جلسه علنی مجلس

سه ربع بعد از ظهر زنگ جلسه زده شد و نمایندگان به تدریج وارد جلسه شدند. یک ساعت بعد از ظهر نخست وزیر پشت تریبون رفت ولی نمایندگان اقلیت یکی بعد از دیگری شروع به اعتراض کردند و با مشت روی میز های صندلی میکوبیدند

نخست وزیر گفت اگر هر فریادی میخواهید بزنید و تخته ها را خورد کنید ولی چند دقیقه تحمل کنید. اگر تحمل نکنید من میروم بیرون و نطق خود را میکنم.

جمال امامی ، بلند شو برو بیرون هر کاری میخواهی بکن، به جهنم که رفتی! شما هوچی هستید، نخست وزیر نیستید!

نخست وزیر، شما بفرمائید حرف خود را بزنید بعد من حرفم را میزنم.

اظهارات جمال امامی

بنده بار ها عرض کردم که مجلس را از کشمکش های خصوصی مصون بدارید ولی این آقای نخست وزیر وقتی در صف اقلیت بود این امر را مراعات نکرد و کشمکش های خارج را به داخل مجلس کشانید. هر وقت تماشایان برای ایشان تظاهرات کردند من اعتراض کردم امروز باز تماشایان تظاهرات کردند من اعتراض کردم. در خارج از مجلس من به آقای مکی عرض کردم به آقای نخست وزیر بگوئید امروز صلاح نیست مجلس تشکیل شود نماینده گان احساساتی هستند ممکن است اتفاقات سوئی پیش آید.

شما هیچوقت در عمرت نخست وزیری که مراعات قانون را بکند نبوده ای اصلا فردی نبوده ای که مراعات قانون را بکنی ، شما مگر نبودی رفتی جلوی مجلس به مردم گفتی آنجا مجلس نیست اینجا مجلس است ؟ (نخست وزیر ، حالا هم میگویم) آقا برو برای چاقو کش ها و چاقو کش های شهربانی صحبت کن ، حالا ما را تهدید میکنی؟ من میدانستم این مرد از زنده باد و مرده باد خوشش میاید ولی نمیدانستم اینطور جاه طلب باشد. یک مرد هفتاد و چند ساله ای که زود بیهوش میشود می رود، امریکا شلنگ تخته میزند یک روز دکان نفت باز میکند ، این دکان تخته میشود دکان انتخابات باز میکند دکان انتخابات تخته میشود، دکان خبازی و نعل بندی باز میکند. در این مدت 8 ماه چه کرده ای برای این ملت؟ خداوند هر وقت بخواهد ملتی را از بین ببرد مرضی بین آن ها شیوع میدهد، مصدق هم یکی از این امراض است که خدا برای ملت ایران ایجاد کرده است. شما نمایندگان این ملت هستید زمام امور مملکت در دست شما است. شما ها تصمیم بگیرید من او را میفرستم به خانه اش !

اگر میخواهی نظرم را نسبت بخودبدانی استعفا بده برو توی خانه بنشین اگر یکی از این رفقای اکثریت آمدند دنبالت منم خواهم آمد.

آقا جان، از جان مملکت چه می‌خواهی؟ گفתי آدمم خلع یدکنم، خوب خلع ید کردی و مملکت را به فلاکت انداختی و چشمه های درآمد مملکت را خشک کردی، گفתי من نخست وزیر انتخابات نیستم و به این قانون اعتراض کردی بعد آمدی گفתי می‌خواهم انتخابات را شروع کنم. این چه جنگولک بازی است که برای انتخابات درست کردی؟ من کاندید انتخابات نیستم و دیگر به این قبیل مجالس نخواهم آمد.

آمدی اینجا به ما چه بگوئی؟ شما چه گزارشی داری که بگوئی؟ چه صحنه سازی تازه ای می‌خواهی بکنی؟ می‌خواهی بگوئی من نخست وزیر بچه های مردم را کشتم و شهر را غارت کردم. حالا تهدید میکنی که اگر نگذارید من صحبت کنم میروم بیرون با مردم صحبت میکنم.

آقایان نمایندگان چرا اعتراض نمیکنید شما وکیل هستید و باید حیثیت خود را حفظ کنید. این مرد تمام عمرش را عوام فریبی کرده این مرد اینکاره نیست. در حکومت شما مملکت رو به انقراض می‌رود والله تمام طرفداران شما همه عقیده شان همین است چون ازاول به اشتباه بشما گرویده اند حالا دیگر رویشان نمیشود از شما روی برگردانند.

آقایان نمایندگان شما باید نفع و ضرر مملکت را تشخیص بدهید دیگر برای مملکت چیزی باقی نمانده است. آقایان دکتر حسین فاطمی با من دشمنی دارد. این آقای دکتر فاطمی رفیق شعبان بی مخ است به من جاسوس میگوید. آقای دکتر مصدق پول دادید و دزد ها را روزنامه نویس کردید شما دکتر فاطمی را آوردید که به ما فحش بدهد. این روزنامه باختر امروز را توی رختخواب بخوان به بین بمن چه نوشته اگر شما خجالت نمی کشید باشد تا تصفیه حساب با ایشان بکنم.

آقای فولادوند، در کابینه دکتر مصدق من همیشه به ایشان احترام می‌گذاشتم.

من به خاطر ایشان به حکومت رزم آرا رأی ندادم و من در دوره 16 مجلس از آقای دکتر مصدق حمایت کردم ولی نمیدانم حالا چه کرده ام که گرفتار چاقوکش های دکتر مصدق شده ایم؟ آنچه مرا وادار به تحصن در مجلس شورای ملی کرد مربوط به امور خصوصی نیست زیرا اگر منظوری برای حفظ منافع شخصی داشتم بخوبی میتوانستم خود را از هواداران دولت نشان بدهم و آنچه را که دیگران با چاپلوسی و تملق می‌خواهند بدست بیاورند کسب میکردم ولی هدف من خیلی بالاتر از مقام وکالت است، مقصودم صیانت از آزادی است.

روزی که دکتر مصدق میخواست زمام امور را بدست بگیرد همه از ایشان حمایت میکردیم زیرا فکر میکردیم که ایشان در ردیف مؤتمن الملک و مستوفی الممالک است و امیدوار بودیم که ایشان نخست وزیری خواهند بود که به آمال و آرمان های ملت احترام بگذارد. آقای دکتر مصدق از قبول زمام داری دو هدف داشتند یکی حفظ اصول پارلمانی و دیگری احیا و حفظ حقوق کشور. در خصوص ملی کردن صنعت نفت به عقیده جمعی ایشان پیروز شده اند و من هم در این خصوص به ایشان تعرضی ندارم ولی آقای دکتر مصدق و هوا خواهانش میخواهند آزادی را خفه کنند نسبت به نمایندگان مجلس و سنن پارلمانی اهانت میکنند.

آقای دکتر مصدق درصدد اجرای انتخابات دوره هفدهم برآمده اند و به قراری که سخنگویان دولت به دنیا اعلام داشته اند ایشان تصمیم دارند عمال دولت را ازدخالت درانتخابات ممنوع و به مردم اجازه دهند که آزادانه وکلای خود را به کرسی پارلمان بنشانند ولی اینجانب سؤال میکنم آیا کسی میتواند شرافتمندانه بگوید و اطمینان حاصل کند که با وجود عناصری که ما دراطراف دکتر مصدق می بینیم و تمام قدرت دولت را بدست گرفته و سلسله جنیان وقایعی مانند روز 14 آذر بوده اند آیا ممکن است در فلان نقطه دور دست مردم آزادانه رأی خود را به صندوق بریزند؟ وقتی که این اعمال را درجلو چشم شما بنام مبارزه با حزب توده به حساب شما میگذارند آیا میتوانید باز هم بگوئید من به ملت ایران خدمت میکنم؟ آخر حزب توده با فرض وجود آن چه میتواند بکند؟

ما در چند ماه گذشته معنی حکومت پارلمانی و آزادی عقیده و حریت افکار را آن طورکه اعضای هیأت دولت استنباط کردند دیدیم و مزه آن را چشیدیم و همین اکنون معنی آن بهشت موعودی که باید بدست همین آقایان و نامزد های انتخابات دوره هفدهم تهیه شود میتوانیم درک کنیم و ملت ایران هم میتواند به کنه وعده های دکتر مصدق پی ببرد. به هرحال من که زیر بار این حکومت نمیروم.

آقای پیراسته، برای بنده خیلی مشکل و ناگوار است که با ارادتی که به شخص دکتر مصدق با آن مقام علمی که دارند مخالفت کنم ولی چه باید کرد موضوع مملکت است و ناچارم به خاطر وطن خود با دولت دکتر مصدق مخالفت کنم. اینک دلایل خود را بطور خلاصه عرض میکنم.

امروز ما ناظر وضع آزادی در ایران میباشیم و می بینیم با مردم ستم دیده چگونه رفتار میشود. متأسفانه یا خوشبختانه این ایام که ملت ایران فاقد آزادی فردی واجتماعی است مصادف با روز تصویب اعلامیه حقوق بشر میباشد و کشور ما هم یکی از اعضای آن است. حقوق بشر عبارت است از آزادی فکر و عقیده و گفتار و برخوردار بودن از حمایت قانون که در ایران حتی نمایندگان مجلس هم ار آن برخوردار نیستند.

قریب 8 ماه است که دولت فعلی ما تشکیل شده ، روزی که آقای دکتر مصدق زمام امور را بدست گرفت به مجلس و مردم وعده داد که در ظرف چند روز دست کمپانی غاصب نفت را از ایران کوتاه نموده و روزی 300 هزار لیتره منافع منابع نفت را به جیب ملت ایران خواهد ریخت مجلسین با این امید به دولت رأی اعتماد دادند و مردم ایران هم که نیم قرن از مظالم این کمپانی غاصب غارتگر به ستوه آمده بود با جان و دل دولت را تأیید کردند. پس از گذشت ضرب العجل معلوم شد گذشته از اینکه روزی سیصد هزار لیتره به خزانه دولت وارد نشد عده ای از اطرافیان دولت هم مانند چپاولگران دست تعدی به بیت المال مردم دراز کردند و خود را زیر سپر نفت پنهان کردند و اوراقی به نام روزنامه بدست آنها منتشر کردند و آنچه درخور همان نویسندگان و حامیان آنها بود نثار کسانی کردند که با آنها اختلاف عقیده داشتند.

با این وصف وقتی که قضیه نفت به شورای امنیت مراجعه شد و نخست وزیر عازم امریکا شدند نمایندگان اقلیت با وجود مشاهده هزاران اعمال خلاف قانون سکوت اختیار کردند دولت رفت وبدون کسب جزئی ترین موفقیتی مراجعه کرد و بعد بجای اینکه بیاید جوانمردانه حقیقت را بنمایندگان ملت گزارش دهد بنای اغفال و عوام فریبی را گذارد و مردم را با زنده باد و مرده گفتن سرگرم کرد. شاید خود نخست وزیر قصد کناره گیری داشت ولی یک عده هوچی که در اطراف او بودند نگذاشتند آقای نخست وزیر کنار بروند. در روز 14 آذر اجام و اوباش به مدارس دخترانه رفته و به ناموس دختران تجاوز کردند ! منظور دولت از این واقعه این بود که نفس ها را در سینه ها حبس کند و آن وقت در این شرایط انتخابات آزاد را انجام دهند. اگر انتخابات آزاد این است که کسی جرئت نکند از خانه خود بیرون آید من میترسم که خدای نخواستہ عمال شرکت غاصب نفت با این وضع ما را به زانو درآورند.

آقای شوشتری، بدو علت تحصن نمایندگان اقلیت را معروض میدارم. من از نخستین روز با زمامداری دکتر صدق مخالف بودم و تعجب میکنم چطور این روزها را می بینم! چهل سال آشنائی و سابقه ایشان این پیش بینی ها را برایم روشن کرده بود. پس از مخالفت اینجانب عده ای از نمایندگان متوجه شدند که ایشان مملکت را به پرتگاه میبرد و اقلیت بوجود آمد در نتیجه دکتر و اطرافیان برخوردند که بیانات اقلیت دکان نفتی آنها را که برای مردم ساده لوح باز کرده اند می بندند زیرا دکتر مصدق میدانست مردم ایران از مداخله خارجی ها ناراضی و منتظر فرصتی که دست رد به سینه آنها هم بزنند. آقای دکتر از این عدم رضایت استفاده کرده و یکی از لوازم آن بود که انتقاد کنندگان را وابسته به انگلیس بدانند ولی خدای ایران نمایندگان اقلیت را متوجه کرد که مقاومت کنند نگذارند حقیقت زیر ابر جهالت پنهان شود.

دکترو اطرافیان موضوع مسافرت به امریکا را پیش آوردند تا بعد حساب ما را برسند. آن روز نمایندگان اقلیت مصلحت دیدند آقای دکتر مصدق را هنگام مسافرت انتقاد نکنند تا نتیجه روشن شود و اگر خدمتی کردند حمله ای به ایشان نکرده باشند و چنانچه نتیجه ای حاصل نشد مجددا در مقام انتقاد برآیند. اقلیت تصمیم خود را انجام داد پس از ختم شورای امنیت حق آن بود که به ایران بیایند نه آنکه در امریکا بمانند و از جریان اقدامات خود به نمایندگان اطلاعی نداده به مصر بروند. این اعمال موجبات عدم رضایت مردم را فراهم کرد و استقبال با زور و پول کردند همان موضوع باعث شد که مردم را به فکر تازه ای متوجه نمایند ، انتخابات را پیش آورند و نفت را از بین ببرند در صورتی که ایشان به کرات گفته بودند دولت انتخاباتی نیستند لیکن پس از ورود به تهران گفتند انتخابات را شروع میکنم هرچه گفتند رای مجلس را محترم بشمارید قبول نکردند. همه فهمیدیم که در امریکا بین آقای دکتر مصدق و کمپانی های نفتی که نمیخواهم مداخلات آنها را بگویم مذاکراتی شده است و خبر گذاری ها منعکس کردند که دولت در انتخابات توفیق پیدا خواهد کرد و این مداخله اجنبی در ایران است و روزنامه های دولتی مخالفین را به فحش گرفتند و نتیجه به واقعه 14 آذر منتهی شد نمایندگان اقلیت مخفی شدند تا این جنجال و بلواها را از میان بردارند و نگذارند نفوذ اجنبی در ایران بکار بیفتد.

نطق آقای نخست وزیر

در هر مملکتی که اقلیت آزاد نباشد در مجلس صحبت کند آن مملکت به هیچوجه ترقی نخواهد کرد. اقلیت باید حرفهای خود را بزند و مردم

قضاوت بکنند. این آقایان به من شخصا و وارثا محبت داشته اند و من فقط این مطلب را میتوانم عرض کنم که با تمام معایبی که جناب آقای امامی برای من ذکر کرده اند ایشان خودشان مرا پیشنهاد نخست وزیری کردند، من نمیدانم که این تقصیر با جناب آقای امامی است یا با من که جاه طلب بوده ام و با این معایب نخست وزیری را قبول کرده ام امیدوارم که ملت ایران قضاوت کند و خودش وضعیت را درک کند.

اکنون استدعا میکنم آقایان درست به عرایض من گوش بدهند اگر آقایان خسته هستند و ناهار میل نفرموده اند برای من که ناتوان هستم هیچ اشکال ندارد که در این مجلس بمانم و آقایان بروند ناهار خود را میل کنند و بعد بیایند و عقاید را اصفاء کنند. در سوئیس وقتی تحصیل میکردم شنیدم میگویند یکی از وکلای شهر نوشاتن وکیل خوبی است چون میتواند همیشه حرف ناحق را به کرسی حق بنشانند. دولت انگلیس به شورای امنیت مراجعه کرد من تصمیم گرفتم که در مقابل ادعای انگلیس خودم به شورای امنیت بروم و از حقوق حقه ایران دفاع کنم و بعد از اینکه انگلیس فهمید که من شخصا برای دفاع میروم و اشخاصی نیستند که بتواند آنها را آلت دست خود قرار دهد لذا در تقاضای خود تخفیف داد. در بیمارستان عده ای از نمایندگان شورای امنیت از آن جمله آقای تریکولی دبیر کل سازمان ملل متحد بدیدن من آمدند و پیشنهاد کردند وقتی انگلیس تقاضای خود را تجدید کرد و قائل به تخفیف شد سزاوار است که شما هم رویه مسالمت آمیزی اختیار کنید و این کار را به ترتیب صلح و آشتی انجام بدهید. من به نمایندگان گفتم این کار سابقه دارد و در جامعه ملل سابق هم همین پیشنهاد را به نمایندگان ایران کردند و بالاخره منجر به قرارداد 1933 گردید.

در روز اول شورا من احساس کردم نمایندگان شورای امنیت با نظریات دولت ایران موافق نیستند و روز دوم من به نمایندگان وعده دادم که در روز سوم مدارکی ارائه میدهم و دلایلی میگویم که حقانیت ایران را ثابت کند.

در آن روز یعنی در جلسه سوم من گفتم که تمام حرف های شرکت سابق و دولت انگلیس که حمایت از آن میکند مبتنی بر قرارداد 1933 است که این قرارداد مدرک قانونی ندارد زیرا بر طبق اصول حقوقی هر قرار دادی که باید منعقد شود طرف قرارداد باید اهلیت داشته باشد و امضا کند و از روی اکراه و اجبار قرارداد را امضا نکند و اکنون من به شما ثابت میکنم که مجلس شورای ملی که این قانون را تصویب کرد و وزیر

دارائی که این قرار داد را امضا کرد اهلیت نداشته و از روی اکرا و اجبار آن را امضا کرده است.

احکامی که ازوزارت کشوربرای انتخاب نمایندگان دوره نهم صادر شده بود قبل از حرکت عکس برداری شد و من بسیار زحمت کشیدم که این احکام در بین راه از بین نروند و آنها را به سلامت به مقصد برسانم. من تعدادی ازاحکام را در جلسه شورا قرائت کردم و پس ازاینکه شورا دید مجلس نهم طبق این احکام تشکیل شده و مجلس نهم بهیچوجه من الوجوه ملاک قانونی نداشته و یک نفر از نمایندگان نماینده حقیقی ملت نبوده اند بکلی رویه خود را تغییر داد و بالاخره حق داد و رأی داد که تقاضای انگلیس به هیچوجه مورد توجه وارد نشود و کار در محکمه دادگستری بین المللی که سابقا هم در آنجا مورد قبول واقع شده بود خاتمه یابد.

آنهایی که می گویند ما در شورای امنیت موفق نشدیم، حرفی بی حساب ونظری از روی غرض شخصی اظهارمیکند اگرما موفق نشده بودیم شورا بایدحق بانگلیس میداد و تقاضای انگلیس مورد قبول واقع میشد.

نتیجه اینست که دولت ایران درشورای امنیت موفقیت کامل حاصل کرده است. من یک تعداد از آن احکام وزارت کشور را که در آن وقت دولت صادر کرده و نمایندگان به انتصاب دولت در مجلس شورای ملی وکیل شده اند با خود باینجا آورده ام. من خواستم احکامی را که نسبت به مرده ها صادر شده اینک در اینجا بیاورم تا باعث سرشکستگی آن زنده هائی که در اینجا هستند و به قرارداد 1933 رأی داده اند نشود.

اینجا لازم است به عرض آقایان محترم برسانم که این دولت بهیچوجه غیر از صلاح مملکت نظر نداشته و در هرکاری که کرده روی مصالح مملکت بوده و علت اینکه کار ما پیشرفت نکرد سوء سیاست شرکت سابق نفت بوده. اگر شرکت سابق در دوره پانزدهم همان 50 درصدی را که حالا حاضر است بدهد آن موقع میداد من یقین دارم هیچ اختلافی بین ایران و شرکت نفت رخ نمیداد و شرکت لجاجت میکرد.

انتخابات تهران و انتخاب یک عده بخصوص که با قرارداد مخالفت داشتند یک رفراندوم بود و نظر ملت ایران را روشن کرد. آقایان توانستند با کمک ملت ایران نفت را ملی کنند و دولت حاضر شد برای مساعدت با شرکت سابق نفت برای حفظ روابط و صمیمیت با دولت انگلیس که داشت و حالا هم دارد و بهیچوجه خللی به آن روابط وارد نشده فقط یک قبض رسید از کشتی های نفتکش بگیرد که دیدید شرکت با چه لجاجت و سرسختی نخواست این پیشنهاد ایران را قبول کند. پس از اینکه این پیشنهاد قبول نشد باز دولت پیشنهاد کرد که متخصصین انگلیسی را با همان مزایای سابق استخدام کند ، مع الاسف این هم یکی از لجاجت ها و سوء سیاست بود که دولت انگلیس نخواست به آن توجه کند. بعد دولت ایران مجبور شد به وسیله ابطال جواز اقامت متخصصین را از ایران خارج کند. اکنون که متخصصین انگلیسی از مملکت خارج شده اند دولت انگلیس نمیخواهد از آن نظریاتی که دارد عدول کند و میخواهد با همان رویه قرن 19 با ما رفتار کند.

اما راجع به اینکه چرا ما موفقیت کاملی حاصل نکردیم لازم است عرض کنم که دولت امریکا گرچه ظاهرا با ایران همکاری میکند ولی نمایندگان آن دولت بقدری تحت تأثیر و نفوذ انگلیس هستند که نمیتوانند کاری برخلاف میل آنها بکنند. سفرای کبار امریکا که در ایران بودند همه از سیاست وزارت خارجه امریکا انتقاد میکردند از قبیل آقایان دریفوس ، والاس مری و گریدی ، بنده صاف و پوست کنده عرض میکنم که آقای ژرژ مک گی در عرض این 25 روز اقامت در امریکا با من مثل یک برادر صمیمی بود و هم آهنگی داشتیم.

ولی همین هم آهنگی باعث شد که او سفیر کبیر امریکا در ترکیه بشود. ما ناچاریم با هر سختی و تحمل شده است استقلال خود را که بدست آورده ایم حفظ کنیم.

آقایان مردم مصر در سال فقط هفته ای دوزخ گوشت خورد و لباس پاره پوشید. وقتی من با طیاره از روی دره نیل میگذشتم و آن زمین های آباد را میدیدم بخاطر آمد که اگر ما فقط همین خوزستان را بتوانیم آباد کنیم جبران درآمد نفت را میکند. باید دید درآمد نفت تا بحال بچه مصرفی رسیده ، آنچه که مسلم است ملت ایران از این درآمد استفاده نمیکرده است. مقداری از این پولها صرف خرید اسلحه شده است که بعد هم این اسلحه ها را از ما گرفته و رفته اند.

ما باید بگوئیم این مملکت نفتی ندارد مثل افغانستان و سایر ملل اروپا دارای نفت نیست ما باید از مخارج خود بکاهیم و بر عایدات بیفزائیم و ملت ایران باید تحمل هرگونه مشقتی را بکند تا طوف رفیت را به گردن خود نگذارد. برای ما شایسته نیست بگویند دولت ایران دولت عقب افتاده است دولتی که تمدن تاریخی دارد باید سعی کند که احترام خود را از دست ندهد. اینکه آقایان فرمودند روزی سیصد هزار لییره به دولت ایران ضرر وارد شده حرفی است که بدون تحمل گفتند زیرا ما نفتی نفرستادیم ضرر بکنیم نفت ما در معادن ما باقی مانده تا اگر خود بتوانیم استفاده کنیم و اگر نتوانستیم اعقاب و اولادانمان از آن استفاده کنند. بنابراین این حرف بی حساب است در این کشور هرگونه اصلاحی منوط به آزادی انتخابات است. آن مجلسی که با این احکام نمایندگانش وارد شوند دو پول سپاه ارزش ندارد. این نمایندگان در مقابل چند نفر نماینده حقیقی ملت نمیتواند مبارزه کند.

من شنیدم که سفیر انگلیس بچند نفر از نمایندگان گفته بود چه شده که شما 120 نفر هستید و نمایندگان جبهه ملی 7 نفر و شما نمیتوانید در مقابل آنها اقدامی کنید. جواب داده بودند پشتیبان این نمایندگان تهران ملت ایران است و ما هم چون وطن پرست هستیم و نمیتوانیم با آمال ملت ایران مخالفت کنیم ناچاریم با این عده همکاری کنیم. آقایان محترم ملاحظه نمودید که در جراید نوشتند دولت انگلیس تا دکر مصدق سرکار است حاضر برای هیچ قراردادی نمیشود.

این برای چیست؟ برای این است که دولت انگلیس نمیتواند از دکتر مصدق و همکارانش آن چیزی را که میخواهد تحصیل کند. اگر آقایان میفرمایند دلیل دیگری دارد منطقی نیست. انگلیس میخواهد دولتی بیاورد که آن دولت بلا اراده باشد. ما دیدیم که دولت انگلیس و سفیر انگلیس در هیأت وزیران حاضر شدند و درباب این قرارداد الحاقی اظهار نظر نمودند و روی نظریات او این قرار داد تنظیم گردید ولی این دولت حاضر نیست که کوچکترین حرفی از دولت انگلیس و دول دیگر بشنود.

آقایان محترم که اظهار وطن پرستی میکنند، باید بدانند اگر نفاقی بین دولت و یک عده از وکلا پیدا شد این به ضرر مملکت تمام نمیشود. خارجی ها و آنها که میخواهند ملت ایران را تحت اسارت بگیرند از این نفاق استفاده میکنند. اگر بین نمایندگان مجلس شورای ملی مثل مجلس سنا اتفاق باشد هیچکس با اجرای مقصود خود موفق نمیشود.

در آمریکا که بودم اگر یک سخنی در مجلس ما گفته میشد روزنامه های نیویورک که هواخواه سیاست انگلیس بودند آنرا با آب و تاب منتشر میکردند و میخواستند بگویند این دولت در مجلس هوا خواه ندارد ولی اگر کسی نتوانست بگوید که بین آقای شوشتری و دکتر مصدق مخالفت است، ولو اینکه من مقصر باشم و آقای شوشتری از گناهان کبیره من بگذرد آن وقت دنیا خواهد گفت که شوشتری در مجلس شورای ملی با حکومت یکی است. و هیچ خارجی نمیتواند در حکومت ایران رخنه کند و عدم رخنه سبب خواهد شد که ما بتوانیم استقلال سیاسی خود را حفظ کنیم.

اگر استقلال سیاسی خود را حفظ کردیم استقلال اقتصادی خود را هم حفظ خواهیم کرد. اگر این حرفهائی که مینویسند و میگویند این دول توانسته اند نفت خود را از منابع نفتی دیگر بدست آورند صحیح است پس آنها را دیگر با ما چکار. ما که بخیل نیستیم

اما این حرف صحیح نیست اینها مجبورند که بیایند با ما قراردادی منعقد کنند. پس اگر اختلافی بین ما دیدند قراردادی بنام خود تنظیم میکنند. اگر دیدند که ملت ایران دست بدست هم داده نه در مجلس و نه در خارج هیچ اختلافی بین مجلس و دولت نیست آنها هم مجبور میشوند که هرچه میگوئیم قبول کنند.

بر طبق ماده هفتم قانون چهارم اردیبهشت دولت مکلف است که نفت خود را با مصرف کنندگان سه سال اخیر معامله کند که ما نهایت سعی را کردیم که آنها بیایند و با ما معامله کنند. اعلاناتی در ممالک خارج منتشر کردیم ولی من نمیخواهم به ساحت مقدس دولت انگلیس اسائه ادب کنم بلکه میخواهم عرض کنم شرکت سابق نفت نگذاشت کسی بیاید و با ما معامله کند برای اینکه دولت ایران را بدبخت و مستأصل کند تا هر شرایطی را میخواهند تحمیل کند ملت ایران آنرا از راه استیصال قبول کند.

من لازم میدانم عرض کنم که به ترومن گفتم دلایل ملی شدن نفت دو چیز بود. یکی سیاسی و دیگری اقتصادی ما در این 9 ماده اینطور نوشته ایم که اکتشاف، استخراج و بهره برداری معادن سرتاسر مملکت باید در دست دولت ایران باشد برای اینکه اگر کوچکترین فایده ای شرکت نفت ببرد دیگران هم ممکن بود از ما همین تقاضا را بکنند. ما این صنعت را ملی کردیم تا هیچ دولتی از ما تقاضائی نداشته باشد.

اما در مورد دلیل اقتصادی به ترومن گفتم بودجه ما قریب 300 تا 400 ملیون کسر دارد شما چطور تصور میفرمائید یک ملتی که تا این اندازه کسر بودجه دارد بتواند امنیت و انتظامات را در کشور حفظ کند. در بودجه ما دیناری برای امور عمرانی و تولیدی نیست و بدین لحاظ عده زیادی از مردم این مملکت به ادارات دولتی هجوم آورده اند که ما نمیتوانیم آنها را از ادارات اخراج کنیم ولی اگرما بودجه تولیدی داشته باشیم جلوی بیکاری گرفته میشود. این بیکاری و عدم رضایت بخودی خود سبب میشود صلح بین المللی را در مملکت ما دچار خطر کند. آقای ترومن هم کاملاً با نظر من موافق بودند.

لازم است از وقایع روز 14 آذر هم توضیحاتی خدمت آقایان عرض کنم. روی همان اصل که عرض کردم اگر نفاقی بین نمایندگان مجلس و دولت باشد کمپانی سابق استفاده میکند. اگر اختلافی بین یکدسته از مردم این مملکت باشد خارجی ها هم آن سوء استفاده را میکنند. عده ای اعلان کردند که میخواهند متینگ سیار بدهند و جلوی میدان بهارستان جمع شوند. این اعلان برخلاف مقررات دولت بود زیرا دولت قبل از مسافرت من میدان فوزیه را برای متینگ و اجتماع تعیین کرده بود. همچنین مطابق مقررات سه روز قبل باید به اداره شهربانی خبر میدادند، اما آقایان نه به شهربانی اطلاع دادند و نه حاضر شدند به میدان فوزیه بروند.

ما بوسیله چند بیانیه که آخرین آن در ساعت 11 شب پنجشنبه صادر شد با اطلاع عموم رساندیم که هرکس برخلاف مقررات رفتار کند مورد تعقیب واقع خواهد شد همچنین گفتیم که میدان فوزیه میدان متینگ است و حق تظاهرات در غیر این نقطه را ندارند و بعد نقشه دانشگاه را آوردند و شش خیابان مربوط به دانشگاه قرار شد تحت نظارت قوای انتظامی قرار بگیرد و همین طور هم شد و بواسط اقدامات آقای وزیر جنگ که من از ایشان خیلی ممنونم و همچنین وزارت کشور همین طور اقدام کرد و قرار شد عده ای پاسبان و نظامی روز پنجشنبه این نقاط را تصرف کنند. من نمیخواهم از رئیس دانشگاه که در واقعه یک ماه قبل میبایست از تشنج دانشگاه جلوگیری میکرد گله کنم ولی در این باب تصمیم گرفتم از تشنج جدا جلوگیری کنم.

ولی عده ای دیگر وارد خیابان شاه آباد شدند و در جلو مجلس تظاهراتی کردند که منجر به این شد که آنها را متفرق کنند و بالاخره

یکی از صاحب منصبان شریف این مملکت کشته شود. من می‌خواهم بگویم که اگر این آقایان متینگ دهندگان وطن پرست هستند نباید در این موقع که دولت وارد انجام یک امر مهمی است به تظاهر پردازند. بنابراین اگر به بعضی از آنها اگر چه صدمه ای هم رسیده باشد به هیچوجه متأسف نیستم. باید نظامات اجرا شود این دولت هیچ وقت موافق آشوب طلبی نیست و قویا هرکس را که مخالف انتظامات باشد تنبیه و به محاکم صالحه تحویل می‌دهیم. بعد از ظهر روز پنجشنبه اتفاقی رخ داد که به هیچ وجه موافق میل دولت نبود و باعث تأسف است. البته در هر مملکتی ممکن است اتفاقاتی بیفتد ولی اگر دولت مرتکبین را تنبیه نکرد آنوقت جای ایراد است.

می‌خواهم عرض کنم که قضیه بعد از ظهر 5 شنبه قضیه ای غیر مترقبه و غیر منتظره بود. به دولت نمیتوان گفت چرا بعد از ظهر 5 شنبه یک عده اوباش جمع شده و غارت کردند و دولت خیلی از این پیش آمد متأسف است و چند نفر از قضات محترم را مأمور کرده است که در شهربانی مشغول تحقیق بشوند. من از آقایانی که خسارت دیده اند تقاضا میکنم نمایندگان خود را بفرستند و خسارت خود را تعیین کنند تا جبران شود.

آقایان دولت تابع مجلس است. این دولت با یک رأی می‌آید و با یک رأی می‌رود من از آقایان اقلیت تقاضا دارم مطالب خود را به اکثریت مجلس ثابت کنند اگر دولت قصوری نموده آقایان میتوانند با ورقه کیود برکنارش کنند. من خدا را شاهد میگیرم که به هیچوجه مایل نبودم دردوره انتخابات باشم و می‌خواستم حق انتخاب با کسی باشد که سواد داشته باشد ولی این وضع انجام نشد.

من روزاولی که خدمت اعلیحضرت مشرف شدم گفتم راجع بمجلس مؤسسان استدعا میکنم این کار تأخیر شود و تقاضا کردم دو لایحه به مجلس داده شود یکی راجع به مطبوعات و دیگری راجع به انتخابات.

اعلیحضرت فرمودند منصورالملک را میفرستم منزل شما اینکار را مطالعه نموده و اقدام کند. لایحه مطبوعات با مشورت آقایان روزنامه نویسان تنظیم شد ولایحه انتخابات را خود تنظیم کردم. بنده دو لایحه برای انتخابات تهیه کرده ام که در بلوکات همان قانون سابق اجرا شود ولی در شهر ها بتوانیم از اصل چهارم قانون انتخابات برای افزایش عده نمایندگان که 64 نفر به عده نمایندگان اضافه شود استفاده کنیم

وازشخاص با سواد برای گرفتن تعرفه استفاده کنیم و برای هیچ کس ضرری نداشت و هر دو دسته میتوانستند انتخاب شوند و اشخاص شهر نشین راضی شوند ولی متأسفانه لایحه بصورتی درآمد که تصویب نشد، در آن دخالت هائی کردند و نوشتند تمام رأی دهندگان بایستی با سواد باشند، بنده نمیتوانم در این باب عرضی بکنم ولی خدا را به شهادت می طلبم که درانتخابات این دوره نمیخواستم دخالت کنم. ولی قضیه نفت سبب شد که بیایم و ناچار درانتخابات هم دخالت کنم. بیشتر از آن جهت درامریکا ماندم که شاید کار نفت تمام شود که در موقع انتخابات نباشم.

اکنون وجدانا فکر میکنم و می بینم اگر من بروم و این کار نفت مطابق مرام ملی ایران انجام نشود لعنت ابدی برای من خواهد بود و خواهند گفت تو آمدی کاری را شروع کردی و آن را خراب کردی ، بنابراین تا نفسم درمیآید میمانم تا کارنفت را خاتمه دهم. حالا اگرآقایان تصور میکنند از من کاری ساخته نیست یک رأی عدم اعتماد بدهید من هم میآیم و روی همه آقایان را میبوسم و میروم.

در خاتمه لازم است عرض کنم که ماده 7 اجرای ملی شدن صنعت نفت به مصرف کنندگان سه سال اخیر برای استفاده از منابع نفتی ایران مقدم دانسته ولی هیأت مختلط به من نوشتند دولت مختار است بهر کس که میخواهد نفت را بخرد با مدت و یا بی مدت معامله کند. من فردا به سفارت خانه هائی که در تهران هستند می نویسم که اگر تا ده روز دیگر آمدند و با دولت معامله کردند که معامله میکنیم وگرنه دولت میتواند هرکس خواه با مدت یا بی مدت خواست نفت بخرد معامله کند. البته آقایان محترم راضی نخواهند شد که شرکت سابق نفت این ملت کهنسال را به روزسیاه بنشانند ودرمضیقه بگذارد و به روزی دربیآورد که هرچه آنها میگویند قبول کند و من این مسأله را به وجدان آقایان واگذار میکنم و دیگری عرضی ندارم

اظهارات سخنگوی دولت

آقای دکترفاطمی معاون سیاسی و سخنگوی دولت، امروز در مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

امروز متن نامه ای که به امضای آقای دکترمصدق نخست وزیربه سفیر یا کاردار و یا وزیر مختار وکشورهای که درتهران هیأت نمایندگی دارند ارسال شده است. برای اجرای ماده هفتم از قانون طرز اجرای اصل

ملی شدن صنعت نفت درسراسرکشور مورخه دهم اردیبهست 1330 دائر براینکه کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس وایران هر مقدار نفتی را که از اول سال 1948 تا تاریخ مارس 20 1951 از آن شرکت سالیانه خریداری کرده اند میتوانند ازاین بعد هم بنرخ عادله بین المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر درصورت تساوی شرایط خرید حق تقدم خواهند داشت. و در تاریخ 10 تیر 1330 به موجب دستور هیأت مختلط نفت و هیأت دولت از طرف هیأت مدیره موقت شرکت ملی نفت ایران ضمن آگهی مراتب به وسیله مأمورین دولت شاهنشاهی در خارجه باطلاع مشتریان سابق نفت ایران رسید ولی تا انقضای مدت معین هیچ یک از آنان پیشنهادی نداده و مراجعه ننموده اند.

گرچه با این ترتیب دیگر مطابق قانون حقی برای آنان باقی نیست معهذا دولت ایران برای ابراز مزید حسن نیت لازم دانست بار دیگر موضوع را به آن سفارت کبرا برساند تا به دولت متبوعه خود اطلاع دهند که اگر افراد یا شرکت هائی که تابعیت آن کشور را دارا میباشند ازتاریخ وصول این نامه تا ده روز برای معامله خرید نفت مراجعه نکنند دولت ایران آزادی عمل جهت فروش نفت بهر مشتری که تقاضا کند خواهد داشت و در این صورت حق تقدمی که درصورت تساوی شرایط برای خریداران سابق منظور شده بود دیگر موردی نخواهد داشت.

نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

24 آذر 1330

پیام نخست وزیر راجع به انتخابات

هموطنان عزیزم افتخار میکنم که متعاقباً روزی با شما صحبت میکنم که سرلوحه روزهای سال و مبارک ترین ایام جهان است زیرا روز ولادت پیامبراسلام ونجات دهنده بشر ازشرک ونفاق است. این روز را تبریک میگویم و برای انتخابات دوره هفدهم آن را طلیعه سعادت دانسته و به فال نیک میگیرم.

هموطنان عزیز این پیام در شبی به شما میرسد که فردا در قسمت مهمی از کشور انتخابات عمومی آغاز میشود. شانزده دوره از مجلس ایران سپری شده و در تمام طول نیم قرن مشروطیت ایران هیچ وقت یک چنین فرصتی نصیب ملت ایران نشده که آزادانه و بدون دخالت

عوامل داخلی و خارجی شالوده بنای سعادت و حیات سیاسی و اقتصادی خود و نسل های آینده را بریزند. گاهی فرصت های دقیق و حساس نصیب اقوام و ملل میشود که اگر با هوشیاری و نظم و وحدت کلمه از آن حسن استفاده شود بدون شک جریان تاریخ و سیرزمان را به نفع خویش عوض میکنند و به قرن ها محرومیت و ناکامی و بدبختی خاتمه میدهند.

هیچکس منکر فرهنگ کهن و تمدن درخشان و افتخارات گذشته ایران نیست. هر کتاب تاریخی را که ورق بزنند از هوش و لیاقت و استعداد پدران ما مشحون است. به موزه های دنیا که نظر می افکنند بهتر و روشن تر میتوانند به میزان نبوغ و هوشمندی و شخصیت نیاکان ما واقف شوند.

اگر حوادثی چند مانع ترقی و پیشرفت ما شده و اگر بی لیاقتی و طمع ورزی بعضی از عناصر مؤثر مملکت مجال خرابکاری و سوء استفاده به دیگران داده هرگز نباید دلیل این فرضیه غلط بشود که روح فعال و احساسات پاک و افکار روشن ایرانی برای همیشه محو و بی اثر شده است. اشتباه سیاست هائی که میخواهند شرق همیشه مطیع و اسیر آنها باشد این است که گمان میکنند فشارها و زجرها و سختی هائی که به این ملل وارد آورده اند کافی است که لااقل برای چند قرن دیگر خاورمیانه و نزدیک درسکوت و خمود بسر برند و هوس زندگی انسانی نکنند و تا زمانی که اقویا بخواهند در حال عقب ماندگی و ناتوانی و ضعف مغرط باقی بمانند.

اگر حافظه شما یاری کند بخوبی میتوانید حوادث چند سال اخیر را مثل پرده سینما از زیر نظر بگذرانید و مبارزات دو سه ساله اخیر خود را نیز جلو چشم بیاورید و آنگاه قضاوت کنید که چه راه دور و درازی را پیموده و از کجا به کجا رسیده اید. پرده پوشی را کنار میگذارم و صریح میگویم که اراده بیگانگان در امور کلی و اساسی ما دخالت عمده داشت و جنگالهای خون آلود استعمار تا مغز و قلب ملت ایران رسوخ کرده بود.

این یأس و ناامیدی و حالت غیرعادی که مملکت را بسقوط و بدبختی تهدید میکرد اگر دوام پیدا نموده بود و اگر کوشش مردانه و توجه عامه در قطع دست اجانب و عمال آنان همت به خرج نمیداد بعید نبود که استقلال مملکت بکلی از میان برود و حقیقتا جا داشت که نسل های

بعدی ما را مسؤول انقراض و انحطاط کشور بشناسد و بی حسی فرزندان امروز موجبات شرمساری و خجالت نسل آینده را فراهم آورد.

من تصدیق میکنم که جماعتی همیشه سعی میکردند که با فساد مبارزه کنند ولی تلاش های کوچک و کم اثر کافی نبود که آنها ریشه کن کنند. انتخابات گذشته درحالی که سرنوشت آینده ایران درتاریکی عمیقی فرو رفته بود شروع شد ولی مبارزه دلیرانه و سر سخت مردم تهران که با کمال تهور و شهامت از حقوق مشروع خود دفاع کردند آن روزنه امیدی را که جامعه همیشه در انتظار آن بود پدید آورد و متجاوزین به آراء مردم شکست خوردند و جبهه ملی با آنکه تشکیلات وسیع و عمیق نداشت پیروز شد.

این فتح ملی امیدواری و دلگرمی مردم را آفزون ساخت و آنها را به تأیید و تقویت نمایندگانی که به مجلس فرستاده بودند وادار کرد. مبارزه آشتی ناپذیر نفت که از دوره 14 و 15 آغاز شده بود از اول این دوره قوت گرفت و نورانی ترین صفحات جهاد مقدس یک ملت دلیر و شجاع در طول 25 ماه گذشته تکوین گردید. ملل دیگر که بیش از نیم قرن دچار زحمت شده و خون جگر حوذه اند هنوز موفقیتی را که شما در این مدت کوتاه بدست آورده اید پیدا نکرده اند. شما در راه تحصیل این موفقیت بر اثر موقع شناسی زجر و مرارت زیاد متحمل نشده و این راه را که در زمان عادی پیمودنش خالی از وحشت و اشکال نبوده است درحساس ترین اوقات با قدمهای مطمئن و با شجاعت و جسارت با حساب طی کرده اید اکنون قدم های آخر را به سوی موفقیت باید برداشت و قدم آخر این موفقیت انتخابات دوره هفدهم میباشد.

آنچه را دولت با هدف تأمین آزادی و تضمین این مسلم ترین حق مشروع جامعه در اختیار داشت و دارد با نهایت خلوص و صمیمیت انجام داده و میدهد. مأمورین مؤثر ولایات را با آنکه نقل و انتقال آنها خالی از اشکال نبود به سرعت تعویض کرد و دست هائی را که میخواستند از راه نفوذ در دوایر دولتی جلوی آزادی عمومی را بگیرند پدین صورت قطع نموده. من مصمم بوده و هستم که بهر قیمت شده آنچه را از پشت تربیون مجلس شورای ملی به مردم گفته و وعده داده ام به مرحله اجرا و عمل درآورم و هر خطری را که در این راه وجود داشته باشد با جان و دل استقبال کنم. من تشخیص داده ام که بدون یک مجلس ملی که مظهر اراده و تمایلات اکثریت مردم ایران باشد نه تنها کاری از پیش نخواهد رفت و کوشش های بی ریا و صادفانه ملت به باد فنا میرود

بلکه بدون چنین مجلسی موجودیت و استقلال وطن ما در مخاطره عظیم قرار خواهد گرفت.

این انتخابات در سرنوشت فردای مملکت بقدری مهم و مؤثر است که اگر کسی در دادن رأی یا در اظهارنظر و ابراز عقیده اهمال و مسامحه کند و یا با بی اعتنائی و لاقیدی این وظیفه وطنی را برگذار نماید به خانواده و شهر و کشور خود ظلم و ستم روا داشته است. مردمان پاک و وطن پرست که سابقه کار و طرز رفتارشان با خدمت گذاری و صراحت و مبارزه با نفوذ اجنبی توأم است از هر دسته و طبقه ای که باشند خواهند توانست مظهراراده ملت فداکار و قهرمان ما قرار گیرند.

درنظر من همه مردم خدمتگذار و صمیمی به مصالح این آب و خاک یکسان هستند و دولت در موقع انتخابات وظیفه ای ندارد جر اینکه آراء عمومی را از دستبرد و چپاول و تعویض صندوق ها حفظ کند و محتاج به ذکر نیست که دولت برای انتخابات نامزدی ندارد. هر کس را که مردم انتخاب کنند و رأی اعتماد خود را به او بپردازند مورد علاقه و احترام قلبی این دولت است و تنها آرزویی که من در ایام آخر عمر خود دارم این است که موفق بشوم انتخاباتی را که پنجاه سال در راه تحصیل آزادیش مبارزه و مجاهده کرده ام به بهترین صورت به پایان برسانم.

هموطنان عزیز ، حق دارم که برای نیل به یک چنین افتخار و خدمت ملی دست توسل و کمک بسوی شما دراز کنم و از صمیم قلب درخواست نمایم که با حفظ نظم و آرامش رعایت آزادی دیگران و احتراز از ماجراجویی و تشنیت در ایامی که دنیا نگران طرز رفتار و نحوه این انتخابات است نگذارید کاری شود که دشمنان ما موجبات سر شکستگی و شرمندگی ما را فراهم کنند و دشمنان کینه توز ما فریاد برآورند که ملت ایران آماده برای قبول آزادی نیست.

رعایت نظم و ترتیب و عدم تشنیت و تفرقه باید منظور نظر باشد. به خصوص در این موقع که دشمنان مملکت میخواهند بین ما نفاق و تفرقه ایجاد کنند و حوادثی بوجود آورند که ملت ایران را از نیل به مقصود محروم نمایند.

هموطنان عزیز آرزوی من این بود که طرح اصلاحی انتخابات که در دوره 14 تقدیم مجلس نموده ام در این دوره به تصویب برسد و انتخابات برطبق آن صورت گیرد و چون این طرح به تصویب نرسید هیچ میل

نداشتم با قانون فعلی کار انتخابات را به عهده گیرم ولی کار نفت هنوز به انجام نرسیده و حریف ما پیوسته امیدوار است وضع را دگرگون کند و با اعمال نفوذ در انتخابات نگذارد نمایندگان حقیقی مردم به مجلس هفدهم بروند تا بدین وسیله بتواند هر منظوری دارد در دوره آینده عملی کند، به این دلیل وظیفه ملی خود دانستم که انتخابات را با همه مشکلات آن به انجام رسانم و با تمام قوا برای تأمین آزادی ملت ایران در انتخاب نمایندگان خود مجاهده کنم. امیدوارم به کمک و همت شما نمایندگان حقیقی ملت به مجلس هفدهم بروند و نقشه های حریف نقش بر آب شود و امید هر نوع نفوذ و مداخله اجنبی در امور داخلی ما در آینده قطع گردد.

درپایان این گفتار بار دیگر لازم میدانم تصریح کنم که هر یک از مأمورین کشوری و لشگری اگر کوچکترین مداخله نامشروع در انتخابات بکنند یا اعمال نفوذ و توصیه در حقی که مربوط به آحاد و افراد مملکت است بکار برند به شدیدترین مجازات قانونی خواهند رسید و بلافاصله در هر طبقه و مقامی باشند تسلیم محاکم میشوند. یقین دارم در پناه حفظ انتظامات و آرامش واقعی ملت رشید و عزیز ایران در ایجاد یکی از درخشان ترین ادوار تقنینیه توفیق کامل خواهند یافت. این نکته را نیز اضافه میکنم که ماجرا جوئی و تهدید آزادی مردم و تطمیع ازطرف هرکس و هرجمعیت که باشد وظیفه مأمورین انتظامی است که با کمال قدرت از آن جلوگیری نمایند و راه ابراز رأی آزاد را برای همه مردم هموار سازند.

شروع انتخابات در روز 26 آذر

ساعت 9 و ربع روز 25 آذر 1330
امروز آقایان قضات دادگستری که به سمت بازرسان قضائی انتخابات استان ها و شهرستانها طبق قرعه تعیین شده بودند درمعیّت اعضای شورایعالی انتخابات، آقای اخوی دادستان کل و آقای امیرعلائی وزیر دادگستری و آقای دکتر فاطمی معاون نخست وزیر در منزل آقای نخست وزیر حضور یافتند. نخست آقای نخست وزیر تصویب نامه انتخابات را قرائت نمود و اظهار داشت من بسیار خوشوقتم که از میان قضات پاکدامن دادگستری عده ای را برای انجام بزرگترین خدمت ملی

به قید قرعه برگزیده شدند و امروز برای نظارت در قانونی که با سرنوشت مملکت ما تماس دارد و حقوق آحاد مردم در آنجا تضمین و تأمین است به ولایات اعزام میشوند.

آقایان مورد اعتماد مردم و افکار عمومی هستید و به همین جهت به خدمتی مأموریت پیدا میکنید که رابطه مستقیم با افکارعامه دارد من یقین دارم که برای انجام این وظیفه بزرگ ازهرگونه مجاهدتی دریغ نمیکند و این مأموریت را آن طوری که هم میهنان شما انتظار دارند از روی کمال وجدان و عدالت و قانون انجام خواهید داد.

آقایان محترم، اگر حسن نیت باشد همه کارها به آسانی حل میشود و مشکلات را یکی بعد از دیگری ازپیش پای خود برمیدارید و اگرخداى ناکرده حسن نیت در میان نباشد هیچ کاری برفوق مصالح مملکت و مردم انجام نخواهد شد. درایران قوانین برای همه کار هست اساس مطلب این است که صلحا مأمورین اجرای قوانین باشند آنوقت بدون تردید در تمام شئون مملکت اصلاحات انجام میشود ولی با مجریان فاسد و بد بهترین قوانین مضرتین نتیجه را خواهد داد. ما اگر بخواهیم با افتخار و استقلال و سربلندی زنده بمانیم نباید از کشته شدن بترسیم ، خدا میداند خود من هر وقت از خانه بیرون میروم امید بازگشت بخانه را ندارم زیرا ازروزی که قبول مسؤولیت کردم با تشخیص این بوده که در راه انجام وظیفه و خدمتگزاری همیشه انواع خطرات موجود است.

اعتراضات مجدد نمایندگان اقلیت

تیمورتاش ، نظر باینکه امروز 26 آذر انتخابات دوره هفدهم قانون گذاری شروع میشود و دولت اعلام کرده که رادیو برای تبلیغات انتخاباتی در اختیار همه دستجات گذارده میشود نمایندگان اقلیت و مدیران جراید مستقل پایتخت که در مجلس شورای ملی متحصن میباشند تقاضا دارند ساعتی برای فردا شب تعیین وقت کند که آقای جمال امامی به نمایندگی آقایان متحصنین در مجلس مبارزه انتخاباتی را افتتاح کند و یک ساعت وقت رادیو در اختیار نماینده اقلیت باشد و بعد از آن هم در تمام مدت انتخابات هر شب یک ساعت وقت برای تبلیغات انتخاباتی نمایندگان اقلیت تخصیص داده شود.

در جلسه گذشته عرض من در مورد ارمغانی بود که آقای دکتر مصدق از شورای امنیت برای ما آوردند آن روز دو نفر از آقایان راجع به این

مسأله اعتراض کردند و گفتند ما صلاحیت دیوان لاهه را به رسمیت نشناختیم ولی بعد فرمودند که ما تصور کردیم که اگر خودمان برویم و راجع به عدم صلاحیت دفاع کنیم مؤثر تر است لذا تصمیم گرفتیم به لاهه برویم. بنظر من دیوان لاهه محکمه ای است که آن رأی ظالمانه را در مورد ما صادر کرده است. بعد آقایان رفتند به شورای امنیت و از حقوق ما دفاع کردند.

ما از این بابت متشکریم ولی چیزی را که برای ما ارمغان آوردند این است که همان محکمه ای که صلاحیت آن را رد کرده بودیم دوباره مأمور رسیدگی به کار ما شد. من میدانم چه حوادثی پیش آمده که ما باید تصورکنیم که دیوان بین المللی دادگستری این بار به نفع ما رأی خواهد داد.

آقای دکتر مصدق چندی قبل فرمودند که نقش انگلیس ها این است که با تضعیف مالی ما را به زانو درآورند و بعد فرمودند که ما 4 ماه وقت داریم تا در عرض این مدت کار نفت را تمام کنیم. من از جناب پیشوا میپرسم با وجود چنین اعترافی چطور شده که ایشان موافقت فرموده اند که مدتی جلسه دیوان لاهه به تأخیر افتد تا این 4 ماه زودتر تمام شود و ما از لحاظ اقتصادی به زانو درآئیم؟

من و رفقای من از روز اول به ملی شدن نفت رأی دادیم زیرا تنها راه برای از بین رفتن قرارداد 1933 ملی شدن نفت است. من نفهمیدم چه شد که تا چند ماه خلع ید عملی نشد تا آنکه آقای مکی به خوزستان رفتند و خلع ید نفت را عملی کردند و نمیدانم عرض این مدت انگلیس ها چقدر نفت خام ذخیره کردند؟ به نظر من تغییر ماده 7 قانون ملی شدن نفت سیاست کلی کشور را دگرگون میسازد. حق بود که آقای دکتر مصدق میآمدند و می گفتند ما میخواهیم سیاست کشور را عوض کرده و خود را به بلوک شرق و جبهه کمونیسم نزدیک کنیم.

در دوره چهاردهم کافئارادزه پیشنهادی برای امتیاز نفت شمال داد و یکی از افتخارات دکتر مصدق این است که با این پیشنهاد مخالفت کرد و نگذاشت که این پیشنهاد تصویب شود. آیا امروز ایشان میفرمایند ما باید با شوروی معامله کنیم و بلوک شرق را در سرنوشت خود مداخله دهیم؟

من از ایشان تقاضا میکنم نفت را همان طور زیر زمین دفن کنند و اجازه ندهند کشور ما به طرف کمونیسم سوق داده شود.

همه آزادخواهان جهان این جمله را میدانند که « ما به اراده ملت به اینجا آمده ایم و جز با زور سرنیزه از اینجا خارج نمیشویم » این جمله میرابو پدر آزادی فرانسه است. اما بعد اسنادی بدست آمد که گوینده این جمله با لونی شانزدهم مظهر استبداد فرانسه بند و بست داشت و به همین جهت ملت فرانسه جسد او را آتش زد. حالا من امیدوارم دربین ما میرابو وجود نداشته باشد.

شوشتری ، میگویند چون نمیگذارند وکلای اقلیت وکیل بشوند آنها متحصن شده اند. این موضوع صحیح نیست و ما نفع شخصی را در نظر نداریم. ملت ایران که به رشد سیاسی و ملی خود رسیده قضاوت صحیح خواهد کرد. آقای دکتر مصدق از روزی که نخست وزیر شده تمام قدرت خود را برای فتنای منتقدین بکار برده است. ما میگوئیم در عرض 8 ماه حکومت مصدق غیر از حرف و هوچی گری چیزی تحویل نگرفته ایم. ما مدتی صبر کردیم و بعد که فهمیدیم عمل آقای مصدق با حرفشان منطبق نیست ناچار گرد هم جمع شدیم و علیه ایشان قیام کردیم.

قبل از عزیمت به ایشان به امریکا ما سکوت کردیم و دم فرو بستیم. پس از مراجعت ایشان و اظهارات بی اساس ایشان ناچار سکوت را شکستیم و مبارزه را آغاز کردیم زیرا بیم آن میرفت که عظمت ایران بدست این مرد مرموز درهم شکسته شود. شما را بخدا جواب ایشان در روز سه شنبه آیا با سؤالات ما وفق میداد؟ مگر ما پرسیده بودیم شما در امریکا چه کرده بودید؟ بنده روز اول گفتم که ایشان اهل کار نیست ، کار مثبت عقل سلیم و از خود گذشتگی لازم دارد. این آقا فقط وجاهت خود را میداند. آیا در عرض این 8 ماه غیر از تهی شدن خزانه مملکت و خرج چهارده میلیون لیره و هشت میلیون دلار و ترویج هرج و مرج و نفاق و شقاق کار دیگری کرده است؟

مصدق همشیره زاده فرمانفرما هرچه میخواهد بکند و روزی نامه های او هرچه میخواهند بنویسند ولی ما روزی مبارزه را شروع کردیم که هنوز صحبت از انتخابات نبود. اگرما فکر انتخابات درسر داشتیم از همان روز اول به این دولت می چسبیدیم. برای برگشت افکار و انحراف مردم از نفت مصدق موضوع انتخابات را پیش کشید و سعی کرد وکلا را در

خوف و رجا نگه دارد. ما مردم را بیدار خواهیم کرد و به عموم مجامع بین المللی اثبات خواهیم کرد که انتخابات دوره هفدهم برخلاف قانون و روی آزادی نیست.

مصدق و آقای کاشانی میخواستند افرادی را منصوب بنمایندگی نمایند. من ممکن است یکی چند روز به حوزه انتخاباتی و سایر نقاط بروم و اسناد مداخله را جمع آوری نموده و در دسترس دنیا بگذارم. بیان ایشان در جلسه قبل طوری بود که از واقعه پنجشنبه 14 آذر متأسف نیستند. آیا این عمل با مملکت داری و مسلمانی وفق میدهد؟

آقای دکتر مصدق من بخاطر دارم که تقریباً 30 سال قبل آقای خلیلی در روزنامه اقدام مقاله ای نوشته بود و در آن مقاله انحراف شما را به استناد کتابی که نوشته بودید از توحید ثابت ساخته بود شما در آن تاریخ به عده ای از علما متوسل شدید که فایده نخبشید بالاخره به آقای سید اسدالله خرقانی متوسل شدید و آن مرحوم خواست ماست مالی کند ولی نتیجه نداد چون در این تاریخ اطلاع پیدا کردید کتاب شما را بدست آورده اند و میخواستند مردم را به افکار و حقایق شما آشکار سازند پیشدستی کردید که مبدا انتشار کتاب شما را به جامعه معرفی سازد.

آقای دکتر مصدق آشنایان به دوران شما شاید هنوز از سابقه شما و ریاست مالیه شما در خراسان اطلاع داشته باشند ، مگر شما همان کسی نیستید که با وکیل الملک پدر مرحوم علی اکبر دبیر سهرابی همدست شده و با شیخ محمد نام رزاز نوکر مرحوم سید علی اکبر مجتهد تفرشی اسناد و فرامین قراء قوچان را مثل قریه فرجواز و هی هی و غیره که مرحوم امیر سهرابی 7 سال قبل از فوتش با ارشاد اینجانب به مرحوم اسدی صلح کرد و آن مرحوم وقف برای ساختن بیمارستان نمود جعل نمودید.

مگر شما برای آقاخان محلاتی پدر آقاخان فعلی نشان و حمایل و فرمان مخصوص نفرستادید؟ و وقتی مظفرالدین شاه باین عمل واقف شد شهرت یافت که میخواست دست شما را قطع کند و با توسل به مرحوم سید علی اکبر تفرشی شاه از شما صرفنظر کرد و در جلو تخت مرمر به فلک بسته شدید و چوب نخوردید و تبعید به فرنگستان گردیدید؟ آیا هیچ فکر میکردید من در تمام زندگانی سیاسی و آشنائی شما حاضر نشدم حتی یک مرتبه در خانه شما قدم بگذارم برای چه بود؟ برای

اینکه ازپیر مردان و معتمدین مکرراین قصه و قصه های دیگر را از شما شنیده بودم.

دیروز عده زیادی از مردمان محترم که بدیدن آقای جمال امامی و متحصنین آمده بودند آقای محترم فاضلی که با شما دو سال قبل در دربار تحصن بسته بود صریحا اظهار داشت شما در مدت تحصن در دربار حتی یک مرتبه نماز نخواندید. آقای مصدق شما نماز نمیخوانید و خیال میکنید ما آنرا فراموش کرده ایم؟ هر قدر میتوانید سلب آزادی از ما بنمائید ما هم ناچاریم شما را به مردم معرفی کنیم. اسنادی از شما در نزد آقای جمال امامی موجود است که همه اصرار دارند فاش شوند و در مجلس بخوانند ولی دیشب ایشان صریحا فرمودند من از خارجی ها خجالت میکشم که نخست وزیر ایران را با این اسناد معرفی کنم.

آقایان نمایندگان ، شما نطق دکتر مصدق را در رادیو شنیدید با هر بیان فریبنده و شیرین بود ولی شما را به خدا آیا سزاوار بود آقای مصدق نمایندگان مجلس شانزدهم را که به اتفاق کلمه به ملی شدن نفت رأی دادند وکلای تحمیلی خطاب کنید؟ درآینده مردم ایران قضاوت خواهند کرد که انتخابات ایشان چه صورت داشته آیا آزاد بوده یا انتصابی؟

دکتر شایگان ، من از اقلیت متشکرم که درباب یک مسأله مهم مملکتی خواهان توضیح شده اند و آن مراجعه به دیوان دادگستری بین المللی است. درباب شورای امنیت آقایان محترم نمایندگان اقلیت گفتند ما نتیجه ای از شورای امنیت نگرفته ایم. این مطلب اشتباه است. تقاضائی که دولت انگلستان از شورای امنیت کرده بوداین بود که آن چیزی که به عنوان اقدام تأمینیه از طرف دیوان بین المللی تعیین شده بود آن را دستور اجرا بدهد و بعد هم که بعون الله ما موفق شدیم انگلیس ها را اخراج کنیم در آن تغییر داده و گفتند صرفنظر از این قسمت بقیه اقدامات تأمینیه را شورای امنیت دستور اجرا بدهد. و اما آنچه را که ما میخواستیم این بود که شورای امنیت این مطلب را رد کند و بگوید در صلاحیت ما نیست.

اول کاری که شورای امنیت کرد این بود که خواسته دولت انگلیس را رد کرد ولی از آن جایی که طرفدار زیادی داشت و خود شورا نمی توانست رسماً علیه آنها رأی دهد آمد و رائی داد که برای انگلستان نفعی نداشت ولی برای ما مفید بود. یعنی فرمولی پیدا کرد و گفتند تا

وقتی که دادگاه بین المللی دادگستری در باب صلاحیت خود اظهار نظر نکرده ما این قضیه را مسکوت میگذاریم. آنها که به جریانات بین المللی آشنا هستند میدانند که با این رأی چه پیشرفت عظیمی نصیب دولت ایران شده و حال شاید بفرمائید که چون من طرفدار دولت دکتر مصدق هستم این امر را عرض میکنم ولی این طور نیست و خود آمریکائی ها در مجلات و روزنامه های خود نوشتند که دکتر مصدق فاتح شد و انگلستان شکست خورد.

مجله لایف همان روز عکس دکتر مصدق را کشید و با یکی از خنده های عمیق مخصوص به خود ایشان و بعد هم عکسی از سر گلادوین جپ کشید که بسیار متأثر است و بعد زیر آن نوشته بود که دکتر مصدق از رأی شورای امنیت خندان و جپ گریان است و اما راجع به دیوان دادگستری بین المللی که مطالب در این امر برای اقلیت روشن نیست.

اقدام دولت در مرحله اولی و آخری یکی نبوده است. بایستی عرض کنم که دولت مصدق در سیاست داخلی و خارجی خود مایل به استتار نیست و میل دارد تمام نمایندگان ملت از آن مطلع شوند. در مرحله اولی که این قضیه شکایت انگلیس به دادگاه لاهه پیش آمد ما خوف داشتیم با تسلطی که دولت انگلیس در مؤسسات بین المللی دارد ممکن است از آن مؤسسه رأیی صادر شود که مضر با ملی شدن نفت باشد و این ترس باعث شد که ما بگوئیم به هیچ نحو از انحاء در کار دیوان شرکت نمیکنیم ولی ضمناً برای اینکه حرف حق خود را هم به سمع قضات دادگاه رسانیده باشیم آمدم و با از خود گذشتگی کامل و کمی وقت دلایل خود را نوشتیم و آنرا با دو دلیل قوی یکی راجع به عدم صلاحیت محکمه و دیگری راجع به عدم اهلیت مدعی فرستادیم برای دیوان و چون ما را غافلگیر کرده بودند ما تصمیم گرفتیم که یک شخص مطمئنی دلایل ما را زودتر به لاهه برود و خودش هم شفاها با قضات صحبت کند. بعد از این اقدام دادگاه نهایت بی انصافی را کرد و قرار داد صادر کردند که بالاتفاق تصویب نشد چون بی عدالتی کرده بودند. در مورد اینکه آیا ما باید میرفتیم در دادگاه شرکت میکردیم یا نمیکردیم بحث درازی شده است. عده ای میگویند اگر ما میرفتیم و دفاع میکردیم و این رأی صادر میشد و بعد آنرا اجرا نمیکردیم به ضرر ملت ایران تمام میشد. اما دسته دیگر میگویند اگر شرکت کرده بودیم و دلایل خود را میگفتیم این رأی صادر نمیشد.

اما وضع فعلی با وضع سابق تفاوت کلی دارد، چند اتفاق تازه افتاده که سبب میشود ما برویم و در دادگاه شرکت کنیم. یکی اینکه گفته میشود اولاً امروز خلع ید از آنها شده است. ثانیاً این است که دولت انگلیس اصالتاً و وکالتاً از طرف شرکت نفت ملی شدن صنعت نفت را به رسمیت شناخته است و مطلب سوم این است که به نظر ما تجربه ای هم بدست آمده و در شورای امنیت دیدیم این کار به ضرر انگلستان تمام شد یکی از نظر رأیی که به ضرر آنها بوده و دیگر از نظر اینکه دولت ایران موفق شد مطالب شرکت نفت را به سمع دنیا ارزان و مناسب برساند یعنی کاری را که آقایان میخواستند با میلیونها دلار بکنند با شرکت ما در جلسه شورا عملی شد.

اما این مطلب که آیا این دفعه به دیوان برویم یا نرویم هنوز در بحث است و هنوز هیچ نوع تصمیمی در باب صلاحیت بلکه حتی در امر شرکت هم گرفته نشده است. یک مرحله این است که ما تصمیم بگیریم که آیا باید شرکت کنیم یا نکنیم و چون هنوز تصمیم گرفته نشده آقایان اقلیت ممکن است تشریف بیاورند به هیأت مختلط و نظرات خود را بگویند. اما مرحله دوم این است که تازه اگر شرکت کنیم شرکت ما دال بر شناسائی صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری نیست بلکه شرکت میکنیم تا بگوئیم شما صالح برای رسیدگی به این کار نیستید رأیی که در مرحله اول علیه ایران دادند این بود که اقدامات تأمینیه را ترتیب دادند و حرف ما این بود که میگفتیم آقای محکمه تو حق نداری قبل از تعیین صلاحیت قرار تأمینیه صادر نمایی ولی الان وضع این نیست و امر دایر بر این نیست که آیا اول راجع به صلاحیت حرف بزنند یا امر دیگر بلکه امر دایر بر این است که حالا صحبت از ماهیت دعوا در میان است و طبق آئین نامه دادگاه اول باید در صلاحیت تصمیم بگیرد و بعد وارد ماهیت دعوی شود.

اما درمورد مخارج مسافرت بنده، باز آقایان حرفهائی زدند و گفتند که یکصد و پنجاه هزار تومان خرج کرده ایم ولی من عرض کردم فقط هشتصد لیره بما دادند و الان هم رسید دولت مبنی بر اعاده سیصد لیره بقیه این پول حاضر است که آنرا تقدیم مقام ریاست میکنم.

من شنیدم در اینجا گفته شد که بچه مدیر روزنامه چلنگر را کشته اند من لرزیدم ولی بعد که رفتم و تحقیق کردم دیدم چنین چیزی صحیح نیست و اصلاً حتی در همسایگی مدیر چلنگر هم بچه ای کشته نشده است. صبح روز شنبه من در منزل آقای دکتر مصدق بودم و خبر دادند

که عده ای رجاله ریخته اند در خانه مدیر روزنامه فرمان و آنجا را غارت کرده اند. فوراً من و آقای مکی و آقای دکتر فاطمی رفتیم به خانه آقای مدیر روزنامه فرمان و معلوم شد حتی یک شیشه از خانه ایشان هم شکسته نشده است. بنابراین آقایان حرف حق بزنید تا مردم از شما پیروی کنند.

تمام آقایان میگویند ما میخواهیم ایجاد یک دموکراسی صحیح بکنیم. این اقلیتی که میخواهد حکومت کند یا باید اختیار و قدرت خود را از دیکتاتور بگیرد و حکومت را بدست یک قلدر بسپارد که ملت ایران آنرا رد کرده و آقایان هم این را قبول ندارند یا اینکه بسوی یک طرز حکومت دیگر روند و قدرت را از ملت بگیرند کسی که میخواهد از ملت قدرت بگیرد باید در رفتار و کردارش محتاط باشد. تمام ملت فیلسوف و عالم نیستند و شما باید مردم را نگهدارید. شما نباید به ملت فحش بدهید. شما درس خوانده هستید، شمائى که میخواهید این ملت پشت سر شما باشند حق ندارید احساسات این مردم را جریحه دار کنید. شمائى که میخواهید استفاده از آراء مردم بکنید بایستی با تمام هوش و ذکاوتی که دارید از مردم بد نگوئید. ما هم اقلیتی بودیم در برابر حکومت رزم آرا، اگر من مقوائی با رزم آرا مبارزه میکردم برای این بود که وقتی از اینجا بیرون میرفتم مردم مرا روی دست بلند میکردند. شما که نه مردم را قبول دارید نه حکومت را پس با کدام قدرت میخواهید حکومت کنید؟

28 آذر 1330

نامه نمایندگان اکثریت به رئیس مجلس

چون در جلسه اخیر مجلس بعضی از ناطقین اقلیت فعلی اهانت و بی ادبی هائی به یکی از شخصیت های بزرگ عالم اسلام و ایران یعنی حضرت آیت الله کاشانی نموده اند بنابراین امضا کنندگان ذیل مادام که جلوگیری از این قبیل جسارت ها نشود و رفع اهانت به عمل نیاید دیگر در جلسه رسمی شرکت نخواهیم کرد.

5 دیماه 1330

استیضاح دولت

امضا کنندگان زیر دولت مصدق را نسبت به موارد زیر استیضاح میکنیم.

- 1- تخلف از قوانین کشور 2 - سلب آزادی و امنیت از افراد ملت 3- سوء سیاست اقتصادی، 4 - عدم مراعات احترام مجلس شورای ملی

جمال امامی، دولتشاهی، شوشتری، سنندجی، تیمور تاش، فولادوند، پالیزی، پیراسته، غضنفری، پناهی، اعظم زنگنه، مهدوی

8 دیماه 1330

مذاکرات نخست وزیر با سفیر امریکا

نظر به اینکه در هشتم ماه دسامبر یعنی 20 روز قبل موعد قرارداد منعقدہ بین دولتین ایران و امریکا منقضی شده و هنوز دولت ایران نظر خود را برای تجدید یا تمدید قرارداد مزبور به دولت امریکا اطلاع نداده است لذا آقای هندرسن در ملاقات اخیر خویش با آقای دکتر مصدق بدوا نظر دولت ایران را در این زمینه استفسار کرده است.

همچنین آقای هندرسن برای آنکه نخست وزیر از شرایط کمک امریکا به ایران مستحضر گردد متن قانون کمک امریکا را که به تصویب کنگره امریکا رسیده است در اختیار آقای نخست وزیر قرار داده است. بر اساس این قانون کشورهای کمک گیرنده قبلا باید موافقت خود را با شرایط مزبور اعلام دارند تا بتوانند از کمک های امریکا استفاده کنند.

قانون کمک نظامی و اقتصادی امریکا به کشورهای جهان شامل 6 ماده است که دول استفاده کننده ناگزیر هستند کلیه مواد آنرا قبول نمایند و چون در یکی از مواد آن صراحتا اشاره شده است که امضا کنندگان پیمان به منظور حفظ صلح بین المللی باید از محل کمک های امریکا نیروهای دفاعی خود را تقویت نموده و بدین ترتیب به نیروهای تدافعی بین المللی کمک نمایند. لذا آقای دکتر مصدق قبول این ماده را چون خلاف مصالح عمومی کشور دانسته و معتقد هستند اجرای قانون مزبور با استقلال سیاسی ایران منافات دارد و لذا ادامه مذاکرات فیما بین به بعد موکول خواهد گردید.

دلایل رد پیشنهاد از طرف نخست وزیر ایران به دلایل زیر میباشند.

- اول - دولت ایران بنا بر مندرجات منشور سازمان ملل متحد برای مجاهدت در راه تأمین صلح بین المللی تعهداتی دارد.
- دوم - میزان کمکی که امریکا به موجب پیمان مورد بحث به ایران خواهد داد به اندازه ای کم است که حاجتی به قبول چنین تعهدات سنگینی نیست.
- سوم - استفاده دولت ایران از کمک امریکا و قبول هرگونه تعهد منوط به تصویب مجلسین ایران می باشد.

بنا به اظهار سخنگوی وزارت امور خارجه ایران چون مذاکرات فیما بین مقامات ایران و آمریکا در زمینه شرایط استفاده از کمک های آمریکا در مرحله ابتدائی میباشد هنوز نمیتوان درمورد آن اظهار نظر قاطعی کرد.

17 دیماه 1330

اعتراض به طرح نمایندگان اقلیت

تعداد 100 نفر از نمایندگان بازرگانان، اصناف و پیشه وران امروزه عنوان اعتراض به طرح نمایندگان اقلیت در مورد نظارت بر انتخابات با رئیس مجلس شورای ملی ملاقات نمودند. در ابتدای جلسه که به غیر از آقای رئیس آقایان دکتر معظمی، مکی، ملک مدنی، شایگان، حائری زاده، بقائی و محمد علی مسعودی حضور داشتند محمد حسین راسخ افشار از طرف نمایندگان بازرگانان و اصناف اظهار داشت ما آمده ایم تا از تصمیمات گذشته مجلس نسبت به وضع قوانین مفید تشکر کنیم و همچنین متذکر شویم که اقدامات دولت در امر انتخابات تاکنون مورد قبول ملت ایران بوده و اگر احیاناً متصدیانی بوده اند که مورد سوء ظن واقع شده اند آنها را هم تعویض کرده اند.

طبق قانون انجمن مرکزی است که میتواند به صحت و سقم انتخابات نظر بدهد و تاکنون در دنیا قانونی تصویب نشده که به مدعی حق نظارت بدهد. وکیلی که امروز برکرسی مجلس نشسته مدعی است از برای آن کس که میخواهد دوره بعد وکیل شود بنابراین چطور میتوان او را در امر انتخابات حاکم نمود و به او اجازه داد که هر انتخاباتی را دلش میخواهد نقض کند و هر انتخابات دیگر را تأیید نماید؟

آقای مکی اظهار داشت من خیلی خوشوقتیم که ملت ایران بیدار شده و در هر امری از امور کشور اظهار نظر مینماید. البته بازار هم یک واحد سیاسی است که هر وقت خواسته اند مطالب خود را با آقای رئیس مجلس در میان نهاده اند. حربه نماینده در مورد عملیات خلاف قانون دولت باید استیضاح و سؤال باشد نه اینکه در امور اجراییه دخالت کند. ما البته از استیضاح هم نگرانی نداریم زیرا در شرایط کنونی استیضاح موقعیتی بدست دولت داده تا مطالب خود را به ملت ایران بگوید و به او نشان دهد که برای نجات از استعمار یک راه بیشتر در جلو ندارد.

روزنامه تربیون دوناسیون اخیراً نوشته در وزارت خارجه انگلیس دو فکر هست یا آنکه کاشانی مصدق و مکی را ترور کرده و ازین ببرند و یا اینکه بدست سایر مقامات حکومت دیکتاتوری برپا کنند.

نامه رئیس مجلس به نخست وزیر و پاسخ دکتر مصدق

جناب آقای نخست وزیر، چون سه فوریت طرح نمایندگان دایر به تعیین یک هیأت نظارت ازطرف مجلس برای رسیدگی بامورانتخاباتی تصویب شده و اینک باید اصل آن مطرح گردد و از طرف دیگر طبق ماده 116 آئین نامه داخلی هنگام طرح لوایح و طرح ها وزیر مسؤل یا معاون وی باید در جلسه حضور داشته باشند و اینک وزیر کشور مستعفی و معاون ایشان نیز به مجلس معرفی نشده است لذا متمنی است یک نفر را برای حضور در جلسه علنی و شرکت در دفاع طرح معرفی فرمائید.

پاسخ نخست وزیر

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی، نامه جنابعالی عرض وصول ارزانی بخشید و چون در جلسه 19 آذر که بنده برای شرکت درجلسه علنی به مجلس آمده بودم تماشاجیانی با اسلحه در مجلس حضور داشتند که مقصودشان اجرای توطئه علیه اینجانب بوده و برحسب پیش آمد نقشه آنان عملی نشده و اینجانب از آن جلسه جان سالم بدر بردم اکنون هم که حضور اینجانب ضرورت دارد چون انتظامات داخلی مجلس از وظایف آن جناب است تمنا دارم بفرمائید بچه ترتیب امنیت جلسه را تأمین خواهیدفرمود تا پیش آمدی نظیرآن روی ندهد؟

پاسخ رئیس مجلس به نخست وزیر

چون همانطور که گفته شد طبق ماده 116 آئیننامه داخلی رئیس مجلس باید به وزیر مسؤل یا معاون او اطلاع دهد که در موقع مذاکره درباره طرح و لوایح در جلسه علنی شرکت نماید لذا نامه قبلی صادر شد و منظور این بود که جنابعالی یکی از این آقایان را تعیین بفرمائید.

اما راجع به توطئه 19 آذر ماه که اشاره کرده بودید عده ای از تماشاجیان اسلحه داشته اند گرچه خود من در آن جلسه مجلس را اداره نمیکردم ولی طبق تحقیقاتی که بعمل آمده به هیچ تماشاجی با اسلحه اجازه ورود تاکنون داده نشده است و همانطور که در موقع تحصن جنابعالی انتظامات داخلی مجلس که از وظایف اینجانب است حفظ میشد خاطر محترم مطمئن باشد که از این پس نیز هر وقت به مجلس تشریف

بیاورید انتظامات مجلس از هرحجت تأمین بوده وانتظار وقوع هیچ پیش آمد سوئی نخواهد بود.

23 دیماه 1330

نوشتاری از دکتر گریدی سفیر سابق امریکا در ایران

دکترگریدی سفیرکبیر سابق امریکا در تهران که از نزدیک شاهد مبارزه ملت ایران برای ملی شدن صنایع نفت خود بوده است در مجله ساتردی ایونینگ پست در 5 ژانویه در مقاله زیر عنوان « امریکا در ایران چه اشتباه هاتی کرده» نوشته است امروز موقع آن رسیده است که بی پرده بدون هیچگونه ملاحظه درباره اوضاع اخیر ایران صحبت کنم. بحران فعلی آن کشور مهم تر از ملی شدن نفت و از کار افتادن بزرگترین پالایشگاه های نفت جهان میباشد زیرا در نتیجه تحول اوضاع موقعیتی پیش آمده است که هر لحظه ممکن است ایران بدست یک حکومت کمونیست بیفتد و یک کره ثانی بوجود آید.

در این مقاله شرح خواهم داد این وضع در اثر مذاکرات و حوادثی در واشنگتن و لندن و تهران و مسکو بوجود آمده و من در اینجا جریان این وقایع را که منجر به وضع بحران آمیز کنونی شده است صاف و پوست کنده شرح میدهم.

بنظر من عقب نشینی و شکست از این جهت نصیب سیاست غرب شده است که گفته میشد توجه به ایران چندان ضروری نیست. انگلستان درموقع حساس خطر آنرا بیان کرد ولی بطور بدی آغاز شد. اگر در ژوئن 1950 که به سمت سفیر کبیر وارد تهران شدم صورتی از اشتباهاتی که ممکن است روی دهد تنظیم میکردم هرگز این همه اشتباهاتی را که در مورد نفت شده نمیتوانستم پیش بینی کنم.

اما نباید فراموش کرد که امریکا هم در این میان باید مورد سرزنش قرار گیرد زیرا اگر چه سیاست انگلستان در ایران خودپسندانه و غیر عملی بود اما امریکا هم سیاستی کاملاً نا مفهوم و غیر قابل درک داشت. اکنون که قلم بدست گرفته و از نظر کسی که از نزدیک شاهد و مربوط با این جریانات بوده است وقایع را مینویسم. یگانه هدفم اصلاح است و هرگز قصد تهمت و بدگوئی ندارم.

من کاملاً احساس میکنم که همکاری امریکا و انگلستان برای بهبود وضع جهان ضروری است ولی این همکاری باید عمیق و صمیمانه باشد

و متأسفانه در ایران اینطور نیست. شاید بتوان با دولت چرچیل یک همکاری حقیقی برقرار ساخت تا در صورتی که در این فکر هستیم که مصیبت و حادثه خطرناک ایران را جبران کنیم و از حوادثی نظیر آن در آینده جلوگیری نمائیم مورد استفاده ما قرار گیرد.

گرچه وقایع ایران موجد یک سلسله مشکلات دیگری برای انگلستان و کشورهای غرب گردید و واقعه مصر پیش آمد ، با وجود این میتوان درس عبرتی برای امریکا و انگلستان باشد و آنها را در آینده روشن سازد. من به یک معمای بزرگ و مشکل جهانی به مراتب زیاد تر از نزاکت سیاسی اهمیت میدهم و از این جهت اطلاعات خود را در اینجا مینویسم و حقایق را فاش میسازم.

تا زمانی که انگلیسها از ایران خارج نشده بودند ایران بیش از تمام کشور های حوزه خلیج فارس نفت استخراج میکرد. این قسمت از جهان که عراق و عربستان سعودی و نواحی کوچک کویت و بحرین و قطر نیز شامل آن میباشند متجاوز از 50 درصد ذخایر نفتی جهان را در خاک خود مدفون کرده اند و 17 درصد ارمحصولات نفت جهان را میدهد در صورتیکه دولت شوری فقط 6 درصد از نفت دنیا را استخراج میکند.

ایران 1200 مایل با روسیه مرز مشترک دارد و مردم آن با آنکه در بد ترین شرایط زندگی می کنند با اینحال از غرور ملی بهره مند هستند. بنابراین معلوم است که چرا دولت روسیه به این بزرگترین همسایه اش که هنوز تحت تسلط او در نیامده توجه دارد و از آن طرف نشان میدهد که ایران کشوری نیست که کشورهای غرب در ایران چنین اشتباهاتی در مورد آن بکنند. حتی اگر صاحب معادن نفت نبود و کشورهای هم جوارش نیز نفت نداشتند باز توجه روسیه را جلب میکرد تا در هر فرصتی آنرا بدست آورد.

چنانچه روسیه به طرف جنوب سرارزیر شود ایران در قدم و مرحله اول مورد تجاوز قرار خواهد گرفت و از لحاظ جغرافیائی چون دهلیز و راهرو ساختمانی است که از آن ستون پنجم و ارتش میتواند به اطاقهای آن یعنی کانال سوئز، شمال افریقا و از طرف دیگر پاکستان و هندوستان وارد گردد. روسیه نمیخواست با اشغال ایران خود را مسؤول حمله و تجاوزی قرار دهد که آتش جنگ سوم را روشن نماید. ولی اشتباهات انگلیس و امریکا چنان زمینه مناسب و جای پاهای خوبی برای

کمونیست ها درست کرده است که بدون دخالت ارتش روسیه ایران را در پشت پرده آهنین باشد.

متأسفانه خطری که جریانان نفت ایران بوجود آورده بودبقدری آهسته و ملایم بود که توجه لندن و واشنگتن را تا مدتی جلب نکرد. شرکت نفت انگلیس و ایران بدون نظر وزارت خارجه انگلیس وضعی بوجود آورد که اگر روسها میخواستند چنین زمینه ای به نفع خود تهیه کنند به این خوبی نمیتوانستند. دراین مورد دولت امریکا هم کوتاهی کرد که انگلستان را متوجه سیاست خطرناک خود ننمود یا لاقلاً با کمک های اقتصادی خود سیاست احمقانه انگلستان و فعالیت کمونیست ها را خنثی میکرد. کسی نمیتواند کوچکترین شکی داشته باشد که کمکهای مالی و نظامی امریکا باعث نجات یونان از چنگال کمونیزم گردید. به ترکیه کمکهای فراوان نظامی و اقتصادی شد و در ایتالیا و فرانسه برای مقابله با حزب کمونیست کمک های فراوان گردید و همچنین در تمام کشور های غرب وسایل دفاع فراهم شد و یک فرمول ضد کمونیستی در هرکجا که لازم مینمود انجام گردید و اما در مورد ایران که دالانی به طرف مناطق حیاتی است و بیش از ترکیه و یونان مورد توجه روسیه میباشد حقیقتاً غفلت و اهمال شد.

براستی خیلی دشوار است که علت این غفلت و مسامحه را درک کرد و من تاکنون موفق به درک این مطلب نشده ام و به نظر من چنانچه می بایست درهای ایران همینطور باز بماند دلیلی برای تقویت ترکیه و یونان نمیتوان یافت. شما درباری فوتبال فقط بیک نقطه ضعیف نیازمند میباشید که به آن طرف حمله کنید و در حقیقت این همه تقویت و تسلیح ارتش ترکیه بزرگترین محرک روسیه در تجاوز از طریق ایران میباشد.

من اقرار دارم که امریکا در کمک نظامی به ایران به پایه کمکی که به یونان کرد با مشکلاتی روبرو گردید. ارتش 135 هزار نفری ایران نه تنها احتیاج به مهمات داشت بلکه به تمرین نیز نیازمند بود. اکنون هر دو را دارد ولی برای اینکه حتی ارتش کوچکی را آماده کرد وقت لازم است. از همه مهمتر علیرغم وعده ای که به ایران داده ایم درباره کمک اقتصادی غفلت و مسامحه کردیم. درست است که از طریق کمک های اصل چهار برای جلوگیری از آفت ملخ گرد د- د- ت به ایران دادیم ولی تمام آن از 2 میلیون دلار تجاوز نکرد درصورتیکه احتیاج ایران به مراتب بیش از این ارقام است.

صرفنظر از این قسمت باید گفت که عدم کمک اساسی به ایران نه تنها اثر منفی داشت بلکه در اثر تبلیغات روسیه و اشتباهات انگلیس زیر بنای بحران فعلی فراهم شد، دولت امریکا هرگز رسماً قول نداده است که به ایران کمک اقتصادی کافی بکند. دولت امریکا خسارات زمان جنگ خود را به ایران پرداخت و از این راه حسابی نداشت! (دکتر گریدی در این مورد مرتکب اشتباه فاحشی شده است. دولت امریکا نه تنها کمکی از این بابت به ایران ننموده است بلکه در مقابل واگذاری ماشین های فرسوده ای که در هنگام اشغال ایران مورد استفاده ارتشهای اشغالگربودند مبلغ 10 میلیون دلار از دولت ایران دریافت داشته است) ولی از لحاظ اینکه ایران یک نقطه خطرناک و مورد هدف روسیه و تجاوز آن کشور بود دلایل فراوانی وجود داشت که این کمک به ایران بشود، مخصوصاً با توجه به اینکه امریکا به کشورهایی که نه از لحاظ سوق الجیشی و نه موقعیت سیاسی قابل مقایسه با ایران نبودند آنقدر کمک نقدی کرد، این کمک ضروری بود اما همانطور که بارها تکرار کرده ام من از سیاست امریکا درباره ایران چیزی نتوانستم درک کنم.

یکسال ونیم قبل رئیس جمهور امریکا وزیر امور خارجه ازمین خواستند که به سمت سفیر کبیر و ریاست هیأت اقتصادی امریکا به ایران بروم و از سیاست تجاوزکارانه روسیه جلوگیری کنم. قرار بر این بود که امریکا زیر نظر و به وسیله من نظیر همان کمک هائی را که به یونان کرده است به ایران هم بنماید. از آنجا که من سابقاً سفیر کبیر امریکا در یونان بودم ایرانیان ورود مرا پیش درآمد یک زندگی راحت تر و روزهای خوشی برای کشور فقیر خود شمردند. دولت امریکا در ضمن شرایط موافقت قبول این پست به من اطمینان داد که کمک نظامی را دو برابر خواهد کرد و بانک صادرات و واردات در واشنگتن 50 میلیون دلار به ایران قرض خواهد داد. گرچه من هنوز سوار هواپیما نشده بودم که این مبلغ به نصف تقلیل یافت ولی من امیدوار بودم که این 25 میلیون دلار بمنزله پیش پرداخت اقساط بعدی باشد. من درباره کمک های نظامی حرفی ندارم ولی میگویم چنانچه بدون تعلل و سستی مبلغ کافی به ایران کمک میشد بحران فعلی ایران پیش نیامد.

مقدمات و وسایل این قرض به مجرد رسیدن من به تهران در ژوئن سال 1950 آغاز گردید. لازم بود در همان ملاقات اولیه و ملاقات های بعدی من به نخست وزیر بگویم که چنانچه این 25 میلیون درست مصرف شود مقدمه پرداخت های بعدی خواهد بود. لیکن موافقت نامه این

قرضه تا ژانویه 1951 برای امضای دولت ایران حاضر نشد و در آن موقع رزم آرا نخست وزیر وقت دیگر مایوس شده بود و میگفت در نظر مردم ایران فعلا این مبلغ بسیار ناچیز است و دیگر پرداخت آن دیر شده است و برای او غیر ممکن است بتواند مجلس را راضی کند این قرضه را تصویب نماید.

کوشیدم واشنگتن را راضی کنم که اعلام دارد 25 میلیون مزبور پیش پرداخت بوده و برای طرح های مفیدی چون جاده سازی و غیره تا یکصد میلیون دلار پرداخت خواهد شد. لیکن واشنگتن پیشنهاد مرا قبول نکرد زیرا در آن صورت رسماً قول یکصد میلیون دلار داده میشد در صورتیکه ایرانی ها روی 250 میلیون دلار حساب میکردند و من تاکنون هم نفهمیدم این 250 میلیون دلار از کجا بر سر زبان ها افتاده است.

در هر حال این اقدام واشنگتن خیلی برای ما گران تمام شد زیرا قسمت اعظم قدرت رزم آرا را که امیدوار بودیم به وسیله او بتوانیم ایران را با غرب نزدیک کنیم از بین برد. از آن طرف عدم قبول پیشنهادات شرکت نفت انگلیس و سیاست این شرکت، چنان موقعیت رزم آرا را متزلزل کرد که سقوط او حتمی بود ولی در این موقع یعنی در مارس 1951 بدست یکی از افراد افراطی کشته شد.

قرضی که امریکا وعده کرده بود تا هم اکنون که مشغول نوشتن این مقاله هستم پرداخت نشده است در صورتی که دکتر مصدق که نفت را ملی کرد و انگلیس ها را از ایران بیرون راند مدتی است موافقت آنرا از مجلس گرفته است. حالا تازه واشنگتن به این فکر افتاده است که معلوم کند ایران قرض را به دلار یا ریال پس خواهد داد! آیا توانائی این کار را دارد یا خیر؟ درحالی که اطمینان های لازم و مطالعات کافی در زمان کابینه رزم آرا و قبل از اکتبر سال 1950 تمام مقدمات آن فراهم گردیده بود.

بعد از این همه تعلل چنین به نظر میرسد که واشنگتن نمیخواهد قدمی بردارد که حمل به پشتیبانی از دولت مصدق بشود زیرا وی در مورد نفت خیلی بد رفتار کرده است (این وام در روز 31 مرداد 1332 در اختیار دولت زاهدی گذارده شد).

انگلیس ها فشار اقتصادی را در برکنار کردن دکتر مصدق عامل مهمی میدانند و انتظار دارند امریکا هم با آنها همکاری کند در صورتی که این

قرضه ارتباط با موضوع نفت ندارد و تشابهی که میان طرز رفتار و روش انگلیس و آمریکا وجود دارد این فکر را در ایرانی ها بوجود آورده است که ما هم از سیاست اقتصادی انگلیس پشتیبانی میکنیم.

از ابتدا این فکر غلط که با فشار اقتصادی میتوان مشکل نفت را حل کرد و ایرانیان را به تسلیم واداشت به مغز انگلیس ها راه یافته بود و عاقبت هم برای آنها گران تمام شد. این فکر و عقیده از مغزی تراوش کرده است که هنوز اندیشه های مستعمراتی در آن راه دارد و میخواهد سیاستی را که در زمان ملکه ویکتوریا در مستعمرات مؤثر بود امروز بکار برد و نماید که نه تنها اکنون چنین افکار مفید نبوده و اشتباه است بلکه خطرناک نیز میباشد. این سیاستی است که انگلستان با تجربیاتی که در هندوستان، برمه، سیلان و مصر اندوخته میخواهد درباره ایران هم بکار گیرد.

درمورد ایران میگفتند « بگذار گدا آنقدر محتاج به پول شود که خودش بزانو درآید» (نقل قول از چرچیل) من این ضرب المثل بی مزه و خنک را آنقدر شنیده ام که در گوشم چون صفحه گرامافون کار میکند.

این روش سیاسی انگلستان نتوانست امواج نهضت های ملی و احساسات ضد خارجی مستعمرات و کشورهای نیم مستعمراتی از قبیل ایران را فرونشاند و با عدم موفقیت روبروگردید. انگلیس ها درست مصدق را نشناخته و به اصطلاح کم برآورد کرده بودند و نمیدانستند که نمیتوان مردی را که از مجلسین شورا و سنا به این اندازه رأی اعتماد گرفته و 95 درصد مردم کشور از او پشتیبانی میکنند به این آسانی ازکار انداخت. ازاین گذشته باکناررفتن دکتر مصدق هم نمیتوان مطمئن شد که به جای وی مرد معتدل و موافق تری روی کار بیاید.

تاریخ نشان داده است که دراین قبیل بحران های اقتصادی همیشه افراطیون بیش از اعتدالیون شانس موفقیت دارند. انگلستان برای مدت 50 سال از نفت ایران استفاده برده است، شرکت نفت انگلیس و ایران که 53 درصد از سهام آن به دولت انگلیس تعلق دارد بزرگترین پالایشگاه نفت جهان را در آبادان بنا کرد و در سال 1950 تقریباً 100 میلیون پوند منفعت داشته است.

شرکت نفت در سال 13 تا 15 میلیون پوند به ایران حق امتیاز میپرداخت که در حقیقت 15 درصد از کل منافع بود و 43 درصد از درآمد ایران را تشکیل میداد.

در یک موافقت نامه ای که در سال 1949 بین دولت و شرکت نوشته شد و موکول به تصویب مجلس گردید درآمد ایران از شرکت نفت به 25 تا 30 میلیون ترقی میکرد درحالی که شرکت های نفت آمریکا در عربستان سعودی و شرکت بین المللی نفت عراق امروز روی پایه و اساس 50 ، 50 حق الامتیاز میپردازند و به این ترتیب دیده میشود که پرداخت 25 تا 30 درصدی که انگلیس ها پیشنهاد داده بودند آنقدر ها گذشت و فداکاری نبود. مطرح شدن این موافقت نامه جدید در ایران باعث یک سلسله حوادث سیاسی گردید.

جبهه ملی دکتر مصدق که در آن موقع مرکب از 8 وکیل از 136 وکیل مجلس بود چنان خود را خوب برای مقابله آماده ساخته بودند و مخالفت آنها با نفوذ اقتصادی و سیاسی بیگانگان با خواسته های ملت ایران جور درآمد که این عده انگشت شمار سیاست ایران را بدست گرفتند.

عدم موفقیت کابینه علی منصور در تصویب قرارداد جدید باعث سقوط دولت شد. رزم آرا که بجای وی به نخست وزیری رسید برای اینکه بتواند موافقت نامه جدید را به تصویب برساند امتیازات زیادتری لازم داشت. آنچه رزم آرا میخواست عبارت از امتیازات غیر پولی بود و به همین جهت فشار زیادی برای اضافه کردن حق الامتیاز به شرکت وارد نمیکرد. ازجمله چیزهایی که رزم آرا میخواست یکی این بود که شرکت عده زیادتری از ایرانیان آشنا به کار را استخدام کند و همچنین تقاضا داشت در قیمت نفتی که در داخل کشور به فروش میرسد تخفیف داده شود.

ایرانیان برای یک گالن بنزینی که از معادن کشورشان استخراج میشد 65 سنت میپرداختند در صورتیکه شهرت دارد نیروی هوایی و دریائی انگلستان نفت و بنزین خود را به یکدهم این مبلغ از شرکت خریداری میکردند و در حقیقت میتوان گفت که مخارج نیروی هوایی و دریائی انگلیس از جیب ایرانیان پرداخت میگردد و شرکت نفت تاکنون حاضر نشده است قیمت حقیقی بنزینی را که به نیروی دریائی و هوایی انگلیس میفروخته است فاش سازد.

با آنکه فروش شرکت نفت در ایران فقط 5 درصد از کل فرآورده ها بود و این تخفیف مبلغ ناچیزی میشد باز دولت انگلستان حاضر نشد در داخل کشور نفت و بنزین را به همان قیمتی که به نیروی دریائی و هوائی انگلیس میفروشد توزیع نماید ، این امتیازات کوچک ممکن بود از مصائب و گرفتاری های فعلی جلوگیری کرده و از یک ضرر کلی ممانعت نماید، اما سیاست انگلستان در تابستان و پائیز 1950 خیلی خود پسندانه بود.

من در اوایل ورود خود به ایران از انگلیسها خواستم به عوض اینکه مذاکرات را به رؤسا و کارمندان انگلیسی مقیم ایران محول کنند بهتر است یکی از اعضا عالیرتبه خود را از لندن برای این کار روانه سازند ، انگلیس ها این کار را کردند ولی یکسال بعد که خیلی دیر شده بود چنین کردند..

من روی تجربیاتی که از ملی شدن شرکت های نفت امریکا در 1938 در مکزیک داشتم مکرر رؤسای شرکت را متوجه این خطر ساختم و حتی قبل از اینکه کمیسیون نفت و دکتر مصدق در این باره اقدام کنند انگلیس ها را متوجه خطرملی شدن نفت کردم ولی این مرتبه هم بگوش آنها فرو نرفت.

شرکت نفت مرتب اعلام میکرد که شرکت مزبور یک مؤسسه اقتصادی است و با سیاست امریکاوانگلیس بستگی ندارد ولی از همان سیاست های اقتصادی استفاده میشد و تصویب قرار دادهایش را موکول به موقعی میکرد که ایران احتیاج مبرم به پول داشت. با تمام این اعلام های مکرر شرکت نفت وقتی که در سال 1950 موضوع ملی شدن نفت پیش آمد ، دولت انگلستان خود را به میان انداخت و نشان داد که تا چه اندازه علاقمند به این شرکت میباشد و وزارت امور خارجه کوشش و فعالیت خود را بکار بست تا از ملی شدن شرکت نفت جلوگیری کرده و نگذارد خسارت هنگفتی به دولت انگلیس وارد گردد.

سه روز بعد از آن روزی که رزم آرا به جلسه کمیسیون نفت به مجلس رفت تا با ملی شدن نفت مخالفت کند به جرم و اتهام همکاری با انگلستان به قتل رسید. قاتل به دسته دکتر مصدق بستگی نداشت بلکه از افراطیون مذهبی بود که میگفت انگلیس ها باید از ایران خارج شوند. پس از قتل رزم آرا آشوبی در کشور برپا شد که به قتل و خون ریزی منتهی گردید و در 22 مارس اعتصابی در شرکت نفت روی داد که

تا 24 آوریل ادامه داشت و عاقبت کارگران باضافه حقوق و دستمزد ایام اعتصاب خود رسیدند.

رزم آرا را عامل و آلت دست سیاست انگلستان خواندن غیر منطقی و نا معقول است و باید گفت که او میخواست به کشورش خدمت کند و همان طوری که ایرانیان مطلع و خارجی هائی که ازدور شاهد هستند درک کرده اند ملی شدن نفت را به نفع ایران نمیدانست. ولی دیگر احساسات در این کار داخل شده بود و حسین علاء سفیر کبیر سابق امریکا در ایران که بجای رزم آرا نخست وزیر شده بود پس از 48 روز به علت عدم تجانس و توافق با مجلس استعفا داد و روز بعد مجلس با 79 رأی از شاه درخواست کرد تا دکتر مصدق را به نخست وزیری انتخاب کند.

پیشوای جبهه ملی این پیشنهاد را به شرطی قبول کرد که مجلسین سنا و شورا بدون درنگ نفت را ملی سازند و به عمر شرکت نفت خاتمه دهند. مجلس در همان روز موافقت کرد و سنا هم دو روز بعد موافقت خود را اعلام داشت.

مصدق و اطرافیانش خیلی خوشبین بودند و فکر میکردند که پس از اخراج انگلیس ها خواهند توانست به همان اندازه نفت استخراج کنند و تمام آن را به فروش برسانند و از مشکلاتی از قبیل کارشناس و مهندس خارجی و تهیه کشتی های نفتکش و بدست آوردن خریدار تا اندازه ای غافل بودند.

انگلیس ها چون از خواب غفلت بیدار شدند و خطر را احساس کردند عده ای را از طرف شرکت نفت به تهران فرستادند ولی پیشنهادات آنها مورد موافقت قرار نگرفت و فرستاده دولت انگلیس هم با اینکه هریمین در تهران بود و خیلی کوشید، اما به نتیجه ای نرسید. در دفعه اخیر به نظر من پیشنهاد انگلیس ها تا اندازه ای قابل تحمل بود ولی متأسفانه این پیشنهاد را خیلی دیر تر از موقع به میدان آورده بودند.

انگلیس ها به شورای امنیت شکایت کردند و چون شوری پس از رسیدگی آن را موکول به تأیید صلاحیت دادگاه دآوری لاهه نمود شکست تبلیغاتی دیگری نصیب انگلستان گردید و شورای امنیت هم تا اندازه ای از اعتبارش کاسته شد و مذاکرات دکتر مصدق هم در واشنگتن به نتیجه فوری نرسید. همانطور که نوشتیم در آخر کار انگلیس

ها پیشنهاد معقولانه ای داده بودند که چون خیلی دور بود نتیجه ای از آن نگرفتند ولی خود انگلستان به همان سیاست و روش سابق خود باقی بود و حالا هم با فشار و قدرت سیاسی میخواهد بگوید که اگر این بحران فعلی و فشار اقتصادی به ایران ادامه پیدا کند خواهد توانست شر مصدق را از سرش کوتاه نماید و همه کارها را برآورد.

به همین منظور از تبدیل پوند های ایران به دلار خودداری کردند و از فروش اجناس ضروری به ایران ممانعت نمودند ولی نتوانستند نتیجه ای بدست آورند و یگانه نتیجه ای که گرفتند شهرت و معروفیت فراوان برای دکتر مصدق بود که او را قهرمان خاورمیانه و معروف جهان گردانید.

البته نباید گفت که اشتباهات انگلیس دکتر مصدق را به این قدرت و مقام رسانید. او مرد توانائی است که محبوبیت فراوان دارد و حتی دشمنان او نیز این را قبول دارند. دکتر مصدق را میتوان یک مرد کاملاً با هوش و زیرک و تحصیل کرده خواند. او مرا به یاد گاندی پیشوای هند می اندازد و باید بگویم مصدق پیر مرد ضعیفی است که با اراده آهنین و شور و فعالیت فراوان برای انجام آنچه که به نظرش صرفه و صلاح کشورش در آن میباشد اقدام میکند.

اگر اوضاع نامطلوبی پیش آمده و ادامه این بحران به صرفه روسیه شده است نباید گفت که او مایل به اینکار بوده است و باید قبول کرد که مبارزه اصلی و هدف حقیقی او از بین بردن اقدامات تجار و کارخانه و سیاست اقتصادی انگلستان میباشد. خوشبختانه در این ماجرا انگلستان تحت فشار دولت آمریکا قرار گرفت و به بهانه حفظ اموال و اتباع خود در آبادان نیرو وارد خاک ایران نکرد زیرا بدون شک برخورد هائی بین ارتش های دولتی روی میداد و دولت روسیه هم از فرصت استفاده کرده و براساس قرارداد 1921 به عنوان حفظ اقلیت نواحی مرزی کشورش قسمت شمال ایران را اشغال مینمود و البته معلوم است که وجود ارتش انگلیس و روسیه در ایران خیلی زود میتوانست جنگ جهانی را آغاز کند.

آخرین پولی که ایران بابت حق الامتیاز از انگلیسها گرفت در مارس گذشته بود. اکنون وضع اقتصادی کشور وخیم شده و فرصتی برای قیام کمونیست ها فراهم گردیده است. ما نمیخواهیم به بینیم که ایران یا هر کشور دیگری جزو پرده آهنین قرار گیرد و یا دست و پا روسیه در آن نواحی بازشود. اگرچه در این قسمت نظر ما وانگلیس ها یکی است

ولی تاکنون برای رسیدن به مقصود تقریباً راههای مختلف اختیار کرده ایم.

انگلستان هرگز از کمکی که بانک جهانی به نام قرضه میخواست در اختیار ایران بگذارد راضی نبود و همچنین یقین دارم از این 25 میلیون دلار کمک فنی نیز که اخیراً وعده پرداخت آن داده شده خوشنود نیست. انگلیسها توجه زیاد امریکا را به ایران به منزله دخالت و ورود در سرزمینی میدانند که باید جزو قلمرو آنها باشد.

من نمی فهمم که اصلاً چرا باید این افکار و نظریات بوجود آید و اگر امریکا همانطور که کمک نظامی میکند کمک اقتصادی نیز به کشورهای خاور میانه بنماید چرا باید اینطور تعبیر شود؟

یکی از مشکلات بزرگ کاردر امریکا و انگلیس حصول توافق و سیاست همکاری نزدیک میباشد تا نظایر آنچه در ایران اتفاق افتاده در آینده روی ندهد. امروز امریکا در میدانهای جنگ سربازان و جوانان خود را به کشتن میدهد و پول اوبرای مقابله با کمونیزم بی دریغ خرج میشود تا صلح در دنیا برقرار گردد و انگلستان باید بداند که قدرت و اقتصادیات امروز بدست امریکا است و انگلیس ها میتوانند به وسیله ما به این امتیازات برسند.

دکتر مصدق اصرار دارد که شرکت ملی نفت ایران باید منابع و پالایشگاه نفت را بکار بیندازد و کارشناسان خارجی نیز که برای این منظور استخدام میشوند تابع شرکت ملی نفت ایران باشند.

10 بهمن 1330

جلسه خصوصی مجلس

آقای شوشتری، من میدانستم آقای مصدق اداره کننده مملکت نیست و فقط، هم ایشان صرف نگهداری و جاهت مصنوعی خود است. من از هیچ چیز پروا ندارم و بعد از اختتام مجلس هم روزنامه منتشر میکنم و اسرار هر امری را فاش میکنم. آقایان 44 نفر در جلسه خصوصی تشریف دارید، آیا میدانید که شما چه مسئولیتی را دارا هستید؟ آخر اگر شما مسلمانید، مسلمان قوی القلب است و باید در موقع انجام وظیفه هراس و جبن به دل راه ندهد و اگر به مملکت علاقه دارید این روشی را که شما پیش گرفته اید انجام وظیفه نیست بلکه قصور و تقصیر است.

هرکسی در مملکت دینی دارد که باید به موقع ادا کند. وکیل بارش سنگین است و شخص متدین باید تحمل احکام را بنماید. مرتباً سکوت کردید و اکنون کار بجائی رسیده که مصاحبه های متناقض میخوانید. آقایان دیروز فرشهای ادارات به فروش رفت و بزودی چیزهائی پیش میاید که همه به تعجب خواهید افتاد. شما که دیگر وکیل نمیشوید و نباید هم وکیل شوید زیرا 9 ماده قانون نفت را گذرانید و امضا کردید و خواهید دید که بالاخره مجلس عدول از آن خواهد نمود و تجدید نظر در آن خواهند کرد. ما نمیتوانیم از گفته ورأی خود عدول کنیم و سازش های زیر پرده بزودی همه را بیدار خواهد ساخت. من به شما میگویم هنوز وقت نگذشته و میتوانید از حالت رکود و جمود بیرون بیایید و بیدار شوید.

اگر دین برای خود تصور نمیکند دنیای خود را در نظر بگیرد. من نه از شما ملاحظه میکنم و نه از مقامات خارج و آنچه گفته و میگویم با فکر میگویم و غیر از خداوند مستظهر به هیچکس نبوده و از هیچ مقامی ترس ندارم. این اندازه جبن بس است. مجلس شانزدهم اعمالی کرد که حالا سکوت شما اثر آن اقدامات را دارد زایل میسازد. لایحه اجرای منع استعمال مشروبات الکلی که در مجلس گفتم باید مایع و جامد یعنی هرگونه مسکر اعم از شراب و عرق و غیره و تریاک و چرس و بنگ را شامل باشد به مجلس آورده اند ولی دیشب خواندم بصورتی لایحه آن به سنا داده شده که مادر وهب به صورت کنیز هارون درآمده است.

آیا این است معنی وکالت؟ بدانید که بعد ازظهر امروز دو روز دارید. یک روز بازپرسی در محضر الهی و یک روز هم قضاوت ملت در موقعی که از خواب غفلت بیدار شود. آقایان اگر بیدار نشوید مملکت را به تجزیه میکشانید ، یعنی شمال و جنوب را.

تحریکات در انتخابات

انتخابات لار و فسا به علت اغتشاشات شروع نمیشود

نظر باینکه دولت مایل است انتخابات مجلس شورای ملی در نهایت بی نظری و دخالت عوامل سوء استفاده کننده از آزادی انتخابات صورت گیرد ، چون در لار و فسا اغتشاشاتی روی داده که جریان انتخابات را مختل کرده است که مردم با آرامش نمیتوانند به حوزه های انتخاباتی رفته و به نامزد های مورد دلخواه خود رأی دهند و این امر تا استقرار کامل امنیت عملاً میسر نیست، لذا دستور داده شده تا برقراری آرامش انتخابات آن نقاط شروع نشود و در هر نقطه دیگر هم که موجبات اخلاص و بی نظمی فراهم شود و مانع جریان انتخابات بطور عادی و طبیعی گردد دولت انتخابات آن نقاط را شروع نخواهد کرد تا اینکه اطمینان برقراری امنیت حاصل نماید.

20 بهمن 1330

اغتشاش در زابل

دیروز در اثر منازعات انتخاباتی اغتشاشی در زابل روی داد که منجر به قتل فرماندار و بازرس انتخاباتی و یکپار اعضای انجمن گردید. در ساعت 8 دیشب آقای نخست وزیر تلگرافی را دریافت نمود که در آن واقعه تأسف آوری را برای ایشان فاش ساخت.

«مقدمات انتخابات زابل در کمال آرامش فراهم شد و امروز موقعی که میخواستند شروع به اخذ رأی کنند ناگهان آرامش بهم خورد وعده ای علیه فرماندار و دسته مخالف قیام کردند و در نتیجه زد و خورد و هجوم مهاجمین فرماندار ، بازرس انتخاباتی و رئیس و یکی از اعضای انجمن به قتل رسیدند. فعلاً اوضاع آرام نیست ولی مأمورین انتظامی از توسعه آشوب جلوگیری کرده اند»

بلافاصله بنا به پیشنهاد آقای نخست وزیر و هیأت وزیران فی المجلس تصویب کردند که در زابل و زاهدان حکومت نظامی اعلام شود.

محیط وحشت و اضطراب

مخبر روزنامه اطلاعات این گزارش را به اداره روزنامه مخابره نموده است «از چند روز قبل تمام مقدمات شروع انتخابات فراهم شده بود. اعضای انجمن اصلی و علی البدل در محیطی که توأم با آرامش بود انتخاب شدند و بازرس قضائی و مقامات مربوطه نیز درسراسرجریان امر نظارت داشتند و آرامش در تمام این مراحل موجود بود تا اینکه نوبت به اخذ رأی رسید.

طبق تصمیم قبلی انجمن مقرر شد اخذ رأی در روز 19 بهمن شروع شود و موقعی که مقدمات رأی گیری فراهم میشد ناگهان عده ای مسلح دست به اغتشاش زدند و علیه مأمورین انتظامی و کاندیدای مخالف قیام کردند و مأمورین شهربانی و لشکر و دستجات مورد هجوم در مقابل مقاومت نمودند و بالنتیجه شهر دچار آشوب و بلوا و ناامنی گردید. مردم با هراس و وحشت به خانه های خود پناه میبردند و همه جا در اثر این اغتشاش اضطراب و وحشت حکومت میکرد.

مقدمه این آشوب در پشت پرده از چند روز قبل در حال تکوین بود و دستجاتی که از سه نفر طرفداران خود حمایت میکنند درصدد بهم ریختن انجمن و آرامش شهر بودند. عده ای از آنها درحالی که اسلحه گرم و سرد با خود همراه داشتند ناگهان به محل فرمانداری حمله بردند و فرماندار، بازرس انتخاباتی وعده ای از کارمندان را محاصره نمودند. دوائر داد و فریاد عده ای در اطراف فرمانداری جمع شدند و له و علیه دو دسته مشغول تظاهرات شدند ولی هیچ کس خیال نمیکرد که کار این اعتراض به قتل و خونریزی منجر شود.

در همین موقع انجمن نظارت انتخابات تشکیل بود و در آنجا هم نظیر چنین واقعه ای رخ داد و دسته دیگری با اسلحه به طرف اعضای انجمن حمله ور شدند و قصد اسیرکردن آنها را داشتند. در این موقع در شهر شایع گردید که عده ای از اعضای انجمن به قتل رسیده اند بعد این خبر منتشر شد که فرماندار و بازرس انتخاباتی نیز کشته شده اند.

بالاخره در ساعت یک بعد از ظهر مسلم گردید که فرماندار آقای کوثر، بازرس انتخاباتی آقای اسحق اشتییه و آقای سردار نظر رئیس انجمن

و آقای احسانی یکی از معتمدین محل به قتل رسیدند. رئیس شهربانی ستوان یکم عباس میناپور نیز در اثر زد و خوردی که بین فوای پلیس و مهاجمین رخ داد به سختی مجروح گردیده و در منزل شخصی خود بستری شده است.

آغاز واقعه چگونه بود ؟

از صبح زود عده ای در برابر فرمانداری اجتماع کرده و راجع به تشکیل انجمن نظارت و انجام سایر مقدمات کار تظاهرات مخالفت آمیزی مینمودند. نزدیک ساعت 11 بازرس انتخابات و آقای احسانی و چند نفر از معتمدین محل به فرمانداری آمده و قصد داشتند داخل شوند ولی متظاهرين مانع دخول آنها شده عليه آنها دست به تظاهر زدند که با دخالت مأمورین ظاهرا غائله بیپایان رسید دقایقی نگذشته بود که متظاهرينی که از صبح در مقابل فرمانداری اجتماع کرده بودند غفلتا وارد فرمانداری شده فرماندار و بازرس انتخاباتی را به قتل رساندند وعده ای از آنها نیز به محل انجمن رفته سردار خان بلوچ و احسانی رئیس و عضو انجمن را به قتل رساندند. بعد ازا اعلام حکومت نظامی شهرآرام و مأمورین فرمانداری نظامی مشغول دستگیری عوامل آشوب و اغتشاش هستند.

22 بهمن 1330

شورش در نیشابور

ساعت یازده و نیم امروز حدود هزار نفر از اهالی نیشابور به عنوان طرفداری از دو کاندیدا ها در مسجد جامع شهر اجتماع کردند. آنان به چگونگی جریان انتخابات اعتراض داشتند و پس از مدتی از مسجد جامع بطور دسته جمعی بطرف محل مرکزی انجمن انتخابات حرکت کردند. چون تعداد محافظین صندوق ها زیاد نبودند افراد مزبور توانستند خود را به داخل محل انجمن برسانند و به صندوق آرا دست یابند. آنگاه صندوق محتوی آرا را به محل اولیه خود یعنی مسجد جامع بردند و در آنجا آرا محتوی آنرا در مقابل چشم عموم آتش زدند پس ازانجام این عمل عده ای بسوی صندوق فرعی هجوم بردند و در ضمن راه چون مأمورین انتظامی از اقدامات آنها جلوگیری به عمل میآوردند وضمناعده ای نیز علیه آنها تظاهرات مینمودند زد و خوردی روی دا و پلیس مجبور به تیراندازی گردید.

در نتیجه سه نفر از تظاهر کنندگان که یکی از آنها زن بوده است مقتول و 5 نفر مجروح شدند که یکی از آنها پایش قطع گردید و افرادی که

جراحات مختصری داشتند توسط وسایل نقلیه به منازل خود منتقل شدند. وضع بعضی از مجروحین که در بیمارستان بسر میبرد خطرناک گزارش شده است.

ساعت یک بعد از ظهر هنگامی که صندوق فرعی توسط مأمورین انتظامی به نقطه دیگری حمل میشد عده ای در صدد ربودن آن برآمدند و مأمورین شهربانی در مسیر خیابان برای جلوگیری از وقوع حوادث جدید مجبور به تیراندازی هوایی شدند. تعداد تلفات هنوز بطور مشخص معلوم نمیشد. اکنون محل های فرمانداری ، شهربانی ، شهرداری و ژاندارمری توسط مأمورین انتظامی مراقبت میشوند.

دزفول، عصر روز 23 بهمن زد و خوردی بین عده ای از افراد منسوب به یکی از احزاب (حزب زحمتکسان بقایی) و مخالفین صورت میگیرد که دامنه آن به کوچه ها و خیابان های دزفول کشیده میشود. سروان آناررئیس پلیس با عده ای پاسبان درصدد متفرق کردن جمعیت میآیند که مانع عملیات خراب کارانه آنها شوند. در این موقع شخصی به نام عبده سقا به جمعیت دستور گرفتن اسلحه رئیس پلیس را میدهد ، رئیس پلیس ناچار تیراندازی میکند که در نتیجه آن شخص مزبور مقتول و یک نفر مجروح میشود. صبح دیروز نیز افراد مزبور مجددا نظام کاظمی و موسی حجازی آموزگاران دبستان پهلوی را که از مخالفین خود میدانستند مضروب مینمایند.

دیروز عصر جریانات فوق با تلفن از دزفول به اطلاع نخست وزیر و وزیر کشور رسانیده میشود.

کرمانشاه ، در چند روزه اخیر عده ای در کرمانشاه به بهانه اینکه فرمانده تیپ کرمانشاه و رئیس شهربانی طی تلگراف هائی که به رمز به ستاد ارتش و اداره کل شهربانی مخابره کرده اند به مقامات تهران گزارش داده اند که در آن نسبت چاقوکشی به اهالی کرمانشاه داده شده، بازار کرمانشاه به کلی تعطیل و جمعیتی در حدود 2000 نفر در تلگرافخانه رفته و به این اهانت اعتراض داشته و مراتب را به مرکز مخابره کرده اند.

زاهدان ، خبرنگار اطلاعات طی گزارشی از زاهدان اطلاع داده است که اوضاع آن شهرستان مستعد تشنجاتی میباشد. هرچند با برقراری حکومت نظامی ظاهرا وضع آرام است ولی نگرانی شدیدی وجود دارد

که لازم است قوای انتظامی اقدامات احتیاطی و پیش بینیهای لازم را بنمایند.

چهرم، چهارروز است که به بهانه نقض قانون ازطرف فرماندار و بازرس انتخابات در مورد دعوت اعضای انجمن وضع شهر متشنج شده و گروهی از اهالی شهر در تلگرافخانه و مسجد جامع و سایر مساجد تحصن اختیار و بازار و دکانین را تعطیل نموده اند و اعتراض دارند که با اعمال نفوذ دو نفر از متنفذین محلی 108 نفر از اشخاصی که فاقد صلاحیت قانونی هستند به عضویت انجمن دعوت شده اند. متحصنین ازدولت تقاضا دارند که یکنفر بازرس مورد اعتماد فوراً به چهرم اعزام شود و اگر تا روز 29 بهمن که اخذ آرا شروع میشود تصمیم مقتضی اتخاذ نگردد حوادث شومی به وقوع خواهد پیوست.

جنجال انتخاباتی در شهر ری

برای انتخاب اعضای شورای انتخابات شهر ری امروز در ساعت 9 بامداد 108 نفر افراد دعوت شده به وسیله بخشدار در محل بخشداری حاضر شدند تا از بین آنها به قید قرعه 36 نفر انتخاب شوند. پس از حضور اکثریت در ساعت 11 قرعه کشی آغاز شد ولی وقتی به نفر بیست و نهم رسید نوجوانی بنام حسن که در صف تماشاچیان نشسته بود فریاد زد بس است دیگر نخوانید سپس به طرف میزی که قرعه ها و دفاتر روی آن بود رفت و دفاتر و صندوق اسامی قرعه ها را به حوض انداخت و یک صندلی برداشته به طرف کمیسیون رفت و با آن به سر شهردار آقای علاء الدین معینی کوبید که موجب خونریزی گردید. شخصی دیگری نیز به نام محمد باقر که ظاهراً همراه جوان اولی بود با چاقو به پاسبانان حمله کرد و اسناد را از روی میز برداشته از صحنه فرار کرد.

در همین حال که میان طرفداران کاندیدا ها زد و خورد در گرفت و شخصی که با چاقو حمله میکرد موقعی که رئیس کلانتری میخواست چاقو را از او بگیرد دست او را مجروح کرد. بعد از ورود عده ای مأمور انتظامی آرامش برقرار شد و در سه بعد از ظهر قرعه کشی مجدداً انجام و 36 نفر انتخاب شدند که قرار است از میان آنها اعضای اصلی انجمن به قید قرعه انتخاب گردند.

عده ای از روحانیون و طلبه ها از جمله حجت الاسلام کنی و اعتماد التولیه که به جریان انتخابات معترض بودند در داخل حرم اجتماع نموده

تا تلگرافی غیر قانونی بودن انتخاب اعضای انجمن را به آقای نخست وزیر اعلام دارند. ضمناً تا روشن شدن قضیه و رسیدگی به خواسته های خود در داخل حرم حضرت عبدالعظیم متحصن خواهند شد و در حرم را بروی زائرین خواهند بست

مصاحبه وزارت کشور درمورد انتخابات

آقای خواجوی معاون وزارت کشور در پاره اغتشاشات چند روز اخیر به خبرنگاران اظهار داشت باعث کمال تأسف است که چرا حسن نیت دولت در آزادی انتخابات بایستی تا این حدود مورد سوء استفاده عده ای قرار گیرد و بدون جهت ایجاد هرج و مرج و تولید نگرانی و وحشت درمردم شود.

دولت انتظار دارد در این موقع خطیر عموم مردم وضع حساس مملکت را در نظر بگیرند و رشد سیاسی و اجتماعی خود را به دنیا ثابت کنند و عملی انجام دهند که دستاویز بیگانگان قرار نگیرد. نظر آقای نخست وزیر این است که در انجام انتخابات هرچه بیشتر تسریع گردد و در بعضی نقاط که تا بحال انتخابات آن انجام نشده بزودی شروع گردد.

تقدیم لایحه دفاعیه ایران به دادگاه لاهه

از صبح امروز که لایحه جوابیه دولت ایران توسط آقای نواب وزیر مختار دولت شاهنشاهی به لاهه رسید توزیع آنها بین قضات دادگاه طبق مقررات دادگاه لاهه انجام گردید. نظریه اینکه چند نفر از قضات در لاهه حضور ندارند لایحه جوابیه بوسیله پست هوائی به آدرس آنها ارسال شد. لایحه جوابیه دولت ایران به سه زبان فرانسوی، انگلیسی و اسپانیولی تهیه شده است. توزیع لایحه جوابیه بین قضات به موجب مقررات و سنت دیوان لاهه بمنزله ابلاغ رسمی لایحه به دولت طرف دعوا است و در این قضیه دولت انگلیس طبق قوانین قضائی بین المللی میتواند از این تاریخ تا یک ماه دیگر کتبا به لایحه دولت ایران پاسخ دهد.

قضات دادگاه فعلا وارد ماهیت دعوی نخواهند شد بلکه اظهارنظر آنها درباره صلاحیت یا عدم صلاحیت دیوان برای رسیدگی به این قضیه است چون دولت ایران بطرز قابل توجه و با شواهد محکمی استدلال کرده است که دیوان لاهه برای رسیدگی شکایت دولت انگلیس صلاحیت ندارد و نمیتواند وارد ماهیت قضیه گردد و فقط باید قرار عدم صلاحیت خود را صادر کند.

از این حسن تفاهم بهره مند گردیم. امیدوار هستیم مذاکرات ما در تهران ثمر بخش بوده و سرانجام بحل مسأله مهمی که اکنون کشور شما با آن مواجه است منتهی شود.

24 بهمن 1330

کمپانی کروپ و بازرگانان ایتالیائی

نمایندگان کمپانی کروپ که برای انجام معاملات پایاپای با دولت ایران از 20 روز قبل در تهران میباشند پیشنهادی به دولت داده اند که مورد

توجه قرار گرفته است. در این پیشنهاد کمپانی کروپ درخواست نموده است در برابر 300 هزار دلار لوله چدنی که به منظور لوله کشی آب در شهر کرمانشاه مورد نیاز میباشد از ایران نفت دریافت دارند. ولی چون در قرارداد تهاتری ایران با آلمان نفت جزو کالاهای صادراتی ایران به آلمان نمیشد لازم است در متن قرارداد تهاتری تغییری داده شود. این امر در برنامه کار وزارت اقتصاد قرار گرفته و قرار است مذاکرات لازم سریعاً انجام گیرد.

همچنین در هفته گذشته دو نفر از بازرگانان ایتالیائی آقایان دکتر پراکر و کنت دلازونکا به منظور معاملات تهاتری وارد تهران شده اند و با آقای دکتر امینی وزیر اقتصاد به مذاکره پرداختند. این مذاکرات در اطراف معامله نفت ایران میباشد. بازرگانان ایتالیائی پیشنهاد کرده اند که حاضر هستند در مقابل نفت قند و قماش و ماشین آلات نساجی و کشاورزی تحویل دهند و نفت دریافتی را نیز با وسایل متعلق به خود حمل خواهند کرد.

سوء قصد به دکتر حسین فاطمی

عصر امروز بمناسبت پنجمین سال ترور محمد مسعود مراسم یادبودی درمزار او واقع در مقبره ظهیر الدوله برپا بود و عده ای از روزنامه نگاران و دوستان مسعود من الجمله دکتر حسین فاطمی حضور داشتند.

در ساعت چهار و ده دقیقه دکتر فاطمی در پشت میکروفون قرار گرفت و در اطراف مبارزات محمد مسعود و تلاش او برای برقراری عدالت و آزادی سخن گفت که ناگاه صدای گلوله ای در فضا طنین افکند که به دکتر فاطمی اصابت کرد و در شکم او جای گرفت و در حالیکه از درد به خود می پیچید توسط دوستان به بیمارستان نجمیه انتقال یافت و بلافاصله به اتاق عمل برده شد و آقایان پروفیسور عدل و دکتر نجم آبادی که در بیمارستان حاضر بودند توانستند گلوله را که به قسمت پشت رسیده بود درآورند و جراحی های لازم را انجام دهند.

ضارب دکتر حسین فاطمی

بلافاصله بعد از شلیک گلوله ضارب دستگیر و تحویل مأمورین انتظامی داده شد. ضارب بعد از سوء قصد شروع به تلاوت قرآن کرد و دائماً با صدای بلند میگفت "اسلام بالای همه چیزاست، اجرای احکام نورانی اسلام وظیفه کلیه برادران است، اسم من عبد فدائی اسلام و شغل من کار برای اجرای احکام حق است".

در بازجویی های ثانوی ضارب خود را محمد مهدی فرزند غلامحسین متولد مشهد معرفی کرد تا کلاس پنجم ابتدائی درس خوانده است ، حدود 6 ماه است که وارد جرگه فدائیان اسلام شده و روزها کارگر میخ فروشی حاجی کاظم باقر زاده میباشم و شب ها در محل درسی که معلم فدائیان اسلام در آنجا شاگردان خود را درس میدهند شرکت می جستم و از روز سه شنبه قبل برای ترور دکتر فاطمی آماده گردیدم و بالاخره امروز به این کار دست زده ام.

ضارب همچنین اظهار داشت که من میخواستم نخست وزیر و امیر علائی وزیر سابق دادگستری را نیز ترور کنم ولی به جیتی به اینکار مبادرت نکرده در صدد ترور دکتر فاطمی برآمدم.

در طرف راست اسلحه ای که مورد استفاده ضارب قرار گرفته است نوشته شده "مرگ بر دشمنان اسلام" و بر روی لوله اسلحه "حضرت نواب صفا رهبر فدائیان و حضرت خلیل طهماسبی را آزاد نمائید"

تاریخ صدور حکم دادگاه لاهه

محافل مطلع و نزدیک به دیوان بین المللی دادگستری اظهار میدارند که نظریه اهمیت قضیه اختلاف بین ایران وانگلیس واستدلال محکمی که دولت ایران درلایحه جوابیه خود نموده است و قضات دیوان لاهه مجبور هستند وقت کافی صرف مطالعه لایحه انگلستان و لایحه جوابیه دولت ایران بنمایند به این جهت تصور نمیشود دادگاه لاهه زودتر از ماه مه فرصت رسیدگی به این مسأله را داشته باشد و درصورتی که دیوان مزبور در ماه مه به این موضوع رسیدگی کند نظر به تشریفات و مهلت قانونی برای اطلاع دادن به طرفین و استفسار از آخرین نظریات آنها حکم دادگاه زودتر از ماه سپتامبر صادر نخواهد شد.

19 اسفند 1330

شرفیابی دکتر مصدق

ساعت 4 بعد از ظهر امروز آقای دکتر مصدق در کاخ اختصاصی بحضور اعلیحضرت همایونی شرفیابی حاصل کرد و این ملاقات تا ساعت هفت و ربع بعد از ظهر طول کشید. از این شرفیابی هیچ کس قبلا استحضار نداشت و اعضای دولت که برحسب معمول برای تشکیل جلسه هیأت وزیران حاضر بودند ساعت ها درانتظار نخست وزیر بودند.

هرچند اصولاً شرفیابی نخست وزیر به حضور شاهنشاه از امور جاری مملکتی است ولی باید در نظر داشت کسالت ممتد نخست وزیر موجب شده بود که در یکماه اخیر نخست وزیر نتوانسته بود شرفیابی حاصل کند بنابراین شرفیابی دیروز با توجه به امور جاری مملکت و موقعیت سیاسی میبایست از اهمیت فوق العاده برخوردار باشد و به احتمال زیاد در ملاقات امروز مذاکرات دولت با نمایندگان بانک بین المللی و پیشرفت هائی که ممکن است در این مذاکرات صورت گرفته باشد قسمت عمده گزارش نخست وزیر را تشکیل میداده است و علاوه بر آن مسائل روز از قبیل اوضاع مالی دولت و وضع اقتصادی کشور و سیاست عمومی دولت و اقداماتی که برای رفع مشکلات موجود باید بشود مسائل مورد مذاکره را تشکیل میداده است.

سیاست امریکا در ایران

اخیراً دانشگاه هاروارد در امریکا کتابی به نام "امریکا ، ترکیه ، یونان" به قلم لوئیز توماس و ریچارد فری منتشر کرده که در بخش هائی از آن راجع به ایران نیز نکات قابل ملاحظه ای وجود دارد.

منطقه خاورمیانه یکی از نقاطی است که در چند سال اخیر مورد توجه و علاقه خاص امریکا بوده و امنیت و استقلال سیاسی کشورهای مختلف این منطقه برای امریکا ارزش حیاتی پیدا کرده است.

بعضی از مقامات امریکا نکات دقیق و حساسی که در تأمین استقلال سیاسی خاور میانه مؤثر است نادیده میگیرند و بطور قطع این موضوع از طرف افکار عمومی در آن منطقه خوشایند برای سیاستهای امریکا در آینده نمیشود. هرگونه سیاست ولو اینکه صد در صد بی عیب و دقیق باشد باید بر پایه افکار عمومی ملت های آن منطقه قرار گیرد.

ترکیه و ایران تنها کشورهای خاور میانه هستند که با شوروی مرز های مشترک دارند. این دو کشور دو حلقه از رنجیر محاصره دول غربی علیه شوروی بشمار میروند. موضوع مهمی که کلیه ناظرین سیاسی و نظامی را بخود مشغول داشته این است که چرا ترکیه پس از جنگ بین المللی دوم در سازمان دفاعی دول غربی راه یافته و تا سال 1950 در حدود 700 میلیون دلار کمک های اقتصادی و نظامی استفاده کرده ولی ایران که به مراتب مهم تر از ترکیه است تاکنون هیچگونه کمکی دریافت نداشته است.

البته وزارت خارجه امریکا در برابر چنین سؤالی سکوت اختیار خواهد کرد. تا 10 سال پیش امریکا از لحاظ سیاسی کوچکترین علاقه ای به ایران و ترکیه ابراز نمیکرد ولی بعد از قضیه پرل هاربر این مسأله تغییر کرد در آن وقت امریکا ایران و ترکیه را مانند سایر کشورهای عرب، منطقه نفوذ انگلستان تلقی میکرد لذا حاضر نبود برخلاف میل انگلیس ها در این کشورها دست به عملی بزند بلکه سعی داشت که وضع دفاعی انگلیس را در خاورمیانه محکم سازد.

شرکت نفت انگلیس و ایران که امتیاز استفاده از منابع نفتی ایران را در دست دارد و در سیاست گذاریهای سیاسی و اقتصادی ایران مداخله مینماید احتمالا مانع دادن کمکهای امریکا به ایران میباشد.

24 اسفند 1330

توطئه برای قتل نخست وزیر

طبق اخباری که از دوایر شهربانی بدست آمده است یک روز پس از ترور دکتر فاطمی تلفونچی دادگستری ناگهان می شنود که شاگرد نجاری گفته است ما عده ای هستیم و تصمیم گرفته ایم دکتر مصدق نخست وزیر را ترور کنیم و خواهید دید تا چند روز دیگر کار خود را خواهیم کرد. روز بعد تلفونچی وزارت دادگستری مطلبی را که بگوش او رسیده بود به اطلاع آقای نخست وزیر رسانید و دستور تحقیق موضوع به اداره آگاهی داده شد. آگاهی فوراً در مقام تحقیق و کشف موضوع برآمد و به دنبال یافتن شاگرد نجار با قرائن و اماراتی که در دست داشت موفق شد شاگرد نجار را پیدا کند و او را توقیف نماید.

توقیف شاگرد نجار در 27 بهمن ماه دو روز بعد از ترور دکتر فاطمی صورت گرفت و پس از چند جلسه تحقیق و بازجویی که از او به عمل آمد و تحقیقاتی که از آشنایان او شد بالاخره او اعتراف کرد توطئه ای برای قتل نخست وزیر تدوین شده. هویت شاگرد نجار محمد تقی کیانی مقدم میباشد 20 ساله و ساکن تهران است او اعتراف کرد که مدتی است با جمعیت فدائیان اسلام مربوط بوده و در جلسات سری آنها شرکت میکند و در یکی از این جلسات تصمیم براین بوده که تا عید نوروز دکتر مصدق، امیر علانی و سرلشگر کوپال رئیس شهربانی را از میان ببرند و در صدد تهیه وسایل این کار بوده اند.

بدون درآمد نفت میتوان بودجه را متعادل کرد

امروز آقای وزیر دارائی در مورد متعادل کردن بودجه بدون درآمد نفت به خبرنگاران روزنامه ها گفت برای تعدیل بودجه دو کار لازم است یکی توازن تجارت یعنی ایجاد تعادل بین واردات و صادرات و دوم حذف مخارج زائد و وصول مالیات دولت به طریقی که با نظم و ترتیب و حسن نیت توأم باشد.

گمرک و دخانیات بسیار مورد توجه من است زیرا عقیده دارم که اگر در این دو منبع نظارت بشود و سدی در مقابل فاجای ایجاد گردد تفاوت سرشاری درستون درآمد بودجه حاصل خواهد شد. اکنون کمیسیون برای مطالعه اوضاع اقتصادی دولت و بررسی راه هایی که در اصلاح اوضاع مؤثر می باشد تشکیل شده که امیدوارم کار این کمیسیون به نتیجه مطلوب برسد.

من میتوانم با اطمینان زیاد بگویم اگر دولت در محیط امن و امان و با اطمینان و دلگرمی قوانین را اجرا کند و همه مردم حاضر شوند قروض خود را درکمال میل بدولت بدهند هیچ اشکالی وجود نخواهد داشت که با صرفه نظر کردن از عواید نفت بودجه تعدیل گردد و وضع مالی ما بدون توجه به درآمد نفت بر روی اقلام درآمد های داخلی استوار شود.

متن اعلامیه سنا

امروز دوساعت بظهر آقایان ملکزاده ، تقوی و مؤید ثابتی آقای نخست وزیر را ملاقات نموده و ایشان را ازافکار و نظریات همکاران خود نسبت به جریان امور کشور و نگرانی مجلس سنا مستحضر ساختند و بخصوص در دو مورد اقتصاد و امنیت عمومی نظر ایشان را جلب نمودند آقای دکتر مصدق مطالب مفصلی در جواب بیان کردند.

مقارن ظهر آقایان در جلسه خصوصی سنا حضور یافته از مذاکراتی که بین خود و آقای نخست وزیر جریان یافته بود نمایندگان حاضر در جلسه را مستحضر ساختند و دراطراف این ملاقات که تا یکساعت بعد از ظهر ادامه داشت و چون بحث در مسائل مورد نظر محتاج به مطالعه و شور بیشتری بود و وقت گذشته بود و عده ای از نمایندگان هم مسافرت کرده بودند و تعطیل در بین بود تعقیب بحث و مذاکره را به بعد از تعطیلات نوزد محول نمودند و جلسه خصوصی پایان یافت.

8 فروردین 1331

اعلامیه شهربانی

از طرف کانون جوانان دموکرات تقاضا شده است روز جمعه هشتم ماه جاری دموستراسیون بدهند. چون دموستراسیون اصولا برخلاف مقررات و مقتضیات میباید با وجودی که کتبا به کانون نامبرده اخطار شده است اینک بدین وسیله نیز اخطار میشود که از دادن دموستراسیون بطورکلی صرفنظر نمایند و اگر میخواهند متینگ بدهند البته مجاز هستند که در میدان فوزیه با رعایت نظم و انضباط بدون اینکه دسته جمعی در معابر حرکت نمایند متینگ بدهند و چنانچه برخلاف این ترتیب رفتار شود متخلفین مسؤول هرگونه پیش آمد مخل نظم بوده و طبق مقررات تعقیب خواهند شد
شهرداری کل کشور

با توجه به این اخطار کانون جوانان دموکرات درمیدان فوزیه متینگ برگزار کردند ولی پس از خاتمه متینگ متظاهرين دسته دسته پشت سرهم از میدان فوزیه به سوی خیابان شاهرضا حرکت کردند. موقعی که اولین دسته متظاهرين وارد خیابان فردوسی شدند قوای امدادی درچند متری سفارت انگلیس مستقرشده بودند نیروی انتظامی برای متفرق کردن آنها اقدام کرد و درگیری مختصری بین آنها و تظاهر کنندگان بوجود آمد.

در ابتدای خیابان نادری قوای انتظامی صف بسته و به کارگردانان جمعیت اخطار ردند که درهمین جا باید به دموستراسیون خاتمه داده شود و افراد متفرق شوند ولی چون باخوارپلیس توجهی نشد مجددا درگیری و زدوخورد بین پلیس و آنان آغاز گردید. با مشغول شدن پلیس عده ای از دختران تظاهر کننده وارد خیابان نادری شده و در حالی که شعار میدادند به طرف کانون که در کوچه نوبهار واقع است براه افتادند درنتیجه در خیابان نادری وقسمت جنوبی خیابان استانبول درگیری شدیدی آغاز گردید که قریب 300 نفرپلیس وتقربیا 1000 نفر از تظاهر کنندگان درآن شرکت داشتند که در آن تقریباً 50 نفر مجروح شدند که بوسیله آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند.

تا این موقع هنوز گلوله ای شلیک نشده بود اما در حدود ساعت یک و سی دقیقه صغیر گلوله ای در فضا پیچید که بدنبال آن مدت ها ادامه داشت. اعلامیه دوم شهرداری دیروز جمعیت جوانان دموکرات که توده ای هستند قصد داشتند در شهر دموستراسیون بدهند

برحسب اعلامیه ای که روزقبل ازطرق شهرپانی کل کشورصادر شده بود از دموستراسیون جلوگیری به عمل آمد. از ساعت 10 دیروز جمعیت مزبور در میدان فوزیه اجتماع نموده و تا ساعت 11 و نیم متینگ دادند و از آنجا به حال اجتماع حرکت کردند و ضمن دادن شعار هائی شروع به تظاهرات کردند. از طرف مأمورین پلیس چندین مرتبه بآنها اخطار شد که دموستراسیون را متوقف کنند ولی آنها در مقابل شروع به توهین و سنگ پرانی به طرف پلیس نمودند.

پس از این جریان جمعیت مزبور به مرکز جمعیت در کوچه نوبهار وارد شدند و دو مرتبه سنگ و چوب های دستی به مأمورین پلیس حمله کردند و از پشت بام عمارت بطرف پلیس تیراندازی نمودند که در نتیجه یک پاسبان مجروح شد. بعد از این زد و خورد عده ای پلیس وارد مرکز جمعیت شده و آنها متفرق و خانه مذکور را تصرف کردند طی این زد و خورد 50 نفر از طرفین مجروح و دو نفر کشته شدند.

10 فروردین 1331

رفتار امریکا و انگلیس درمورد نفت با ایران

روزنامه بوئنوس آیرس هرالد زیر عنوان بالا مینویسد واقعا ایران در معامله خود با دموکراسی های خیالی مغرب زمین که خود را ناجی و مدافع صادق تمدن در منطقه خاورمیانه میخوانند تجارب تلخی داشته است. ملی شدن صنعت نفت ایران این موضوع مهم را افشا کرد که امریکا و انگلستان درمورد تجارت آزاد وحدت منافع دارند و به نظریات و تصمیمات ملل دیگر و کمک به کشورهای عقب مانده توجهی ندارند و وقتی که یکی از این ملل عقب مانده و ضعیف برای حفظ حیثیت خود دست به اقدامی میزند که ممکن است خطر شروع جنگ در آن باشد انگلیس و امریکا داد و فریاد راه میاندازند که آن کشور بسوی روسیه شوروی متمایل شده است.

رویه امریکا و انگلستان نسبت به ایران را باید یک رویه فراموشکارانه خواند که بنفع خودشان اجرا میشود و به صراحت میتوان گفت که این رفتار در تمام تاریخ وجود داشته است. این روش صرفنظر از شرایطی که بر اثر تصمیماتی که در مورد نفت ایران اتخاذ میشود مهمترین عمل سوق الجیشی غرب در برابر شرق خواهد بود.

مسأله نفت ایران دیگر هیچگونه جوانب محرمانه سری ندارد و مسأله مهمی نیست بلکه این یک نمونه استثمارامپریالیستی است بعبارت

مفهوم و ساده یک قدرت مافیائی است که بتوسط قدرت بزرگی انجام میگردد. ایران اکنون روی جاده ای قدم میزند که پر از مشقت و عذاب است و این موضوع باید وجدان دنیا را به جوش بیاورد. اگر سازمان ملل متحد یک دستگاه پوشالی و دست نشانده نبود و قبل از اینکه به موضوع تجاوز و تهاجم احتمالی شوروی توجه کند باید بدون تأخیر به آن تجاوز علنی امپریالیسم علیه حق حاکمیت و آزادی ایران رسیدگی نماید.

مصاحبه مطبوعاتی دکتر شایگان درمورد انگلستان

طبق مقررات دادگاه این لایحه برای اظهار نظر و تهیه جواب برای طرف دیگر دعوی فرستاده میشود. آقای دکتر شایگان در این مورد به در چند روزه اخیر خبر تقدیم لایحه دولت انگلیس به دادگاه لاهه به خبرنگاران اظهار داشت:

نامه آقای نواب هنوز بطور رسمی در این مورد به دولت ایران نرسیده است ولی دادگاه آنرا برای ایشان ارسال داشته است و احتمالاً در ظرف چند روز آینده بدست ما خواهد رسید. قاعدتاً اگر مطالب تازه ای عنوان شده باشد این حق برای ما محفوظ است که بآن جواب بدهیم.

هنوز تاریخ حرکت و اعضای هیأت نمایندگی ایران مشخص نشده اند ولی بطور محرز آقای نخست وزیر به این مسافرت خواهند رفت .

آقای نخست وزیر در توضیحات شفاهی خود ابتدا راجع به عدم صلاحیت دادگاه صحبت خواهند نمود و سندهائی از مداخله انگلیس ها در امور داخلی ایران و بی اساس بودن قرار داد 1933 در اختیار دادگاه خواهند گذارد.

لایحه دولت انگلیس با وجودی که آنها مایلند از نظر دولت ایران مخفی بماند از نظر دولت ایران مانعی ندارد ولی نزاکت سیاسی ایجاب میکند که جواب دولت ایران بعد از ارسال به دادگاه منتشر شود.

در 16 فروردین 1331 انگلیس منکرشناخته شدن اصل ملی شدن نفت شده است.

رونوشت یادداشت سفارت انگلیس در تهران شماره 1530/221/30
تاریخ 28 اسفند 1330

آقای وزیر ، طبق دستور وزیر امور خارجه علیاحضرت ملکه انگلستان محترما با مراجعه به نامه 6362 آن جناب مورخه 21 دیماه 1330 مراتب ذیل را اشعار میدارد:

بطوری که دولت علیاحضرت ملکه انگلیس مشاهده مینماید دولت شاهنشاهی طبق نامه مورخه 21 دیماه فوق استدالات قبل را تکرار نموده و متذکر شده اند که ملی شدن صنعت نفت درایران یک امر داخلی است که منحصرأ مربوط به حق حاکمیت ایران بوده و ربطی به دولت علیاحضرت ملکه انگلیس در کشور متحده انگلیس نداشته و با وجود مراجعه امر ازطرف دولت نامبرده دیوان بین المللی دادگستری، دیوان مزبور صلاحیت قضاوت در آن را ندارد.

دولت علیاحضرت ملکه انگلستان تا بحال در چندین مورد این نکته را درقبال دولت شاهنشاهی تصریح نموده که درموقعی که امتیازشرکت نفت انگلیس و ایران به نوعی از آن شرکت سلب شده که برخلاف اصول بین المللی و مخالف مقررات پیمانی است که از طرف کشور ایران در قبال کشور متحده انگلیس به عهده گرفته شده. اگر دولت علیاحضرت ملکه انگلستان، خود درقضیه شرکت نامبرده دخالت نموده درواقع در امری که منحصرأ به حق حاکمیت ایران است دخالتی ننموده بلکه به حقی که کلیه دول مدعی آن هستند اقدامات آن معطوف به حمایت سیاسی از اتباع خود در موردی بوده است که با آنان برخلاف اصول و قوانین بین المللی رفتار شده است.

در تاریخ 28 می 1951 دولت علیاحضرت ملکه انگلستان با تقدیم درخواست خود به دیوان بین المللی دادگستری اقدامات خود را آغاز و در تاریخ 10 اکتبر 1951 (17 مهر 1330) یادداشتی به دیوان مزبور تسلیم و ضمن آن متذکر گردید به چه علل دولت مشارالیه معتقد است که اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مورخه اول می 1951 (10 اردیبهشت 1330) در ایران موضوعی نیست که درحدود حاکمیت داخلی ایران باشد . بلکه یک موضوع بین المللی است که دیوان دادگستری فوق صلاحیت قضاوت نسبت به آن را دارد.

دولت شاهنشاهی ممکن است مدعی شوندکه دیوان مزبورصلاحیت قضاوت در ماهیت این قضیه را ندارد و با وجود این دولت شاهنشاهی نمیتواند منکر این مسأله گردد که دیوان مزبور صلاحیت دارد که به صلاحیت خود در رسیدگی به این موضوع رای دهد زیرا این مسأله

صریحا در ماده 6/36 اساسنامه دیوان دادگستری که از ضmann منشور ملل متفق است قید گردیده بنابراین دولت علیاحضرت ملکه انگلستان لازم میداند این نکته را مؤکداً تذکر دهد که نمیتواند ادعای دولت شاهنشاهی را که طی نامه مورخه 21 دیماه 1330 اشعار گردیده و مبنی بر این است که این امر از موضوعاتی نیست که تحت رسیدگی قضائی تلقی شود بپذیرد.

به نظر دولت علیاحضرت ملکه انگلستان از ماده 36 اساسنامه دیوان دادگستری چنین برمیآید که تا دیوان نامبرده رأی خود را صادر ننموده لازم است این موضوع کاملاً تحت رسیدگی قضائی تلقی شود.

دولت شاهنشاهی ضمناً طی نامه فوق الذکر خود اشعار داشته اند که چون دولت علیاحضرت ملکه انگلستان به موجب نامه مورخ 3 اوت 1951 (11 مرداد 1330) اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران ملی شدن نفت را در سراسر کشور ایران شناخته است بسیار باعث تعجب است که دولت علیاحضرت ملکه انگلستان نامه مورخ 22 دسامبر 1951 (30 آذر 1330) خود اشعار داشته است که نمیتواند با خرید نفت ایران از طرف اتباع انگلیس موافقت نموده و برای دولت ایران حق قانونی نسبت به فروش نفت قائل شود. دولت شاهنشاهی متوجه خواهند بود که شناسائی اصل ملی شدن صنعت نفت در ایران از طرف دولت علیاحضرت ملکه انگلستان فقط به منظور انجام مذاکره بوده است و این موضوع در دو قسمت اول نامه مورخه 3 اوت 1951 (11 مرداد 1330) که به مضمون ذیل است کاملاً روشن میباشد.

طبق دستور واصله از دولت متبوعه دوستدار اینک محترماً باستحضار خاطر آن جناب میرسانم که دولت مشارالیهها به وسیله آقای هاریمن فرمول دولتی شاهنشاهی را جهت مذاکرات بین دولت شاهنشاهی و دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان به وکالت از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران و همچنین برای بحث و مذاکره دراموری که مورد علاقه مشترک دولتین میباشد دریافت نموده است. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان از این فرمول مایل است استفاده نموده و حاضر است طبق آن وارد مذاکره شود. ولیکن دولت شاهنشاهی تصدیق خواهند فرمود که مذاکراتی را که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان با نهایت حسن نیت آغاز نمود نمیتوان به نحو رضایت بخشی از پیش برد مگر اینکه قبلاً محیط فعلی تسکین یابد با اطمینان به اینکه دولت شاهنشاهی هم

به همین مسأله قائل بوده و با همان روح وارد مذاکرات خواهد شد
هیأتی بریاست یکی از اعضای کابینه فوراً حرکت خواهد نمود.

نه درنامه مورخ 3 اوت 1951 و نه درهیچ موقع دیگر دولت علیاحضرت
ملکه انگلستان نگفته که ملی شدن صنعت نفت در ایران قانونی بوده
و یا اینکه اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت مورخه اول می 1951
(10 اردیبهشت 1330) یک عمل قانونی است که مبتنی برحق حاکمیت
ایران میباشد. بطوری که دولت شاهنشاهی بخوبی میدانند دولت
علیاحضرت ملکه انگلستان طبق قوانین بین المللی همواره به الغای
یک طرفه قرارداد 1933 از طرف دولت ایران یعنی قراردادی که تحت نظر
جامعه ملل بین دو کشور منعقد گردیده متعرض بوده و ضمن جریانات
قانونی هم در دیوان دادگستری بین المللی به عمل آمده و دولت
شاهنشاهی حال درآن شرکت دارند ، این اعتراض خود را تعقیب نموده
است .

در یادداشت مورخه 2 اوت 1951 (11 مرداد 1330) دولت علیاحضرت
ملکه انگلستان متذکر شده است که حاضر است با دولت
شاهنشاهی براین اساس مذاکره نماید که صنعت نفت که در ایران از
طرف شرکت نفت انگلیس و ایران اداره میشود بنحوی ملی شود که
مورد قبول دولت مشارالیه و شرکت مزبور باشد.

بطوریکه دولت شاهنشاهی اطلاع دارند پذیرفتن یک فرمول به منزله
اساس مذاکرات به هیچوجه عبارت از قبول الزام آور مقررات آن فرمول
بدون توجه به نتیجه مذاکرات نمیشد.

بنابراین دولت شاهنشاهی با تفسیر کردن نامه مورخه 3 اوت 1951
به اینکه دولت علیاحضرت ملکه انگلستان عمل انجام شده ای را
پذیرفته است که نتیجه اجرای تفسیر قانونی قانون ملی شدن نفت
ایران میباشد کاملاً حقیقت امر را مشتبّه نموده اند.

دولت علیاحضرت ملکه انگلستان هنوز حاضر است قضیه را از طریق
مذاکره حل نماید و به منظور مذاکرات بیشتر همان فرمول را به عنوان
پایه بحث و مذاکره بپذیرد ولیکن لزوماً تأکید مینماید که دولت نامبرده
فرمول مزبور را فقط به منزله پایه مذاکرات میپذیرد بطوری که در صورت
عدم موفقیت در مذاکرات لطمه به حقوق هیچ یک از طرفین وارد نسازد.
جی . اچ . میدلتون

پاسخ وزارت امور خارجه به کاردار انگلیس

شماره 140- 11 فروردین 1331

آقای کاردار ، عطف به نامه شماره 15301/122/30 تاریخ 28 اسفند ماه 1330 جنابعالی اشعار میدارد:

اولا نظر دولت شاهنشاهی در موضوع دخالت دولت انگلیس در قضیه نفت همان است که طی نامه شماره 6362 مورخ 21 دیماه 1330 دوستدار به جناب آقای سفیر کبیر سابق انگلستان مقیم دربار شاهنشاهی ارسال شده است و دولت شاهنشاهی از این نظر که مبنی بر اصل مسلم حق حاکمیت ملی ایران است به هیچوجه نمیتواند عدول کند.

ثانیا تفسیری که دولت انگلستان دائر بر نقض اصول قوانین بین المللی از دولت متبوع دوستدار نمیتواند مورد قبول دولت شاهنشاهی واقع گردد و دلایل همه موافقت با این نظر کرارا و مفصلا اظهار و طی جوابیه دولت شاهنشاهی به دیوان بین المللی دادگستری نیز ارسال شده و بنابراین تکرار دلایل و مکاتبه در این مورد مفید فایده ای نیست.

ثالثا تفسیری که دولت انگلستان از نامه 100 مورخ 11 مرداد 1330 که در آن سفارت کبرای انگلستان بنا به دستور و از طرف دولت متبوعه خود و به وکالت از طرف شرکت سابق نفت اصل ملی شدن صنعت نفت را در سراسر کشور شناخته است نموده مایه تعجب دولت شاهنشاهی گردید و نظر دولت ایران در این مورد همان است که طی نامه شماره 6362 مورخ 21 دی ماه 1330 نیز ذکر گردیده و دولت انگلستان با روشن ترین و صریح ترین عبارتی که مجال کوچک ترین تفسیر و تأملی باقی نگذاشته و بدون هیچ گونه قید و شرط اصل ملی شدن صنعت نفت ایران را در سراسر کشور شاهنشاهی پذیرفته است و بنابراین دولت ایران این شناسائی را از طرف دولت انگلستان غیر قابل تردید تلقی نموده است.

در خاتمه با مراجعه به قسمت اخیر نامه آن جناب لزوما تذکر میدهد که با توجه بمراتب مندرجه در نامه شماره 6362 مورخ 21 دیماه 1330 دوستدار دولت شاهنشاهی ایران حاضر است در حدود قوانین 29 اسفند 1329 و اردیبهشت 1330 درباره ترتیب غرامت با شرکت سابق نفت یا با وکیل آن و بدون اینکه تفسیر مندرج در قسمت اخیر نامه

شماره 5301/221/30 جی مورخ 20 اسفند ماه 1330 جنابعالی را قبول نماید وارد مذاکره شود.
با احساسات صمیمانه باقر کاظمی

سخنان اول هاریمن درمورد دکتر مصدق

هاریمن در یکی از کمیته های فرعی کنگره شرح یکی از مذاکرات خود را با آقای دکتر مصدق چنین بیان میدارد : طی یکی از آخرین ملاقات های خود با آقای دکتر مصدق به ایشان گفتم آیا جنابعالی قبول دارید که به هر صورت نفت ایران باید از دل خاک خارج شود تا تبدیل به پول شده و برای رفع مشکلات عمومی ایران صرف شود؟ پاسخ دکتر مصدق مثبت بود.

سپس گفتم آیا قبول دارید که نفت ایران باید در پالایشگاه آبادان تصفیه شود تا در بازار بین المللی قابل فروش باشد؟ این بار نیز پاسخ دکتر مصدق مثبت بود.

سپس گفتم آیا میدانید که شما متخصص برای بهره برداری از نفت ندارید و محتاج استخدام کارشناس خارجی هستید؟ پاسخ نخست وزیر ایران یکبار دیگر مثبت بود.

آنگاه گفتم من که میانجی بی طرفی هستم و نسبتا به مسائل بین المللی و فنی آشنائی دارم میدانم که تنها راه بهره برداری و تصفیه نفت ایران این است که به نحوی از انحاء حتی اگر بطور موقت یا تحت کنترل دقیق و شرایط بسیار سنگینی هم که شده دولت ایران از وجود متخصصین انگلیسی استفاده کند تا منظور شما عملی شود.

ناگهان آقای دکتر مصدق عصبانی شده و بدون درنگ پاسخ داد من با مقدمه استدلال شما موافق بودم ولی حاضر نیستم به هیچ قیمت با بازگشت انگلیس ها موافقت کنم.

کمپانی های نفت امریکا خوشحالند ما اگر از سناتورهای با نفوذ امریکا مانند سناتور دوگلاس یا سناتور فرگوسن که از لیبرهای با نفوذ سنای امریکا هستند سؤال کنیم چرا دولت امریکا حاضر نیست برای دولت ایران متخصص امریکائی بفرستد بطور صریح پاسخ میدهند که بازار نفت بین المللی در دست کمپانی های انگلیسی و امریکائی است و این تراست ها حاضر نیستند عالما و عامدا در بازار های بین المللی برای

خود رقیب بتراشند حتی باید گفت بیشتر کمپانی های امریکائی ازاینکه حل قضیه نفت ایران طولانی شودخوشحال هستند.

استفاده کمپانی های نفتی امریکا در نیمه دوم و اول سالهای 1951 و 1952 به مقدار زیادی افزایش یافته است. بنابراین چگونه میتوان از صاحبان صنایع نفت و مقامات مؤثر امریکا که خود سهمی در سرمایه های عظیم شرکت های نفتی امریکا دارند توقع اعزام کارشناس برای نفت ایران داشت؟

اساس دفاعیات ایران علیه انگلیس در لاهه

آقای دکتر مصدق در مصاحبه با یکی از روزنامه های صبح امروز در تهران گفت:

دولت ایران همانطور که در شورای امنیت رفتار کرده در دادگاه لاهه نیز حقانیت خود را ثابت کرده و با اسناد نشان خواهد داد که شرکت سابق نفت فقط یک مؤسسه بازرگانی نبوده و بلکه این شرکت و بواسطه آن دولت انگلیس در کار های ایران مداخله میکرده است و گرفتاری ها و بدبختی های کنونی زائیده اقدامات و مداخلات دولت انگلیس و شرکت نفت است.

26 فروردین 1331

قرارداد 5 میلیون دلاری معامله پایپای با ژاپن

هفته گذشته آقای کوباباشی نماینده مؤسسه کمپانی «کوشو» که در بیشترکشورهای دنیا نمایندگی دارد با نمایندگان ایران که از اقتصاد ملی بودند در مورد انعقاد یک قرارداد 5 میلیون دلاری مذاکره نمودند.

طرح قرارداد مذکور تهیه شده وقرار است درخلال هفته جاری به امضا برسد. کالاهائی که قرار است از ایران صادر گردند عبارتند از پشم، پوست، کنیرا، دانه های روغنی، نمک، سنگ های معدنی، آهن، آهن قراضه، برنج چمپا و جو، در مقابل واردات از ژاپون عبارت خواهند بود از پارچه های نخی و پشمی و ابریشمی، کاغذ، سیمان، مواد سیمیائی، ماشین آلات، چینی و شیشه.

صبح امروزآقای کوباباشی با آقای دکترامینی وزیر اقتصاد ملی ملاقات نموده و طرح قرارداد تهیه شده میان طرفین مبادله گردید و مقرر گشت پس از انجام تشریفات معمولی طرح مزبور امضا و رونوشت آن به بانک

ملی و کمیسیون ارز ارسال شود تا برای سفارشات بازرگانان و مؤسسات تجارتي حساب در بانک افتتاح شود.

3 اردیبهشت 1331

کارخانه روغن سازی آبادان به کار افتاد

هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران ضمن تلگرافی به آقای نخست وزیر به کار افتادن کارخانه روغن سازی آبادان را بایشان اطلاع دادند.

بنا به اظهار نظر یکی از مهندسینی که در نصب این کارخانه شرکت داشته است نصب این کارخانه که یکی از مدرن ترین کارخانه های تولید روغن ماشین میباشد بلافاصله بعد از جنگ شروع شد ولی نصب و راه اندازی آن هنوز آغاز نشده بود. پس از خلع ید و خروج کارشناسان انگلیسی شرکت ملی نفت تصمیم گرفت این کارخانه را تکمیل و شروع به بهره برداری از آن بنماید ، این مأموریت به آقای دکتر فلاح مشاور هیأت مدیره و مهندس اشرف کفیل اداره کل کارخانجات داده شد.

ظرفیت کارخانه 20 هزار تن روغن ماشین در سال میباشد اما طبق نظر متخصصین نباید انتظار داشت که فوراً این دستگاه بتواند همه ظرفیت خود را تولید کند. در حال حاضر مرحله آزمایشی انجام شده و به مرحله تولید رسیده است. ولی در ضمن کار به تدریج باید به رفع مشکلات و نقائص جزئی که ممکن است پیش آید پرداخت. احتمال است که بارفوق نواقص سالیانه تا 4 میلیون دلار ارز از کشور خارج نشود.

مهندس مزبور گفت پس از رفتن انگلیس ها دولت با کارخانجات روغن سازی امریکا وارد مذاکره شد و موفق گردید 11 هزار تن روغن به ارزش دو میلیون دلار خریداری نماید که 7 هزارتن ار آن تاکنون به ایران رسیده است .

6 اردیبهشت 1331

متن نامه های متبادله بین ایران و امریکا

در روز 4 اردیبهشت آقای دکتر مصدق نامه ای به شرح زیر برای سفیر کبیر امریکا در ایران ارسال داشته است.

جناب آقای لوئی هندرسن سفیر کبیر کشورهای متحده امریکا - تهران در تعقیب مذاکرات شفاهی لازم است به استحضار آن جناب برسانم که دولت اینجانب نظر به وضعیت مالی و اقتصادی کمکی را که دولت

متبوعه آن جناب حاضر است به این کشور بنماید استقبال میکند و تا آنجا که منابع ثروت و اوضاع عمومی ایران اجازه دهد از اصول منشور ملل متحد پشتیبانی و دفاع مینماید و از هر طرفی که مورد حمله قرار گیرد با تمام قوا از آزادی و استقلال خود دفاع خواهد کرد.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم میشمارد - نخست وزیر

اولین جلسه علنی مجلس شورای ملی

در اولین جلسه مجلس شورای ملی که به منظور بررسی اعتبار نامه های نمایندگان دوره هفدهم تشکیل شد اعتبار نامه 23 نفر از نمایندگان مجلس به علت مخالفت مجدداً به کمیسیون های مربوطه بازگشت داده شد.

ضمن گزارش شعبات شش گانه مجلس پس از اعلام پرونده گزارش انتخابات مهاباد بنام آقای دکتر حسن امامی امام جمعه تهران و مخالفت آقایان دکتر سنجابی ، زیرک زاده و حسینی آقای فری پور مدیر روزنامه صدای مردم از لژ مطبوعات فریاد زد "نوکران سفارت روس با اعتبار نامه دکتر امامی مخالفت میکنند" و یکی از تماشاچیان فریاد زد « خفه شو نوکر سفارت انگلیس» و تماشاچی دیگر فریاد زد «چاقوکشان حزب زحمتکشان نمیگذارند مجلس به کار خود ادامه دهد» و باین ترتیب بین تماشاچیان مخالف و موافق دعوا و کشمکش شروع شد. در این موقع میراشرافی نماینده مشکین شهر در فضای متشنج مجلس از جای خود برخاست و به طرف جایگاه تماشاچیان روی آورد و گفت « اینها را از جلسه بیرون کنید نوکران مصدق را از جلسه بیرون بریزید» از میان تماشاچیان عده ای شروع به هو کردن میراشرافی کردند. میراشرافی خود را به وسط تالار جلسه مقابل تریبون رسانید و در حالیکه دست خود را بطرف تماشاچیان بلند کرده بود فریاد زد « مرده باد مصدق السلطنه ، نابود باد کابینه خائنین مصدق ! مرگ بر نوکران بیگانه ، دوره آقائی مصدق خاتمه یافته ، مصدق و کابینه اش محکوم به فنا هستند"

یک عده از تماشاچیان هم علیه او داد و فریاد میکردند و کلمات دزد ، خائن و جاسوس از هر طرف به یکدیگر داده میشد. رئیس و دکتر معظمی تلاش میکردند تماشاچیان و میراشرافی را ساکت کنند. ولی ناگاه میراشرافی در حالی که به مصدق و کابینه اش فحاشی میکرد به طرف صندلی های ردیف جلو مجلس که معمولاً اعضای دولت می

نشینند رفت و با دست محکم روی پیشدستی صندلی ها کوبید و اینکار را آنقدر تکرار کرد که چهار صندلی از ردیف جلو مجلس را شکست و تخته پاره ای را در دست گرفته به طرف تماشاچایی که علیه او شعار میدادند حمله ور شد. تذکرات و سخنان مرتب رئیس سنی مجلس نتوانست مانع عربده کشی و زد و خورد ها شود تا بالاخره گاردمجلس مداخله کرده و تماشاچیان را از مجلس بیرون کرد.

پس از گزارش کمیسیونهای شش گانه و بازپس داده شدن اعتبارنامه به کمیسیون های مربوطه جلسه بدون حضور تماشاچی ادامه یافت درحالی که قطعات شکسته صندلی ها در وسط تالار ریخته بود و مستخدمین مشغول جمع آوری آنها بودند مجددا جلسه تشکیل گردید و منشی های کمیسیون شروع به قرائت اعتبارنامه ها نمودند در نتیجه اعتبارنامه 23 نفر از 73 نفر نماینده منتخب به کمیسیون های مربوطه عودت داده شد و 50 اعتبار نامه به تصویب رسید .

25 اردیبهشت 1331

بیانیه هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد

دولت ایران قصد دارد از مقررات قانون عمومی اصلاحی مربوط به حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی مصوب 28 آوریل سال 1949 مجمع عمومی ملل متحد پیروی نماید.

طبق قانون مزبور کلیه اختلافات بین دویا چند کشور بایستی با متابعت مقررات صلح جویانه و عدل و انصاف و حکمیت حل و فصل گردد. این امر کاملاً با ماهیت واقعی فصل ششم منشور ملل متحد که مقرر میدارد عموم ملل اختلافات خود را به طریق مسالمت آمیز حل کنند مطابقت دارد

این اقدام دولت ایران نماینده صداقت و حسن نیت دولت میباشد وثابت میکند که دولت ایران قصد دارد اختلافات بین المللی را با تبعیت از مقررات و اصول صلح و آشتی حل نماید.

اولین جلسه دادگاه لاهه امروز تشکیل شد

آمروز دادگاه لاهه به ریاست سر آرنولد مک نایر قاضی انگلیسی در ساختمان مرکزی دادگاه لاهه تشکیل گردید. در این جلسه سه قاضی که به تازگی به عضویت دادگاه منصوب شده بودند به نامهای سر بنگال

نارسینگ رائو از هندوستان، واریس فاریرا از برزیل، الکساندر ویچ از شوروی معرفی شدند.

به موجب قوانین دادگاه قضات جدید باید اوراق عضویت را پر کرده و آمادگی خود را برای انجام وظیفه در دادگاه اعلام دارند. تمام قضاتی که در خارج از لاهه بودند برای شرکت در جلسات آینده دادگاه به لاهه آمده اند.

27 اردیبهشت 1331

انعکاس بیانیه هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل

نیویورک - آسوشیتد پرس، اعلامیه صادره از طرف هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد تأثیر فوق العاده ای در نیویورک و سازمان ملل داشته است. اهمیت این اعلامیه پیش از آنجهت است که دولت ایران اعلام داشته حاضراست اختلافات خود را بحکمیت ارجاع نماید.

در تاریخ 5 ماه می گذشته هنگامی که دولت انگلیس برای اولین بار نفت ایران را در دیوان دادگستری مطرح کرد و دولت ایران حاضر نشد در جریان طرح این قضیه شرکت کند و فقط با اعزام سه نماینده مستمع آزاد اکتفا کرد مقامات ایران صریحاً خاطر نشان کرده بودند که ایران رأی دادگاه را بی اعتبار میداند و لذا این رأی ضمانت اجرایی نخواهد داشت. ولی تغییر رویه ایران که در اعلامیه مزبور بطور وضوح ذکران رفته است پاره ای از محافل سیاسی نیویورک را بحل مسالمت آمیز بغرنج نفت امیدوار ساخته است. این محافل ادعا میکنند ایران که یکی از اعضاء سازمان ملل متحد است چاره ای ندارد جز اینکه اختلافات خود را از طریق این مرجع بین المللی حل و فصل نماید.

دیوان دادگستری که یکی از سازمانهای تابع سازمان ملل متحد است میتواند با قضاوت عادلانه و بدون جانبداری از یکی از طرفین ذینفع مسأله نفت ایران را که برای مردم ایران و همچنین دنیای آزاد جنبه حیاتی دارد حل کند.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه، دولت ایران روز پنج شنبه با صدور بیانیه ای که از طرف هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد منتشر شده خاطر نشان میکند که از اصول منشور ملل متحد برای حل هرگونه اختلاف تبعیت کرده و حاضر است اینگونه اختلافات را به حکمیت ارجاع کند.

این اولین بار نیست که دولت ایران علاقه خود را به حل قضایای بغرنج از طریق مراجع قانونی ابراز میدارد بلکه در سال 1933 اختلاف خود را با انگلستان که از مسأله نفت ناشی شده بود به جامعه ملل احاله کرد و در سال 1951 نیز نخست وزیر ایران شخصا برای دفاع از حقوق ایران در شورای امنیت حضور یافت.

مقامات مسؤول دولت امریکا اظهار میدارند که منظور ایران از ذکر نام حکمیت در بیانیه خود اشاره ضمنی به نفت ایران میباشد که به دیوان دادگستری بین المللی احاله شده ولی ایران سعی کرده است آنرا در لغافه قرار دهد.

نفت ایران فعلا معلق است و تا دیوان دادگستری لاهه رأی نهائی خود را درباره آن اعلام نکند احتمال نمیرود که ایران بتواند این قضیه را حل کرده و آنرا منبع درآمد خود قرار دهد. احتمال نمیرود که تا تاریخ طرح قضیه نفت در دادگاه لاهه اقدامی برای حل نفت ایران از طرف دولت یا مقامی به عمل آید.

لندن - آسوشیتد پرس، اعلامیه اخیر نمایندگی ایران از نقطه نظر اینکه اصولا میبایست از طرف کلیه دولت های جهان رعایت شود بسیار مهم و غیر عادی تلقی نشده است. ایران از مدتها قبل خود را برای حضور در دادگاه لاهه آماده میکرده است و کما اینکه سخنگویان دولت ایران چند بار این قضیه را تأیید کرده اند و اکنون که دولت ایران مبادرت به انتشار اعلامیه در نیویورک کرده میرساند که در حل اختلافات خود با انگلستان حسن نیت دارد.

محافل رسمی دولت انگلیس نیز اظهار میدارند که انگلستان چه عملا و چه از لحاظ معنوی علاقه خود را به استقلال ایران و رفاه مردم آن کشور ابراز داشته و این امر در 50 سال اخیر کاملا مشهود و مسلم بوده است. اختلاف نفت در میزان علاقه انگلستان نسبت به ایران تأثیری نکرده و روابط دو دولت روی اساس دوستی سابق قرار دارد و دولت انگلیس همانطوری که بارها آقای چرچیل وایدن در مجلس عوام این کشور تأیید و تأکید کرده اند همیشه حاضر است اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز و با حفظ مناسبات و مبانی مودت قدیمه حل و فصل کند.

30 اردیبهشت 1331

جلسه خصوصی مجلس شورای ملی

آقای راشد ، همه آقایان میدانند که من در شعب ششگانه مجلس هنگام رسیدگی به اعتبارنامه و حتی جلسه علنی گذشته حضور نیافتم و علت آنهم این بود که از هر نقطه انتخاباتی خروار ها شکایت و اعتراض به من رسیده بود و من با این شکایات و عقاید مختلف آقایان نمیدانم چه باید بکنم؟ ولی امروز که میخواستیم عرض بکنم دو چیز است یکی آنکه مجلس باید حیثیت و اعتبار خود را حفظ کند و مردم را از خود ناامید نکند که با تأسف باید بگویم در جلسه اول وضع خوشی پیش نیامد و پای این مجلس را از همان اول لنگ کردند.

این مردم بطور کلی از هیأت حاکمه خواه مجلس یا دولت یا هر مقام دیگر ناراضی هستند برای اینکه مکرر دیدند که این دستگاه ها به فکر آنها نمیباشند و راستی دیگر طاقت کشیدن این سختی ها را ندارند. مجلس بجای آنکه نشان دهد که در فکر همه است نباید گرم اغراض دیگر شود وکیل نباید تصور کند که او آزاد است و هرکار بخواهد میکند. وکیل آزاد است در انتقاد بر دولت و در اظهار عقیده موافق با دلیل و منطق نه اینکه مبنای اخلاقی و مقررات دینی و اجتماعی را هم رعایت نکند بلکه برعکس وکیل از این جهات مقید تر و محدود تر است زیرا عامه مردم به او نگاه میکنند. شما در این موقع که وکیل هستید باید زبان خود را بیشتر کنترل کنید. تا آن زمانی که وکیل نبودید.

مطلب دوم آن است که مجلس باید استقلال و بی طرفی خود را حفظ کند و تحت تأثیر افراد ذی نفوذ خارج از مجلس واقع نشود وکلای ما چون نمایندگان احزاب نیستند طبعاً افراد ذی نفوذ در عقاید آنها نفوذ میکنند ولی شما نباید فراموش کنید که نام اینجا مجلس شورای ملی است. باید به خاطر بیاورید این مجلس به چه مقصودی بوجود آمده ، شما باید به فکر بدبختی های مردم باشید. اگر مجلس هفدهم روش جلسه سابق را تغییر داد چه بهتر و اگر نداد الان پیشگویی میکنم که مجلس 18 خواهد آمد و کارهایی خواهد کرد که ذکر آن حالا ضرورت نداشته باشد. پس بهتر است که این افتخار را مجلس 17 کسب کند.

آقای سید جوادى، ما اکنون در آستانه تحولی هستیم که انظار جهانیان متوجه آن است و در خانه ای نشسته ایم که تمام آن آتش گرفته است. این مملکت در حال حاضر آتش گرفته است و ما باید کاری کنیم

که اتفاق و هماهنگی میان تمام طبقات ایجاد گردد و این آتش جانسوز را باید با تدبیر و درایت خود خاموش کنیم.

آقای ملک مدنی ، ما باید در مجلس شورای ملی از تشنج جلوگیری کنیم. انتقاد و بحث و مذاکره در مجلس نباید منتهی بمشاجره و توهین شود. مجلس ممکن است اقلیت تند و یا اکثریت تند داشته باشد و سخنانی از هر دو طرف گفته شود. ما امیدواریم بزودی مجلس را باز نموده و برای اصلاحاتی که خیلی ضروری است اقدام کنیم. بنظر من چیزی که خیلی ضرورت دارد این است که در اولین جلسه مجلس ما باید برای اشخاص بیکاری که تعداد آنها در تهران و شهرستانها و آذربایجان در حدود 150 هزار نفر میشود فکر عاجلی بکنیم و مردمی که میگویند ما توانائی کار داریم مجلس و دولت باید برای آنها تولید کار کند.

انتظار مردم این است که ما در این زمینه اقدام بکنیم و بلکه انتظار دارند که مجلس هرچه زودتر تصمیمی برای اشخاص بیکار و زحمت کش اتخاذ کند و در پایان از آقایان خواهش میکنم که فکر ایجاد هم آهنگی بیشتری داشته باشند تا شاید برای این مردم قدم مفیدی برداشته شود.

آقای اخگر ، همه ما از بدی وضع و خرابی اوضاع صحبت میکنیم ولی مثل این است که متوجه نیستیم این خرابیها مسؤولیتش با خود ما است. عقیده من این است که اگر آقایان نمایندگان اختلاف های کوچک و بی اهمیت را کنار بگذارند و با یک روح وحدت و یگانگی گرد هم جمع شوند و مشکلات مملکت را حل و فصل نمایند بیشتر این گرفتاری های عمومی برطرف میشود و مجلس هم با اتفاق و یگانگی خواهد توانست بر اوضاع عمومی مسلط شود.

آقای خلخالی، من مطالب زیادی دارم که به علت عدم فرصت و شاید رعایت مصلحت مملکت بیان نمیکنم و وقتی که مجلس رسمیت یافت عرض خواهد شد. اکنون چون آقای ملک مدنی به آذربایجان و فقر مردم اشاره فرمودند چند کلمه مصدع میشوم. ما که در نتیجه جنبش غیرتمندانه و شدت مبارزه مردم به نمایندگی انتخاب شده ایم وظیفه قطعی داریم که فریادمظلومیت آنها را در مجلس منعکس کنیم و برای بدبختی ها چاره اندیشی کنیم.

هردسته بندی که دور از چشم ملت و برخلاف منافع آنها عملی شود محکوم به فنا است. اینجا صحبت از مماشیات و چشم پوشی میشود هرگاه این امر تالی فاسدی نداشته باشد شاید آنفدرها زیان بخش نباشد ولی هرگاه خدای نکرده کسانی باشند که در عین اینکه خود را نماینده مردم معرفی میکنند مبعوث طبقات فاسد باشند و بخواهند چراغ زندگانی ملت و افراد محروم را بیش از این بی فروغ و مبارزات مردم حق پرست و عدالت خواه را بی اثر نمایند به عقیده من نباید با غمض عین شریک جرم باشیم و بصورت آفت برای تضییع حقوق مردم دریائیم. من شخصا در این جلساتی که حاضر و با اوضاعی که مواجه میشوم با کمال تأسف امیدم به بهبود اوضاع منقطع میشود شاید در آینده اگر وضع اینطور ادامه یابد استعفا میدهم.

آقایان ما آخرین امید این ملت هستیم و وجود ما شاید بتواند جلوی انقلاب و خونریزی را بگیرد. انقلاب و عصیانی که در نتیجه فساد اجتماع و بی اعتنائی به حقوق حقه مردم و غفلت و ظلم در کمین ما است.

در مجلس وجود اقلیت و اکثریت لازم است تا بتوان حقوق مردم را حفظ کرد و اختلاف موجود در مجلس نباید در مواردی که دولت با خارجی ها خصوصا در کار نفت مشغول مبارزه است محسوس و مؤثر باشد چون این مبارزه ای را که دولت شروع کرده امر شوخی و غیر جدی نبوده است و ما به خاطر ختم این جریان به نفع مردم وظیفه داریم مخصوصا در این موقع حساس که نخست وزیر به خارج ایران میرود پایستی اتحاد و یگانگی خود را برای تأیید نماینده ملت ایران که برای اثبات حقانیت ایران به لاهه میرود حفظ کنیم.

آقای دکتر فلسفی ، ما با کمال تأسف وضعی پیدا کرده ایم که تمام وقت گرانهای خود و مملکت را صرف بحث و لفظ و منازعه میکنیم بدون اینکه به معنی واقعی خود توجهی داشته باشیم. من عقیده دارم هرکس حق انتقاد را دارد بجز ما نمایندگان که مجاز در انتقاد نیستیم بلکه پایستی وقت خودمان را در اصلاح و رفع نواقص و برطرف کردن مشکلات صرف کنیم. امروز ما با مشکلاتی مواجه هستیم ، مسائل بسیار خطیری در پیش است و در حال حاضر بیش از هر چیز به اتحاد و اتفاق محتاج هستیم. این گفتگو ها باری از دوش مملکت و ملت بر نمیدارد.

دادگاه لاهه

19 خرداد 1331

آغاز کار دادگاه لاهه و نامه یک بانوی امریکائی به دکتر مصدق
ساعت دو بعد از ظهر امروز، دادگاه بین المللی لاهه جلسه تاریخی خود را در «کاخ صلح» تشکیل داد. کلیه اعضاء هیأت نمایندگی ایران در این جلسه حضور داشتند.

همزمان با آغاز کار دادگاه نامه ای از یک بانوی امریکائی به نام ولش مقیم امریکا ایالت مریلند شهر کلمبیا که رونوشت آن به سازمان ملل

متحد، وزارت امور خارجه امریکا، سفارت انگلیس در امریکا و پاره ای از روزنامه ها و خبرگزاری های معروف فرستاده شده به دست آقای دکتر مصدق رسید.

دکتر مصدق عزیز، در تقدیم توضیحات مربوط به دعوای ایران در لاهه و ضمن مذاکراتی که طبعاً پس از صدور حکم انجام خواهد گردید از شما خواهشمند است مراتب عصبانیت و خشم مردم ایران را که در نتیجه رنج طولانی و برای احقاق حقوق مسلم خود قیام نموده و برای اصلاحات اقتصادی و اجتماعی خود از ملت انگلیس حقوق خود را درخواست میکنند باستحضار دادگاه و اشخاص مربوطه برسانید. البته کسانی که در حال بردگی بسر میبرند بیشتر از آنهایی که آنها را در زنجیر اسارت نگاه داشته اند احساس ظلم مینمایند و عدالت هنگامی برقرار میشود که آزادی کامل حکمفرما گردد.

از شما خواهش میکنم به نظر بیاورید چه مقدار از نیروی اعصاب خود را بکار بردید تا اینکه با اتکاه به خدا و پشتیبانی ملت خود توانستید علناً در یک مسأله قیام و اقدام نمائید. هرگاه برای خواستن آزادی این اندازه رنج و کوشش لازم بود آیا ممکن است کسانی که دهندگان آن آزادی خواهند بود کمتر فداکاری و رنج تحمل مینمایند نزد خود فکر کنند که چگونه خواهند توانست به انگلیسها این نیروی بزرگ را بدهند نیروئی که بدون آن هیچکس در واقع آزاد محسوب نمیشود.

دفاعیه دکتر مصدق

در رد صلاحیت دیوان داوری لاهه

در رسیدگی به شکایت دولت انگلیس در امر ملی شدن صنایع نفت ایران، بشریت مدتی است ب فکر افتاده که بجای توسل به زور و فشار اختلافات خود را از طریق حق و عدالت و به وسیله دادگاه های بین المللی حل و تصفیه نماید. منشأ این فکر عالی و مقدس تجربیات تلخ و خونینی است که در گذشته به انسان آموخت که هرگز زور و فشار از عکس العمل های تند و وحشت انگیز مصون نخواهد ماند. رشد عقلی و فکری بشریت حکم میکند که اختلافات خود را منحصرأ به وسایل مسالمت آمیز تصفیه نمایند. یقین داشته باشید آرزوی نیل به این آمال در اعماق قلوب ملت ایران که از روز اول به جامعه ملل و بعد از آن به سازمان ملل متحد ملحق گردید ریشه گرفته است.

قضات محترم این دیوان بین المللی تصدیق می فرمایند وقتی ملتی میتواند سرنوشت خود را کاملاً تسلیم حکم دستگاه های بین المللی کند که نه تنها به بی طرفی و استقلال تام کسانی که عهده دار این مقام عالی هستند ایمان کامل داشته باشد، بلکه به وقوف آنها از جریان امور و همچنین به تجربه و اصالت رأی آنها نیز معتقد باشد. بنابراین اگر به این حقیقت اعتراف کنیم که هنوز چنین اعتقاد وسیع و اعتماد محکمی در هیچ نقطه دنیا وجود ندارد، نباید آن را به منزله اهانتی نسبت به مؤسسات سازمان ملل تلقی نمود، چه در تمام منشور ها و مقاولات و پروتکل ها و هر قرارداد دیگری که راجع به مؤسسات بین المللی بسته شده دول سعی کرده اند حدود اختیارات این مقامات جدید را تعیین و آنچه را که در نظرشان از مختصات اصلی حق حاکمیت آنها و اساس استقلالشان است از حدود صلاحیت و سلطه حکومت آن مقامات خارج سازند در جایی که دول بزرگی چون کشورهای متحده امریکا و فرانسه احتیاط را به پایه ای میسرسانند که تعیین حدود صلاحیت ملی را موقوف به تشخیص خود کرده باشند بر ملت کوچکی مانند ایران چه بحثی خواهد بود اگر صلاحیت دیوان را در حدود منشور ملل متفق و اعلامیه خود محدود نموده اجازه ندهد به هیچ عنوان به آن حدود تخطی شود.

نباید از آقایان این حقیقت را پنهان کنم که در نزد ما ایرانیان تشویش جلوگیری از هرگونه عملی که در حکم مداخله در صلاحیت ملی ما باشد شدید تر از سایر ملل است و علت هم این است که ما ملل شرق سالیان دراز مزه تلخ مؤسسات اختصاصی و استثنائی را که صرفاً بمنظور تأمین منافع بیگانگان بوجود آمده بود چشیده و به چشم خود دیده ایم که کشور ما میدان رقابت سیاست های استعماری بوده و ضمناً پی برده ایم که متأسفانه علیرغم آن همه امید و آرزو، جامعه ملل و سازمان ملل متحد نتوانسته اند به این وضع اسفناک که شرکت سابق نفت ایران و انگلیس در پنجاه سال اخیر مظهر برجسته آن بود خاتمه دهد.

ملت ایران که از این وضع به ستوه آمده بود در یک جنبش با ملی کردن صنایع نفت و قبول پرداخت اصل غرامت یکباره به سلطه بیگانگان خاتمه داد. در آن موقع دولت انگلیس به یک سلسله عملیات تهدید و ارباب متوسل شد. چتربازان خود را به مجاورت سرحدات ایران و ناوهای جنگی را به نزدیکی آب های ساحلی ما فرستاد. سپس دست به کار محاصره اقتصادی شد و خواست این منظور را با فشار اقتصادی و توقیف

ارزهایی که در انگلستان داشتیم عملی سازد. در داخله ایران به کمک عمال و ایادی خود دسایسی را بر علیه دولت و نهضت ملی ما برپا نمود و در امور اقتصادی، مالی و صنعتی ما کار شکنی را تشویق کرد. در خارج تبلیغات به راه انداخت تا در کشور های دیگر و محافل بین المللی موجبات بدنامی ما را فراهم سازد. در پایان چون از این فعالیت های شوم نتیجه ای بدست نیاورد قیافه مظلومانه بخود گرفت و به دستگاه های ملل متحد از قبیل دیوان بین المللی و شورای امنیت شکایت نمود.

شاید عدول انگلستان از رویه سابق و توسل به مؤسسات بین المللی به صورت ظاهر پیشرفتی به نظر آید ولی با سوابق ناگواری که از سیاست انگلیس در ایران وجود دارد تأثیر این تغییر رویه در اذهان ملت ایران چنین شد که منظور انگلستان از عمل مزبور آن است که با حيله و توسل به وسایل قضائی و مسالمت آمیز دوباره همان رقیب سیاسی و اقتصادی را که به آن خاتمه داده بودیم بر ما تحمیل کند و حال آنکه ملت ایران به احیای وضع سابق دیگرهرگز تن درنخواهد داد.

با کمال اعتمادی که به حقانیت خود داریم و مخصوصاً برای اینکه اعتماد ما خلل ناپذیر است نمیتوانیم قضیه ای را که برای ملت ما حیاتی است در معرض خطر رأی نامساعد ولو اینکه آن خطر غیر محتمل هم باشد قرار دهیم.

تاریخچه روابط انگلیس و ایران طولانی تر از آن است که بخواهیم در اینجا به تفصیل آن را بیان کنم. همین قدر باید بگویم که در قرن نوزدهم ایران میدان رقابت دو سیاست امپریالیستی روس و انگلیس بود. چندی بعد دو حریف با هم کنار آمدند و در 1907 کشور ما را به دو منطقه نفوذتقسیم نمودند. سپس هنگامی که امپراتوری تزاری واژگون گردید و اتحاد جماهیر شوروی گرفتار انقلاب داخلی شد بریتانیای کبیر که از میدان جنگ فاتح بیرون آمده بود و در خاور میانه بلامنازع و بدون رقیب بود از فرصت استفاده نمود و خواست با عقد قرارداد 1919 که عنان اختیار کشوری و لشگری را بدست افسران و کارشناسان انگلیسی می سپرد ایران را منحصرأ در تحت اختیار و تسلط سیاسی و اقتصادی خودقرار دهد. بالاخره چون آن قرارداد هم با مقاومت شدید آزادیخواهان و وطن پرستان مواجه گردید دیپلماسی انگلیس برای اینکه نیت خود را به صورت دیگری عملی سازد رژیم دیکتاتوری را که بیست سال از آن حمایت نمود بر سر کار آورد. منظور اقتصادی سیاست انگلیس از تمهید

این وسایل این بود که انحصار نفت کشور ما را تصاحب کند. باین ترتیب آنچه که می بایست موجب ثروت ملی ما بشود منشأ بلیات گوناگون و مصائب طاقت فرسای ما گردید. این سلطه بوسیله کمپانی صاحب امتیاز عملی گردید، یعنی علاوه بر اینکه نفت ما را به سوی انگلستان می کشانید به ضرر ایران فواید کثیر مالی عاید کشور انگلستان می ساخت.

میزان این استفاده ها را نمیتوان بطور تحقیق معلوم ساخت، چه ایران هیچ وقت نتوانست اقلامی را که در ترازنامه شرکت منظور شده بود بررسی کند و نه از میزان و قیمت نفتی که به ثمن بخش و یا حتی به رایگان به نیروی دریائی انگلیس فروخته میشد اطلاع حاصل نماید و همچنین منافعی را که از راه انحصار حمل و نقل دریائی و معاف ساختن کالاهای وارده به ایران از پرداخت حقوق گمرکی به اقتصاد انگلیس رسیده بود نمیتوانست تشخیص دهد.

چنانچه ارقام ترازنامه شرکت را حجت بدانیم باز ملاحظه می کنیم که مثلاً در سال 1948 از 61 میلیون لیره عواید خالص شرکت دولت ایران از جمیع جهات فقط 9 میلیون لیره دریافت کرده در صورتی که تنها از بابت مالیات بردرآمد 28 میلیون لیره عاید خزانه داری انگلیس شده است.

علاوه بر خسارت مزبور کارگران و متخصصین ایرانی همیشه در مقابل کارمندان خارجی خفیف و در وضع نامساعدی بودند. ده ها هزار کارگر ایرانی را در منازلی که بیشتر شبیه آغل حیوانات بودند جا میدادند و ایرانیان را همواره از ترس آنکه مبادا روزی برای اداره آن دستگاه آماده شوند از کلیه کارهای فنی برکنار میداشتند. از طرف دیگر شرکت به بهانه حفظ امنیت پلیس مخفی واقعی بوجود آورده بود که با کمک اینتلیجنت سرویس نه تنها در خوزستان که حوزه اسنخراج نفت است بلکه در کلیه نقاط کشور و در بین تمام طبقات رسوخ میکرد.

ضمناً عملیات خود را در تمام شئون اجتماعی توسعه میداد. مطبوعات و افکار عمومی را تحت تأثیر قرار داده و عمال انگلیسی را اعم از بازرگان و نمایندگان سیاسی به دخالت در امور داخلی ایران تشویق میکرد. به این ترتیب بدون اینکه از جانب مجلسی که نمایندگان آن را خودشان تعیین کرده بودند مقاومتی به بینند، شرکت نفت ایران و انگلیس که درحقیقت دولتی درداخل دولت تشکیل داده بودند مقدرات کشور را در

دست داشت و مدت 30 سال کشور ما را در مقابل وطن پرستان که محکوم به سکوت بودند گرفتار رقیت و فساد نموده و هیچ اعتنایی به آمال ملت ایران که تشنه آزادی است نداشت.

در سال 1951 با ملی کردن صنایع نفت یکباره به این وضع اسفناک خاتمه داده شد. توضیح آنکه چند سال قبل از آن مجلس شورای ملی با تصویب قانون خاصی دولت را مکلف ساخته بود که از طریق مذاکره استیفای حقوق ملت را از شرکت بکند.

در سال 1349 برای جلوگیری از خطر قریب الوقوع کمپانی حاضر شد که سهم دولت ایران را از بابت حق الامتیاز افزایش دهد و روی همین زمینه پیشنهادی به مجلس داده شد ولی مجلس از تصویب آن خودداری کرد. این پیشنهاد هم دیر داده شده بود و هم کافی نبود و موضوع مالی آن هم اثر مهمی نداشت که رضایت ملت ایران را فراهم کند و لذا جز ملی ساختن صنعت نفت چاره دیگری نمانده بود.

امروز میخواهند آن عمل را به قضاوت و بررسی شما واگذار کنند، به چه حقی؟

اصل ملی کردن از حقوق مسلم هرملتی است که تاکنون بسیاری از دول شرق و غرب از آن استفاده کرده اند. اصرار و ادعای انگلستان به اینکه ما را اسیر قرار داد خصوصی کند، آن هم قراردادی که در پی اعتباری آن شک و تردید نیست، جای بسی تعجب است، چه علاوه بر اینکه ایران حاضر به پرداخت غرامت شده و دولت انگلیس هم ملی شدن صنایع نفت را در یک سندرسمی که به «فرمول هریمن» معروف شده و متن آن به استحضار دیوان رسیده است شناخته و مطابق این سند دولت انگلستان به نام خود و به وکالت از طرف شرکت، اصل ملی شدن نفت را که مطابق قانون تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری باید در دست دولت ایران باشد شناخته است.

این شناسائی را سر گلاوین جب نماینده دولت انگلیس هم در جلسه 15 اکتبر 1951 در شورای امنیت به مضمون ذیل صریحا تأیید نموده است:

« از آنجا که من از اظهارات آقای دکتر مصدق فهمیدم مثل این بود که میخواهند بگویند که دولت انگلستان اصل ملی شدن صنایع نفت به طریقی که در فرمول هریمن پیش بینی شده طفره رود و عدول نماید در چنین موردی فقط موضوع پرداخت غرامت است که میتواند محل اختلاف واقع شود وچنانچه خواهیم دید در این باب هم از طرف ما هیچ اشکال و ابهامی باقی نمانده است.»

قانون ملی شدن نفت دولت را بطورصریح موظف ساخته که به دعاوی حقه شرکت سابق برسد. در این زمینه لازم میدانم توضیح دهم که به موجب همان قانون دولت ایران موظف است تا 25 درصد از عواید در صورتی که شرکت آن را تقاضا کند باید در یک بانک مرضی الطرفین به ودیعه گذارده شود.

بر طبق این قانون توافقی راجع به تأمین غرامت برای شرکت مسدود نیست و بر فرض عدم توافق، محاکم ایران به روی شرکت بازخواهد بود. بنابراین استنکاف از احقاق حق که با ما نسبت میدهند مورد ندارد.

با این مقدمات آیا کدام شخص منصفی است که پیشنهادهای ما را به حرف واهی تعبیر کند؟ در 19 سپتامبر 1951 دولت ایران راجع به تعیین غرامت پیشنهادی به دولت انگلیس داد که متن آن را در اینجا نقل میکنم.

دولت ایران حاضر است به یکی از روش های سه گانه زیر دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت را با رعایت دعاوی و مطالبات دولت ایران تسویه نماید:

الف - از روی سهام شرکت سابق نفت (به قیمت قبل از قانون ملی شدن نفت)

ب - بر طبق قوانین و قواعدی که در مورد ملی کردن صنایع در هریک از کشور ها به موقع اجرا گذاشته شده و شرکت سابق نفت آن را به نفع خود میداند.

ج - به هر روش دیگری که مورد توافقی طرفین واقع گردد.

ضمناً برای اینکه وسیله پرداخت غرامت هم تأمین شده باشد در همان پیشنهاد قید شده است که:

دولت ایران حاضر است مقدار نفتی را که دولت و ملت انگلیس سابقاً خریداری میکردند اند در آینده نیز به قیمت عادله بین المللی در هر سال

به قیمت فوب (تحويل در بنادر ایران) به دولت مذکور بر طبق قرارداد های طویل المدت به فروش برساند. دولت انگلیس میتواند با برداشت نصف خریداری خود غرامات موضوع بند یک این نامه را استهلاک نماید.

اگر این پیشنهاد مورد قبول دولت انگلیس واقع نگردید از این جهت بود که مساعی دولت مزبور متوجه امر دیگری غیر از غرامت بود و به بهانه اینکه تا بهره برداری به طرز مفیدی اداره نشود، دولت ایران نخواهد توانست غرامات را بپردازد. سعی داشت دولت ایران را مجدداً در مقابل یک شرکت جدید انگلیسی که بهره برداری نفت را خواه از جهت صنعتی و خواه از جنبه تجارتی عهده دار شود متعهد سازد.

برای من جای تردید نیست که مقصود از مراجعه به شورای امنیت و دیوان بین المللی آن است که باز از ما تعهدات مشابهی تحصیل کنند و حال آنکه یادگارهای تلخ و اجحافات امتیاز سال 1933 هنوز از خاطر ما محو نشده است و اگر بنا بود اداره صنایع ملی شده را دوباره تسلیم بیگانگان کنیم اساساً چه حاجتی به ملی کردن صنایع نفت داشتیم؟

رویه دولت و ملت ایران در این قضیه مولمه به شرحی بود که توضیح دادم و انصافاً باید تصدیق کرد که رویه ما معتدل و منصفانه بود. برای من درک این نکته دشوار است که چرا موضوع ادعای اشخاص راجع به خسارت از جمله دولت انگلستان که صنایع خود را ملی ساخته اند چنین اشکالی پیش نیامده است؟

ما این طور منصفانه عمل کرده ایم. معذالک با کمال تأسف ملاحظه می کنیم که تراست های بین المللی ما را مورد حمله و پایکوت خود قرار داده و از این راه خسارات عظیمی به کشور ما وارد می آورند.

آقایان قضات،

من یقین دارم اگر رسیدگی به اصل موضوع به شما محول شده بود حقانیت ما را تصدیق میفرمودید و پیشنهادهایی را که به شرکت نفت داده ایم عادلانه تلقی می نمودید ولی بطوری که در ابتدای بیانات خود توضیح دادم این امر بقدری در نظر ما حیاتی و مقدس است که به هیچ صورت نمی توانیم آن را در معرض خطر رسیدگی بیگانه قرار دهیم ولو آنکه آن خطر هم تصور صرف باشد.

تصمیم ملی شدن نفت اراده سیاسی یک ملت مستقل و آزاد است. تمنی دارم به این نکته توجه فرمائید که درخواست ما از شما این است که به اتکاء مقررات منشور ملل متحد از دخالت در موضوع خودداری فرمائید.

آقای رئیس ،
موقعی که از تهران حرکت کردم امیدوار بودم مصایبی که به ایران وارد شده بطور کامل بعرض آقایان برسانم و میخواستم مدارک بی شماری که در این زمینه دارم و فقط بعضی از آنها را سابقا به استحضار شورای امنیت رسانده بودم به شما ارائه دهم تا به مداخلات شدید شرکت نفت ایران و انگلیس درامور داخلی ما بهتر پی ببرید ولی چون مرا محدود ساختید که از حدود مطالب مربوط به عدم صلاحیت خارج نشوم ، ناچار هستم از خواسته شما تبعیت کنم و از ارائه اسنادی که در دست دارم خودداری نمایم.

آقایان قضات، شما نباید ملت کوچکی را از دفاع به حقوق خود در برابر حملات مزورانه یک دولت بزرگ که از لحاظ اقتصادی و صنعتی و مالی قوی است بازدارید.

من عرایض خود را به همین جا خاتمه میدهم و اگر نتوانستم حقانیت و مظلومیت ملت ایران را کلا به معرض افکار عمومی مردم دنیا بگذارم امیدوار هستم که لافاقل حقانیت ما به قضات محترم دیوان ثابت شده باشد.

اظهارات دادستان انگلستان

هیأت نمایندگی انگلیس به اظهارات اخیر دکتر مصدق نخست وزیر ایران راجع به اختلاف ایران و انگلیس در دادگاه پاسخی نخواهد داد و ادعای ایران مبنی بر اینکه دادگاه برای رسیدگی به قضیه نفت ایران صلاحیت ندارد وارد نیست چون به نظر ما دادگاه در رسیدگی به این اختلاف کاملا صالح میباشد.

نطق اخیر آقای دکتر مصدق منحصر به مسائلی بود که تقریبا ارتباطی با این قضیه و اختلاف ندارد دولت انگلیس منکراتهاماتی است که در این دادگاه بوی و شرکت نفت ایران و انگلیس نسبت داده شده و شکی نیست دادگاه به موضوعی که ارتباطی به اختلاف ایران و

انگلیس ندارد رسیدگی و ترتیب اثر نخواهد داد و آن را مردود خواهد شناخت.

هرگونه تصمیمی از طرف دادگاه مبنی بر عدم صلاحیت خود در رسیدگی به این موضوع نمونه ای از شکست و عقب نشینی بشمار میرود و چنین جلوه گر خواهد شد که دادگاه فقط به احساسات و نظریات یکی از طرفین دعوی رعایت کرده است. بریتانیا در این اختلاف و همچنین در سایر اختلافات با مراجعہ بدادگاه بین المللی و شورای امنیت جدا طبق قوانین بین المللی رفتار کرده و حال آنکه ایران این موضوع را رعایت نمیکند. ایران مدعی است که طرح موضوع نفت در دادگاه احساسات مردم ایران را بجوش آورده است. باید تذکر دهم که همین احساسات در انگلستان وجود دارد که دادگاه باید بدان توجه کند. ایران تاکنون عملاً به رأی ضمنی دادگاه پشت پا زده است. انگلستان تقاضا دارد دادگاه با پذیرفتن صلاحیت خود در رسیدگی به این اختلاف احترام خود را نسبت به قانون بجا آورد.

با وجودی که بریتانیا مدعی است دادگاه در رسیدگی به این اختلاف کاملاً صالح است معذالک تا ورود به ماهیت این اختلاف با هرگونه تأخیر در صدور رأی و اتخاذ تصمیم راجع به صلاحیت دادگاه روی مخالف نشان نخواهد داد. دادگاه به نظر ما فعلاً دو راه در پیش دارد:

اول اینکه تصمیم قطعی و فوری در مورد صلاحیت خود در رسیدگی به اختلاف اتخاذ کند.
دوم اینکه اعلام نماید تا ورود به ماهیت این اختلاف اتخاذ تصمیم در رد صلاحیت را به تأخیر خواهد انداخت .

حقیقت این عمل که ایران آن را ملی شدن اعلام میکند یک اقدام مصادره به شمار میرود. امتیاز نامه 1933 راجع به بهره برداری از نفت ایران نه تنها در روابط ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس مؤثر بود بلکه در مناسبات دو دولت ایران و بریتانیای کبیر بی تأثیر نمیباشد و لذا این امتیاز نامه دارای تعهدات بین المللی فراوانی است. جای بسی تعجب خواهد بود که دادگاه ملی کردن را تحت هر شرایطی که باشد یک امر داخلی و در حدود حق حاکمیت کشوری بداند و در این قضیه بخصوص ایراد انگلستان بر سر اصل ملی کردن نیست بلکه طرز اجرای آن میباشد که در واقع عمل ضبط و مصادره بشمار میرود.

دادگاه به موجب بند 36 ماده دوم اساسنامه خود قادر است به کلیه قضایا و اختلافاتی که جنبه بین المللی دارد رسیدگی کند بخصوص اینکه دولت ایران رأی اجباری دادگاه را قبول کرده و در این زمینه اعلامیه ای صادر کرده است.

دادگاه ضمنا صلاحیت دارد به ادعای انگلستان مبنی بر اینکه دولت ایران با اجرای قانون ملی شدن نفت مصوب اول ماه مه 1951 تعهدات خود را نسبت به انگلستان نقض کرده است. دولت ایران ضمنا قرار داد 1933 را که با وساطت جامعه ملل تهیه و تنظیم شده و ایران و شرکت نفت به موجب این قرارداد تعهداتی به یکدیگر سپرده اند نقض کرده و ثبت آنرا انکار نموده است درحالی که قوانین مربوط به ثبت اسناد به این علت وضع شده بود که معاهدات سری بسته نشود. درحالی که عدم ثبت این قرارداد که علنا انعقادش اعلام شده از اعتبارش نمیکاهد.

3 تیر ماه 1331

پیام نخست وزیر

از درون هواپیما در فرودگاه مهرآباد به ملت ایران

هموطنان گرامی تبریکات صمیمانه خود را برای این عید سعید (عید فطر) به قاطبه مسلمین خصوصا بهموطنان عزیزتبریک عرض مینمایم. از احساسات محبت آمیزی که حین عزیمت بدرقه راه من کردید و از استقبال گرم و پی سابقه ای که اکنون با آن برخورد میکنم صمیمانه سپاسگزارم. اینک که از مأموریتی که ملت ایران برای دفاع از حق خود به اینجانب محول کرده بود برمیگردم وظیفه خود میدانم اجمالی از جریان این مأموریت را به عرض هموطنان گرامی برسانم.

بطوریکه استحضار دارید سال گذشته شورای امنیت رسیدگی به شکایت انگلستان را موکول به این کرده بود که دیوان دادگستری بین المللی لاهه نسبت به صلاحیت یا عدم صلاحیت خود در این باب اظهار نظر کند. دیوان مزبور از روز نوزدهم خرداد ماه سال جاری وقت رسیدگی تعیین و دولت ایران را به حضور در دادگاه دعوت کرده بود.

دولت ایران از روز اول یعنی یکسال قبل که طرح این موضوع در دیوان لاهه به وسیله شکایت انگلستان شروع شد اعلام داشت که مسأله ملی شدن نفت منحصر در حدود حاکمیت ملی و صلاحیت داخلی ایران است و دیوان بین المللی لاهه و سایر سازمان های جهانی صلاحیت

مداخله و رسیدگی در این امر را ندارد. این بار که مسأله صلاحیت مطرح بود دولت ایران لازم دانست به وسیله اعزام نماینده عدم صلاحیت دیوان را با دلایل محکم و موجهی که دارد حضورا اثبات نماید.

نظر به جهات فوق اینجانب تصمیم گرفتم که شخصا در رأس هیأت نمایندگی ایران به لاهه عزیمت کنم و حقانیت ملت ایران و عدم صلاحیت دیوان بین المللی را در پیشگاه دادگاه و افکار عمومی جهان روشن و اثبات نمایم.

اجمالا برای انجام این مأموریت من و همکارانم از آنچه در استطاعت داشتیم کوتاهی نکردیم. امیدوارم دادگاهی که خود را از اغراض و مطامع دولت ها بالا تر و برتر میدانند و در نتیجه دفاع کاملی که از حق ایران به عمل آمد به خوبی به حقیقت امرواقع شده عدم صلاحیت خود را در امری که منحصرأ مربوط به ملت ایران است اعلام کند و همچنین این رأی به کار شکنی هائی که در این مدت با آن مواجه بوده ایم خاتمه بدهد و ملت ایران با مقاومت شجاعانه ای که تاکنون از خود نشان داده بر تمام مشکلات غلبه کند و به حول قوت پروردگار عالم و تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به تمام اهداف مشروع خود قائل شود.

10 تیر 1331

انتخاب رئیس مجلس شورای ملی

در جلسه امروز مجلس شورای ملی پس از مشورت های زیاد بین گروه های مختلف دونفر آقایان دکتر معظمی و دکتر حسن امامی (امام جمعه تهران و نماینده مهاباد) به عنوان کاندیدا معرفی شدند . پس از رأی گیری نتیجه آرا به این ترتیب اعلام گردید:

عده حاضر 76 نفر ، امام جمعه تهران 39 رأی ، دکتر معظمی 35 رأی آقای مکی و یک نفر دیگر ازدادن رأی امتناع نمودند. در نتیجه آقای دکتر حسن امامی به ریاست مجلس انتخاب گردید. بعد از انتخاب همه اعضای هیأت رئیسه و اعلام آمادگی مجلس دولت استعفا میدهد. مجلس شورای ملی امروز رأی تمایل خود را نسبت به نخست وزیری آقای دکتر مصدق اعلام داشت.

تشنج در بهبهان

در چند روز اخیر خبرهائی از زد و خورد و تشنج در بهبهان به تهران

رسیده است که دولت ناچار از فرستادن یک هیأت مأمور رسیدگی در روز 7 تیر به بهبهان شد. گزارشی که امروز از طرف آقای لاریجانی در اختیار دولت قرار گرفت نشان میدهد که وضع بهبهان در موقعی که هیأت وارد شهر شدند بسیار تشنج آمیز بود که علت اساسی دو دستگی انتخاباتی و اختلاف بین مالکین و زارعین نسبت به اراضی دیمی و آبی میباشد.

آقای لاریجانی درضمن گزارش خود میگوید اختلاف و تشنج آنقدر زیاد است که مخالفین شب و روز خانه های یکدیگر را سنگ باران میکنند. نظر هیأت دولت این است تا قبل از اینکه دامنه اختلافات بین عشایر نفوذکند باید بطور موقت انتخابات را متوقف کرد تا تشنج فروکش کرده و کسانی را که حقشان در اراضی ضایع شده احقاق حق شود.

16 تیر 1331

بعد از ملاقات هیأت رئیسه مجلس سنا با اعلیحضرت امروز مجلس سنا نیز نسبت به نخست وزیری آقای دکتر مصدق ابراز تمایل مینماید. فرمان نخست وزیری آقای دکتر مصدق بعد از ملاقات آقای دکتر مصدق با شاهنشاه صادر میگردد.

21 تیر 1331

جناب دکتر محمد مصدق نخست وزیر نظر به اعتمادی که به مراتب کفایت و کاردانی شما داریم به موجب این دستخط سمت نخست وزیری را به شما محول و مقرر میداریم که در تعیین هیأت وزیران اقدام نموده و نتیجه را زودتر به اطلاع ما برسانید.
کاخ سفید 19 تیر 1331
محمد رضا پهلوی

25 تیر 1331

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه چون در نتیجه تجربیاتی که در دولت سابق بدست آمده پیشرفت کار در اینموقع حساس ایجاب میکند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشد ، البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورداعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند. با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه ای را که ملت ایران شروع کرده پیروزمندانه خاتمه دهد.
دکتر محمد مصدق

26 تیر 1331

اسعفای دکتر مصدق از نخست وزیری

دیروز آقای دکتر مصدق به کاخ سعد آباد رفتند. در این شرفیابی آقای دکتر مصدق بعرض ملوکانه رساندند که درنظر دارند پست وزارت جنگ را شخصاً عهده دارشوند ولی چون شاهنشاه با این پیشنهاد موافقت نفرمودند آقای نخست وزیراستعفاى خود را به حضورشاهنشاه تقدیم داشتند.

درساعت 8 بعد از ظهر درجلسه خصوصی مجلس که با شرکت 43 نفرتشکیل شده بود 41 نفر به نخست وزیری آقای قوام ابراز تمایل نمودند. 30 نفر از نمایندگان هنگام اخذ رأی در جلسه حضور نداشتند.

27 تیر 1331

فرمان نخست وزیری احمد قوام صادر میشود

جناب اشرف احمد قوام نخست وزیر نظر به اعتمادی که به مراتب شایستگی و کاردانی شما داریم به موجب این دستخط سمت نخست وزیری را به شما محول و مقرر میداریم که در تشکیل هیأت وزیران اقدام نموده و نتیجه را زودتر به اطلاع برسانید.

کاخ سفید 27 تیر 1331- محمدرضا پهلوی

28 تیر 1331

سخنگوی سفارت کبرای انگلیس درتهران امروز گفت دولت انگلیس از روی کار آمدن دولت جدید در ایران خوشحال است. ضمناً دولت انگلیس هر آن برای تجدید مذاکرات نفت با دولت ایران حاضر و آماده است. او همچنین از اظهارات آقای نخست وزیر مبنی بر اینکه باید وسایل استحصال از منابع نفت در کلیه نقاط کشور فراهم شود را منطقی و مستدل دانست و اظهار داشت ما نیز طرفدار راه حلی به نفع طرفین هستیم .

بنا به اطلاع خبرگذاری رویتر آقای آیدن وزیر امور خارجه انگلیس به محض بازگشت به محل کار خود از روز دوشنبه موضوع روی کار آمدن آقای قوام السلطنه در ایران و همچنین امکان حل قضیه نفت را با دولت جدید ایران مورد مطالعه قرار خواهد داد.

منچستر گاردین روزنامه چاپ انگلیس مینویسد ممکن است نخست وزیر جدید ایران قانون ملی شدن صنعت نفت را طوری تعبیر و تفسیر نماید که راه برای حل مسأله نفت هموار شود. امروز سفیر کبیر امریکا با نخست وزیر ملاقات و مدتی مذاکره کرد.

آمادگی نیروهای امنیتی

بعد از اعلام تمایل نمایندگان مجلس شورا آقای قوام السلطنه بلافاصله آقای سرلشگر کوپال رئیس شهربانی و آقای سرلشگر علوی مقدم فرماندار نظامی و آقای سرلشگر وثوق فرمانده ژاندارمری را به حضور طلبیده و برای حفظ انتظامات کشور دستورهای لازم را ابلاغ و تأکید کرد تظاهرکنندگان را شدیداً تحت تعقیب قرار داده و به مجازات رسانند.

شرفیابی نمایندگان جبهه ملی

در شرفیابی نمایندگان جبهه ملی به حضور شاهنشاه نمایندگان اظهار داشتند که اعلیحضرت فرمودند به وزیر دربار دستور داده شد که استعفای آقای دکتر مصدق را به اطلاع نمایندگان برساند. و اعلیحضرت این مطلب را که دلیل استعفای دکتر مصدق اختلاف بر سر انتخاب وزیر جنگ بوده است را تکذیب فرمودند.

نمایندگان همچنین به عرض رسانیدند که در جلسه سری دادن رأی تمایل فقط 42 نفر حضور داشتند در حالی که طبق آئین نامه باید حداقل 52 نفر حاضر باشند تا تصمیم متخذه قانونی باشد. خوب بود اعلیحضرت قبل از صدور فرمان نخست وزیری آقای قوام به این نکته توجه میفرمودند.

اعلیحضرت میفرمایند که گزارشی از مجلس به اطلاع ایشان رسیده و این موضوع با ایشان ارتباطی ندارد. اعلیحضرت تأکید مینمایند که همیشه طرفدار قانون اساسی هستند و اکنون هم باید هر مبارزه ای در مورد زمامداری اشخاص در پارلمان و بین نمایندگان باشد و به کوچه و بازار نکشد!

اولین اطلاعیه قوام

ملت ایران!

من بدون اندک تردید و درنگ دعوت شاهنشاه متبوع و مفخم خود را به مقام ریاست دولت پذیرفته و با وجود کبرسن و نیاز به استراحت این

بازسنگین را بر دوش گرفتم. بی توجهی در مقابل سختی و آشفتگی اوضاع درمذهب یک وطنخواه صمیمی کفربودکه به ملاحظات شخصی شانه از خدمتگذاری خالی کند و با بی قیدی به پریشانی و سیه بختی مملکت نظاره نماید. حس مسئولیت و تکلیف مرا بر آن داشت که از فرصت مغتنم استفاده کرده و در مقام ترمیم ویرانی ها برآیم.

ایران دچار دردی عمیق شده و با داروهای مخدر درمان پذیر نیست باید ملت همکاری بی دریغ خویش را از من مضایقه ننماید تا بتوانم به این بیماری علاج قطعی دهم مخصوصاً در یک سال اخیر موضوع نفت کشور را به آتش کشیده و بی نظمی عدم النظیری را که موجب عدم رضایت عمومی شده بوجود آورده است این همان موضوعی است که ابتدا من عنوان کردم و هنگامی که لایحه امتیازشمال مطرح بود موقع را غنیمت شمرده و استیفای حق کامل ایران را از کمپانی جنوب در آن لایحه گنجانیدم.

بعضی ها در آن وقت تصور نمودند همین اشاره باعث سقوط حکومت من شد اگر هم فرصاً چنین باشد من از اقدام خود نادم نیستم زیرا چاتشین آینده من جناب آقای مصدق السلطنه آن فکر را با سر سختی بی ماندگی دنبال نمود و در مقابل هیچ فشاری از پای ننشست اما بدبختانه در ضمن مذاکرات نوعی بی تدبیری نشان داده شد که هدف را فدای وسیله کردند و مطالبه حق مشروع از یک کمپانی را مبدل به خصومت بین دو ملت ساختند و نتوانستند از زحمات خود کوچکترین نتیجه بدست آورند.

حل این مسأله یکی از لازم ترین مساعی من خواهد بود بنحوی که منافع مادی و معنوی ایران کاملاً تأمین شود بدون آنکه به حسن رابطه دو مملکت خدشه ای وارد آید البته این امر مشکل است اما محال نیست و اقدامی که با عقل و درایت توأم باشد مطمئناً به ثمر خواهد رسید و هرگاه نرسد من نیز از کار برکنار خواهم رفت.

در اینجا تذکر این نقطه اساسی را لازم میدانم که من به مناسبات حسنه با عموم ممالک خاصه با دول بزرگ دنیا اهمیت بسیار میدهم و رفتار خود را نسبت به آنها مطابق با مقررات بین المللی مینمایم و لکن

به اتباع ایران اجازه نخواهم داد که به اتکاء اجانب اغراض خود را بر دولت من تحمیل کنند.

در امور داخلی نخستین کوشش من برقراری نظم و امنیت خواهد بود تا بتوانم در یک محیط سالم مبادرت به رفورم های غریزی نمایم و شالوده نوین برای تأسیسات دولتی بریزم. اصلاح عدلیه در رأس کلیه ضروریات قرار دارد. هموطنان من به عدل و داد مثل نان و آب نیازمندند باید قوه قضائیه مستقل باشد و واقعا از دو قوه مجریه و مقننه تفکیک و از زیر نفوذ آنها آزاد شود. تمام افراد بدون استثنا باید در برابر قانون سر تعظیم فرود آورند و احکام صادره از محاکم بی چون و چرا بموقع اجرا درآید لکن شبی با وجدان آرام سر بر بالین خواهم نهاد که در زندان های پایتخت و ولایات یکنفر بی گناه با ناله و آه بسر نبرد.

همین که ظلم و ستم رخت برپست مردم با آسایش خاطر اوضاع مالی و اقتصادی خود را سر و سامان خواهند داد و از نعمتی که خداوند تعالی در زیر و روی زمین ایران به آنها بخشیده برخوردار خواهند شد. ابتکار برنامه 7 ساله بهمین منظور به مخیله من خطور کرد و در آتیه نیز این فکر را با استقامت و اصرار دنبال خواهم کرد. من میخواهم که تمام اهالی این کشور اعم از مأمور دولت و صنعتگر و کارگر و برزرگ و بازرگان غنی و ثروتمند باشند ، از چشم تنگی بعضی رجال که درصدد کسر حقوق کارمندان و مصادره اتوموبیل و فروش ادارات برآمده اند تنفر دارم. میزان عواید عموم طبقات را به درجه بالا خواهم برد که همگی بتوانند از کلیه مواهب تمدن این عصر مستفیض شوند.

بهمان اندازه که از عوام فریبی در امور سیاسی بیزارم در مسائل سیاسی نیز از ریا و سالوس منزجرم. کسانی که به بهانه مبارزه با افراطیون سرخ ارتجاع سیاه را تقویت نموده اند لطمه شدیدی به آزادی وارد ساخته زحمات بانیان مشروطیت را از نیم قرن به اینطرف به هدر داده اند . من در عین احترام به تعالیم مقدسه اسلام دیانت را از سیاست دور نگاه خواهم داشت و از نشر خرافات و عقاید قهقرائی جلوگیری خواهم کرد. ملت ایران من به اتکاء حمایت شما و نمایندگان شما این مقام را قبول کرده ام و هدف نهائیم رفاه و سعادت شما است.

سوگند یاد میکنم که شما را خوشبخت خواهم کرد. بگذارید من با فراغ بال شروع به کار کنم. وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه من

اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند یا نظم عمومی را بر هم زنند اینگونه آشوب گران با شدید ترین عکس العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان داده ام بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان میگذارم حتی ممکن است تا جایی بروم که با تصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده روزی صدها تبه کار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیره روزی سازم.

بعموم اخطار میکنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرا رسیده است. کشتی بان را سیاستی دگر آمد. تهران 27 تیر 1330 رئیس الوزراء قوام السلطنه

اعلامیه شماره یک 28 نفر نمایندگان مجلس

ما امضا کنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورا ملی در تأیید سوگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرده ایم و به علت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد میشویم با تمام قوای خود و با کلیه وسایل از دکتر مصدق پشتیبانی نمائیم.

پارسا ، صفائی ، زیرک زاده ، دکتر معظمی ، دکتر شایگان ، دکتر بقائی ، شمس الدین قنات آبادی ، حسین مکی ، خلخالی ، حاج سید جواد ، نریمان ، علی زهری ، محمدرضا اقبال ، حایری زاده ، علی اصغر مدرس ، نادعلی کریمی ، شبستری ، احمد اخگر ، محمد علی گنجی ، میرفخر الدین فرزانه میلانی ، حسینی ، خسرو قشقائی ، محمد حسین قشقائی ، باقر جلالی ، شاپوری ، رضوی ، یوسف مشار

اعلامیه شماره 2

ملت ایران... از جریانات و علت استعفای جناب آقای دکتر مصدق پیشوای نهضت ملی ایران و حافظ منافع شما اطلاع حاصل کرده اید و ضمن اعلامیه جداگانه سابق گوشزد ملت ایران شد که دسایسی در کار است تا آتش مقدس ملی را در کانون سینه های ملت ایران خاموش کنند.

امروز بعد از ظهر پس از اعلام استعفای نخست وزیر به علتی که در استعفا نامه ایشان ذکر شده است برطبق قانون اساسی از رئیس

مجلس تقاضای جلسه خصوصی شد که قبل از رأی تمایل اهمیت موقع و لزوم حفظ قانون اساسی را به سمع سایر نمایندگان برسانیم متأسفانه رئیس مجلس با وجودی که رسماً دعوت برای جلسه خصوصی نموده بود از تشکیل جلسه خصوصی خودداری کرد و برخلاف قانون اساسی و سنن پارلمانی در جلسه ای مرکب از 42 نفر که کمتر از حد نصاب قانونی بود اخذ رأی تمایل نمود.

چون قانون اساسی و نهضت ملی ایران در خطر است با توکل به خدای متعال به مبارزه و ادامه وظیفه نمایندگی مشغول هستیم و امیدواریم شما هم در این موقع باریک بیدار و مراقب جریان باشید و یأس بخود راه ندهید.

دکتر شایگان ، دکتر معظمی ، اصغر پارسا ، نریمان ، اخگر ، علی اصغر مدرس ، سید باقر جلالی ، شاپوری ، صفائی ، سید محمد علی انگجی ، سید شمس الدین قنات آبادی ، خسرو قشقائی ، محمد حسین قشقائی ، مهندس احمد رضوی ، مهندس حسینی ، میر فخرالدین فرزانه میلانی ، نادعلی کریمی ، شبستری ، محمدرضا اقبال ، علی اصغر مدرس ، حسین مکی ، حاج سید جوادی ، علی زهری ، سید جواد خلخالی ، نادعلی کریمی ، دکتر بقائی ، میلانی ، دکتر ملکی ، فرزانه ، زیرکزاده

29 تیر 1331

بعد از انتخاب احمد قوام به نخست وزیری احزاب و گروه های هوادار نهضت ملی (جبهه ملی، حزب زحمتکش، ملت ایران، حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم ، حزب ایران ، مجمع مسلمانان مجاهد ، اصناف و انجمن های محلی) به منظور هماهنگ نمودن فعالیت های خود در اجتماعی اقدام به تشکیل کمیته ای کردند تا بتوانند تظاهرات روزهای آینده را تا رسیدن مجدد دکتر مصدق به نخست وزیری هم اهنگ سازند.

اعلامیه تعطیل عمومی

ملت رشید ایران ، چون از تمام نقاط کشور به وسیله تلگراف و تلفن و فرستاده های مخصوص نسبت به جریانات نامطلوب و غیر قانونی چند روز اخیر سؤال شده امضاء کنندگان امروز صبح در مجلس تجمع و پس از بررسی اوضاع حاضر چنین اظهار نظر مینمائیم :

برای اعلام این نکته اساسی بجهانیان که نهضت ملی ایران به هیچ دسیسه و نیرنگی خاموش شدنی نیست و ملت قهرمان ایران هرگز مقهور دخالت های استقلال شکنانه بیگانگان نخواهد شد و تا حصول نتیجه قطعی و احقاق حق و رهائی کشور از سیاستهای استعماری استقامت خواهد کرد روز دوشنبه 30 تیر 1330 در سراسر کشور تعطیل عمومی اعلام میشود. امیدواریم هموطنان عزیز که همگی طرفدار قیام حقیقی ملت و ادامه مبارزه در راه نجات کشور میباشند با نهایت آرامش و متانت در این جنبش ملی شرکت نمایند. بدیهی است نمایندگان شما در ازای وظیفه خطیر نمایندگی غفلت نخواهند داشت و جریان امر به استحضار ملت بیدار ایران خواهد رسید.

ناظرزاده کرمانی ، میلانی ، دکتر عبدالله معظمی ، دکتر شایگان ، مهندس زیرک زاده ، حسین مکی ، مهندس رضوی، دکتر بقائی ، حاج سید جواد ، دکتر ملکی ، اخگر ، قنات آبادی ، شاهپوری ، حایری زاده ، اقبال ، فرزانه ، جلالی موسوی ، کریمی ، خلخالی ، خسرو قشقائی ، محمد حسین قشقائی ، مدرس ، انگجی ، شبستری ، نریمان ، مشار ، زهری ، پارسا ، صفائی ، راشد ، مهندس حسینی

اعلامیه فرمانداری نظامی درمورد عبور و مرور

فرمانداری نظامی بدین وسیله به استحضار عموم ساکنین محترم تهران و حومه میرساند که از تاریخ 29 تیرماه 1331 عبور و مرور شبانه از ساعت یازده شب الی 5 صبح قدغن خواهد بود.

به مأمورین انتظامی دستور اکید داده شده است که عابرین بی موقع را با هر وسیله ای که باشند جلب و تحت تعقیب فانونی قرار دهند. ضمناً به استحضار میرساند که رانندگان وسائط نقلیه بایستی مستحضر باشند که درصورت تخلف از اخطار مأمورین برای توقف با عکس العمل شدید آنها مواجه و مسئولیت عواقب وخیم حاصله از آن و پیش آمد های ناگوار متوجه خود آنها خواهد بود .

سی ام تیر سال 1331 روزی که بذر های همبستگی شکوفا میگردند

هنوز سپیده دم سی ام تیر آغاز نشده بود که تانکهای ارتش همراه با هزاران سرباز و پاسبان بدستور فرمانداران نظامی و رؤسای شهربانی در مراکز مختلف و استراتژیک تهران و شهرستان ها مستقر گردیدند. نفت گران خوزستان و کرمانشاه که شلاق زیستن در اسارت استعمار گران انگلیسی را بر روی شانه های خود هنوز احساس میکردند نخستین گروهی بودند که از شب پیش با به صدا درآوردن سوت های پالایشگاه ها واحد های بهره برداری نفت به ندای نمایندگان خود پاسخ گفتند.

از صبح امروز کارگران و عشایر خوزستان در مراکز عمده شهرهای آبادان، اهواز و مسجد سلیمان اجتماع کرده اند و درخواست بازگشت دکتر مصدق را دارند.

آنچه اجتماعات آبادان را از سایر شهر های کشور متمایز میسازد اجتماع زنان آبادان میباشد که دوش بدوش همسران ، بردران و پدران خود در تظاهرات شرکت کرده اند و با شعار های قاطع خود در مورد «آزادی و استقلال»، مردان را به تحرک بیشتر وامیدارند.

نخستین جرقه پیروزی

بازار تهران نیز که از شامگاه پنجشنبه تماماً بسته بودند همزمان با اشغال بازار و گذرگاه های اطراف بازاریان دسته جمعی به سوی مرکز شهر و میدان بهارستان به حرکت درآمدند.

درطول خیابان ناصر خسرو و خیام در نتیجه تیراندازی سربازان چند کشته بر خاک غلطیدند انبوه جمعیت جسد شهدای خود را بر دوش گرفته با صدای مصدق پیروز است بسوی میدان توپخانه در حرکت بودند در میدان توپخانه یکی از تانکهایی که برای پراکندن مردم آورده شده بود بسوی مردم پیش میآید، اما مردم بدون ترس از غرش تانک به حرکت خود ادامه میدهند. ناگهان تانک از حرکت باز میایستاد و سرهنگی از برج آن بیرون آمده خطاب به مردم میگوید «مردم به ما

بدین نباشید. ما ایرانی و هم میهن شما هستیم ما هم میهن خود را دوست داریم و هرگز به روی شما تیر اندازی نخواهیم کرد.»

انبوه مردم سرهنگ پژمان را درآغوش گرفتند و درحالی که روی تانک سوار شدند به طرف میدان بهارستان به راه افتادند. (سرهنگ پژمان به جرم همکاری با اخلالگران پس از کودتای 28 مرداد محاکمه و از ارتش اخراج میگردد).

همزمان با تعطیل بازار خطوط اتوبوسرانی تهران نیز به اعتصاب کنندگان می پیوندند. مغازه های شمال تهران در خیابان های شاه رضا، نادری، سعدی، فردوسی، لاله زار، استانبول و شاه آباد کاملاً بسته هستند. در این خیابان ها مخصوصاً در حوالی میدان بهارستان مملو از جمعیت است و مدام شعارهای زنده باد مصدق نخست وزیر میدهند. ولی مأمورین انتظامی مانع از تظاهرات آنها میشوند.

احزاب زحمتکشان و پان ایرانیست و حزب ایران به شدت محافظت میشود و از ورود و خروج افراد بدانها توسط مأمورین انتظامی ممانعت میگردد. متراکم ترین نقاط حضور مردم و مأمورین انتظامی در برابر حزب زحمتکشان است. بزرگترین نبرد امروز در خیابان اکباتان رخ میدهد. در این محل کفن پوشان حزب که از شهرستان ها آمده بودند همراه کفن پوشان دیگر در حرکت بودند. نیروهای انتظامی شدید ترین یورش را به تظاهرات کنندگان مینمایند. در نخستین یورش **امیر بیجار** دانش آموز دبیرستان نظام، در خون خود می غلطد ولی پیش از اینکه چشم فرو بندد با خون خود به دیوار روبروی حزب زحمتکشان می نویسد «زنده باد دکتر مصدق این خون زحمتکشان ملت ایران است».

مأمورین انتظامی هرچا که مواجه با تظاهر کنندگان و افرادی که شعار میدادند میشوند فوراً آنها را دستگیر میکنند. علاوه بر تظاهر کنندگان افرادی که در خیابان ها بودند نیز از ضرب و شتم مأمورین در امان نمیباشند.

کشتار ، خون و آتش

صحن مقابل مجلس شورای ملی یک صحنه جنگ ، خون و آتش است عده ای به قتل میرسند و خون روی اسفالت خیابان جاری است از کنار

خیابان اکباتان شعله های آتش و دود از یک ماشین جیپ شهربانی که توسط مردم به آتش کشیده شده همه جا گسترده شده. در ساعت 9 بامداد نعش جوانی که لحظاتی پیش با رگبار گلوله سربازی به قتل رسیده بود بر روی تخته ای وارد میدان بهارستان میشود. بوی خون و چهره جوان مقتول ناگهان امواج تنفر از بیداد گری را در میدان می پراکند و مردم داغیده به سوی در مجلس شورا هجوم میبرند تا با نمایندگان خود سخن گویند.

صدای رعدآسای رگبارهای هوائی از تفنگ و مسلسل های سربازان بار دیگر هیولای مرگ را در میدان پدیدار میسازد.

تظاهر کنندگان برای ممانعت از خونریزی هرکدام بسویی فرار میکنند. جنازه جوان مقتول از روی تخته پاره به زمین میافتد. با دیدن جنازه بر روی زمین مردم اعصابی به سوی سربازان هجوم میبرند. به نظر نمیرسد کسی از مرگ بیم داشته باشد. این صحنه را فقط میتوان در داستان ها یا فیلم های هالیوودی مشاهده کرد. بار دیگر پاسبانها شروع به تیراندازی هوائی میکنند. این بار بمب های گاز اشک آور بودند که در هر گوشه ای از میدان به زمین میخورد. همزمان گروه بزرگی از مردم جان به لب رسیده از خیابان اکباتان به میدان سرازیر میشوند. در این حالت پاسبان ها و سربازان شروع به عقب نشینی از میدان مینمایند و پاسبان هائی که میخواستند نعش جوان مقتول را از روی زمین برداشته با خود ببرند در زیر چوبدستی های مردم حشمناک نمیتوانند کاری بکنند ناچار جنازه را زمین گذاشته و از صحنه فرار میکنند. آقای راشد واعظ و نماینده تهران در مجلس شورا در صحنه نبرد میگوید "برادران محترم مصیبت های وارده شما را اول به خودم و به سایر نمایندگان و شما برادران عزیز تسلیت و با همه شما شریک و هم دردی میکنم.

این پیش آمد اگرچه اسف انگیز و موجب تأثر همه است ولی اکنون یکی از مواقع مهمه ایست که در تاریخ حیات ملی شما پیش آمده و هرگاه با هشیاری و متانت مراقب باشید میتوانید نتایج بزرگی برای تحکیم مبانی آزادی و استقلال و حکومت ملت بر ملت بدست آورید.

شما نشان دادید که نهضت ملت ایران واقعیت دارد و با رعایت انتظامات که دیشب از خود بروز دادید رشد و بیداری خود را به ثبوت رسانیدید. شما درحالی که دست های پرخونی دارید با لبان خاموش، شهدای

خود را به سوی مدفنشان حرکت دهید و در مکانی که بنام خود آنها نامیده خواهد شد مدفون سازید. امیدوار هستم که ملت ایران به عنوان پیشوای آزادی سایر ملل اسلامی شناخته شود.

سخنرانی کریمپور شیرازی مدیر روزنامه شورش

خیابان اکباتان یکی از پر جنب و جوش ترین خیابان های تهران میباشد. در ساعت 4 بعد از ظهر جمعیت زیادی در چلوی اداره روزنامه شورش اجتماع کرده اند و آقای کریمپور که به تازگی از زندان که به جرم اهانت به خاندان سلطنتی زندانی شده بود آزاد شده است با حالت نفاخت برای جمعیت سخنرانی میکند.

برادران و قهرمانان عزیز من، این نهضت و جنبشی را که امروز شما برای آزادی و استقلال ایران شروع کرده اید در تاریخ مشروطیت ایران و کشورهای خاور میانه بی نظیر است و شما با این جنبش قهرمانانه و پر افتخار خود نشان دادید که ملت ایران ملت 21 سال و 24 پیش نیست که حاضر باشد عملیات خائنانه و مزدورانه قوام را تحمل کند. شما دلاوران بی باک ثابت کردید که نسبت به خادم قهرمان خود دکتر مصدق محبوب تا پای جان وفادار خواهید بود و سیاست انگلستان اگر تصور میکند که میتواند مانند مصر با سرنیزه و گلوله ملت ما را به زنجیر کشد و نهضت ما را نابود سازد باید بداند که ما تا به اندازه آبهای سرد و سبز رودخانه نیل خون سرخ و گرم در جوی های ایران جاری نکنیم تسلیم اجانب نخواهیم شد و من اکنون در پیشاپیش صفوف مقدس و پولادین شما کفن پوشیده و همه با هم به سوی آزادی و استقلال ملت محبوب و قهرمان ایران پیش میرویم. پیش بسوی سربلندی و عظمت ایران.

(بعد از کودتای 28 مرداد کریمپور شیرازی دستگیر، زندانی و شکنجه میشود و در آخرین شب چهارشنبه سال 1332 در جشن چهارشنبه سوری دربار در کاخ اشرف برای تفریح میهمانان شاهانه در حضور شاه به روی کریمپور بنزین ریخته و روزنامه نگار شجاع را زنده به آتش نشانند. یادش گرمی و خاطره مبارزاتش جاودانه باد.)

در تجربیش نیز تعداد افراد ستگیر شده زیاد هستند. بیشتر این افراد جوانان دانشجو و دانش آموز میباشند که شدیداً در برابر یورش سربازان

و پاسبان ها مقاومت میکنند و با حملات ایذائی و جنگ و گریز در دسته های کوچک آنها را سرگردان، خسته و وامانده میسازند.

طبق گزارش شهربانی تعداد افراد بازداشت شده که به شهربانی انتقال یافتند بیش از 500 نفر میباشند که بنا به اظهار مقامات همه آنها طبق ماده 5 حکومت نظامی بازداشت شده اند. در گزارش فرماندهان انتظامی به نخست وزیر وضع شهر تهران و شهرستان ها از لحاظ تشنجات موجود خوب نیست ولی آنها اظهار داشتند که به وظیفه خود عمل میکنند و واحد های سیار در تمام قسمت های شهر مرکب از سواره نظام و غیره وجود دارند تا امنیت را حفظ کنند.

آقای نخست وزیر دستور میدهند که قوای انتظامی شدیداً از تظاهرات و اغتشاشات جلوگیری کنند. در وزارتخانه ها و ادارات دولتی نیز عملاً کار متوقف شده است. شماره کشته شدگان در تهران تا ظهر 30 تیر، گزارش شده است. در تظاهرات اهواز مأمورین انتظامی با رگبارهای پیاپی مسلسل 20 نفر از تظاهر کنندگان را به قتل می‌رسانند.

سازمانهای دست چپی چه میکنند

جمعیت مبارزه با استعمار طی اعلامیه بسیار مفصل از کلیه احزاب و سازمانها و آقایان دکتر مصدق، آیت الله کاشانی، جبهه ملی واحزاب وابسته به آن برای تشکیل یک جبهه واحد ضد استعمار دعوت به عمل آورد.

در این اعلامیه شدیداً سیاست آقای دکتر مصدق را در طول زمامداری مورد انتقاد قرار داده و از هر جهت پیدایش وضع فعلی و حکومت قوام را ناشی از سیاست و تقصیر ایشان دانسته و در خاتمه برای انجام مقاصد زیر از آنها دعوت به اتحاد کرده است.

سقوط دولت آقای قوام، تأمین آزادیهای دموکراتیک یعنی لغو حکومت نظامی و آزادی احزاب و تأمین آزادی بقیه انتخابات و جلوگیری از دخالت های بی مورد.

نظر روزنامه های انگلیس درمورد رخداد های ایران

روزنامه ابزرور مینویسد که نخست وزیر جدید ایران خواهان آن است که مرافعه بین دوکشور حل شود ولی بشرطی که حیثیت دولت ایران لکه دار نگردد . بنظر میرسد که تا دو هفته دیگر ایران وضع بحرانی خواهد

داشت. قوام السلطنه پس از جلوس به مقام نخست وزیری از مخاطراتی سخن رانده ولی وی قادر است که ایران را تدریجاً از گرداب بدبختی برهاند اگر در راه وی موانعی وجود نیاید.

ساندی تایمز مینویسد به نظر نمیرسد دولت سابق ایران اصراری برای حل مسأله نفت با انگلستان میداشته است زیرا دکتر مصدق سفیر ایران را از لندن فرا خواند و سفیری را که انگلستان بجای سیر فرانسویس شپرد تعیین کرده نپذیرفت. این روزنامه همچنین در مورد رأی دیوان داوری لاهه مینویسد حتی اگر دادگاه برای رسیدگی به قضیه ایران خود را صالح بداند حل مرافعه باز چندین ماه بطول خواهد انجامید ولی با روی کار آمدن دولت جدید در ایران امکان موافقتی بین ایران و انگلستان حاصل گردیده است.

بعد از پیروزی مردم جمعیتی به تعداد تخمینی 5000 نفر به طرف خانه دکتر مصدق رهسپار میشوند. با ابراز احساسات مردم دکتر مصدق درحالی که دو نفر بازوی او را گرفته بودند در بالای بالکن عمارت ظاهر شده و از ابراز احساسات مردم تشکر کرد. قریب پانزده دقیقه مردم برای دکتر مصدق هورا کشیده و دست میزدند.

در ساعت ده شب پیام دکتر مصدق از رادیو برای مردم ایران پخش میگردد.

هم وطنان عزیز... اکنون که برحسب تمایل مجلس شورای ملی و فرمان ملوکانه مأمور تشکیل دولت شده ام بعد از عرض تشکر و امتنان از هموطنان عزیز تمنا دارم که متانت و بردباری همیشگی خود را که در امور مشکل تر و مواقع حساس تر نشان داده اند حفظ کرده رعایت نظم و انضباط را بفرمایند و از وقوع هر حادثه و بی نظمی ممانعت و اجرای منویات ملی را بوسیله دولت جدیدی که در شرف تشکیل است تسهیل نمایند. دکتر محمد مصدق

در ساعت ده شب که عده نسبتاً زیادی از اعضای حزب زحمتکشان برای یادآوری از شهدای 30 تیر و سخنرانی دکتر بقایی در حزب گرد میآیند، دکتر بقایی ضمن چند دقیقه سخنان خود اعلام میدارد که او از جانب اعضای حزب زحمتکشان ملت ایران اعلام میدارد که صمیمیت و حق شناسی ما از اعلیحضرت کمافی السابق پایدار میباشد. که از فردای آنروز در حوزه های حزبی مورد اعتراض قرار میگیرد.

31 تیر 1331

درحالیکه مردم درشور و هیجان ناشی از پیروزی هستند جلسه سری مجلس در ساعت 9 صبح تشکیل و از 64 نماینده حاضر در جلسه 61 نفر به دکتر مصدق رأی اعتماد میدهند.

نتیجه رأی گیری توسط دکتر حسن امامی به شاه اطلاع داده میشود. دربار مقارن ساعت یک بعد از ظهر نتیجه رأی گیری را به دکتر مصدق ابلاغ نمود و دکتر مصدق در جواب اعلام قبولی خود را اعلام میدارد.

اعلامیه وزارت دربار درباره روز 30 تیر

وزارت دربار شاهنشاهی با ابراز این عقیده که فداکاری شهدای 30 تیر برای همیشه در تاریخ ایران جاویدان خواهد بود مراتب تألم و تأثر خاطر مبارک شاهانه را به بازماندگان شهدای این روز اعلام و از خداوند متعال خواهان است که وحدت و یگانگی ملت ایران را همواره حفظ نماید.

کفیل وزارت دربار شاهنشاهی - ابوالقاسم امینی

دیوان بین المللی دادگستری به نفع ایران رأی داد

دادگاه بین المللی لاهه امروز در ساعت هفت و سی هشت دقیقه به وقت تهران با اکثریت 9 رأی در برابر 5 رأی عدم صلاحیت خود را در بررسی اختلاف انگلیس اعلام نمود.

قضاتی که به نفع ایران رأی دادند عبارت بودند از :
عبدالحمید بداوی پاشا قاضی مصری - ژوزه گوستاو گوئرو قاضی سالوادری - دکتر سنجابی قاضی ایرانی - هوسومو قاضی چینی - میلوان زوریچ قاضی یوگوسلاوی - آرمان اوگون قاضی اروگوئی - هلژ گلاستاد قاضی نروژی - آرنلد یک نایر قاضی انگلیسی - بوهدان وینیارسکی قاضی لهستانی

قضاتی که علیه ایران رأی دادند :
ژول بدوان قاضی فرانسوی، گرین هاک ورث قاضی امریکائی - جان رید قاضی کانادائی، کارترد قاضی برزیلی، لرانر رور آوارز قاضی شیلیائی سر بنگال راوی قاضی هندی و کولونسکی قاضی روسی از شرکت در جلسه خودداری کردند.

دادگاه همچنین با اکثریت آرا اعلام داشت که ایران ملزم به قبول قضاوت اجباری نمیباشد.

سخنگوی شرکت نفت انگلیس گفت شرکت به مراجع دیگر متشبت خواهد شد یا از دادگاه تقاضای تعیین یک حکم مستقل خواهد کرد. مشاور حقوقی وزارت امور خارجه انگلیس اظهار داشت انگلیس با صدور نفت از ایران مخالفت خواهد ورزید. جراید انگلیس مینویسند این حکم ادعا های انگلیس را از بین نمیرد.

زمزمه مخالفت با نهضت ملی مردم ایران توطئه ای با هدف انشقاق در نهضت ملی

۲۱ مهر ۱۳۳۱

استعفای دکتر بقائی از حزب زحمتکشان

بدنبال اختلافات متعدد در درون کادر رهبری حزب زحمتکشان ملت ایران که از مرداد ماه امسال در مورد سیاست های کلی حزب در مسائل روزمره کشور بوجود آمده بود آقای دکتر بقائی بعد از یک هفته بستری شدن در بیمارستان رضانور امروز اعلام میدارد که از رهبری حزب استعفا داده است.

آقای دکتر بقائی در پاسخ سؤال خبرنگار کیهان اظهار داشت: آشنائی من با یکی دو نفر از افراد شریف حزب توده که بوسیله انشعاب از حزب جدا شده بودند باعث شد که عده ای از منشعبین حزب توده را داخل حزب زحمتکشان بپذیرم و از وجود آنها که افرادی تشکیلاتی بودند برای پیشرفت و توسعه امور حزبی در ایران استفاده نمایم. به همین دلیل اداره کلیه امور تشکیلاتی را به آنها واگذار کردم و در عمل آنها را آزاد گذاشتم و همین امر موجب شد که بعضی از رفقای حزبی به من اعتراض نمایند و از وجود این عده در داخل حزب ناراضی باشند. البته علت راه دادن آنها به داخل حزب از طرف من این بود که آنها افرادی بودند که از حزب توده جدا شده و در اجتماع جایی برای خود نداشتند و من وظیفه داشتم که با راهنمایی و داخل کردن این عده جوان در حزب از وجودشان برای مملکت استفاده کنم.

در ابتدای کار این افراد و رهبر آنها آقای خلیل ملکی طبق مرامنامه و منویات حزب رفتار میکردند و با عموم اعضای حزب همکاری مینمودند و انحرافی هم در طرز تفکر و نحوه عمل آنها مشاهده نمیشد ولی به مرور ایام ماهیت تفرقه انداز آنها در داخل حزب آشکار شد و فراقسیون بازی و دسته بندی آغاز گردید.

مرامنامه موقتی که برای حزب زحمتکشان تدوین شده بود یک مرامنامه سوسیالیستی است که با انطباق آن با شرایط موجود مملکت میبایست به وسیله حزب زحمتکشان در ایران اجرا شود و همه اعضای حزب هم از این مرامنامه پیروی مینمایند ولی از نظر ایدئولوژیکی این دسته بخصوص در داخل حزب ایجاد دو دستگی کردند و ظاهراً شروع به پیروی از مکتب تیتوئیسم نمودند و تحریکاتی را در بین اعضا برای تغییر دادن اصول تشکیلات حزب آغاز کردند تا اینکه از بستری بودن من در بیمارستان و عدم حضور در حزب استفاده نموده و میخواستند آنطور که میلشان است تغییراتی در حزب بدهند.

چون پیروی از افکار آنها موافق با هدف و آرمان من نبود و بعلاوه نمیخواستم از اختیارات و قدرت خود در حزب استفاده نمایم و آنها را اخراج کنم، زیرا ممکن بود موجب یک شوک روحی برای افرادی که افکارشان بوسیله تبلیغات سوء آنها مسموم شده است بشود. لذا خود از رهبری حزب استعفا کردم و قضاوت صحیح جریان و روشی را که باید اتخاذ شود به عهده افراد شرافتمند حزب واگذار نمودم. البته این دو دسته گی که در حزب موجود است بصورت انشعاب حزب را به دو قسمت نخواهد کرد چون عده طرفداران آقای خلیل ملکی بسیار کم و نیروی آنها در داخل حزب بی اندازه بی تاثیر است.

ملاقات سپهبد یزدان پناه با نمایندگان امریکا در لندن

بنا به اظهار اولیور فرانکس سفیر انگلیس در امریکا سپهبد یزدان پناه وزیر جنگ سابق ایران با چند نفر از سیاستمداران امریکا مذاکراتی نموده است. پس از رد پیشنهاد های اخیر امریکا و انگلیس از طرف دکتر مصدق با توجه به تمرکز نیروهای امریکائی در نواحی مرزی ایران و ترکیه و پاکستان این طور به نظر میرسد که امریکا در نظر دارد به وسیله تغییر وضعیت سیاسی ایران حفظ منافع خود در ایران را تأمین نماید. سفیر انگلیس در امریکا اظهار عقیده میکند از قرار معلوم امریکائی ها در نظر دارند در ایران از روش سرهنگ شیشکلی در سوریه و سرتیپ نجیب در مصر استفاده نمایند. (اطلاعات)

احتمال توطئه علیه دولت

صبح امروز آقایان سرلشگر حجازی و قدرت الله رشیدیان ، سیف الله رشیدیان و حبیب الله رشیدیان توسط مأمورین فرمانداری نظامی بازداشت و به زندان شهربانی انتقال یافتند. هنگام بازرسی از منازل توقیف شدگان مقادیری اوراق و نامه کشف گردید که ارتباط آنها را با بعضی مقامات خارجی تأیید میکند. علاوه بر آن منزل آقای سرلشگر زاهدی و بعضی از نمایندگان مجلس و سنا نیز مورد سوء ظن میباشند. امروز دولت اعلامیه ای در این مورد انتشار داده است.

اعلامیه دولت

امروز آقای دکتر فاطمی وزیر امور خارجه و سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی این اعلامیه را در اختیار خبرنگاران گذاشتند: «چون گزارش هائی از عملیات سرلشگر بازنشسته عبدالحسین حجازی و برادران رشیدیان رسیده بود که به معیت آقای سرلشگرزاهدی و بعضی افراد دیگر که دارای مصونیت پارلمانی هستند به نفع یک سفارتخانه بیگانه مشغول توطئه و تحریک میباشند. نامبردگان که مصونیت پارلمانی نداشتند امروز از طرف فرمانداری نظامی بازداشت و به زندان شهربانی تحویل گردیدند. لازم است تذکر داده شود که از این پس کلیه عناصر و افرادی که به هرصورت موجب تحریک و تشنج کشور یا آلت دست سیاست های خارجی قرار گیرند طبق مقررات تعقیب و برای تعیین مجازات قانونی تسلیم دادگاه خواهند شد.» (اطلاعات)

۲۲ مهر ۱۳۳۱

توطئه علیه دولت

یک مقام مسئول دولتی امروز اظهار داشت تقریباً از یک ماه پیش گزارشاتی به شهربانی میرسید که همه شب در خانه آقای سر لشگر زاهدی جلساتی تشکیل میشود و گزارش مزبور توسط مأمورین شهربانی برای آقای نخست وزیر ارسال میگردد. مأمورین رکن دوم ستاد ارتش نیز با مأمورین شهربانی در تعقیب این ماجرا بودند و اطلاعات جامعی بدست میآوردند. بر اثر این تحقیقات معلوم شد که دو نفر سرهنگ و سرگرد ستاد ارتش با کسانی که در منزل سرلشگر زاهدی اجتماع میکنند ارتباط دارند و بعضی مدارک سری و مهم ارتش را در اختیار آنان میگذارند.

متعاقب این جریانات دیروز رسماً از طرف شهربانی کل کشور دستور داده شد با همکاری فرمانداری نظامی برادران رشیدیان ، سرلشگر حجازی و دو نفر افسر ستاد ارتش توقیف شوند به دنبال این دستور

دو شب پیش برادران حبیب الله ، سیف الله و قدرت الله رشیدیان توقیف و اوراق و نامه های موجود در منازل آنها به شهربانی برده شدند. تعداد متهمین تا امروز ۱۹ نفر اعلام شدند که عبارتند از ۷ سناتور ۴ نماینده مجلس ۵ افسر ارشد ارتش ، سرلشگر حجازی فرمانده سابق دانشکده افسری، سرتیپ آریانا فرمانده سابق لشکر گارد ساهنشاهی، آقای سرتیپ حاجی انصاری معاون سابق لشکر گارد ساهنشاهی و یکنفر سرهنگ و یکنفر سرگرد و پدر و برادران رشیدیان. (اطلاعات)

بازگشت دکتر بقائی به حزب زحمتکشان

تشکیل حزب نیروی سوم

در شامگاه ۲۱ مهر بعد از اعلام خبر استعفای دکتر بقائی از حزب زحمتکشان که در جلسه مجلس شورای ملی اعلام داشته بود، عده ای از اعضای حزب به سرکردگی احمد عشقی (دوست و همکار شعبان جعفری) جمعی از فعالین حزب را که با سیاست های دکتر بقائی موافق نبودند و بعد از شنیدن خبر استعفای دکتر بقائی در حیاط حزب اجتماع کرده بودند ازحزب بیرون کرده و با پاره کردن اوراق و نوشته های مجله علم و زندگی و هفته نامه نیروی سوم که بعد از واقعه ۳۰ تیر بجای روزنامه جنب و جوش که صاحب امتیاز آن آقای دکتر سپهبدی از نزدیکان دکتر بقائی است و در چند روزه حکومت قوام بدیدن او رفته بود ، منتشر میشد ، دیروز عده ای ازاعضای حزب زحمت کشان آقای دکتربقائی راازمنزل ایشان به حزب آوردند و آقای دکتر بقائی رهبری حزب را مجدداً به عهده گرفتند. طبق تصمیم حزب آقای خلیل ملکی و چند نفر ازیاران ایشان از حزب اخراج شدند. آقای دکتر سپهبدی نیز از اخراج شده ها میباشد. ضمناً از امروز صبح اولین شماره روزنامه نیروی سوم بعنوان ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) منتشر گردیده است.

۲۲ مهر ماه ۱۳۳۱

درخواست برگزاری جلسه علنی مجلس

امروزبعد ازوصول پاسخ غیر رسمی دولت انگلیس آقای دکترمصدق با مشاورین خود به تبادل نظر و مشورت پرداختند و چون دولت انگلیس نظریات دولت ایران را درمورد حل و فصل مسأله نفت کاملاً رد نموده است و با اتلاف وقت و نامه پرانی میخواهددولت ایران را از پا درآورده تسلیم نظریات خود کند، دولت دیگر تأخیر را جایزندانسته و تصمیم گرفت گزارشی از جریان مذاکرات نفت به مجلس بدهد و طی آن

تصمیم نهائی خود را اعلام دارد. به دنبال این تصمیم آقای نخست وزیر نامه ای به آقای رئیس مجلس شورای ملی برای تشکیل جلسه علنی مجلس مرقوم داشته است.

ریاست محترم مجلس شورای ملی، چون ضرورت دارد گزارشی از آخرین جریانات مربوط به مبادله یادداشت هائی که بین دولتین ایران و انگلیس راجع به موضوع نفت صورت گرفته به استحضار مجلس شورای ملی برسد خواهشمند است آقایان نمایندگان محترم را برای شرکت در جلسه علنی روزپنجمین ۲۴ مهرماه جاری دعوت فرمائید. نخست وزیر - دکتر محمد مصدق

بیانیه سرلشگر زاهدی

هموطنان عزیز، دیروز سخنگوی دولت برای اعلام دستگیری سرلشگر حجازی اظهار داشت که نامبرده به معیت سرلشگر زاهدی و بعضی افراد دیگر که دارای مصونیت پارلمانی هستند به نفع یک سفارت اجنبی مشغول توطئه و تحریک میباشند. این جانب چنین نسبت و ادعائی را قویاً تکذیب و صریحاً اعلام میکنم که دروغ است و برای استحضار خاطر ملت شریف ایران توضیح میدهم که اعضای جبهه ملی بعد از رویه ای که در اواخر دوره ۱۵ مجلس روی نفت و دعوی مبارزه با بیگانگان از خود نشان دادند مورد احترام اینجانب قرار گرفتند و درموقعی از آنها حمایت کردم که نه از تاک نشان بودند از تاک نشان. افرادی که روی اغراض شخصی و تبلیغات سیاسی بخود اجازه میدهند که با حربه فرسوده و زنگ زده تهمت و افترا ناجوانمردانه سرلشگر زاهدی را مورد حمله قرار دهند باید بدانند که این دستاویزها و تهمت ها برعلیه کسی که بارها در پیشگاه ملت ایران امتحان وطن پرستی داده و عملاً در راه تأمین استقلال ایران قدم برداشته و جان خود را به خطر انداخته است و از طرف انگلیسی ها بجرم وطن پرستی سه سال در تبعید بسر برده مؤثر نیست و در افکار عمومی محکوم به شکست میباشد. چقدر جای تأسف است که ملت ایران با آن همه امید و آرزو و قبول انواع محرومیت ها امروز از دولت مصدق بغیر از فقر و بیکاری و هرج و مرج و تجاوز به نوامیس و جان و مال خود حاصلی ندارد و باید بجای امنیت و آسایش هر روز هوجوی گری و تبلیغات تو خالی تحویل گیرد.

کمال آرزوی من آنست که درپیشگاه ملت حقیقی ایران من و مصدق محاکمه شویم تا پرده از روی ریاکاری ها بردارم و مردم ستمدیده و محروم ایران را بر حقایق امور آگاه کنم تا عواقب وخیمی که مقدمات

آنرا جاهلانه یا مغرضانه فراهم کرده اند آگاه سازم. ملت ایران باید آگاه باشد که دولت مصدق با همه دعوی آزادی خواهی کاری کرده که تصور آن هم به خیال کسی نمی گذشت. این دولت مصدق است که برخلاف نص صریح قانون اساسی اصل تفکیک قوا را که تنها مظهر و مفهوم حکومت ملی و آزادی است زیر پا گذاشته و مجلسین را عملاً تعطیل ساخت و صریحاً گفت که میدانم این اختیارات مخالف قانون اساسی است اما آنرا میخواهم. حالیه سخنگوی او راه زندان را نشان آزادیخواهان میدهد و نمایندگان ملت را به سلب مصونیت تهدید میکند، مگر نمایندگان ملت فعلاً مصونیتی دارند که از آنها سلب شود؟ این مصدق است که قضیه اختلاف ایران را با یک شرکت خارجی صورت بین المللی داده و با دول بزرگ رسماً مبادله یادداشت روی یک موضوع داخلی و برخلاف استقلال سیاسی کشور مینماید و با همه رجز خوانی ها به داوری دادگاه لاهه که در عدم صلاحیت آن هزاران نطق کرد و پرداخت غرامات به استناد قرارداد مخدوش و لغو شده ۱۹۳۳ و پیشنهاد مردودگس - گلشائیان تن در داد. در این صورت بیگانه چه حاجت به دسته بندی جدید دارد؟

ای ملت ایران انحلال ارتش و فقر مادی و معنوی و ترویج هرج و مرج و اختلال امنیت میهن عزیز ما را به اضمحلال و تجزیه تهدید و افتخارات چندین هزار ساله ما را معدوم میسازد. من با نوشتن این بیانیه به ملت ایران اعلام خطر میکنم و با کمال جرئت به شما اطمینان میدهم که هیچ گونه نقشه ای برای کودتا و عملی که برخلاف حفظ مصالح ایران باشد از طرف افسران با شرف ارتش اعم از بازنشسته و حاضر به خدمت طرح نشده و نخواهد شد. من صراحتاً می نویسم تهمت کودتا و غیره کذب محض و این افترا کار کارگردانان ناشی دولت است که روی اغراض خود میسازند و میگویند. (اطلاعات)

نظریات دکتر بقائی و خلیل ملکی درمورد انشقاق در حزب زحمتکشان

امروز خبرنگار روزنامه اطلاعات با آقایان دکتر بقائی و خلیل ملکی درمورد انشعاب در حزب زحمتکشان مصاحبه نموده است تا از نظرات و علل انشعاب درحزب را با دو دیدمختلف به اطلاع علاقمندان برساند.

دکتر بقائی ، در دو سه ماه اخیر خصوصاً مدتی که من بیمار و در مریضخانه بستری بودم یک سلسله انحرافات در جریان امور حزبی پیش آمده بود که نمیشد آن را ناشی از اشتباه یا عدم اطلاع از مرامنامه و هدف اصلی حزب دانست بلکه این عملیات نشان میداد که

نقشه و هدف خاصی برای تضعیف نمودن حزب در پس پرده طرح ریزی می‌شود و برای انجام این نقشه‌ها آقای خلیل ملکی شروع به یک رشته دسته بندی و فراکسیون سازی نموده بودند و با این کیفیت ادامه همکاری میسر نبود. البته برای من که سمت رهبری حزب را داشتم طبق مرامنامه حزب ممکن بود از اختیارات خود استفاده و اقدام به اخراج او و دو سه نفر از همدستانش بنمایم ولی خودم نخواستیم این کار را انجام بدهم زیرا ممکن بود این عمل من برای یک عده از جوانان عضو حزب که آشنا به اعمال ایشان نبودند این اقدام بر یک نوع دیکتاتوری و اعمال زور و قدرت تلقی بشود که این اخلاق هم با روح من سازگار نیست. بنابراین مصلحت را در این دیدم که خودم از حزب کناره گیری کنم تا افراد حزب برای سرپرست حزب هر طوری که خودشان صلاح میدانند تصمیم بگیرند.

البته میدانید امور اداره روزنامه شاهد که ارگان حزب ما است تقریباً به عهده آقای ملکی بوده و در این اواخر روزنامه شاهد به انتشار یک سلسله مطالب دست زده بود و همین وضع یک وسیله تبلیغاتی بدست مخالفین داده بود. گذشته از این موضوع انتشاراتی بود که از طرف آقای ملکی در مدت غیبت من در میان افراد حزب داده میشد. اول گفتند فلانی خسته شده و دیگر قادر به کار نیست ، بعد شایع نمودند که دکتر بقائی قصد دارد با همکاری سرلشگر زاهدی اقدام به کودتا بنماید و بعد گفتند لیدر حزب زحمتکشان برای نخست وزیری خود فعالیت میکند.

همین شایعات سبب شد که یک تردید و دو دلی و شک که بزرگترین دشمن تشکیلات حزبی است در میان افراد حزب زحمتکشان بوجود آید ، خاصه اینکه این شایعات در یک ماه گذشته از محوطه داخلی حزب خارج شده و در بین افراد مؤثر و مقامات عالیله کشور هم سوء اثر بخشیده بود که برای اداره سازمان یک حزب این گونه تبلیغات اثر بسیار نامطلوبی خواهد داشت. از حق نباید گذشت که آقای ملکی مردی با سواد و قابل استفاده است و من هم روزاول میدانستم که او یک کمونیست منهای مسکواست ولی تصور میکردم که با سخنی هائی که کشیده و تجربیاتی که بدست آورده در افکار و عقاید خود تغییر داده است و از چپ روی شدید و عقاید افراطی خود دست برداشته است زیرا او با مطالعه کامل مرامنامه حزب ما که یک حزب سوسیالیست منطبق با تمدن و فکر ایرانی است تقاضای عضویت حزب را کرد و من امیدوار بودم که در نتیجه گذشت روزگار افکار تندش را تعدیل نموده است ولی متأسفانه او نتوانست خود را تصفیه کند.

من روز پنجشنبه گذشته (۱۹ مهر) استعفای خود را داده بودم ولی افراد حزب تا ظهر دیروز مانع انتشار آن شدند اما دیروز آنها را قانع کردم که دیگر همکاری من با حزب زحمتکشان به این کیفیت مقدور نیست. در حال حاضر بیش از چهار یا پنج نفر در حزب نیستند که با آقای ملکی و اعمال و رفتار او موافقت داشته باشند. من از هدف و عقیده سیاسی خود دست بر نداشته ام و همان رویه سابق خود را در مجلس و خارج از مجلس تعقیب خواهم کرد. دیشب شنیده ام عده ای از افراد حزب در کمیته مرکزی اجتماع نموده و قطعنامه ای مبنی بر پشتیبانی از من صادر کرده اند. اگر عموم افراد حزب مایل به همکاری با من باشند مسلم است بار دیگر حاضرم سرپرستی حزب را عهده دار شوم چون به مرامنامه حزب زحمتکشان معتقد و وفادار هستم.

آقای خلیل ملکی، مفهومی که آقای دکتر بقائی از حزب دارند این است که حزب آلت و ابزار مطیع و منقادی برای پیشرفت منظورهای سیاسی ایشان باشد. این سعی و کوشش ایشان همواره بامقاومت حزب متشکل زحمتکشان ملت ایران مواجه میشد و آقای دکتر بقائی کاملاً حس کرده بودند که از داخل حزب نمیتوانند حزب را منفجر کرده و تحت انقیاد خود درآورند. اظهاراتی که آقای زهری از قول ایشان نمود و استعفای رسمی آقای دکتر بقائی مقدمه ای بود که نتیجه آن در حدود ساعت ۷ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۳ مهر مسلم و معلوم شد که کلوب حزب و روزنامه های حزبی و دفتر مجله علم و زندگی اشغال و اعضای حزبی نیز مورد تهدید و ارباب قرار گرفته و پراکنده شدند.

حزب زحمتکشان از دیشب به منزل من منتقل شده است و کمیته ایالتی سازمان جوانان بدون استثناء حاضر و مشغول فعالیت هستند و در اطاق دیگری شورای فعالین حزبی تشکیل جلسه داده اند. هیأت تحریریه نیروی سوم که ارگان سازمان جوانان است هم بدور خود جمع شدند و شاید به عنوان ارگان حزب زحمتکشان ملت ایران روزنامه خود را منتشر نمایند.

یکی از موارد اختلاف با آقای دکتر بقائی مسأله انتخابات در حزب بود که ایشان به هیچوجه باین مسأله تن در نمیدادند و حتی پیشنهاد فعالین حزب در چند روز اخیر که پیشنهاد کردند خلیل ملکی از حزب کناره گیری میکند مشروط بر اینکه انتخابات در حزب بعمل آید وقتی نگذاشت. آقای دکتر بقائی این پیشنهاد را غیر عملی دانسته و کار کردن با دار و دسته ملکی را غیر ممکن میدانستند. در تفسیری که آقای زهری از وضع دار و دسته ملکی کرده است هیأت های تحریریه

شاهد و نیروی سوم و شورای فعالین حزبی و جلسه گویندگان و کمیته ایالتی سازمان و حوزه های دانشجویان و دانش آموزان را تماماً دار و دسته ملکی دانسته و حفظ آنها را به شکل فعلی غیر ممکن اعلام کرده اند.

به نظر این جانب این اقدام آقای دکتر بقائی در این موقع عملاً بزرگ ترین خدمت به حزب توده و در عین حال انگلیس ها میباشد زیرا تمام سعی و کوشش این احزاب مخصوصاً حزب توده در این مدت متوجه این بود که در حزب زحمتکش اختلافی بوجود بیاورند و تشکیلات حزب زحمتکش را که بزرگترین خطر برای بیگانه پرستان و مفید ترین راه برای پیشرفت کار دهقانان و کارگران ایران است از بین ببرند. در این موقع که مسأله نفت در شرف حل شدن است ما به سهم خود تمام سعی خود را بکار بردیم که از این اختلاف و نفاق جلوگیری کنیم ولی آقای دکتر بقائی تصمیم خود را گرفته بودند. علت اینکه این مرض مزمن در این موقع به شکل حاد ظاهر شده این است که در دو هفته پیش آقای دکتر بقائی مرا به مریضخانه طلبیدند و از من خواستند که یک اولتیماتومی برای آقای دکتر مصدق از قول آقای دکتر بقائی تهیه کنم و در این خصوص با من مشورت کردند. من گفتم با اولتیماتوم موافق نیستم، ایشان گفتند روی کاغذ نمینویسیم اولتیماتوم است، گفتم به نظر من در شرایط حاضر علیرغم نقاط ضعف زیادی که دولت از لحاظ اصلاحات داخلی دارد هر نوع مخالفت با دولت به ضرر کشور و حزب و شخص شما است.

در آنروزها اینجانب مطلع شدم که توطئه هایی بر علیه دولت ملی دکتر مصدق در کار است و برای حل شدن مسأله نفت منفی بافی هایی میشود که بلکه دولت را با عدم موفقیت و سقوط مواجه سازند. این جانب با مشورت هیأت تحریریه شاهد و نیروی سوم پشتیبانی بی دریغ خود را از دولت آقای دکتر مصدق اعلام کرده و تا حدودی پرده از روی بند و بست هایی که علیه مصدق میشد برداشتم.

نقشه ما برای آینده حزب، همان است که بود و روحیه من با سابق هیچ فرقی نکرده. متأسفانه با تمام مساعی که بکاربردیم نتوانستیم از وقوع این عمل آقای دکتر بقائی جلوگیری کنیم زیرا آن را ضربه ای به نهضت ملی میدانیم. معذالک ما سعی و کوشش خود را بکار خواهیم برد که این ضربه را به نحو دیگری جبران کنیم یعنی برای آینده این کار به نفع ما تمام خواهد شد زیرا آقای دکتر بقائی بزرگترین سد و مانع تشکیلاتی بودند و انرژی ما در اصطکاک داخلی دایماً از بین

میرفت. احتیاجی که حزب به ایشان داشت از لحاظ شخصیت سیاسی ایشان بود که هنوز هم به اینگونه شخصیت های سیاسی حزب احتیاج مبرم دارد. و ما برای پیدا کردن این پشتیبانی سیاسی خواهیم توانست حزب را کمأ و کیفأ خیلی بهتر از سابق بسازیم.

آقای دکتر بقائی و یکی دو نفر از دوستانش به هیچ قیمت حاضر نمیشدند شخصیت های سیاسی دیگر در حزب زحمتکشان شرکت کنند ، حالا حزب زحمتکشان با آغوش باز از تمام عناصر ملی استقبال میکند. درمورد سرنوشت روزنامه شاهد باید بگویم ، چون صاحب امتیاز روزنامه شاهد آقای زهری میباشند که از دوستان آقای دکتربقائی هستند وهمچنین باشگاه حزب در اجاره آقای دکتر بقائی است فعلا از طرف ایشان اشغال شده وچون ما هرگونه مبارزه در داخل نهضت ملی را به ضرر کشور میدانیم ، سعی و کوشش برای اشغال مجدد آن محل نکرده ایم. فعلا شورای فعالین حزب و کمیته سازمان جوانان و هیأت های تحریریه روزنامه های حزبی در منزل اینجانب مشغول فعالیت هستند که میتوان با آنها تماس گرفت و چند نفر مأمور پیدا کردن محلی شده اند و تصمیم گرفته شده که هزار نفر هرکدام ۵۰ تومان تهیه کنند که از لحاظ مالی در مضیقه نباشیم.

آغاز توطئه شامگاه نهم اسفند

تلفن به آیت الله کاشانی

نیمه شب دیشب شخص ناشناسی به آقای کاشانی تلفن مینماید و به آگاهی ایشان میرساند که اعلیحضرت قصد مسافرت به اروپا را دارند و خوب است در مقام ریاست مجلس از مسافرت معظم له جلوگیری بعمل آورند. آقای کاشانی اظهار میدارد در این موقع حساس مسافرت اعلیحضرت همایونی ولو برای معالجه هم باشد به صلاح کشور نیست. آقایان ذوالفقاری نایب رئیس و حایری زاده نیز با آقای کاشانی ملاقات مینمایند. حایری زاده بعد از 50 دقیقه مذاکره با کاشانی درپاسخ خبرنگاران اظهارمیدارد «من تصور میکنم مسافرت شاه به خارج ضرر و زیانی ندارد فقط چون مردم نگران هستند و به علاوه با داشتن اختیارات در دست یکنفر و تمرکز قوه مجریه و مقننه در شخص واحد، ممکن است خطراتی برای مردم و کشور به وجود آورد». ضمناً بقایی نیز به مدت نیمساعت با آقای کاشانی مذاکره مینماید.

دربار شاهنشاهی تکذیب میکند

اداره محترم روزنامه کیهان

خبری تحریک آمیز که امروز صبح در یکی از جراید هفتگی منتشر شده مشعر بر اینکه در هفته گذشته بطور مجرمانه شرفیابی هائی صورت گرفت و با جریان مخالفت بعضی از نمایندگان با دولت ارتباط داشته بکلی بی اساس بوده و بدین وسیله تکذیب میشود. این نکته را هم اضافه مینماید که ملاقات وزیر دربار با حضرت آیت الله کاشانی موقع مراجعت موبک همایونی از رامسر صرفاً برای احوال پرسی بوده است.

خواهشمند است دستور فرمائید مراتب از لحاظ روشن شدن افکار افکار عامه در اولین شماره آن روزنامه درج گردد. وابسته مطبوعاتی دربار

نامه رئیس مجلس به شاه

خبر مسافرت غیر مترقبه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی موجب

شگفتی و نگرانی فوق العاده قاطبه اهالی مملکت و مردم پایتخت شده و هیئت رئیسه مجلس شورای ملی با استحضار آقایان نمایندگان بعرض میرساند که دروضع آشفته کنونی بهیچوجه مصلحت و صواب نمیداند که اعلیحضرت همایونی مبادرت به مسافرت فرمایند و ممکن است در تمام کشور تأثیرات عمیق و نامطلوب حاصل نماید. به این لحاظ از پیشگاه همایونی استدعا میشود که قطعا در این مورد تجدید نظر فرموده و تصمیم به مسافرت را به موقع دیگری در سال آینده تبدیل فرمایند.

رئیس مجلس شورایملی

نخست وزیر و وزیران در حضور شاه

ساعت ده و نیم آقای دکتر مصدق پیاده مسافت بین خانه خود و دربار را طی کرد و چند دقیقه بعد همه آقایان وزیران در کاخ سلطنتی حاضر شدند ابتدا آقای نخست وزیر بعنوان خدا حافظی شرفیاب شدند. اعلیحضرت در پاسخ نخست وزیر و وزیران فرمودند چون کسالت دارم باید به این مسافرت اقدام کنم. بعد ذات شاهانه لزوم تأیید دولت و جلب اعتماد عمومی را به اقدامات آقای نخست وزیر تأیید کردند. وزرا پس از شرفیابی از درهای فرعی دربار خارج شدند.

ملاقات هندرسن با علاء در دربار

هنور نیم ساعت از رفتن آقای دکتر مصدق از دربار نگذشته بود که آقای هندرسن سفیر کبیر امریکا پس از مذاکره با آقای علاء وزیر دربار از کاخ سلطنتی خارج شد. به قرار اطلاع مشارالیه از ساعت ۱۱ صبح به دربار رفته بود و درباره مسافرت شاهنشاه با ایشان مذاکره کرده بود. آقای هندرسن همچنین در ساعت یک بعد از ظهر به ملاقات نخست وزیر رفت تا راجع به مسافرت شاهنشاه با ایشان نیز مذاکره نماید.

خدا حافظی ها انجام شد

سه ربع بعد از ظهر تمام مراسم خدا حافظی انجام پذیرفت ، گذرنامه ها حاضرگردید و ویزا شد و تسلیم وزیر دربارگردید. شاه و ملکه لباس مسافرت خود را پوشیده و در آستانه در آماده حرکت بودند ، اطراف ایشان را رؤسای دربار و چند نفر از وزیران احاطه کرده بودند، اتومبیل سلطنتی جلوی پله های عمارت حاضر بود و اتومبیل سفید رنگ دیگری پشت سر این اتومبیل لوازم و مایحتاج مسافرت را داشت و شاه میخواست آخرین مراسم تودیع را بجا آورده و حرکت نماید که ناگهان فریاد مردم از جلو کاخ به گوش رسید.

اجتماع زنان در برابر دربار

عده ای از بانوان در برابر اجتماع کرده و طی نطق هائی مردم را دعوت میکردند که از مسافرت شاه جلوگیری کنند. آنها خطاب به مردمی که جلو دربار جمع شده و یا عبور میکردند، فریاد میکردند مردم نگذارید شاه برود غیرت و حمیت ملی شما کجا رفته است؟

یورش به خانه دکتر مصدق

در ساعت ۲ و ربع بعد از ظهر عده ای به طرف منزل دکتر مصدق حمله ور شدند و چون با تذکر سربازان به هجوم خود ادامه دادند و سربازان نیز دستور تیراندازی نداشتند لذا سربازان به کناری رفتند و مردم به درب منزل نخست وزیر روی آوردند. جمعیت به در منزل نخست وزیر رسیدند ولی در آهنی بسته بود. در این میان چند نفر ورزشکار (شعبان جعفری و ...) که در جلو بودند با فشار و ضربه سرکوشیدند که در را باز کنند و چون موفق نشدند بایک جیب ارتشی که بر روی آن «سرویس خون» نوشته شده بود به جلوی منزل آقای دکتر مصدق رفتند و جیب را بدر تکیه دادند و با فشار ماشین و تظاهر کنندگان درب منزل نخست وزیر باز شد و در همان حین عده ای به طرف در و پنجره منزل حمله ور شده و شیشه ها را شکستند. پس از باز شدن در جمعیت به داخل خانه هجوم آوردند.

فروردین ۱۳۳۲

خروج نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به رهبری حایری زاده از تهران و تقلیل عده حاضر در مرکز که موجب عدم تشکیل جلسه علنی گردید مجلس را در برابر امری مشکلتر از قضیه گزارش هیأت هشت نفری قرارداده است زیرا گرچه عده نمایندگان حاضر طوری است که با خروج این عده از تهران جلسه امروز مجلس بکلی تعطیل و فلج شده است

پیدایش وضع جدید در صحنه بهارستان از بعد از ظهر روز پنج شنبه اعضای فراکسیون نهضت ملی و همچنین منفردین مجلس را که فعلا نقش میانجی را عهده دار هستند ب فکر چاره جوئی و صلاح اندیشی برای رفع این محذور بی سابقه و غیر منتظره انداخت و هر دو دسته از روز پنجشنبه تا بحال چندین جلسه تشکیل داده و مدتی به تبادل نظر پرداختند تا در برابر آن اقدام اقلیت روشی اتخاذ نمایند که آن روش منتهی به مراجعت اقلیت به تهران و تأمین عده حاضر در تهران برای تشکیل جلسه گردد.

اعضای فراکسیون نهضت ملی دو هیأت پنج نفری انتخاب کرده اند که با نخست وزیر و رئیس مجلس ملاقات کرده مشکل مزبور را با آنها در میان بگذارند. نمایندگان فراکسیون نهضت ملی در پاسخ خبرنگاران بعد از ملاقات با نخست وزیر اظهار داشتند اقدام اخیر کمیسیون آزادی یعنی خروج دسته جمعی از تهران و از اکثریت انداختن مجلس موجب عدم تشکیل جلسات علنی و تعطیل مشروطیت گردیده و ما نمیخواهیم با وضع کنونی و بحران فعلی مجلس در تعطیل و دولت در بلاتکلیفی بماند برای چاره جوئی جهت حل این مشکل نظریات مختلفی در فراکسیون به میان آمد.

ابتدا صحبت از استعفای دسته جمعی شد ولی این نظر را جمعی نپسندیدند و استدلال ما این بود که در صورت عدم تصویب گزارش 8 نفری اقدام به این کار شود و حال اینکه این امر هنوز روشن نیست. خاصه اینکه تصمیم فراکسیون آزادی و خروج آنها از تهران نشان داد که مخالفین گزارش امیدی به رد شدن و عدم تصویب آن ندارند و ظن قوی این است که اگر جلسه علنی مجلس تشکیل شود طرح فراکسیون که مفاد همان گزارش است از تصویب مجلس خواهد گذشت، بنابراین استعفای دسته جمعی مورد ندارد.

بعد پیشنهاد شد با آقای نخست وزیر مذاکره شود تا ایشان دستور شروع بقیه انتخابات را را صادر نمایند، در نتیجه مجلس از مشکل اقلیت عده نمایندگان رهایی یابد زیرا در حال حاضر 56 کرسی مجلس از 136 کرسی آن خالی و بدون نماینده است. بدیهی است که اگر بقیه نمایندگان انتخاب شوند مجلس در ادامه کار و اتخاذ تصمیمات لازم قدرت بیشتری بدست خواهد آورد.

آقای دکتر مصدق اظهار داشتند که قصد تحمیل به مجلس ندارند آقایان اقلیت میتوانند بیانند و مجلس را تشکیل بدهند و اگر گزارش هیأت 8 نفری را به مصلحت نمیدانند دلایل خودشان را بیان نمایند و آن را رد کنند تا هم تکلیف دولت معلوم شود و هم مجلس.

در ملاقات با رئیس مجلس آیت الله کاشانی گفتند من از این وضع کنونی بیش از هر کس متأسف هستم و نمیدانم کسانی که به آتش نفاق و دو دستگی دامن میزنند چه مقصد و نظری دارند آنها وکیل مجلس هستند و عقیده دارند و در عقیده خود هم آزاد میباشند. من

رئیس مجلس نشدم که به نمایندگان دستور بدهم و برای نماینده تعیین تکلیف کنم. بر فرض من به آنها توصیه کنم که به تهران مراجعت کنند آنها نخواهند آمد چون میگویند ما مصونیت نداریم و آزاد نیستیم. دیروز از رادیو شنیدم که میگفت که اگر اقلیت به تهران نیاید ما آنها و رئیسشان را به دنیای اربابان قدیمیشان روانه خواهیم کرد. من از شما انصاف میخواهم آیا آنها حق ندارند با این ترتیب به عنوان عدم تأمین جانی و آزادی تهران را ترک کنند؟

آقای مهندس رضوی گفت من این مسأله را دیروز شنیدم آنرا به اطلاع آقای نخست وزیر رسانیدم. ایشان فوراً به رئیس رادیو دستور دادند که از پخش این گونه مسائل در رادیو جلوگیری کند.

درمراجعت از منزل رئیس مجلس خبرنگاران از آقای مهندس رضوی نتیجه ملاقات با آیت الله را سؤال کردند ایشان پاسخ دادند هیچ گونه پیشرفتی حاصل نشده. در مجلس نیز هیچگونه وضع خاصی نیست که موجب عدم حضور آقایان حتی در تهران بشود و حالا هم وضع مسافرت آقایان صورت دیگری بخود گرفته یعنی ابتدا رفتند چند فرسنگی تهران و بعد به منازل خود مراجعت کردند و این خود بهترین دلیل تأمین آزادی آنها است. دیروز عصر چند نفر از این آقایان به قم تشریف بردند.

حالا حرفشان این است که ما طرح متقابل داریم اگر آنها قبول میکنند ما برمیگردیم. پس معلوم میشود که موضوع عدم تأمین جانی و آزادی نیست و اصل مسأله این است که طرح متقابل در میان است. در این حالت مخالفتی نمیشود. اگر طرحی دارند بیاورند روی آن مذاکره میشود، بحث میشود و بعد رأی مجلس درباره آن قضاوت خواهد کرد.

امروز وقتی آقای حایری زاده لیدر اقلیت قصد خروج از مجلس را داشت خبرنگاران از او پرسیدند "کجا بودید و کجا میروید؟" حایری زاده جواب داد روز پنجشنبه به اتفاق رفقا از شهر خارج شدیم و به یکی از شهرستان های نزدیک تهران رفتیم. دیروز به تهران آمدم و چون مریض هستم به صفحات شمال میروم که استراحت کنم امروز شنیده ام رفقا رفته اند، آنها از من خواسته اند به آنها ملحق شوم ولی چون من قصد استراحت دارم الان عازم گچسار هستم و به رفقا هم پیغام دادم اگر مایل هستند به آنجا بیایند و حالا آمده ام شخصی را معرفی کنم تا حقوق مرا بگیرد و برایم بفرستد!

از وی سؤال شد چه وقت قصد شرکت در مجلس یا لاقلاً مراجعت به تهران را دارید؟ جواب داد این مسأله مربوط به آن است که آیا آنها طرح ما را بپذیرند یا نه امروز به آقای اخگر گفتم اگر آقایان رفقای شما حاضر به قبول این طرح هستند در مجلس شرکت میکنیم .

برخورد (اتفاقی!) شاه با حسین مکی در حاده رامسر

روز دوم فروردین در حدود ساعت چهار بعد از ظهر درده کیلومتری شاهی و سیصد متری محلی که در آن سکونت داشتم در کنار جاده شوسه قدم میزدیم آقای فقیه زاده استاندار مازندران با لباس رسمی رسیدند و به من گفتند اعلیحضرت از این جاده تشریف میآورند، بنده به ایشان گفتم که رادیو خبر داد که از راه رامسر به مازندران تشریف میبرند. آقای فقیه زاده گفتند که از این راه تشریف میآورند و خدا حافظی کرد و رفت. یک ربع بعد اعلیحضرت همایونی و همراهان ایشان رسیدند و نزدیک بنده توقف فرمودند. بنده جلو رفتم و به اعلیحضرت و علیا حضرت تبریک گفتم و از اعلیحضرت استدعا کردم برای رفع خستگی به کلبه روستائی بنده تشریف بیاورید ایشان قبول فرموده و پس از صرف چای و رفع خستگی تشریف بردند و هنگام خدا حافظی به من فرمودند در روزهای تعطیل یک روز به کاخ بابل بیاید. روز ششم فروردین بنده در کاخ بابل حضور شاه شرفیاب شدم و ناهار را به اتفاق خانواده سلطنتی صرف نمودم و دو ساعت و نیم بعد از ظهر که اعلیحضرت برای استراحت تشریف بردند بنده کاخ را ترک کردم و ضمناً در ملاقات با نخست وزیر به ایشان گفتم اصولاً زبینه نیست که وزارت دربار را که یک کار خصوصی و شخصی دربار است رئیس دولت در مورد آن نظر بدهد ، پست وزارت دربار را کسی باید قبول کند که مورد اطمینان شاه باشد و آقای نخست وزیر هم این نکته را تأیید و تصدیق فرمودند.

کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب کردند

از عصر دیروز کارگران پالایشگاه کرمانشاه اعتصاب نموده اند. درخواست های آنها پرداخت اضافه حقوق، تهیه بهداشت برای خانواده کارگران، مسکن یا اجاره خانه، آزادی بیشتر برابر قانون کار برای کارگران. امروز خانواده های کارگران نیز در مقابل پالایشگاه اجتماع نمودند. پس از گزارش موضوع به آقای نخست وزیر ایشان دستور رسیدگی دادند.

31 فروردین 1332

نفت ایران در بازار ژاپن

روزنامه ژاپنی یومیورز مینویسد درحالی که انگلیسی ها متوجه شده اند به هیچوجه نمیتوانند از ورود نفت ایران به بازارهای نفتی ژاپن جلوگیری کنند درصدد هستند از کمک شرکت های نفتی برای رقابت کردن با قیمت های نفت های خریداری شده از ایران به یاری آنها پردازند ولی بنابر اظهار نظر کارشناسان نفتی این اقدام غیر محتمل میباشد و شرکت های نفتی امریکا در شرایطی نیستند که بتوانند مبادرت به این ریسک کنند.

اغتشاش در دزفول

طبق اطلاع دیروز محله صحرا بدر مشرقی برای پشتیبانی از دولت قصد تظاهراتی داشتند ولی اعضای حزب زحمتکشان برای ممانعت از برگزاری متینگ آنها عده ای را در محل برگزاری متینگ اجتماع و فصد اخلاص داشتند که در نتیجه رد و خورد شدیدی درگرفت که منجر به کشته شدن چهار نفر و مصدوم شدن بیش از صد نفر گردید. مجروحین به بیمارستان های اهواز اعزام گردیدند.

سومین مرحله توطئه علیه نهضت ملی

اول اردیبهشت 1332

تسلیم ابوالقاسم بختیار

ابوالقاسم بختیار که از چندی پیش در نواحی بختیاری با مأمورین دولتی نزاع میکرد در اصفهان تسلیم قوای دولتی شد و به مرکز اعزام گردید. به دستور ستاد ارتش و دولت مقرر بود در صورت عدم تسلیم ابوالقاسم محل سکونت او بمباران گردد و برای این منظور اعلامیه هائی از طرف ارتش در نواحی استقرار ابوالقاسم و نیروهای او پخش شده بود و از مردم در این مورد درخواست کمک شده بود.

نظر به اینکه گشت مأمورین در نواحی ای که محل استقرار ابوالقاسم و یاغی های زیر فرمان او منتج به نتیجه نشد واحدهای تازه نفسی که از اهواز و دزفول به ایذه ، مسجد سلیمان ، هفتگل اعزام شده بودند بازگشتند و عملیات نظامی در بختیاری متوقف شد اقدام برای دستگیری سردسته یاغیان ادامه داشت تا بالاخره ابوالقاسم بختیار در یکی از نقاط بیلاقی بختیاری خود را تسلیم قوای دولتی میکند.

ابوالقاسم بختیار پسرعومی سرهنگ بختیار میباشد و چندین بار در سالهای گذشته دارای پست های فرمانداری نقاط مختلف بود. طبق اطلاعیه ستاد ارتش ابوالقاسم بختیاری در تاریخ 21 فروردین طی تلگرافی به دولت اعلام کرد که حاضر است تسلیم شود. در تاریخ 29 فروردین در کوههای بختیاری تسلیم و به اصفهان اعزام گردید همراهان وی نیز خلع سلاح شده و در بازداشت بسر میبرند و بازجوئی از نامبردگان ادامه دارد.

پایان شورش در شیراز

بعد از سرکوب شورشیان در شیراز که به ساختمان های اصل چهار حمله و پس از غارت اموال موجود مبادرت به خراب کردن ساختمانها پرداخته بودند امروز آقای وارن رئیس اصل چهار به اتفاق نماینده نخست وزیر به شیراز عزیمت و از ساختمانهای اداره اصل چهار بازدید نمودند. خسارات وارده حدود صد هزار دلار برآورد شده است.

نظر به اینکه از جمعیت حمله کننده عکسبرداری شده بود با کمک عکس ها قریب ششصد نفر توسط مأمورین فرمانداری نظامی و شهربانی دستگیر و قسمتی از اموال مسروقه از اداره اصل چهار و منزل مسکونی آقای وارن نیز در منازل اشخاص دستگیر شده کشف گردید

قتل سرتیپ افشار طوس رئیس شهربانی

ساعت 9 دیشب سرتیپ محمود افشار طوس رئیس شهربانی در خیابان خانقاه از ماشین خود پیاده شد و به راننده خود اظهار داشت که جلو کلانتری درمیدان بهارستان توقف کرده منتظر وی باشد. شوهر تمام شب در آن محل منتظر میماند و چون از رئیس شهربانی خبری نمیشود مراتب را به شهربانی گزارش میدهد.

امروز تمام منازل خیابان های صفی علیشاه و خانقاه که حزب سومکا و کانون افسران بازنشسته در آن واقع است از طرف کارآگاهان شهربانی بازرسی شد.

افشار طوس 5 ماه پیش به ریاست شهربانی دولت دکتر مصدق منصوب گردید. او یکی از پست های کلیدی قوای انتظامی را به عهده دارد و دارای محبوبیت زیادی در بین افسران جوان است.

سرتیپ افشار طوس از بعد از شهریور 1320 دارای مشاغل کلیدی بسیاری در ارتش و شهربانی بوده است. او مورد احترام و اعتماد دکتر مصدق نخست وزیر میباشد. از اینرو شایع است که مخالفین دولت عاملین اصلی این اقدام بوده اند.

در این قسمت با توجه به اهمیت مسأله بدون توجه به روزشمار تاریخ به عنوان بخش جداگانه ای توطئه قتل سرتیپ افشار طوس و اهمیتی که این رخداد در شکل گیری کودتای 28 مرداد داشته است به دنبال یکدیگر خواهند آمد.

2 اردیبهشت 1332

آقای محمد ناصر قشقائی بعد از حوادث اخیر شیراز در یک جلسه مطبوعاتی درباغ ارم شیراز اظهار داشت قیام ملی ایران متکی به اراده اکثریت نزدیک به اتفاق ملت است. این قیام ملی را با رهبر عالیقدر این جنبش عظیم ملی دکتر محمد مصدق مبعوث ملت است و خواست و اراده او همان آرزوی ملت ایران میباشد. موضوع طرح هیأت هشت نفری نیز مسأله ای است که با سرنوشت مشروطیت این کشور بستگی دارد و تکلیف دولت ملی را تعیین میکند و در صورت تصویب دست دولت را برای خاتمه دادن به تحریکات و خرابکاری های اپادی اجنبی آزاد خواهد گذاشت. این است که اراده ملت بر آن قرار گرفته که این طرح به تصویب برسد.

در پایان مصاحبه آقای ناصر قشقائی اظهار داشتند تا موقعی که تکلیف محرکین و مسببین فجایع اخیر معلوم نگردد و بر بنده مسلم نشود که ریشه تحریکات ضد ملی از فارس کنده شده است از شیراز و اطراف آن خارج نخواهم شد و اصولاً در هر جا و هر محلی که باشم شخصا مانند سربازی ساده آماده فداکاری در راه جنبش ملی ایران هستم.

3 اردیبهشت 1332

اعلامیه فراکسیون آزادی

سخنگوی فراکسیون نهضت ملی در مصاحبه با مخبرین جراید میگوید «اعضای فراکسیون آزادی در نتیجه عدم حضور در مجلس عامداً رکنی از ارکان مشروطیت را در حال تعطیل نگاه میدارند و به اصول مسلم حکومت های پارلمانی یعنی بحث و طرح مسائل در جلسات مجلس اعتنائی نمیکند و میگویند آقایان هم در مجلس حاضر میشوند و هم غایبند».

فراکسیون نهضت ملی، قوه شنیدن حرف مخالف را ندارد در صورتی که لازمه بحث و جدلی که سخنگوی محترم بآن اشاره مینمایند انتقاد از عقاید مخالف است. گذشته از آن دولت طرف حمایت شما در نتیجه گرفتن اختیارات قانون گذاری از مجلس با زور چاقوکس و رجاله و اشرار برخلاف اصول 16 و 21 و 33 قانون اساسی که تصویب قانون را منحصرأ حق قوه قانون گذاری دانسته و برخلاف اصول 27 و 28 راجع به تفکیک قوا، را زیر پا گذاشته و قوه های سه گانه را با حمایت شما یک کاسه نموده است.

بنابراین از مجلس و حکومت پارلمانی چیزی نمانده است که فراکسیون آزادی رکنی از ارکانش را منهدم سازد و اگر دل فراکسیون نهضت ملی به حال حکومت پارلمانی میسوخت جا داشت کمک نمایند که این پایه قانون اساسی پایمال نگردد.

همکاران محترم، دولتی که شما حامی آن هستید باین قانع نیست و چون میترسد چیزی از حکومت ملی و پارلمانی باقیمانده باشد میخواهد با دست شما به بهانه گزارش هیأت هشت نفری فرماندهی کل قوا را نیز برخلاف اصل پنجاهم قانون اساسی قبضه نموده و راه نفس کشیدن را برای احدی باقی نگذارد.

اگر فراکسیون آزادی در مجلس حاضر نمیشود بیمی است که از قانون شکنی و زور گوئی حکومت مورد حمایت شما دارد زیرا این حکومت هر موقع خواست شکاف تازه ای در قانون اساسی ایجاد کند چون قدرت حکومت و بودجه دولت را در دست دارد فوراً یک عده چاقوکش و رجاله تجهیز میکند که با تهدید مجلس را مجبور به دادن رأی موافق خود کند آیا به عقیده فراکسیون نهضت ملی این روش دولت صد در صد منطبق با اصول حکومت پارلمانی است ولی فراکسیون آزادی که برای جلوگیری از این زورگویی و قانون شکنی در مجلس حاضر نمیشود برخلاف اصول پارلمانی عمل میکند؟

آقای مکی نماینده منفرد دیگر میگوید بنده دروضع حاضر راه حلی برای مشکل فعلی نمی بینم و متأسف هستم چرا این دو دسته توجهی به وضع مملکت ندارند.

4 اردیبهشت 1332

دیشب مأمورین آگاهی بعد از اقرار ربایندگان رئیس شهربانی جسد سرتیپ افشار طوس را در غارتلو پیدا کردند. امروز یکی از مأمورین محافظ سرتیپ افشار طوس اظهار داشت که یک هفته قبل از واقعه رئیس شهربانی در منزل حسین خطیبی مدتی با سرتیپ مزینی و سرتیپ منزله و چند نفر دیگر ملاقات کرده بود. ملاقات دوم در همان شبی بود که تیمسار ربوده شد.

درخواست سلب مصونیت از بقایی

نامه آقای لطفی وزیر دادگستری به مجلس شورای ملی مطابق گزارش وزارت دفاع و دلایل و مدارک پیوست آن، جناب آقای دکتر مظفر بقائی کرمانی نماینده مجلس شورای ملی متهم است به معاونت در قتل تیمسار سر لشگر افشار طوس و چون تحقیقات از نامبرده با مصونیت پارلمانی میسر نیست برطبق ماده 182 آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی که مقرر داشته است هر نماینده ای به ارتکاب جنحه یا جنایتی متهم شود اعم از اینکه تاریخ عمل منشأ اتهام زمان نمایندگی و یا قبل از آن باشد وزیر دادگستری باید گزارش مفصلی بر موضوع اتهام وبا دلیل و مدارک قانونی آن به مجلس شورای ملی تقدیم نماید ، گزارش مزبور در اولین جلسه علنی مجلس قرائت و بدون تأخیر به کمیسیون قوانین دادگستری ارجاع خواهد شد.

تقاضا دارد مقرر فرمائید هرچه زودتر جلسه علنی مجلس شورای ملی تشکیل شده و مفاد ماده 182 آئین نامه را در مورد مشارالیه به موقع اجرا گذارند.

وزیر دادگستری - لطفی

گزارش وزارت دفاع

به موجب گزارش 2286 مورخ 20 اردیبهشت 1332 فرمانداری نظامی شهرستان تهران مستند به گزارش 1890 هفدهم اردیبهشت 1332 دادستان دادرای نظامی با 22 برگ پیوست آن جناب آقای دکتر مظفر بقائی کرمانی نماینده مجلس شورای ملی در پرونده قتل تیمسار سرلشگر افشار طوس متهم است به معاونت با مرتکبین قتل و چون لازم است از ایشان بازجوئی به عمل آید و مصونیت پارلمانی مانع تحقیقات از نامبرده میشود بنابراین طبق ماده 182 آئین نامه مجلس راجع به تعقیب نمایندگان از مجلس شورای ملی تقاضای سلب مصونیت ایشان را درخواست فرمائید.

وزیر دفاع ملی

نامه فرمانداری نظامی به وزارت دفاع ملی

بنا بر گزارش شماره 198 هفدهم اردیبهشت ماه 1332 دادستان دادرای نظامی مستند 120 برگ دلایل جناب آقای دکتر مظفر بقائی در پرونده قتل تیمسار سرلشگر افشار طوس متهم میباشند و دلایل اتهام به نظر دادستان دادرای نظامی جهت احضار و تعقیب ایشان کافی است. اما چون به موجب اصل 12 قانون اساسی احضار ایشان بدون اطلاع مجلس شورای ملی مانع قانونی دارد مستدعی است امر

و مقرر فرمائید در این خصوص اقدام لازم معمول دارند فرماندار
شهرستان تهران - سرهنگ ستاد اشرفی

6 اردیبهشت 1332

آغاز سومین سال زمامداری دکتر مصدق

در ساعت 3 بعد از امروز آقای دکتر فاطمی وزیر امور خارجه و سخنگوی
دولت اطلاعات زیر را در اختیار خبرنگاران داخلی و خارجی قرارداد :

فردا سومین سال زمامداری آقای دکتر مصدق آغاز میشود. روز هفتم
اردیبهشت 1330 مجلس شورای ملی رأی تمایل خود را ابراز داشت و
دو روز طول کشید تا قانون طرز اجرای ملی شدن صنعت نفت در مجلس
تصویب شد سپس دولت دکتر مصدق تشکیل گردید. دو سالی که
گذشت دو سال پر حادثه ای بود که حتی یک ساعت و یک روز دولت
از تحریکات و کار شکنی ها و خرابکاری های سیاسی که نیم قرن ملت
محروم ما را غارت کرده است ایمن نبود. کشمکش های داخلی و
ماجرای بین المللی که حریف برای حکومت مصدق فراهم آورد هر
روز وقت و فرصت مملکت را نوعی به خود مشغول داشته است و
هنوز هم با همه تجربه ها که در راه مقاومت ملت قهرمان ایران آزموده
است از تعقیب رویه جنایت آمیز خود دست بردار نیست و هر لحظه با
رنگ و قیافه تازه ای خانه ما را دچار اخلاص و هرج و مرج و تشنج میکند.

13 اردیبهشت 1332

گزارش قتل تیمسار افشار طوس به مجلس

یکی از نمایندگان طرفدار دولت امروز اظهار داشت که دولت در نظر دارد گزارشی از چگونگی ربودن تیمسار افشار طوس و علل قتل وی بطور جامع و کامل و با ذکر دلایل تقدیم مجلس کند و محتمل است ضمیمه این گزارش لایحه سلب مصونیت از دکتر بقائی را به مجلس تقدیم نماید. با توجه به این شایعات آقای دکتر بقائی امروز پس از خاتمه کار خود در کمیته تحقیق با چند نفر از نمایندگان مجلس و دوستان خود با توجه به اعلامیه فرماندار نظامی برای تشکیل جلسه علنی مجلس تلاش میکند. حضور آقای اورنگ در تهران و احتمال ورود آقایان ناظر زاده کرمانی و ریگی تا فردا به تهران و حصول حد نصاب قانونی و علاقه نمایندگان به دفاع دکتر بقائی در قبال اعلامیه دیروز فرماندار نظامی تهران موجب شده که مطلعین امور پارلمانی معتقد شوند احتمال دارد روز سه شنبه جلسه علنی مجلس تشکیل شود و حتی مخالفین گزارش 8 نفری نیز که تا بحال مانع تشکیل جلسه علنی بودند به این موضوع اظهار علاقه میکنند زیرا تصمیم دکتر بقائی به دفاع از خود در اولین جلسه علنی مجلس وسیله ای است که به نظر آنها مدتی موضوع گزارش هیأت 8 نفری و طرح فراکسیون نهضت ملی به تأخیر خواهد انداخت.

14 اردیبهشت 1332

اعتصاب کارگران دخانیات

از عصر دیروز سندیکای کارگران دخانیات دست به اعتصاب زده اند و درخواست های خود را با این ترتیب اعلام داشتند: پرداخت اضافه حقوق، عدم پرداخت صدی دوازده به صندوق تعاون، کارگران طبقه بندی شوند. تا آخر وقت امروز کارگران دخانیات همچنان از رفتن بکارگاه ها خودداری کرده و در نهارخانه اجتماع نموده بودند و مأمورین نیز برای اینکه جاذبه ای اتفاق نیفتد کلیه اشخاصی را که در جلوی دخانیات در خیابان گرد آمده بودند متفرق کردند و از ورود کارگران به داخل محوطه دخانیات ممانعت به عمل آمد. ضمناً به کارگرانی که در داخل بودند اطلاع داده شد که اگر بخواهند بمنازل خود بروند میتوانند بطور انفرادی از دخانیات خارج شوند.

امروز ساعت یازده اطلاع حاصل شد که کارگران سیلو و چیت سازی نیز برای پشتیبانی از کارگران دخانیات تصمیم گرفته اند که دست از کار بکشند. سندیکای کارخانجات فوق وابسته به جمعیت مبارزه با استعمار (حزب توده) هستند.

تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس

صبح امروز مقارن ساعت هفت تیمسار سرلشگر بازنشسته فضل الله زاهدی که فرماندار نظامی تهران طی اعلامیه ای از او دعوت نموده بود که در ظرف 48 ساعت خود را معرفی نماید از در کتابخانه مجلس به اتفاق یکی از نمایندگان فراکسیون آزادی به اطاق کارپردازی وارد و با آقایان میر اشرافی و بهادری نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به مذاکره پرداخت و اعلام کرد که قصد تحصن در مجلس را دارد و دراین باره نامه ای به رئیس مجلس خواهد نوشت. در مورد علت تحصن زاهدی اظهار داشت فرماندار نظامی تهران دیروز به موجب اعلامیه ای ابلاغ نموده بود که من خود را به فرمانداری نظامی معرفی نمایم. چون علت این احضار را نمیدانستم و از طرفی اطمینان نداشتم از قبول این دعوت خودداری نمودم. اما چون این مقررات حکومت نظامی که به استناد آن قصد بازداشت مرا دارند هنوز از تصویب مجلس نگذشته و غیر قانونی میباشد به عنوان اعتراض به خانه ملت یعنی مجلس شورا آمده ام و در اینجا برای هرگونه توضیحات و تحقیقاتی آماده ام.

نظریه اینکه تحصن سرلشگر زاهدی بایستی با موافقت هیأت رئیسه مجلس باشد سرلشگر زاهدی روی یادداشت مجلس شرحی به رئیس مجلس نوشت و متن آنرا برای اظهار نظر و یا اصلاح به آقای حایری زاده داده است و حایری زاده بعد از قرائت نامه آنرا تأیید نمود.

نامه زاهدی به کاشانی رئیس مجلس شورای ملی

بطوری که خاطر مبارک مستحضر است در اسفند ماه بدون دلیل و برخلاف قانون توقیفم کردند و از فروردین ماه تا بحال سه چهار مرتبه به خانه و باغ شمیرانم قوای مسلح نظامی و غیر نظامی در شب و بعد از نصف شب ریختند و سلب آزادی و امنیت از خودم و فامیلم کردند. بعد از شکایت تلگرافی به مقامات دادگستری و یأس از حمایت قانونی آنان ناگزیر شدم به خانه ملت پناهنده شوم و ضمناً برای اطمینان خاطر آن مقام محترم و وکلای محترم مجلس شورای ملی عرض میکنم که تا بحال عملی برخلاف مصالح کشورم ننمودم و همواره سربازی خدمتگذار و فداکار برای میهنم بوده و هستم.

در جلسه هیأت رئیسه آیت الله کاشانی با تحصن وی موافقت کردند و ذیل نامه سرلشگر زاهدی موافقت خود را به اطلاع دفتر مجلس و اداره بازرسی رساندند تا وسایل پذیرائی ایشان را فراهم کنند.

15 اردیبهشت 1332

اظهارات کاشانی درمورد تحصن سرلشگر زاهدی

ابوالقاسم کاشانی درمصاحبه با خبرنگاران اظهارداشت «مجلس خانه ملت است وهرکس میتواند تا هروقت دلش بخواهد آنجا تحصن کند.»

19 اردیبهشت 1332

اعضای کمیسیون آزادی برای عدم تشکیل جلسات علنی مجلس و رسیدگی به امور، مخصوصاً لایحه هیأت 8 نفری به قم رفته اند تا مانع تشکیل جلسه علنی مجلس گردند. لیدر اقلیت حایری زاده در این مورد گفت مذاکرات ما در قم این بود که باید اول مطمئن شد که آیا میشود یک روح توافق و هم فکری در محیط مجلس به وجود آورد یا خیر و آیا اکثریت حاضر است از لجاجت دست بردارد یا نه؟ و درصورتیکه این اطمینان حاصل نشده آیا ما موفق خواهیم شد هنگام اخذ رای مجلس را از اکثریت بیندازیم یا نه ؟

در نتیجه پس از مذاکراتی که در این باره به عمل آمد قرار شد اعضای کمیسیون به تهران بیایند و مجدداً برای آخرین بار با دستجات مختلف تماس بگیرند و اگر سایرین حاضریه قبول نظریات ما شدندکه در مجلس حاضر شوند و در غیر اینصورت یا مانع کار مجلس یعنی نظریات دولت بشوند و یا اگر جلوگیری از عقیده آقایان فراکسیون نهضت ملی نیستند مجدداً تهران را ترک کنند و این بار به قزوین یا دماوند بروند.

ما برای مبارزه با دولت ودیکتاتوری طرحی تهیه کرده ایم ، یکی مربوط به سلب اختیارات دکتر مصدق و دومی مربوط به انتخاب رؤسای تشکیلات انتظامی کشور از طرف مجلس برای مدت 5 سال . حرف ما این است که اختیارات مصدق یک مسأله اختصاصی است و انتخاب فرماندهان قوای انتظامی دخالت در قوه مجریه است. جواب ما این است که وقتی قرار است رعایت کامل قانون اساسی بشود موضوع اختصاصی بودن یک قضیه منتفی است و بلکه معتبر هم میباشد و اما درمورد دخالت در قوه مجریه، این طرح ما مسبوق به سابقه است زیرا در دوره پنجم همین مجلس تصویب نمود که فرماندهی کل قوا برای مدتی در اختیار رضا خان باشد. و هرگاه منظور ما حاصل نشد مجلس را از اکثریت خواهیم انداخت.

20 اردیبهشت 1332

جلسه علنی مجلس شورای ملی بعد از دو ماه

قبل از نواخته شدن زنگ جلسه علنی آقای حایری زاده درخواست تشکیل جلسه خصوصی نمود و در این مورد اظهار داشت که ما با درخواست جلسه خصوصی می‌خواهیم باری از دوش آقایان برداریم و نگذاریم که جناب مصدق السلطنه امیال خود را برگرده مجلس سوار کند و الا این طرح هیأت 8 نفری که الان به مجلس آورده اند بقدری بی اهمیت است که برای خاطر آن ما مهاجرت نکردیم زیرا خواندن چند اصول از قانون اساسی هیچ اشکالی ندارد. ولی در پس آن پرده اقدامات خودسرانه و دیکتاتوری جناب دکتر مصدق شروع خواهد شد و طلیعه آن همین اقدامات دولت پس از واقعه قتل رئیس شهربانی و استفاده های خلاف قانون دولت از این واقعه است.

ایجاد این محیط ترس و وحشت رفقای ما را و همچنین دوستان اعضای فراکسیون نجات نهضت را وادار به این نمود که درصدد تشکیل جلسه علنی باشند به همین جهت ما به تهران آمدم و حالا هم حاضر به حضور در جلسه علنی هستیم تا مجلس ضمن رسیدگی به کارهای روزانه خود اعمال دولت خصوصاً خطاهای او را تحت انتقاد قرار داده و حافظ حدود و ثغور قانون اساسی باشیم و برای اجرای این منظور هم طرحهایی داریم که آنها را ارائه خواهیم کرد و نظر ما این است که طرحهای ما با گزارش هیأت 8 نفری تلفیق شود و به صورت طرح جامعی درآید.

در ساعت 11 زنگ جلسه علنی مجلس شورای ملی به صدا درآمد ولی بعلت اعتراض اعضای فراکسیون های آزادی برهبری حایری زاده و نجات نهضت به رهبری بقائی به حضور آقای روحی نماینده سوم منتخب مردم کرمان در مجلس، در حالی که با توجه به حضور دکتر بقائی به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در مجلس، آقای روحی به عنوان نماینده دوم کرمان توسط کمیسیون به مجلس معرفی شده بود و مجلس موظف به بررسی اعتبار نامه او بود ولی مخالفین دولت به این بهانه که او نماینده نمیباشد. پس از ضرب و شتم آقای روحی توسط شمس قنات آبادی و میر اشرافی و بهادری، جلسه علنی تعطیل گردید.

نامه فراکسیون نهضت ملی

بدنبال حادثه امروز مجلس شورای ملی فراکسیون نهضت ملی نامه زیر را به هیأت رئیسه مجلس شورای ملی تقدیم داشته است.

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی

بطوریکه خاطر آقایان مستحضر می باشد پس از آنکه تعطیلات فروردین منتفی شد و مجلس آماده برای کارگردید چند نفر از آقایان نمایندگان به عنوان اینکه امنیت ندارند و نمیتوانند مطالب خود را آزادانه به سمع مجلس شورای ملی برسانند خروج خود را از تهران اعلام نمودند.

در این فاصله که قریب یک ماه بطول انجامید با وجود اینکه غالباً چند نفر از آقایان را در تهران و حتی در مجلس شورای ملی ملاقات مینمودیم ، معذالک به احترام آزادی که برای عموم نمایندگان مجلس قائل میباشیم انتشار تغییر تصمیم آنان را داشتیم و اعضای این فراکسیون هم بطور دائم در تهران ماندیم و در روزهای مقرر برای انعقاد جلسه علنی در مجلس مجتمع گردیدند و مکرر هم اعلام نمودیم که نظر ما همیشه بر این است که بر طبق قانون اساسی و آئین نامه مجلس شورای ملی محیط کار نمایندگان محترم باید از هرگونه تشنج خالی باشد و جلسات مجلس شورای ملی بایستی صرف بحث در مطالب اساسی و طرح مسائل قانونی بشود و حکمیت بین نظرات مختلف در هر امری منوط به رأی نهائی مجلس شورای ملی میباشد. چنانچه در همین زمینه طرح سه فوریتی هم که قبلاً تهیه شده بود انتظار تشکیل جلسه و اعلام رأی نهائی مجلس را داشته ایم.

بدیهی است در خصوص تصمیم آقایان در خارج شدن از تهران و همچنین مراجعت به تهران، این فراکسیون هیچ گونه نظری را اظهار نمیدارد زیرا قضاوت رویه و اعمال مجلس بر عهده ملت ایران است.

بالاخره امروز صبح یکشنبه 20 اردیبهشت ماه 1332 که جلسه علنی تشکیل گردید ملاحظه شد که نیت و نظر نمایندگانی که بنام اقلیت خود را معرفی می نمایند بر این نیست که مطالب خود را طبق قانون مطرح و به حکمیت مجلس واگذار نمایند بلکه از همان ابتدا بوسیله ایجاد جنجال سعی میکردند جلسه را متشنج سازند و چون در مقابل فریادهای یکی از آقایان اکثریت قریب به اتفاق مجلس شورای ملی از آنجمله اعضای فراکسیون نهضت ملی با متانت کامل سکوت و آرامش را حفظ نمودند.

دفعه‌آ آقای میراشرافی و بهادری که با سمت کارپردازی مجلس قانونا بیشتر از سایر اعضای هیأت رئیسه موظف به حفظ نظم و امنیت مجلس میباشند به طرف آقای علی روحی حمله نموده و با ادای الفاظ رکیک به ایشان توهین و ایراد ضرب نمودند.

دراین جریان اسف آورهم فراکسیون نهضت ملی بانتظار اقدام قانونی هیأت رئیسه از عمل متقابل خودداری نمود ولی متأسفانه هیچگونه تذکر قانونی به آنان داده نشد و کار به جایی رسید که آن دو نفر با کمک چند نفر دیگر از اعضای فراکسیون آزادی نسبت به عده ای از نمایندگان مجلس توهین و اهانت نموده جملات زشت و مستهجن ایراد نمودند.

چون حفظ نظم مجلس شورای ملی بر عهده هیأت رئیسه است و بدیهی است بدون آنکه هیأت رئیسه با نهایت قدرت آئین نامه مجلس را اجرا نماید برای هیچ نماینده ای امکان انجام وظیفه باقی نماند ، لازم دانستیم مراتب را طی این نامه مشروحاً به اطلاع آن هیأت محترم برسانیم.

اکنون فراکسیون نهضت ملی ایران اجرای بند ماده 101 آئین نامه را که مقرر میدارد "هرگاه نماینده ای نسبت به مجلس یا قسمتی از مجلس یا رئیس توهین کند توبیخ با منع حضور موقت درباره او اجرا میشود" درباره آقایان میراشرافی و بهادری درخواست می نماید.

در خاتمه هیأت رئیسه مجلس شورای ملی به وسیله اجرای صحیح آئین نامه بایستی بملت ایران نشان دهد که چندنفر با هو و جنجال و بی ادبی نخواهند توانست مجلس ملی را از انجام وظایف قانونی باز دارد.

فراکسیون نهضت ملی

24 اردیبهشت 1332

وزیردادگستری امروزی نامه ای به مجلس شورای ملی درخواست سلب مصونیت از آقای دکتر بقائی را به اتهام شرکت در توطئه قتل تیمسار افشار طوس رئیس سابق شهربانی را کرده است.

علت اصلی تنظیم گزارش

آقای پارسا عضو فراکسیون نهضت ملی گفت به عقیده من آقایان باید مسائل را از یکدیگر تفکیک کنند زیرا یک مسائل اصولی است که در درجه اول اهمیت قرار دارد و قسمتی مسائل فرعی است که در درجه دوم واقع شده . آقایان نباید مسأله گزارش هشت نفری را که مسأله اساسی است با موضوع مسأله نمایندگی آقای روحی با اهانت به فراکسیون نهضت ملی مخلوط کنند.

آقای مکی ضمن فرمایشات خود طوری فرمودند مثل اینکه گزارش هیأت هشت نفری که به عقیده بنده سند افتخاری برای تنظیم کنندگان و امضا کنندگان آن است فقط ذکر چند اصل از اصول قانون اساسی است و فراکسیون نسبت به آن بهانه جوئی میکند. بنده باید عرض کنم که خیلی چیز ها و موضوعات در سایر ممالک مشروطه حل شده ولی هنوز در ایران حل نشده است و دلیل آن هم به عقیده بنده این است که انقلاب مشروطیت ایران بدست توده مردم و فداکاری آنها بوجود آمده و قانون اساسی که منظور نظر آزادیخواهان صدر مشروطیت بود، متأسفانه اجرای آن بدست ایادی استبداد انجام گرفت. یعنی همان هائی که در دوره استبداد شاغل امور حکومت بودند در دوره مشروطیت نیز به عنوان حکومت ملی مشغول حکومت شدند و قانون اساسی را به حال ابهام باقی گذاردند و یا سوء تعبیر کردند.

مشکلات امروز ما محصول سوء تعبیرات ایادی استبداد است و طوری شده که الان بنده پدر بزرگم برای تحصیل مشروطیت شهید راه ملت شده است به عنوان نوه او بعد از چهل و هشت سال مجبورم از رفع ابهامی که توسط گزارش هیأت هشت نفری به عمل آمده از تنظیم کنندگان این گزارش تشکر کنم.

آقای عبدالرحمن فرامرزی: علت اصلی تنظیم گزارش هیأت 8 نفری این بود که بعضی ها تعبیرات و معانی خلاف روح قانون اساسی را از این سند مشروطیت استنباط کرده بودند و الان آقایان در این گزارش معنای صحیح آن اصول را بیان کرده اند ، پس اینکه گفته میشود گزارش هیأت 8 نفری فقط اگر چند اصل از اصول قانون اساسی است بنظر بنده گویندگان این جمله دقت کامل در این گزارش نفرموده اند زیرا پس از ذکر چند اصل قانون اساسی در خاتمه گزارش معنی صحیح آن اصول نوشته شده و تقاضای تأیید آن از مجلس گردیده است و بطوری که آقایان ملاحظه میفرمائید این مسأله جزو اصول مشروطیت است و علت

اینکه فراکسیون نهضت ملی اینقدر برای طرح خود پا فشاری میکند همین اهمیت و اصولی بودن مسأله است نه بهانه جوئی.

آقای ناظرزاده مقصود این است که اعضای فراکسیون نهضت ملی و سایر نمایندگان متوجه شده اند که ادامه این تشنج در مجلس به صلاح هیچ کس نیست و عواقب وخیم در بردارد که بهتر است زودتر به آن خاتمه داده شود . تشکیل جلسه امروز به همین منظور است.

برای به راه افتادن مجلس لازم است چند اصل مراعات شود وگرنه مجلس تشکیل نمیشود و اگر هم تشکیل شود ضرر آن بیش از تشکیل نشدن است ، این سه اصل عبارت از این است که اولاً در مجلس باید احترام هر نماینده محفوظ بماند و هیچ نماینده ای نباید از نماینده دیگر هتک حرمت کند. دوم در مجلس باید آزادی نطق و بیان و حق ابراز عقیده برای هر نماینده خواه موافق دولت خواه مخالف محفوظ باشد. سوم همه نمایندگان خاصه آنها که در امور مؤثر هستند باید برای رضای خدا و آرامش وجدان امور شخصی و اغراض خصوصی را در مصالح کلی و عمومی مداخله ندهند.

وضع سیاست خارجی

آقای مهندس رضوی گفت امشب در اینجا همه مسائل مهم مطرح گردید ولی فقط یک موضوع مانده است که اهمیت کلی دارد و آن سیاست خارجی و وضع سیاست بین المللی است که آقایان باید توجه کامل به این موضوع داشته باشند ، مخصوصاً توجهی که اکنون از طرف دول بزرگ به اوضاع خاور میانه میشود. بنده تقاضا دارم که با توجه به این مسائل طوری شود که اتحاد و اتفاق ملت ایران در این گیر و دار سیاسی بتواند رهبر ما باشد. راجع به اقلیت هم فراکسیون نهضت ملی هیچگونه نظری که مانع از انتقاد و صحبت آنها بشود ندارد و فقط مایل است اصول مشروطیت و حیثیت مجلس محفوظ بماند و تنها راه رسیدن به این مقصود به عقیده بنده اجرای کامل آئین نامه مجلس است.

امروز فراکسیونها نمایندگان خود را برای عضویت کمیسیون رفع اختلاف انتخاب کردند.

منفردین: آقایان نریمان، عبدالرحمن فرامرزی ، ناصر ذوالفقاری فراکسیون نهضت ملی آقایان انگجی ، حاجی سید جواد ، مجید موسوی و مهندس زیرک زاده فراکسیون اتحاد گنجه ای ، نبوی و

منصف، فراکسیون آزادی آقایان حایری زاده ، احمد فرامرزی ، حمیدیه و بهادری فراکسیون نجات نهضت آقایان شمس قنات آبادی و علی زهری.

نامه نمایندگان فراکسیون نهضت ملی به هیأت رئیسه

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی، در جلسه گذشته اعضای فراکسیون نهضت ملی به عنوان اعتراض و عدم اجرای آئین نامه از شرکت در جلسه خودداری نموده و طی نامه ای این موضوع را به هیأت رئیسه محترم تذکر دادند و انتظار داشتند از طرف هیأت رئیسه در این باب اقدام جدی به عمل آید. متأسفانه نه تنها اقدامی معمول نگردید، بلکه نامه فراکسیون نیز بلا جواب گذاشته شد و از طرف دیگر از میسیون که برای حصول توافق تشکیل شده بود نتیجه ای حاصل نگردید و چون در این روزهای تاریخی تعطیل جلسات مجلس شورای ملی به صلاح کشور نیست فراکسیون نهضت ملی همانطور که امروز صبح نیز اعلام داشت آمادگی خود را برای شرکت در جلسه اعلام و از هیأت رئیسه جزا اجرای کامل آئیننامه تقاضای دیگری نداشته و ندارد. فراکسیون نهضت ملی

آقایان دکتر بقائی و میراشرافی در ساعت نه و نیم بعد از ظهر به ملاقات سرلشگر زاهدی رفتند و پس از ختم جلسه کمیسیون حل اختلاف آقایان نمایندگان اقلیت نیز به ملاقات سرلشگر زاهدی رفته و مدتی با ایشان مذاکره نمودند.

29 اردیبهشت 1332

آقای شمس قنات آبادی به عنوان نطق قبل از دستور اظهار داشت اگر دولت واقعا همانطوری که ادعا میکند متکی به افکار عمومی است هیچ مانعی ندارد که مثل دوره شانزدهم اجازه بدهد مذاکرات مجلس به وسیله رادیو در سرتاسر کشور پخش شود. راجع به تقاضای فراکسیون های آزادی و نجات نهضت که به وسیله مقام معظم ریاست مجلس از رئیس دولت برای پخش مذاکرات مجلس از رادیو صورت گرفت تذکری بدهم زیرا آقایان آن را میدانند و جواب رئیس دولت را هم شنیده اند ولی عرض میکنم هیچ اشکالی نداشت همانطور که الان برنامه رادیو اغلب اوقات وقف کارهای بیهوده میشود مذاکرات مجلس هم بوسیله رادیو منتشر شود. اسم این عمل دولت زورگونی است.

آنها که میگفتند قرارداد 1933 را باید لغو کنیم و آنهایی که میگفتند جنگ با انگلستان محال است هر دو شکست خوردند و بعد از این پیروزی من میخوام به ملت ایران عرض کنم که این دو دسته رویه خود را با بنیان گزاران نهضت عوض کردند یعنی همانطور که در قیام صدر مشروطیت فریب خوردگان مکتب عین الدوله از آزادی خواهان شکست خوردند و بعد ماسک خود را عوض کردند و خودشان را بین آزادی خواهان و قهرمانان جا زدند و با نزدیک کردن خود به منابع قدرت آزادی خواهان را طرد کردند این دو دسته هم بعد از نهضت ملی ایران این عمل را انجام دادند و خود را داخل در صف این جهاد اکبر کردند و چون این ها اشخاص عالیه ای بودند و چون میخواستند بیایند و مقاماتی را کسب کنند هیچ مانعی نداشت که به رویه دیرین خودشان یعنی چاپلوسی و بندگی متوسل شوند و متوسل هم شدند و دور آقای مصدق السلطنه را محاصره کردند و یک وقت مردم سر از خواب بلند کردند و دیدند مطلب خیلی صحیح . سرراست از آب درآمده و آنها که حبس رفته و زجر دیده بودند و دربردار شده بودند همه آنها جبهه ملی و انگلیسی شدند.

درمورد قتل افشار طوس ، اگر من روزی بدانم که واقعاً دکتر بقائی در این کار دخالت داشته شدیداً با او مبارزه خواهم کرد. ولی وقتی من می بینم تمام وازده های اجتماع در اطراف این موضوع و اتهام دکتر بقائی سر و صدا راه میاندازند در این کار تردید میکنم و تا روشن شدن حقایق پشت سر این مرد مبارز که در نهضت ملی ایران سهم بسزائی داشته خواهم ایستاد .

روزی که خطیبی را گرفتند آقای دکتر بقائی به من تلفن کردند که به اتفاق نماینده دادستان برویم و حال خطیبی را از نزدیک به بینیم. ما رفتیم که به اتفاق دادستان برویم که حال خطیبی را ببرسیم ، آنها ما را به فرماندار نظامی حواله دادند، فرماندار نظامی نبود و افسر نگهبان هم ما را دست بسر کرد.

یک رئیس شهربانی را کشتند ، یک دولتی هم سرکار است و یک عده ای هم مخالف دارد و از اعمال خلاف رویه انتقاد میکنند ، بدیهی است دولت از این واقعه میخواهد بسود خود استفاده کند، چرا؟ آخر رئیس شهربانی را بکشند؟ خوب میرفتند آقای سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش را می کشتند! که عضو حزب ناسیونال سوسیالیست است. یک

افسرشرافتمند پیغام داده است که تمام این قضیه مشوب نمودن فکر مردم است.

دکتر مصدق مأمور انگلستان

سخنران دوم آقای حائری زاده لیدر فراکسیون آزادی اظهار داشت سه موضوع را می باید امروز توضیح دهم . یک موضوع که چرا اول به دولت اعتماد کردم ، موضوع دیگر این است که چرا ما به قم رفتیم؟ و دیگر اینکه چطور شد که ما آمدیم دو مرتبه مجلس؟

جناب دکتر مصدق من خیلی نمیخواهم سیر قهقرائی بکنم، چون بدیهی است که آقای دکتر مصدق از فامیل محترمی هستند و در دربار مظفرالدین شاه منشی بوده و تربیت شدند و حالا حقایق زندگی ایشان را من درست اطلاع ندارم و حرفی از آن نمی‌زنم. ولی چیزی را که خودم مطلع هستم این است که موقع چنگ بین المللی اول بنده بچه ای بودم که جلو زبانم را نمیتوانستم بگیرم مرا بتهران تبعید کرده بودند. در همان موقع جناب دکتر مصدق از بندر بوشهر وارد شدند و استاندار فارس شدند. بعد کودتا شد و سید ضیا روی کار آمد، کنسول انگلیس به دولت وقت تلگراف کرد که مصدق در فارس خوب کار کرده است و بهتر است به ایشان صدمه ای نرسد ولی ایشان از حکومت مرکز اطمینان نکردند و به بختیاری رفتند. حکومت سید ضیاء چند روزی بیشتر دوام نکرد. آن روز سیاستی غیر از سیاست انگلیس در کار نبود و تمام امور با نظر انگلستان انجام میشد و به این وضع دولتی که بعد از این واقعه تشکیل شد جناب دکتر به سمت وزارت دارائی انتخاب شدند.

اینها دلایلی است که روابط ایشان از چه قرار بود ولی یک نوکر اجنبی گردن کلفتی پیدا شد که همه را کوبید. از قزاقخانه بلند شد و همه را زیر چکمه کشید و جناب دکتر هم در دوره رضا خان برکنار بودند و خدای ایشان و خدای انگلستان و خدای رضا خان ایشان را به عنوان پیشوا برای امروز نگه داشتند.

من در آن مدت یکساله فکر کردم که چون جناب دکتر در این حکومت صدمه کشیده تغییر ماهیت داده است و رویه مبارزه را پیش گرفته ، این بود که من معتقد شدم ایشان وجودش در مجلس برای اداره یک اقلیت لازم است و روی این افکار جناب دکتر به مجلس آمد و حالا هم

عقیده راسخ من این است که خمیره جناب دکتر ساخته شده که لیدر اقلیت در مجلس باشد و انتقاد کند ولی به درد ریاست دولت نمیخورد.

در دوره گذشته رحیمیان نامی که گویا نماینده قوچان بود طرحی برای الغای قرارداد 1933 میدهد ولی همین جناب دکتر آنرا امضا نکردند. در دوره 15 چنان دکتر تشریف نداشتند ولی مکی بود، بقائی بود، عبدالقدیر آزاد بود.

در آن موقع مبارزه ما با کمیتمی شروع شد، در آن روزهای خطرناک اراده خداوندی و همت مردم ایران موجب شد که در چند روز آخر عمر مجلس 15 مبارزه شدیدا به نتیجه رسید ونقشه انگلستان شکست خورد و بعد کم کم حوادث دنیا و محیط به نفع حق و حاکمیت ملت ایران گشت، پس از خاتمه دوره 15 انتخابات شروع شد ما را حبس کردند، صندوق انتخابات را عوض کردند، آن روزها جناب دکتر در میان ما نبود و کنار نشسته بود، موقعی که انتخابات تمام شد و ما با جناب دکتر شروع به همکاری کردیم اختلاف سلیقه با ایشان بود. در کمیسیون نفت برای چگونگی کوتاه کردن دست عمال انگلیس بین ما اختلاف سلیقه بسیار وجود داشت. جناب دکتر معتقد بودند اگر ما قرارداد 1933 را الغاء کنیم قرارداد داریسی به قوت خودش باقی خواهد بود. بنده مخالف بودم و گفتم قرارداد داریسی با تراضی طرفین لغو شده و وقتی ما مدلل کردیم که قرارداد 1933 تحمیلی بوده دیگر دلیلی برای برقراری قرارداد داریسی باقی نخواهد بود و ید شرکت در این مدت ید امانی بوده و حساب آن باید رسیدگی شود. این بحث خیلی طول کشید تا وقتی که مذاکره شد که ما یک اصل دیگری را که خود دولت کارگری انگلستان درداخل مملکت خودش عمل کرده عمل کنیم، از پیچ و تاب محاکم بین المللی نجات خواهیم یافت و آن عمل ملی کردن نفت است.

بنده نظر داشتم اکتشاف واستخراج نفت ملی شود و درباره چگونگی فرم ها بحث و مذاکرات زیادی شد و برای اولین بار در منزل آقای نریمان با حضور آیت الله کاشانی طرح ملی شدن عنوان گردید ولی دراین جلسه آقای دکتر موافق نبودند و بعد معتقد شدند. فرمهای مختلفی برای ملی شدن تهیه شد یکی از فرمها فرمی بود که من تهیه کردم البته با چند نفری مشورت کرده بودم ولی انشاء آنرا خودم تهیه کردم مهندس حسینی با چه کسی مشورت فرمودید؟ با آن کسی که بعد پشیمان شد با آقای حسینی این طرح تهیه شد. برای این طرح دو سه موضوع نظر بنده بود یکی قطع دست انگلستان، یکی فروش نفت به

دنیا ، یکی دادن مقداری نفت به همان کسانی که تا آن موقع در کار نفت جنوب دست داشته اند.

طرحی که من تهیه کردم مضمونش این بود که ما استخراج و اکتشاف نفت را ملی کنیم و سایر عملیات نفتی از قبیل تصفیه ، حمل و نقل و فروش کمپانی های مختلف در نظر بگیرند و شرکتی تشکیل بدهند که نصف سهام متعلق به ایران باشد و بقیه متعلق به سایر ممالک و هر مملکتی هم حق نداشته باشد که بیش از صدی ده سهام را صاحب باشد و ملیت صاحب سهام را هم مجلس ایران به رسمیت شناخته باشد.

این طرح را بنده تقدیم کردم جناب مصدق و شایگان ، الهیار صالح ، عبدالغدير آزاد و بنده و چند نفر دیگر آنرا امضا کردیم. دکتر بقائی نیز زیر امضایش تاریخ گذاشته که آن تاریخ نشان میدهد این طرح قبل از کشته شدن رزم آرا تهیه شده و به دلیل اینکه آنوقت هم مجلس مرعوب دولت وقت بوده ما نتوانستیم این طرح را به امضای کافی برسانیم. آقایان ما در دروازه خود را به روی هیچ مملکتی نمیتوانیم ببندیم ما جنبه اقتصادی نفت را طوری باید ترتیب بدهیم که ملت ایران از آن منتفع شود نه آنکه وعده های دروغ به مردم بدهیم.

امروز رویه ای حکومت اتخاذ کرده که تمام مردم را با یکدیگر خونی کرده است و آن وحدتی که ما درست کرده بودیم بکلی از بین رفته است و همین وسیله استفاده خارجی ها است. ما هیچوقت دکتر مصدق را کاندید نخست وزیری نکردیم و هیچ وقت در جبهه ملی صحبت از نخست وزیری دکتر مصدق نبود زیرا ما ابزار حکومت نداشتیم و کسی هم نبود ، برای اینکه دوره 20 ساله تمام اشخاص حساسی را کشتند و از بین بردند و امروز یک مشت پیر و پاتیل مثل بنده باقی مانده اند که بدرد هیچ کاری نمیخورند. رضاخان تخم رجال را از این مملکت برانداخت و یک مشت نوکر تربیت کرد.

بهرحال جناب دکتر را دیگران کاندید نخست وزیری کردند و کسانی که در دوره 15 تا پای جان برای نهضت ایران فداکاری کردند امروز لجن مال میشوند و کسانی که در زمان رضا خان مشیر و مشاء و نایب رئیس مجلس بوده اند حالا زمام شرکت نفت را در دست گرفته اند. بهر حال چون من فکر میکردم صدماتی که جناب دکتر در زمان حکومت رضا خان کشیده او را عوض کرده است در موقعی که پیشنهاد نخست وزیری

ایشان شد ما با او مخالفتی نکردیم ولی هیچوقت فکر نمی‌کردیم که روزی برسد که دکتر مصدق ملعبه ایادی انگلستان شود. ولی باز هم من فکر می‌کردم که اشتباه می‌کنم تا موقعی که مسأله اختیارات به میان آمد من فکر کردم آخر این آدم که هیچوقت از روی تخت‌خواب بلند نمی‌شود چطور می‌تواند اختیارات کامل داشته باشد؟ رضا خان با آنهمه قلدری این کار را نکرد ولی سنگر نفت که ناندانی عجیبی شده یک مرتبه پناهگاه اعوان و انصار جناب دکتر شد و بلوائی ایجاد کردند ولی من برحسب وظیفه وجدانی خود با آن مخالفت کردم و حالا چرا سلب اعتماد از دکتر مصدق کردم؟ برای این مطالبی که فهرست وار عرض کردم.

30 اردیبهشت 1332

فروش نفت

دیروز هیأتی مرکب از سه نفر برای مذاکره در مورد خرید نفت به ایران مسافرت کردند. این هیأت درساعت پنج و نیم بعد از ظهر با آقای نخست وزیر ملاقات نمودند. نمایندگان مزبور پیشنهاد کرده اند که نفت خریداری شده را از راه ترانزیت به ترکیه حمل خواهند کرد.

رأی دادگاه توکیو و قراری که درباره امتناع دولت ژاپن از توقیف محموله نفت کشتی میسومارد صادر کرده سبب شده است که شرکت های نفتی دیگر ژاپن تمایل خود را به خرید نفت ایران به شرکت ملی نفت ایران اعلام دارند.

اکنون شرکت ملی نفت ایران منتظر صدور رأی دادگاه رم میباشد زیرا چنانچه دادگاه رم نیز به نفع ایران رأی دهد خریداران اروپائی نیز که علاقمند به خرید نفت ایران هستند برای خرید نفت ایران ابراز تمایل خواهند کرد. شرکت انتظار دارد در ماه آینده چهارده کشتی برای حمل نفت به آبادان وارد شوند.

31 اردیبهشت 1332

آقای خاپری زاده بدنبال اظهارات خود در روز 29 اردیبهشت با استفاده از وقت آقای میراشرفی امروز بعد از ذکر خلاصه سخنان خود اظهار داشتند درباره نفت در جلسه گذشته ما می‌گفتیم حساب 50 ساله را رسیدگی کنید ولی ایشان لایحه 9 ماده را آوردند. از ایشان سؤال کردم این غرامت چیست در اینجا نوشته اید؟ ایشان گفتند این را هم احتمالی نوشتیم. و بالاخره این قانون را به ضرر ملت درست کردند

(مهندس رضوی اظهار داشت آقای حایری زاده این خبر ها نبوده ، این حرفها خیانت است) دکتر مصدق دردادگاه لاهه آن قسنت هایی که به نفع ایران بود فراموش نکردند. ما جنگ برای سازش نکردیم! و تا جایی که ما سوء ظن نداشتیم با او کمک میکردیم ، یا در تحت تأثیر جناح چپ انگلستان واقع شد و عمال آن این پیر مرد را برگرداندند.

انگلستان چه میخواست غیر از بدبختی و بیچارگی این ملت، انگلستان باید اختلاف در این مملکت بیندازد که بتواند حکومت کند. آقای دکتر مصدق از کارهای خود دفاع نمیکند و روزنامه های ارگانش هم اقلیت را لندنی مینویسند ، حایری زاده لندنی است یا فاطمی؟ کدام لندنی هستند؟ خجالت دارد ، برای کوتاه کردن انگلستان این قیام را کردیم و ما مقصودمان از این عمل این بود که وضع زندگی این ملت خوب شود. این بازار، این بیچارگی، این بدبختی محصول حکومت دوساله او است.

اظهارات آقای دکتر سنجابی

مدتی بود که در این مجلس عده ای درد افشای حقایق و پرده برداشتن از اسرار عظیم داشتند و میگفتند ای ملت ایران هوشیار باشید که دکتر مصدق و نمایندگان نهضت ملی از افشای حقایق میترسند و جلوگیری مینمایند. بالاخره پس از تشنج زیاد و انتظار بسیار روز موعود افشای حقایق رسید.

حقایقی را که آقای حایری زاده مادر یا نامادری آن باشد انتظار داشتند که چیز های تازه و عجیب و شنیدنی باشد ولی دیدیم و شنیدیم که چه بودند. آقای قنات آبادی از نهضت مقدس ملت ایران صحبت به میان آوردند و فرمودند که مبارزین با استعمار انگلستان در ابتدا عده معدودی بودند و اشخاصی که این نهضت را آغاز کردند افتخار تقدم را دارند. کسی منکر این امر نمیتواند باشد جوانمردی و فداکاری آن اشخاص فراموش شدنی نیست. ملت ایران هم بزرگترین پاداش را به آنها داده است و بزرگترین تقدیر را از آنها نموده است ولی مطلب این است که چه شده که اکنون بعضی از آن اشخاص از صف ملت ایران جدا شده اند؟ اساس این نهضت همانطور که ایشان بیان فرمودند مبارزه برعلیه سیاست دیرین استعماری انگلیس بوده است آیا نهضت ملت ایران به نتیجه نهائی رسیده است که مبارزین اولیه پس از وصول به هدف هرکس بدنبال کار و متافع و هوس ها و اغراض شخصی خود برود و یا کسی که اداره رهبری این نهضت بی نظیر به او سپرده شده است از اصول آن منحرف گردیده که اکنون با او باین شدت و بی انصافی مخالفت

میشود؟ چه شده است که مخالفین و معاندین دیروزی جزء یاران و مؤتلفین امروزی شما شده اند؟

انحراف از نهضت ملی یعنی سازش و همکاری با سیاست استعماری انگلیس ، آیا واقعاً قابل قبول است که دکتر مصدق با آنهمه تدبیر و شجاعت و کاردانی قانون ملی شدن نفت و سپس اجرای آنرا رهبری کرد و اکنون با سیاست استعماری هرچه و از ناحیه هرکس باشد سازش نماید؟

دکتر مصدق که حاضر نشد در مذاکره با هیأت نمایندگی شرکت نفت که با جانسون به ایران آمده بود کوچکترین انحرافی از قانون ملی شدن نفت را قبول نماید ، مصدقی که در مقابل هریمن و استوکس ایستادگی نمود ، مصدقی که فشارهای روز افزون ترومن که به صورت ظاهر فریب ، میانجیگری اظهار میشد کوچکترین تأثیری در اراده ثابت او نکرد ، مصدقی که با آن شهادت و جوانمردی در شورای امنیت از منافع ملت ایران دفاع کرد و پیروز شد.

مصدقی که جریان دادرسی لاهه را به نفع ملت ایران به پایان رسانید و به بزرگترین و ارجمندترین پیروزی ها نایل آمد ، مصدقی که در کنسولگری ها یعنی لانه های جاسوسی سیاست استعماری انگلستان را بست که هنوز نوکران و مزدوران آن خانه ها با حسرت یاد آن ایام میکنند و با ندبه و زاری از آن دیوارها معجزه برقراری مجدد بساط جیره خواری را می طلبند. مصدقی که با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد ، مصدقی که پیشنهاد ترومن و چرچیل را با سرسختی رد نمود آیا قابل قبول است که چنین مردی که در دوران عمرش کوچکترین خبط و خیانتی نسبت به مصالح ملت خود نکرده اکنون پس از آن همه مبارزات ، پس از این همه پیروزی ها ، پس از این همه افتخارات جاودانی با دشمن مکار و غدار ملت ایران سازش نماید؟

کسانی که چنین حرف هائی میزنند مخصوصاً آنهایی که از همکاران و هم قدمان اولیه دکتر مصدق و یا پیشروان نهضت ملی بوده و اکنون رفیق نیمه راه شدند، باید برای توضیح عمل و انحراف نابخشودنی خود یکی از این دو چیز را ثابت نمایند.

یا باید ثابت کنند که درمشی مبارزه دکتر مصدق با سیاست استعماری تغییری حاصل شده و یا باید ثابت نمایند که از اول در اساس این نهضت

و ملی کردن صنعت نفت انگلستان دست داشته و آنها فریب خورده بودند.

کسانی که مدعی انحراف یا زمینه سازی برای سازش هستند چرا آن را فاش و آشکار نمیکنند؟ چرا پس از اینهمه لاف و گزاف که پرده ها را بالا میزنیم و حقایق را آشکار میکنیم چیزی از این مقوله نمی گویند؟ چون درباره میهن دوستی و استقامت دکتر مصدق در برابر بیگانگان و سرسختی او در اجرای قانون ملی شدن نفت کوچکترین بهانه ای در دست ندارند مخالفت و کارشکنی غیر موجه خود را به این عنوان توجیه میکنند که اداره شرکت نفت به کسانی سپرده شده است که مدال وفاداری از دولت انگلیس یا شرکت سابق نفت گرفته اند.

هرکسی جزئی انصاف دارد باید تصدیق نماید که این حرفها بهانه جوئی است و بهر حال مجوز مخالفت و کارشکنی هائی به این شدت نمیشود ، این یک یا چند نفری که مورد ایراد هستند خدمات و یا کارهای فنی داشته و اکنون نیز متصدی خدمات فنی میباشند ، آیا در خدماتی که باین اشخاص ارجاع شده تاکنون خیانتی ظاهر گردیده؟ بعلاوه این اشخاص در امر ملی کردن و اداره نفت ایران چه اختیاری دارند که بتوانند خیانتی بنمایند؟

آیا اختیار بستن قرارداد و تجدید امتیاز و یا مذاکره درباره غرامت و سایر دعاوی به آنها داده شده است؟ آیا این اشخاص بدون تصویب دولت میتوانند معامله ای درباره نفت بنمایند؟ شرکت ملی نفت از کار و تخصص آنها استفاده میکند بدون اینکه اختیاری در امور سیاسی و یا تجاری مربوط به نفت به آنها داده شده باشد.

همه میدانند که یکی از ایرادهای ملت ایران به شرکت نفت این بود که متخصصین ایرانی به اندازه کافی تربیت نمیکرد و بیشتر امور مهم نفت در دست انگلیسی ها و خارجی ها بودند ، در آن موقع ما میخواستیم ایرانیان متصدی همه امور باشند ، اگر چند نفر ایرانی در نتیجه تحصیلات عالی و یا کاردانی خود به درجه ای رسیده باشند که در شرکت نفت سابق متصدی خدمات بالنسبه مهمی بوده و در آن مدت هم صحت عمل و شایستگی نشان داده و مورد تقدیر شده باشند بدون اینکه خیانتی به دولت و ملت خود کرده باشند، آیا انصاف خواهد بود که ما آنها را به بهانه اینکه در گذشته مورد تقدیر و رضایت کارفرمایان خود بوده اند از خود برانیم و از تخصص و کارشناسی آنها استفاده نکنیم؟

بلی در شرکت سابق نفت اشخاصی بوده اند که مأموریت سیاسی داشتند و جاسوسی میکردند و در امور داخلی مملکت به نفع شرکت مداخله میکردند ، این اشخاص باید از دستگاه شرکت ملی نفت رانده شوند و رانده هم شده اند ، حال پا وجود همه اینها فرض کنیم دولت در این امر اشتباهی کرده باشد ، آیا این اشتباه کافی خواهد بود تا با دولت مخالفت اصولی بکنیم؟ مگر این همان دولتی نیست که در دوره گذشته اگر وزراء خود را از رجال دوره سابق انتخاب کرده بود و شما با آن موافق بودید و به ملت ایران میگفتید که ما مجبور هستیم تا مدتی با همان ابزار گذشته کار کنیم ، حال چه شده است که استدلال خود را تغییر داده اید؟

فروش نفت با تخفیف

موضوع دیگری که در این روز ها بهانه بدست آقایان داده فروش نفت با تخفیف 50 درصد میباشد. بعضی آنرا تاراج هستی ملت و جناب آقای دکتر بقائی زمینه سازی برای سازش های بعد معرفی میکنند ، این هم از همان تهمت های جمال امامی و شوشتری است که در موقع اقامت استوکس به دکتر مصدق نسبت میدادند.

آقای دکتر بقائی ، اگر دکتر مصدق اهل چنین سازشی بود تا بحال کرده بود ، این عمل دولت که برای مدت شش ماه تخفیف فوق العاده در فروش نقدی نفت قائل شده یکی از مهمترین و مؤثرترین سیاست های دکتر مصدق است زیرا فقط در نتیجه آن بود که حلقه محاصره سیاسی و اقتصادی انگلستان شکسته شد و مقدار قابل توجهی از نفت ایران به بازار های دنیا صادر گردیده و اکنون نیز در حال صدور میباشد.

کسانی که مسبب این تحریکات واخلال گری ها در کار حکومت دکتر مصدق بوده اند آنها که در تضعیف حکومت و برای ساقط نمودن او میکوشند به این ترتیب دانسته یا ندانسته به سیاست انگلستان خدمت میکنند.

آقایان سیاست ما ونظر ما از روز اول درموضوع ملی کردن نفت معلوم بوده و همواره بر آن اصل ثابت و استوار هستیم. ما علیرغم دسته مزدوری که ابطال قرارداد باطل 1933 و یا ملی کردن نفت جنوب را پیشنهاد میکردند و علیرغم کسانی که طرق سازش دیگری را با دولت

انگلستان و شرکت سابق پیشنهاد مینمودند به محکم ترین و استوار ترین اصل حقوقی بین المللی یعنی ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور متوسل شدیم و خدا را شکر میکنیم که در این راه تشخیص ما درست بوده و اتخاذ همین سیاست معقول ملی موجب گردید که ما را در جهان به پیروزی های درخشان نایل کند و اکنون نیز در برابر خداوند متعال و در برابر ملت ایران بار دیگر عهد و پیمان می بندیم که تا پیروزی نهائی و تا آخرین نفس در این راه ثابت و پایدار باشیم.

اما اشخاصی هستند که اکنون در صف مخالف ما قرار دارند و خود را از دردکشان روز ازل میدانند و در این باره نظرات دیگری داشتند که اکنون به ذکر یک مورد آن میپردازم و آن نقل از شماره چهارشنبه 22 فروردین ماه 1329 روزنامه صغیر به قلم آقای دکتر مظفر الدین بقائی کرمانی استاد اخلاق است که برای راستی و آزادی قیام کرده است. باید در نظر بگیریم که این مقاله بعد از مبارزات دوره 15 و بعد از مبارزات انتخابات دوره 16 نوشته شده است، در سر لوحه این شماره یک جمله تاریخی بسیار معنی دار و مطابق با خط درشت مرقوم شده و آن این است «حرف مرد یکی است» و بعد سرمقاله آن تحت عنوان "اندر پس مرگ"، چه دریا چه سراب" میباشد. در این مقاله آقای دکتر بقائی درباره ملی کردن نفت مرقوم میدارند:

«و این یک امر بدیهی است که اگر ما با همان فرض محال نفت را بدست بگیریم، اداره آن مسلماً بدست رجال عالیقدری مانند جناب آقای گلشائیان، جناب آقای دکتر اقبال، جناب آقای دکتر زنگنه و یا اشخاص بسیار صلاحیت داری مانند جناب آقای بدر و جناب آقای ابتهاج خواهد بود» ما باید واقع بین باشیم، باید خوب توجه کنیم که این دستگاه نمیتواند کار کند و نمیخواهد مسئولیت قبول کند.

بعداً جناب دکتر بقائی در مقابل سیل احساسات و افکار عمومی و نهضت ملی شدن نفت از اظهار خودشان پوزش خواستند ولی من از ایشان سؤال میکنم آیا در عقیده خود درباره مهندس حسینی باقی هستند یا باز هم حرف مرد یکی است؟

در مقدمه این قسمت عرض کردم مخالفت با دکتر مصدق باید یکی از دو امر را ثابت کنند، یا باید ثابت کنند که ایشان از سیاست مبارزه علیه سیاست استعماری انگلستان و پیروی از قانون ملی شدن صنعت

نفت عدول کرده اند و یا ثابت نمایند که ملی کردن صنعت نفت اصلاً و از روز اول سیاست خود انگلستان بوده است.

نمیدانم عقیده آقای حائری زاده در این مورد چیست؟ ولی درباره این نظریه دوم باید عرض کنم که این حرف گفته منفی باfan، و مستضعفین و مرعوبین و یا مزدوران و عمال محض انگلستان است. چگونه میتوان تصور نمود که دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نشستند و نقشه ای کشیدند که نتایج آن برای انگلستان از این قرار می باشد:

از دست دادن حیثیت و مقام و اهمیت انگلستان در تمام خاور میانه و آسیا و تشویق ممالک دیگر خاور میانه به اقدامی نظیر آن. از دست دادن یک پایگاه مهم سیاسی و ارتباطی در آسیا و خاور میانه

از دست دادن سالی متجاوز از یکصد میلیون دلار درآمد. از دست دادن سالی متجاوز از ششصد میلیون دلار ارز خارجی. از دست دادن نفت مفت برای بحریه انگلستان. و محروم نمودن چند هزار نفر انگلیسی از حقوق و وسایل بی نظیر زندگی در دنیا.

اگر فرض کنیم انگلیسی های زیرک میخواستند نفت ایران را برای خاطر منافع که تصور میکردند از دست بدهند چرا باین طریق متوسل میشدند که هم در دنیا پرستیژ خود را از دست بدهند و هم منافع هنگفت خود را و هم در همین حال بیست میلیون مردم ایران را از خود متنفر و بدبین سازند؟ و چرا مثل لنین که یکباره الغای امتیازات دوره تزاری را در ایران لغو نمود، لغو قرارداد 1933 را اعلام نمیکردند که محبوبیتی هم در دل ایرانی ها بدست آورده باشند؟

این جمله را هم برای آقایانی که به او رأی داده اید و از او در مقابل حملات جمال امامی و شوشتری که عیناً نظیر اتهامات امروز شما است حمایت کرده اید و یا در توطئه و نقشه های او شریک بوده اید که در اینصورت عالماً و عامداً ملت خود را فریب داده اید و حق ندارید که برای مبارزات خود در نهضت ملی ایران افتخاری برای خویش قائل باشید و یا خود شما فریب خورده اید. در این صورت اشخاصی که اینقدر گول و ساده و زود باور و مستعد انحراف هستند، برای حایری زاده باید از خود اضافه کنم شما که میگوئید و یا میخواهید چنین وانمود کنید که دکتر مصدق از روز اول در حلقه سیاست انگلستان بوده و نقشه های

آن دولت را در کشور خود بازی کرده است هرگاه این ادعای کاذب و بی اساس و توهین آمیز شما راست باشد در اینصورت شما و نظایر شما که از اول و سالها در این مبارزه با دکتر مصدق همراه و همقدم بوده اید و در جبهه ملی او وارد شده اید و در ملی کردن صنایع نفت با او شریک بوده اید فریب خورده باشند حق زعامت و رهبری ملت را ندارید و از کجا معلوم است که گول وسیله و نیرنگ سیاست مکار و محیل دیگری را نخورده باشید؟

قتل مرحوم افشار طوس

درموضوع قتل مرحوم افشار طوس آقایان قنات آبادی و دکتر بقائی اظهاراتی فرمودند ، در قسمتی که مربوط به شخص آقای دکتر بقائی است اینجانب هیچگونه اظهار نظر نمیکنم زیرا عضویت کمیسیون دادگستری را دارم و به وظیفه وجدانی خود عمل خواهم کرد و هرگونه اظهار نظری را قبل از اینکه مدارک و سوابق رسیدگی شود ممکن است قضاوت قبلی تلقی شود نموده و عرض میکنم و وجداناً تعهد مینمایم که هرگاه جناب آقای دکتر بقائی یکی از چهار مطلب زیر را ثابت نماید:

- اول - افشار طوس برده و کشته نشده است .
- دوم - درصورتیکه برده و کشته شده باشد مربوط به اشخاصی که متهم شده اند نیست ، بلکه اشخاص دیگری عامل آن بوده اند.
- سوم - درصورتیکه شرکت و مباشرت متهمین ثابت باشد ولی آقای دکتر بقائی ثابت کنند که موضوع ربودن افشار طوس در منزل حسین خطیبی صحیح نبوده است .
- چهارم - درصورتیکه انجام جرم ربودن در منزل خطیبی صورت گرفته باشد ولی ثابت نشود که حسین خطیبی و سایر متهمین دراین موضوع ارتباطی با دکتر بقائی نداشته و آقای دکتر بقائی از جریان برکنار و بی اطلاع و دستگاه دولتی به منظور مخالفت سیاسی برای ایشان پرونده سازی کرده است .

من نه تنها کوچکترین نظری برخلاف ایشان اظهار نخواهم کرد بلکه از مدافعین جدی ایشان خواهم شد و در این باب دفاعی از ایشان خواهم کرد که دفاع معروف امیل زولا را از دریفوس تحت الشعاع خود قرار دهد.

آقای قنات آبادی درنطق خود این طور وانمود کرده اند که دستگاههای دولتی در قتل افشار طوس دخالت داشته اند ، ضمناً گویا خواستند آن

را مربوط به تیمسار ریاحی بکنند ، ایشان به مردم وعده داده بودند پرده ها را بردارند و اسرار را فاش کنند ولی این بیان ایشان یک ادعا و تهمت صرف است و کوچکترین دلیل و قرینه ای به آن اضافه نکردند و معلوم نیست کی این حقایق را بیان خواهند کرد و تا موقعی ادعای خود را ثابت نکنند بر طبق معمول قانون عنوان دیگری غیر از مفتری در مورد ایشان صدق نمیکند. آقا شما با دولت مخالف هستید اگر واقعا راست میگوئید و دولت اسباب این قتل و سرقت و جنایت را فراهم کرده است چرا آن را بیان نمیفرمائید؟ چرا آنرا آشکار نمیکنید؟

تا آن درجه اطلاعی که من دارم به وجدانم قسم میخورم که شکنجه داده نشده است ولی شما اگر راستگو هستید اول باید ثابت نمائید که این اشخاص عامل ربودن و کشتن مرحوم افشار طوس نبوده اند ، آن وقت بیان و ادعای شما که متهمین بی گناه آزار و شکنجه وارد کرده اند مؤثر و قابل توجه میشود. اکنون این ادعای شما شبیه حرف جیب بری است که جیب شخصی را زده باشد و شکایت نماید وقتی که دست در جیب آن شخص کرده است دست او را بیچانیده و صدمه به او وارد آورده است.

چرا درمورد شکنجه و آزاری که به افشار طوس وارد آورده اند هیچگونه رقت قلبی پیدا نمیکنید؟ آیا با آن فجایع که خوانده اید ، بیهوش کردن و طناب پیچ نمودن و چاقو زدن و خفه کردن و نیمه جان در گودال فرو بردن شکنجه و آزار نیست؟ آخر توضیح بفرمائید چه شده است که آزار و قتل یک بیگناه شما را متأثر نمیکند ولی ادعای موهوم وارد کردن شکنجه بر قاتلین و محرمین این همه حس راستی و آزادی طلبی شما را تحریک کرده است؟

شما باید بدانید تا به این نکته ها جواب ندهید حرف شما و فریاد شما و مغلطه شما درملت ایران ودرهیچ شخصی را که دارای وجدان سالم باشد مؤثر نخواهد بود.

رسیدگی به سرنوشت ابوالقاسم بختیار در کمیسیون امنیت
ساعت 10 امروز آقای سرتیپ امینی با آقای نخست وزیر ملاقات کرد و آقای نخست وزیر به آقایان دکتر ملک اسمعیلی، سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش، و سرتیپ امینی مأموریت دادند برای رسیدگی به کار

ابوالقاسم بختیار برادر سرتیپ بختیار کمیسیون در ستاد ارتش تشکیل دهند و مطالعه خود را در این باره شروع کنند.

از طرف آقای سرتیپ امینی دستور داده شد پرونده مربوط به اقدامات ابوالقاسم و زدو خورد او با قوای دولتی، همچنین مدارکی که میرساند او قصد تجاوز به حقوق رعایا و ضرب و جرح آنان را جمع آوری و به کمیسیون ارجاع دارند تا در اسرع وقت بدان ها رسیدگی گردد.

دوستان اقلیت هم میگویند اگر ما بیائیم و مجلس را تشکیل دهیم این مجلسی نخواهد بود که کار مفیدی برای مردم انجام دهد. بدین جهت بنده شخصاً از اصلاح وضع فعلی مجلس مایوس هستم.

آقای مکی نماینده منفرد دیگر میگوید بنده دروضع حاضر راه حلی برای مشکل فعلی نمی بینم و متأسف هستم چرا این دو دسته توجهی به وضع مملکت ندارند.

آقای حابری زاده من معتقدم که جناب دکتر مصدق که شخصاً مرد دیکتاتور و خود پسندی است و هیچ رئیس دولت صلاحیت قانون گذاری و فرماندهی قوای مسلح و سرپرستی قوه مجریه را یکجا ندارد و این تفکیک قوا حکم قانون اساسی است و هرکس از آن سر بپیچد خائن به مملکت و قیام کننده علیه مشروطیت است. بنا به همین جهت من تفکیک فرماندهی قوا را از پادشاه و سلب اختیارات قانون گذاری را از دکتر مصدق توأم و با هم لازم میدانم نه اینکه از یکطرف اختیارات فرماندهی قوا از شاه گرفته شود ولی اختیارات قانونگذاری در دست دکتر مصدق بماند به همین جهت تا روزی که آقای دکتر مصدق راضی نشود شخصاً به قانون اساسی تمکین کند و از قلدری دست بردارد من مبارزه خواهم کرد.

14 اردیبهشت 1332

تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس

صبح امروز مقارن ساعت هفت تیمسار سرلشگر بازنشسته فضل الله زاهدی که فرماندار نظامی تهران طی اعلامیه ای از او دعوت نموده بود که در ظرف 48 ساعت خود را معرفی نماید از در کتابخانه مجلس به اتفاق یکی از نمایندگان فراکسیون آزادی به اطاق کارپردازی وارد و با آقایان میر اشرافی و بهادری نمایندگان عضو فراکسیون آزادی به مذاکره پرداخت و اعلام کرد که قصد تحصن در مجلس را دارد و دراین باره نامه

ای به رئیس مجلس خواهد نوشت. در مورد علت تحصن زاهدی اظهار داشت فرماندار نظامی تهران دیروز به موجب اعلامیه ای ابلاغ نموده بود که من خود را به فرمانداری نظامی معرفی نمایم. چون علت این احضار را نمیدانستم و از طرفی اطمینان نداشتیم از قبول این دعوت خودداری نمودم. ولی چون این مقررات حکومت نظامی که به استناد آن قصد بازداشت مرا دارند هنوز از تصویب مجلس نگذشته و غیر قانونی میباشد به عنوان اعتراض به خانه ملت یعنی مجلس شورا آمده ام و در اینجا برای هرگونه توضیحات و تحقیقاتی آماده ام.

نظربه اینکه تحصن سرلشگر زاهدی بایستی با موافقت هیأت رئیسه مجلس باشد سرلشگر زاهدی روی یادداشت مجلس شرحی به رئیس مجلس نوشت و متن آنرا برای اظهار نظر و یا اصلاح به آقای حایری زاده داد و حایری زاده بعد از قرائت نامه آنرا تأیید نمود.

نامه زاهدی به کاشانی رئیس مجلس شورای ملی

بطوری که خاطر مبارک مستحضر است در اسفند ماه بدون دلیل و برخلاف قانون توقیفم کردند و از فروردین ماه تا بحال سه چهار مرتبه به خانه و باغ شمیرانم قوای مسلح نظامی و غیر نظامی در شب و بعد از نصف شب ریختند و سلب آزادی و امنیت از خودم و فامیلم کردند. بعد از شکایت تلگرافی به مقامات دادگستری و یأس از حمایت قانونی آنان ناگزیر شدم به خانه ملت پناهنده شوم و ضمناً برای اطمینان خاطر آن مقام محترم و وکلای محترم مجلس شورای ملی عرض میکنم که تا بحال عملی که برخلاف مصالح کشورم باشد ننموده و همواره سربازی خدمتگذار و فداکار برای میهنم بوده و هستم.

در جلسه هیأت رئیسه آیت الله کاشانی با تحصن وی موافقت کردند و ذیل نامه سرلشگر زاهدی موافقت خود را به اطلاع دفتر مجلس و اداره بازرسی رساندند تا وسایل پدیرائی ایشان را فراهم کنند.

15 اردیبهشت 1332

اظهارات کاشانی درمورد تحصن سرلشگر زاهدی

ابوالقاسم کاشانی در مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت "مجلس خانه ملت است و هرکس میتواند تا هر وقت دلش بخواهد آنجا تحصن کند."

19 اردیبهشت 1332

اعضای کمیسیون آزادی برای عدم تشکیل جلسات علنی مجلس و رسیدگی به امور، مخصوصاً لایحه هیأت 8 نفری به قم رفته اند تا مانع تشکیل جلسه علنی مجلس گردند. لیدر اقلیت حایری زاده در این مورد گفت مذاکرات ما در قم این بود که باید اول مطمئن شد که آیا میشود یک روح توافق و هم فکری در محیط مجلس به وجود آورد یا خیر و آیا اکثریت حاضر است از لجاجت دست بردارد یا نه؟ و در صورتیکه این اطمینان حاصل نشده آیا ما موفق خواهیم شد هنگام اخذ رأی مجلس را از اکثریت بیندازیم یا نه؟

ما برای مبارزه با دولت ودیکتاتوری طرحی تهیه کرده ایم، یکی مربوط به سلب اختیارات دکتر مصدق و دومی مربوط به انتخاب رؤسای تشکیلات انتظامی کشور از طرف مجلس برای مدت 5 سال. حرف ما این است که اختیارات مصدق یک مسأله اختصاصی است و انتخاب فرماندهان قوای انتظامی دخالت در قوه مجریه است. جواب ما این است که وقتی قرار است رعایت کامل قانون اساسی بشود موضوع اختصاصی بودن یک قضیه منتفی است و بلکه معتبر هم میباشد و اما در مورد دخالت در قوه مجریه، این طرح ما مسبوق به سابقه است زیرا در دوره پنجم همین مجلس تصویب نمود که فرماندهی کل قوا برای مدتی در اختیار رضا خان باشد. و هرگاه منظور ما حاصل نشد مجلس را از اکثریت خواهیم انداخت.

20 اردیبهشت 1332

جلسه علنی مجلس شورای ملی بعد از دو ماه

قبل از نواخته شدن زنگ جلسه علنی آقای حایری زاده درخواست تشکیل جلسه خصوصی نمود و در این مورد اظهار داشت که ما با درخواست جلسه خصوصی میخواهیم باری از دوش آقایان برداریم و نگذاریم که جناب مصدق السلطنه امیال خود را بر گرده مجلس سوار کند و الا این طرح هیأت 8 نفری که الان به مجلس آورده اند بقدری بی اهمیت است که برای خاطر آن ما مهاجرت نکردیم زیرا خواندن چند اصول از قانون اساسی هیچ اشکالی ندارد. ولی در پس آن پرده اقدامات خودسرانه و دیکتاتوری جناب دکتر مصدق شروع خواهد شد و طلیعه آن همین اقدامات دولت پس از واقعه قتل رئیس شهربانی و استفاده های خلاف قانون دولت از این واقعه است.

ایجادین محیط ترس و وحشت رفقای ما را و همچنین دوستان اعضای فراکسیون نجات نهضت را وادار به این نمود که درصدد تشکیل جلسه

علنی باشند به همین جهت ما به تهران آمديم و حالا هم حاضر به حضور در جلسه علنی هستيم تا مجلس ضمن رسيدگی به کارهای روزانه خود اعمال دولت خصوصا خطاهای او را تحت انتقاد قرار داده و حافظ حدود و ثغور قانون اساسی باشيم و برای اجرای این منظور هم طرحهایی داريم که آنها را ارائه خواهيم کرد و نظر ما این است که طرحهای ما با گزارش هیأت 8 نفری تلفیق شود و به صورت طرح جامعی درآید.

در ساعت 11 زنگ جلسه علنی مجلس شورای ملی به صدا درآمد ولی به علت اعتراض اعضای فراکسیون های آزادی برهبری حایری زاده و نجات نهضت به رهبری بقائی به حضور آقای روحی نماینده سوم منتخب مردم کرمان در مجلس، در حالی که با توجه به حضور دکتر بقائی به عنوان نماینده منتخب مردم تهران در مجلس، آقای روحی به عنوان نماینده دوم کرمان توسط کمیسیون به مجلس معرفی شده بود و مجلس موظف به بررسی اعتبار نامه او بود ولی مخالفین دولت به این بهانه که او نماینده نمیشد، پس از ضرب و شتم آقای روحی توسط شمس قنات آبادی و میر اشرافی و بهادری، جلسه علنی تعطیل گردید.

هیأت محترم رئیسه مجلس شورای ملی

بطوریکه خاطر آقایان مستحضر میباشد پس از آنکه تعطیلات فروردین منتفی شد و مجلس آماده برای کارگردید چند نفر از آقایان نمایندگان به عنوان اینکه امنیت ندارند و نمیتوانند مطالب خود را آزادانه به سمع مجلس شورای ملی برسانند خروج خود را از تهران اعلام نمودند.

در این فاصله که قریب یک ماه بطول انجامید با وجود اینکه غالباً چند نفر از آقایان را در تهران و حتی در مجلس شورای ملی ملاقات مینموديم ، معذالک به احترام آزادی که برای عموم نمایندگان مجلس قائل میشايم انتشار تغییر تصمیم آنان را داشتيم و اعضای این فراکسیون هم بطور دائم در تهران ماندیم و در روزهای مقرر برای انعقاد جلسه علنی در مجلس مجتمع گردیدند و مکرر هم اعلام نمودیم که نظر ما همیشه بر این است که بر طبق قانون اساسی و آئیننامه مجلس شورایملی محیط کار نمایندگان محترم باید از هرگونه تشنج خالی باشد و جلسات مجلس شورای ملی بایستی صرف بحث در مطالب اساسی و طرح مسائل قانونی بشود و حکمیت بین نظرات مختلف درهرامری منوط به رأی نهائی مجلس شورایملی می باشد. چنانچه در همین

زمینه طرح سه فوریتی هم که قبلاً تهیه شده بود انتظارتشکیل جلسه واعلام رای نهائی مجلس راداشته ایم.

بدیهی است در خصوص تصمیم آقایان در خارج شدن از تهران و همچنین مراجعت به تهران، این فراکسیون هیچ گونه نظری را اظهار نمیدارد زیرا قضاوت روبه و اعمال مجلس بر عهده ملت ایران است.

بالاخره امروز صبح یکشنبه 20 اردیبهشت ماه 1332 که جلسه علنی تشکیل گردید ملاحظه شد که نیت و نظر نمایندگانی که بنام اقلیت خود را معرفی می نمایند بر این نیست که مطالب خود را طبق قانون مطرح و به حکمیت مجلس واگذار نمایند بلکه از همان ابتدا بوسیله ایجاد جنجال سعی میکردند جلسه را متشنج سازند و چون در مقابل فریادهای یکی از آقایان اکثریت قریب به اتفاق مجلس شورای ملی از آنجمله اعضای فراکسیون نهضت ملی با متانت کامل سکوت و آرامش را حفظ نمودند.

دفعتهاً آقای میراشرفی و بهادری که با سمت کارپردازى مجلس قانونا بیشتر از سایر اعضای هیأت رئیسه موظف به حفظ نظم و امنیت مجلس میباشند به طرف آقای علی روحی حمله نموده و با ادای الفاظ رکیک به ایشان توهین و ایراد ضرب نمودند.

در این جریان اسف آور هم فراکسیون نهضت ملی به انتظار اقدام قانونی هیأت رئیسه از عمل متقابل خودداری نمود ولی متأسفانه هیچ گونه تذکر قانونی به آنان داده نشد و کار به جائی رسید که آن دو نفر با کمک چند نفر دیگر از اعضای فراکسیون آزادی نسبت به عده ای از نمایندگان مجلس توهین و اهانت نموده جملات زشت و مستهجن ایراد نمودند.

چون حفظ نظم مجلس شورای ملی بر عهده هیأت رئیسه است و بدیهی است بدون آنکه هیأت رئیسه با نهایت قدرت آئین نامه مجلس را اجرا نماید برای هیچ نماینده ای امکان انجام وظیفه باقی نماند ، لازم دانستیم مراتب را طی این نامه مشروحاً به اطلاع آن هیأت محترم برسانیم.

اکنون فراکسیون نهضت ملی ایران اجرای بند ماده 101 آئین نامه را که مقرر میدارد «هرگاه نماینده ای نسبت به مجلس یا قسمتی از مجلس

یا رئیس توهین کند توبیخ با منع حضور موقت درباره او اجرا میشود» درباره آقایان میراشرفی و بهادری درخواست می نماید.

در خاتمه هیأت رئیسه مجلس شورای ملی به وسیله اجرای صحیح آئین نامه بایستی به ملت ایران نشان دهد که چند نفر با هو و جنجال و بی ادبی نخواهند توانست مجلس ملی را از انجام وظایف قانونی باز دارد. فراکسیون نهضت ملی

پیشنهاد های اخیر

آقای دکتر مصدق بعد از شکست مذاکرات مربوط به پیشنهادات اول اسفند برای آنکه حسن نیت خود را در حل مسأله غرامت نشان بدهد در آخرین ملاقاتی که با آقای هندرسین نمود پیشنهادات جدیدی برای حل مسأله غرامت تنظیم و توسط آقای هندرسین تسلیم وزارت امور خارجه انگلیس نمود که به شرح زیر است :

حالا که دولت انگلیس حاضر نمیشود که غرامت طبق مایملک و یا سهام شرکت به وسیله قضاوت دیوان دادگستری بین المللی حل شود و اصرار دارد که غرامات بطور در بسته و کلی به قضاوت دیوان ارجاع گردد. لذا دولت ایران به شرطی با این نظر موافقت خواهد کرد که دولت انگلیس قبلا حداکثر مبلغی را که شرکت سابق در مورد غرامت و بطور کلی ادعا دارد تعیین کند تا پس از توافق بر سر این حداکثر دولت ایران موافقت خود را برای قضاوت دیوان نسبت به مبلغ معین شده اعلام نماید.

آقای دکتر مصدق بدین علت حاضر نیست که بطور درست قضاوت دیوان داد گستری را نسبت به حل مسأله غرامت بپذیرد زیرا مواجهه با این نگرانی است که پس از آنکه قرارداد قضاوت دیوان دادگستری راجع به غرامت با شرکت سابق به امضا رسید ، قبل از اجرای آن موجبات سقوط این دولت را فراهم آورند و بعد دولتی روی کار بیاورند که در موقع طرح قرارداد مزبور در دیوان دآوری آنطور که باید و شاید از حقوق ملت ایران دفاع نکند . بر این اساس برای رفع این نگرانی دکتر مصدق توسط آقای هندرسین به وزارت امور خارجه انگلیس پیشنهاد کرد در صورتی دولت ایران حاضر است قضاوت کلی دیوان دادگستری را نسبت به غرامت قبول کند که حداکثر مدعا به شرکت سابق طی مذاکرات خصوصی قبلا مورد توافق قرار بگیرد.

پیشنهاد دوم نخست وزیر

در این پیشنهاد آقای دکتر مصدق به وزارت امور خارجه انگلیس اطلاع داده است که حل مسأله غرامت به قضاوت دیوان دادگستری لاهه ارجاع نگردد بلکه طرفین طی مذاکرات خصوصی موافقت کنند که دولت ایران تا چند سال باید 25 درصد عواید خود را به عنوان غرامت تسلیم شرکت سابق نماید. البته قبول این پیشنهاد از طرف شرکت سابق ادعاهای دولت ایران را علیه شرکت سابق از بین نخواهد برد و این دعاوی نیز باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

24 اردیبهشت 1332

نطق حسین مکی نماینده تهران وعضو سابق فراکسیون نهضت ملی در جلسه امروز مجلس شورای ملی آقای حسین مکی اظهار داشت قبل از بیان هر مطلبی آقایان محترم باید توجه داشته باشند که اساس وپایه نهضت ملی ما بر اتحاد و اتفاق استوار بود و تمام موفقیت هایی که در طی این مدت عاید ملت ایران گردیدبر اثر وحدت نظر و اتفاق کلمه بود و بس. در آن روزهایی که تازه زمزمه مخالفت و اتفاق نظر و دو دستی در مجلس پیش آمد وهنوز این تشنجات وحوادث اخیر به میان نیامده بود ، با مصلحت اندیشی و مشورت با آقای دکتر معظمی از آقایان منفردین واعضای فراکسیون نهضت ملی یعنی آقایان گنجه ای ، انگجی ، دکتر سنجابی، مهندس زیرک زاده و چند نفر دیگر که الان به خاطر ندارم دعوت کردیم که بیایند وبا کدخدا منشی و حسن نیت وسط را بگیرند و نگذارند کار مجلس به اینجا بکشد و چون عده ای از نمایندگان محترم از من خواسته بودند که واسطه و میانجی شوم با قرآن کریم تفالی زدم که آقای حاج سید جوادی این آیه را قرائت کرد (فسجد الملائکه کلهم ابا ابلیس) معهذا از آقایان منفردین و چهار نفر از آقایان فراکسیون نهضت ملی دعوت کردند.

از همان جلسه اول آقایان فراکسیون نهضت ملی با آنکه در جلسه شرکت کرده بودند از خارج پیغامی داشتند و از جلسه خارج شدند و من متوجه آیه شریفه شدم که ابلیس در این کار شیطنت کرده و نمیخواهند مجلس با اتحاد و اتفاق بکار خود ادامه دهد. اکنون بعد از چند ماه باد به زخم آقایان خورده و متوجه عرایض آنروز بنده میشوند و جای کمال خوشوقتی است که هنوز هم کار از کار نگذشته و جلوی ضرر را هر روز بگیرند باز به نفع مملکت است. بهر حال ما کمال کوشش خود را کردیم که مجددا اتحاد و اتفاق بوجود آید ولی چون عده ای

مست باده غرور بودند و خیال میکردند که هر کاری که بخواهند میتوانند انجام بدهند نگذاشتند این کار سر و سامان بخود بگیرد.

حالا که کار به اینجا کشیده به عقیده من با جمله پردازی و عبارت سازی و دست به دست مالیدن نباید وقت را تلف کرد. اگر معایب را صریح بگوئیم، اگر مجادله و تعارف کنیم مسلم بدانید که دردی دوا نخواهد شد. نمایندگان محترم مجلس و آنهایی که مسئولیت مملکت را به عهده دارند باید دور اندیش و عاقبت بین باشند و هر عملی را انجام میدهند باید همیشه آتیه را در نظر بگیرند زیرا امروز ممکن است بعضی سوابق گذاشته شود که در آتیه از این سوابق دولتهای آینده سوء استفاده کنند، شما فکر امروز دولت دکتر مصدق را نکنید. صد سال آینده را در نظر بگیرید که از این سوابق مملکت دچار بدبختی نشود.

ممکن است آخر دوره چهاردهم را در نظر بگیرید اگر یک دولتی مثل دولت قوام السلطنه در آخر دوره چهارده پنجاه سال دیگر روی کار بیاید از این سوابق و قوانینی که گذاشته است اگر بخواهد سوء استفاده کند میتواند مملکت ایران را تجزیه و ملتی را دچار بدبختی و بیچارگی کند، مثلاً یک قسمت از تشنجات مولود ابتکارات فراکسیون نهضت ملی است.

آقای کهید گفتند دولت صد و چند لایحه فرستاده که مجلس باید تکلیف آن را روشن کند، یکی از همین لوایح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران است که مجلس طبق آئیننامه و سوابق شروع به انتخاب اعضای آن کرده وعده زیادی هم انتخاب شده اند ولی چون اکثریت آن از فراکسیون نهضت ملی انتخاب نشده است شروع به مخالفت کردند، منتهی چون من علاقمند به نهضت مقدس ملت ایران هستم نخواستم با لجاج و عناد یک اختلاف جدیدی بر اختلافات سابق بیافزایم. آقایان خدا شاهد است اگر زود به این اختلافات و کشمکش ها خاتمه داده نشود طوری میشود که سیاست خارجی نقشه ای را طرح نماید که تا صد و پنجاه سال دیگر نه تنها ایران بلکه هیچ یک از ملت های خاور میانه نتواند دم از قیام ملی و نهضت های آزادی خواهانه بزند و طوری ملت ایران و ملت های خاور میانه را مأیوس کنند که هیچکس جرات نکند که دم از نهضت استقلال طلبانه بزند. مجلس ما طوری ترکیب شده که یک اقلیت ده دوازده نفری از هر دسته ای هر وقت بخواهند میتوانند مجلس را فلج کنند.

درباره گزارش هیأت هشت نفری که این همه سر و صدا اطراف آن بلند شده ما که بحث تازه ای به میان نیاورده بودیم. آقایان دکتر معظمی و مجد زاده و دکتر سنجابی حضور دارند ، در آن گزارش ما چند اصل از قانون اساسی را ذکر کرده ایم و خلاصه گفته ایم که وزرا در مقابل پارلمان مسؤول هستند و لاغیر ، ما حق تغییر قانون اساسی را نداریم زیرا قانون اساسی را مجالس عادی نمیتوانند تفسیر کنند و اگر تفسیر کردند برخلاف قاعده کرده اند زیرا مجلس مؤسسان لازم دارد و اگر بخواهیم این بدعت را بگذاریم که مجالس عادی قانون اساسی را تفسیر کنند ممکن است ده سال یا بیست سال دیگر یک دولت غیر ملی از این سابقه سوء استفاده کند.

علت اصلی تنظیم گزارش

آقای پارسا عضو فراکسیون نهضت ملی گفت به عقیده من آقایان باید مسائل را از یکدیگر تفکیک کنند زیرا یک مسائل اصولی است که در درجه اول اهمیت قرار دارد و قسمتی مسائل فرعی است که در درجه دوم واقع شده . آقایان نباید مسأله گزارش هشت نفری را که مسأله اساسی است با موضوع مسأله نمایندگی آقای روحی با اهانت به فراکسیون نهضت ملی مخلوط کنند.

آقای مکی ضمن فرمایشات خود طوری فرمودند مثل اینکه گزارش هیأت هشت نفری که به عقیده بنده سند افتخاری برای تنظیم کننده گان و امضا کنندگان آن است فقط ذکر چند اصل از اصول قانون اساسی است و فراکسیون نسبت به آن بهانه جوئی میکند. بنده باید عرض کنم که خیلی چیز ها و موضوعات در سایر ممالک مشروطه حل شده ولی هنوز در ایران حل نشده است و دلیل آن هم به عقیده بنده این است که انقلاب مشروطیت ایران بدست توده مردم و فداکاری آنها بوجود آمده و قانون اساسی که منظور نظر آزادیخواهان صدر مشروطیت بود، متأسفانه اجرای آن بدست ایادی استبداد انجام گرفت. یعنی همان هائی که در دوره استبداد شاغل امور حکومت بودند در دوره مشروطیت نیز به عنوان حکومت ملی مشغول حکومت شدند و قانون اساسی را به حال ابهام باقی گذاردند و یا سوء تعبیر کردند.

مشکلات امروز ما محصول سوء تعبیرات ایادی استبداد است و طوری شده که الان بنده پدر بزرگم برای تحصیل مشروطیت شهید راه ملت شده است به عنوان نوه او بعد از چهل و هشت سال مجبورم از رفع

ابهامی که توسط گزارش هیأت هشت نفری به عمل آمده از تنظیم کنندگان این گزارش تشکر کنم.

آقای عبدالرحمن فرامرزی: علت اصلی تنظیم گزارش هیأت 8 نفری این بود که بعضی ها تعبیرات و معانی خلاف روح قانون اساسی را از این سند مشروطیت استنباط کرده بودند و الان آقایان در این گزارش معنای صحیح آن اصول را بیان کرده اند ، پس اینکه گفته میشود گزارش هیأت 8 نفری فقط اگر چند اصل از اصول قانون اساسی است بنظر بنده گویندگان این جمله دقت کامل در این گزارش نفرووده اند زیرا پس از ذکر چند اصل قانون اساسی در خاتمه گزارش معنی صحیح آن اصول نوشته شده و تقاضای تأیید آن از مجلس گردیده است و بطوری که آقایان ملاحظه میفرمائید این مسأله جزو اصول مشروطیت است و علت اینکه فراکسیون نهضت ملی اینقدر برای طرح خود پا فشاری میکند همین اهمیت و اصولی بودن مسأله است نه بهانه جوئی.

آقای ناظرزاده مقصود این است که اعضای فراکسیون نهضت ملی و سایر نمایندگان متوجه شده اند که ادامه این تشنج در مجلس به صلاح هیچ کس نیست و عواقب وخیم در بردارد که بهتر است زودتر به آن خاتمه داده شود . تشکیل جلسه امروز به همین منظور است.

برای به راه افتادن مجلس لازم است چند اصل مراعات شود وگرنه مجلس تشکیل نمیشود و اگر هم تشکیل شود ضرر آن بیش از تشکیل نشدن است ، این سه اصل عبارت از این است که اولاً در مجلس باید احترام هر نماینده محفوظ بماند و هیچ نماینده ای نباید از نماینده دیگر هتک حرمت کند. دوم در مجلس باید آزادی نطق و بیان و حق ابراز عقیده برای هر نماینده خواه موافق دولت خواه مخالف محفوظ باشد. سوم همه نمایندگان خاصه آنهاکه درامور مؤثر هستند باید برای رضای خدا و آرامش وجدان امور شخصی و اغراض خصوصی را در مصالح کلی و عمومی مداخله ندهند.

وضع سیاست خارجی

آقای مهندس رضوی گفت امشب در اینجا همه مسائل مهم مطرح گردید ولی فقط یک موضوع مانده است که اهمیت کلی دارد و آن سیاست خارجی و وضع سیاست بین المللی است که آقایان باید توجه کامل به این موضوع داشته باشند ، مخصوصاً توجهی که اکنون از طرف دول بزرگ به اوضاع خاور میانه میشود. بنده تقاضا دارم که با توجه به

این مسائل طوری شود که اتحاد و اتفاق ملت ایران در این گیر و دار سیاسی بتواند رهبر ما باشد. راجع به اقلیت هم فراکسیون نهضت ملی هیچگونه نظری که مانع از انتقاد و صحبت آنها بشود ندارد و فقط مایل است اصول مشروطیت و حیثیت مجلس محفوظ بماند و تنها راه رسیدن به این مقصود به عقیده بنده اجرای کامل آئین نامه مجلس است.

امروز فراکسیونها نمایندگان خود را برای عضویت کمیسیون رفع اختلاف انتخاب کردند.

منفردین آقایان نریمان ، عبدالرحمن فرامرزی ، ناصر ذوالفقاری فراکسیون نهضت ملی آقایان انگجی ، حاجی سید جواد ، مجید موسوی و مهندس زیرک زاده فراکسیون اتحاد گنجه ای ، نبوی و منصف، فراکسیون آزادی آقایان حایری زاده ، احمد فرامرزی ، حمیدیه و بهادری فراکسیون نجات نهضت آقایان شمس قنات آبادی و علی زهری.

27 اردیبهشت 1332

دادگاه ترکیو عرضحال شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را مبنی بر تقاضای توقیف 18 هزار تن نفت محموله کشتی ژاپنی را به علت عدم صلاحیت رسیدگی رد کرد.

ناکامی کمیسیون حل اختلاف

در جلسه دیشب کمیسیون رفع اختلاف فقط 12 نفر از اعضای کمیسیون شرکت داشتند. در جلسه پس از اینکه در دو مورد از اختلافات توافق نظر شد و نمایندگان فراکسیون نهضت ملی نظرات فراکسیون آزادی و نجات نهضت را مبنی بر اینکه آقای روحی از شرکت در جلسات خودداری نماید و همچنین موافقت کردند که دو نوبت نطق قبل از دستور برای همیشه در اختیار اقلیت باشد . ولی در مورد دستور جلسه علنی مبنی بر قرائت گزارش کمیسیون 8 نفری نمایندگان اقلیت موافقت ننمودند و کمیسیون بدون نتیجه به پایان رسید.

در ساعت ده دقیقه بعد از ظهر از طرف هیأت رئیسه مجلس اعلام گردید که امروز جلسه علنی تشکیل نخواهد شد.

نامه نمایندگان فراکسیون نهضت ملی

هیأت محترم رئیس مجلس شورای ملی، در جلسه گذشته اعضای فراکسیون نهضت ملی بعنوان اعتراض وعدم اجرای آئین نامه از شرکت در جلسه خودداری نموده و طی نامه ای این موضوع را به هیأت رئیسه محترم تذکر دادند و انتظار داشتند از طرف هیأت رئیسه در این باب اقدام جدی به عمل آید. متأسفانه نه تنها اقدامی معمول نگردید، بلکه نامه فراکسیون نیز بلا جواب گذاشته شد و از طرف دیگر از کمیسیونی که برای حصول توافق تاریخی تعطیل جلسات مجلس شورای ملی به صلاح کشور نیست فراکسیون نهضت ملی همانطور که امروز صبح نیز اعلام داشت آمادگی خود را برای شرکت در جلسه اعلام و از هیأت رئیسه جز اجرای کامل آئین نامه تقاضای دیگری نداشته و ندارد. فراکسیون نهضت ملی

آقایان دکتر بقائی و میراشرافی درساعت نه ونیم بعد از ظهر به ملاقات سرلشگر زاهدی رفتند و پس از ختم جلسه کمیسیون حل اختلاف آقایان نمایندگان اقلیت نیز به ملاقات سرلشگر زاهدی رفته و مدتی با ایشان مذاکره نمودند.

29 اردیبهشت 1332

آقای شمس قنات آبادی به عنوان نطق قبل از دستور اظهار داشت اگر دولت واقعا همانطوری که ادعا میکند متکی به افکار عمومی است هیچ مانعی ندارد که مثل دوره شانزدهم اجازه بدهد مذاکرات مجلس به وسیله رادیو در سرتاسر کشور پخش شود. راجع به تقاضای فراکسیون های آزادی و نجات نهضت که به وسیله مقام معظم ریاست مجلس از رئیس دولت برای پخش مذاکرات مجلس از رادیو صورت گرفت تذکری بدهم زیرا آقایان آن را میدانند و جواب رئیس دولت را هم شنیده اند ولی عرض میکنم هیچ اشکالی نداشت همانطور که الان برنامه رادیو اغلب اوقات وقف کارهای بیهوده میشود مذاکرات مجلس هم بوسیله رادیو منتشر شود. اسم این عمل دولت زورگوئی است.

آنها که میگفتند قرارداد 1933 را باید لغو کنیم و آنهایی که میگفتند چنگ با انگلستان محال است هر دو شکست خوردند و بعد از این پیروزی من میخواهم به ملت ایران عرض کنم که این دو دسته رویه خود را با بنیان گزاران نهضت عوض کردند یعنی همانطور که در قیام صدر مشروطیت فریب خوردگان مکتب عین الدوله از آزادی خواهان شکست خوردند و بعد ماسک خود را عوض کردند و خودشان را بین

آزادی خواهان و قهرمانان جا زدند و با نزدیک کردن خود به منابع قدرت آزادی خواهان را طرد کردند این دو دسته هم بعد از نهضت ملی ایران این عمل را انجام دادند و خود را داخل در صف این جهاد اکبر کردند و چون اینها اشخاص عالیه ای بودند و چون میخواستند بیایند و مقاماتی را کسب کنند هیچ مانعی نداشت که به رویه دیرین خودشان یعنی چاپلوسی و بندگی متوسل شوند و متوسل هم شدند و دور آقای مصدق السلطنه را محاصره کردند و یک وقت مردم سر از خواب بلند کردند و دیدند مطلب خیلی صحیح . سرراست از آب درآمده و آنها که حبس رفته و زجر دیده بودند و دربردار شده بودند همه آنها جبهه ملی و انگلیسی شدند.

آقای رئیس دولت مرقوم فرموده بودند بدستگاه دادگستری و انتظامی که اگر روزنامه ای به شخص من بد گفت با او کاری نداشته باشید ، اما اگر به کس دیگری بد گفتند و برخلاف قانون مطبوعات عمل کردند قانون را درباره اش اجرا کنید . من خواهش میکنم آقایان بروند و در زندان به بینند که این روزنامه نویس های توقیف شده چه کسانی هستند ، تمام آنها کسانی هستند که از اعمال دولت انتقاد کرده و به این جرم زندانی شده اند اینها را گرفته و در زندان انداخته اند اما آن روزنامه هائی که برمیدارند و رکیک ترین فحش ها را به ما میدهند آزادند. مثلاً یک بچه روزنامه فروش تحت حمایت مأمورین آگاهی در خیابان فریاد میکند کاشانی خائن و بقائی دزد و مکی فلان ولی هیچ کس معترض او نمیشود.

درمورد قتل افشار طوس ، اگر من روزی بدانم که واقعاً دکتر بقائی در این کار دخالت داشته شدیدی با او مبارزه خواهم کرد. ولی وقتی من می بینم تمام وازده های اجتماع در اطراف این موضوع و اتهام دکتر بقائی سر و صدا راه میاندازند در این کار تردید میکنم و تا روشن شدن حقایق پشت سر این مرد مبارز که در نهضت ملی ایران سهم بسزائی داشته خواهم ایستاد .

یک رئیس شهربانی را کشتند ، یک دولتی هم سرکار است و یک عده ای هم مخالف دارد و از اعمال خلاف رویه انتقاد میکنند ، بدیهی است دولت از این واقعه میخواهد بسود خود استفاده کند ، بدیهی است از این واقعه میخواهد به نفع خودش استفاده کند. چرا آخر رئیس شهربانی را بکشند؟ خوب میرفتند آقای سرتیپ ریاحی رئیس ستاد ارتش را می کشتند! که عضو حزب ناسیونال سوسیالیست است. یک

افسرشرافتمند پیغام داده است که تمام این قضیه مشوب نمودن فکر مردم است.

دکتر مصدق مأمور انگلستان

سخنران دوم آقای حائری زاده لیدر فراکسیون آزادی اظهار داشت سه موضوع را می باید امروز توضیح دهم . یک موضوع که چرا اول به دولت اعتماد کردم ، موضوع دیگر این است که چرا ما به قم رفتیم؟ و دیگر اینکه چگونه شد که ما آمدیم دو مرتبه مجلس؟

جناب دکتر مصدق من خیلی نمیخواهم سیر قهقرائی بکنم ، چون بدیهی است که آقای دکتر مصدق از فامیل محترمی هستند و در دربار مظفر الدین شاه منشی بوده و تربیت شدند و حالا حقایق زندگی ایشان را من درست اطلاع ندارم و حرفی از آن نمی‌زنم. ولی چیزی را که خودم مطلع هستم این است که موقع چنگ بین المللی اول بنده بچه ای بودم که جلو زبانم را نمیتوانستم بگیرم مرا بتهران تبعید کرده بودند.

در همان موقع جناب دکتر مصدق از بندر بوشهر وارد شدند و استاندار فارس شدند. بعد کودتا شد و سید ضیا روی کار آمد ، کنسول انگلیس به دولت وقت تلگراف کرد که مصدق در فارس خوب کار کرده است و بهتر است به ایشان صدمه ای نرسد ولی ایشان از حکومت مرکز اطمینان نکردند و به بختیاری رفتند. حکومت سید ضیا صد روزی بیشتر دوام نکرد. آن روز سیاستی غیر از سیاست انگلیس در کار نبود و تمام امور با نظر انگلستان انجام میشد و به این وضع دولتی که بعد از این واقعه تشکیل شد جناب دکتر به سمت وزارت دارائی انتخاب شدند.

اینها دلایلی است که روابط ایشان از چه قرار بود ولی یک نوکر اجنبی گردن کلفتی پیدا شد که همه را کوبید. از قزاقخانه بلند شد و همه را زیر چکمه کشید و جناب دکتر هم در دوره رضا خان برکنار بودند و خدای ایشان و خدای انگلستان و خدای رضا خان ایشان را به عنوان پیشوا برای امروز نگه داشتند.

من در آن مدت یکساله فکر کردم که چون جناب دکتر در این حکومت صدمه کشیده تغییر ماهیت داده است و رویه مبارزه را پیش گرفته ، این بود که من معتقد شدم ایشان وجودش در مجلس برای اداره یک اقلیت لازم است و روی این افکار جناب دکتر به مجلس آمد و حالا هم

عقیده راسخ من این است که خمیره جناب دکتر ساخته شده که لیدر اقلیت در مجلس باشد و انتقاد کند ولی به درد ریاست دولت نمیخورد.

در دوره گذشته رحیمیان نامی که گویا نماینده قوچان بود طرحی برای الغای قرارداد 1933 میدهد ولی همین جناب دکتر آنرا امضا نکردند. در دوره 15 جناب دکتر تشریف نداشتند ولی مکی بود، بقائی بود، عبدالقدیر آزاد بود .

در آن موقع مبارزه ما با کمیتمی شروع شد ، در آن روزهای خطرناک اراده خداوندی و همت مردم ایران موجب شد که در چند روز آخر عمر مجلس 15 مبارزه شدید ما به نتیجه رسید و نقشه انگلستان شکست خورد و بعد کم کم حوادث دنیا و محیط به نفع حق و حاکمیت ملت ایران گشت ، پس از خاتمه دوره 15 انتخابات شروع شد ما را حبس کردند ، صندوق انتخابات را عوض کردند ، آن روز ها جناب دکتر در میان ما نبود و کنار نشسته بود ، موقعی که انتخابات تمام شد و ما با جناب دکتر شروع به همکاری کردیم اختلاف سلیقه با ایشان بود. در کمیسیون نفت برای چگونگی کوتاه کردن دست عمال انگلیس بین ما اختلاف سلیقه بسیار وجود داشت. جناب دکتر معتقد بودند اگر ما قرارداد 1933 را الغاء کنیم قرارداد داریسی به قوت خودش باقی خواهد بود. بنده مخالف بودم و گفتم قرارداد داریسی با تراضی طرفین لغو شده و وقتی ما مدلل کردیم که قرارداد 1933 تحمیلی بوده دیگر دلیلی برای برقراری قرارداد داریسی باقی نخواهد بود و بد شرکت در اینمدت ید امانی بوده و حساب آن باید رسیدگی شود. این بحث خیلی طول کشید تا وقتی که مذاکره شد که ما یک اصل دیگری را که خود دولت کارگری انگلستان در داخله مملکت خودش عمل کرده عمل کنیم ، از پیچ و تاب محاکم بین المللی نجات خواهیم یافت و آن عمل ملی کردن نفت است.

بنده نظر داشتم اکتشاف واستخراج نفت ملی شود و درباره چگونگی فرم ها بحث و مذاکرات زیادی شد و برای اولین بار در منزل آقای نریمان با حضور آیت الله کاشانی طرح ملی شدن عنوان گردید ولی دراین جلسه آقای دکتر موافق نبودند و بعد معتقد شدند. فرمهای مختلفی برای ملی شدن تهیه شد یکی از فرمها فرمی بود که من تهیه کردم البته با چند نفری مشورت کرده بودم ولی انشاء آنرا خودم تهیه کردم مهندس حسینی باچه کسی مشورت فرمودید؟ با آن کسی که بعد پشیمان شد با آقای حسینی این طرح تهیه شد. برای این طرح دو سه موضوع نظر بنده بود یکی قطع دست انگلستان ، یکی فروش نفت به

دنیا ، یکی دادن مقداری نفت به همان کسانی که تا آن موقع در کار نفت جنوب دست داشته اند.

طرحی که من تهیه کردم مضمونش این بود که ما استخراج و اکتشاف نفت را ملی کنیم و سایر عملیات نفتی از قبیل تصفیه ، حمل و نقل و فروش کمپانی های مختلف در نظر بگیرند و شرکتی تشکیل بدهند که نصف سهام متعلق به ایران باشد و بقیه متعلق به سایر ممالک و هر مملکتی هم حق نداشته باشد که بیش از صدی ده سهام را صاحب باشد و ملیت صاحب سهام را هم مجلس ایران به رسمیت شناخته باشد.

این طرح را بنده تقدیم کردم جناب مصدق و شایگان ، الهیار صالح ، عبدالغدير آزاد و بنده و چند نفر دیگر آنرا امضا کردیم. دکتر بقائی نیز زیر امضایش تاریخ گذاشته که آن تاریخ نشان میدهد این طرح قبل از کشته شدن رزم آرا تهیه شده و به دلیل اینکه آنوقت هم مجلس مرعوب دولت وقت بوده ما نتوانستیم این طرح را به امضای کافی برسانیم. آقایان ما در دروازه خود را به روی هیچ مملکتی نمیتوانیم ببندیم ما جنبه اقتصادی نفت را طوری باید ترتیب بدهیم که ملت ایران از آن منتفع شود نه آنکه وعده های دروغ به مردم بدهیم.

امروز رویه ای حکومت اتخاذ کرده که تمام مردم را با یکدیگر خونی کرده است و آن وحدتی که ما درست کرده بودیم بکلی از بین رفته است و همین وسیله استفاده خارجی ها است. ما هیچوقت دکتر مصدق را کاندید نخست وزیری نکردیم و هیچ وقت در جبهه ملی صحبت از نخست وزیری دکتر مصدق نبود زیرا ما ابزار حکومت نداشتیم و کسی هم نبود ، برای اینکه دوره 20 ساله تمام اشخاص حساسی را کشتند و از بین بردند و امروز یک مشت پیر و پاتیل مثل بنده باقی مانده اند که بدرد هیچ کاری نمیخورند. رضاخان تخم رجال را از این مملکت برانداخت و یک مشت نوکر تربیت کرد.

بهرحال جناب دکتر را دیگران کاندید نخست وزیری کردند و کسانی که در دوره 15 تا پای جان برای نهضت ایران فداکاری کردند امروز لجن مال میشوند و کسانی که در زمان رضا خان مشیر و مشاء و نایب رئیس مجلس بوده اند حالا زمام شرکت نفت را در دست گرفته اند. بهر حال چون من فکر میکردم صدماتی که جناب دکتر در زمان حکومت رضا خان کشیده او را عوض کرده است در موقعی که پیشنهاد نخست وزیری

ایشان شد ما با او مخالفتی نکردیم ولی هیچوقت فکر نمی‌کردیم که روزی برسد که دکتر مصدق ملعبه ایادی انگلستان شود. ولی باز هم من فکر می‌کردم که اشتباه می‌کنم تا موقعی که مسأله اختیارات به میان آمد من فکر کردم آخر این آدم که هیچوقت از روی تخت‌خواب بلند نمی‌شود چطور می‌تواند اختیارات کامل داشته باشد؟ رضا خان با آنهمه قلدری این کار را نکرد ولی سنگر نفت که ناندانی عجیبی شده یک مرتبه پناهگاه اعوان و انصار جناب دکتر شد و بلوائی ایجاد کردند ولی من برحسب وظیفه وجدانی خود با آن مخالفت کردم و حالا چرا سلب اعتماد از دکتر مصدق کردم؟ برای این مطالبی که فهرست وار عرض کردم.

31 اردیبهشت 1332

آقای حایری زاده بدنبال اظهارات خود در روز 29 اردیبهشت با استفاده از وقت آقای میراشرفی امروز بعد از ذکر خلاصه سخنان خود اظهار داشتند درباره نفت در جلسه گذشته ما می‌گفتیم حساب 50 ساله را رسیدگی کنید ولی ایشان لایحه 9 ماده را آوردند. از ایشان سؤال کردم این غرامت چیست در اینجا نوشته اید؟ ایشان گفتند این را هم احتمالی نوشتیم. و بالاخره این قانون را به ضرر ملت درست کردند (مهندس رضوی اظهار داشت آقای حایری زاده این خبر ها نبوده، این حرفها خیانت است) دکتر مصدق دردادگاه لاهه آن قسنت هایی که به نفع ایران بود فراموش نکردند. ما جنگ برای سازش نکردیم! و تا جایی که ما سوء ظن نداشتیم با او کمک می‌کردیم، با در تحت تاثیر جناح چپ انگلستان واقع شد و عمال آن این پیر مرد را برگرداندند.

انگلستان چه می‌خواست غیر از بدبختی و بیچارگی این ملت، انگلستان باید اختلاف در این مملکت بیندازد که بتواند حکومت کند. آقای دکتر مصدق از کارهای خود دفاع نمی‌کند و روزنامه های ارگانش هم اقلیت را لندنی مینویسد، حایری زاده لندنی است یا فاطمی؟ کدام لندنی هستند؟ خجالت دارد، برای کوتاه کردن انگلستان این قیام را کردیم و ما مقصودمان از این عمل این بود که وضع زندگی این ملت خوب شود. این بازار، این بیچارگی، این بدبختی محصول حکومت دو ساله او است.

اظهارات آقای دکتر سنجابی

مدتی بود که در این مجلس عده ای درد افشای حقایق و پرده برداشتن از اسرار عظیم داشتند و می‌گفتند ای ملت ایران هوشیار باشید که دکتر مصدق و نمایندگان نهضت ملی از افشای حقایق می‌ترسند و جلوگیری

مینمایند. بالاخره پس از تشنج زیاد و انتظار بسیار روز موعود افشای حقایق رسید.

حقایقی را که آقای حایری زاده مادر یا نامادری آن باشد انتظار داشتند که چیزهای تازه و عجیب و شنیدنی باشد ولی دیدیم و شنیدیم که چه بودند. آقای قنات آبادی از نهضت مقدس ملت ایران صحبت به میان آوردند و فرمودند که مبارزین با استعمار انگلستان در ابتدا عده معدودی بودند و اشخاصی که این نهضت را آغاز کردند افتخار تقدم را دارند. کسی منکر این امر نمیتواند باشد جوانمردی و فداکاری آن اشخاص فراموش شدنی نیست. ملت ایران هم بزرگترین پاداش را به آنها داده است و بزرگترین تقدیر را از آنها نموده است ولی مطلب این است که چه شده که اکنون بعضی از آن اشخاص از صف ملت ایران جدا شده اند؟ اساس این نهضت همانطور که ایشان بیان فرمودند مبارزه برعلیه سیاست دیرین استعماری انگلیس بوده است آیا نهضت ملت ایران به نتیجه نهائی رسیده است که مبارزین اولیه پس از وصول به هدف هرکس بدنبال کار و متافع و هوس ها و اقراض شخصی خود برود و یا کسی که اداره رهبری این نهضت بی نظیر به او سپرده شده است از اصول آن منحرف گردیده که اکنون با او باین شدت و بی انصافی مخالفت میشود؟ چه شده است که مخالفین و معاندین دیروزی جزء یاران و مؤتلفین امروزی شما شده اند؟

انحراف از نهضت ملی یعنی سازش و همکاری با سیاست استعماری انگلیس ، آیا واقعاً قابل قبول است که دکتر مصدق با آنهمه تدبیر و شجاعت و کاردانی قانون ملی شدن نفت و سپس اجرای آنرا رهبری کرد و اکنون با سیاست استعماری هرچه و از ناحیه هرکس باشد سازش نماید؟

دکتر مصدق که حاضر نشد در مذاکره با هیأت نمایندگی شرکت نفت که با جانسون به ایران آمده بود کوچکترین انحرافی از قانون ملی شدن نفت را قبول نماید ، مصدقی که در مقابل هریمین و استوکس ایستادگی نمود، مصدقی که فشارهای روز افزون ترومن که به صورت ظاهر فریب، میانجیگری اظهار میشد کوچکترین تأثیری در اراده ثابت او نکرد ، مصدقی که با آن شهامت و جوانمردی در شورای امنیت از متافع ملت ایران دفاع کرد و پیروز شد.

مصدقی که جریان دادرسی لاهه را به نفع ملت ایران به پایان رسانید و به بزرگترین و ارجمندترین پیروزی‌ها نایل آمد ، مصدقی که در کنسولگری‌ها یعنی لانه‌های جاسوسی سیاست استعماری انگلستان را بست که هنوز نوکران و مزدوران آن خانه‌ها با حسرت یاد آن ایام میکنند و با ندبه و زاری از آن دیوارها معجزه برقراری مجدد بساط جیره خواری را می‌طلبند. مصدقی که با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد ، مصدقی که پیشنهاد ترومن و چرچیل را با سرسختی رد نمود آیا قابل قبول اسیت که چنین مردی که در دوران عمرش کوچکترین خبط و خیانتی نسبت به مصالح ملت خود نکرده اکنون پس از آن همه مبارزات ، پس از این همه پیروزی‌ها ، پس از اینهمه افتخارات جاودانی با دشمن مکار و غدار ملت ایران سازش نماید؟

کسانی که چنین حرف‌هایی می‌زنند مخصوصاً آنهایی که از همکاران و هم قدمان اولیه دکتر مصدق و یا پیشروان نهضت ملی بوده و اکنون رفیق نیمه راه شدند، باید برای توضیح عمل و انحراف نابخشودنی خود یکی از این دو چیز را ثابت نمایند.

یا باید ثابت کنند که در مشی مبارزه دکتر مصدق با سیاست استعماری تغییری حاصل شده و یا باید ثابت نمایند که از اول در اساس این نهضت و ملی کردن صنعت نفت انگلستان دست داشته و آنها فریب خورده بودند.

کسانی که مدعی انحراف یا زمینه سازی برای سازش هستند چرا آن را فاش و آشکار نمیکنند؟ چرا پس از اینهمه لاف و گراف که پرده‌ها را بالا میزنیم و حقایق را آشکار میکنیم چیزی از این مقوله نمی گویند؟ چون درباره میهن دوستی و استقامت دکتر مصدق در برابر بیگانگان و سرسختی او در اجرای قانون ملی شدن نفت کوچکترین بهانه ای در دست ندارند مخالفت و کارشکنی غیر موجه خود را به این عنوان توجیه میکنند که اداره شرکت نفت به کسانی سپرده شده است که مدال وفاداری از دولت انگلیس یا شرکت سابق نفت گرفته اند.

هرکسی جزئی انصافی دارد باید تصدیق نماید که این حرف‌ها بهانه جوئی است و بهر حال مجوز مخالفت و کارشکنی‌هایی به این شدت نمیشود ، این یک یا چند نفری که مورد ایراد هستند خدمات و یا کارهای فنی داشته و اکنون نیز متصدی خدمات فنی میباشند ، آیا در خدماتی که باین اشخاص ارجاع شده تاکنون خیانتی ظاهر گردیده؟ بعلاوه این

اشخاص در امر ملی کردن و اداره نفت ایران چه اختیاری دارند که بتوانند خیانتی بنمایند.

آیا اختیار بستن قرارداد و تجدید امتیاز و یا مذاکره درباره غرامت و سایر دعاوی به آنها داده شده است؟ آیا این اشخاص بدون تصویب دولت میتوانند معامله ای درباره نفت بنمایند؟ شرکت ملی نفت از کار و تخصص آنها استفاده میکند بدون اینکه اختیاری در امور سیاسی و یا تجاری مربوط به نفت به آنها داده شده باشد.

همه میدانند که یکی از ایرادهای ملت ایران به شرکت نفت این بود که متخصصین ایرانی به اندازه کافی تربیت نمیکرد و بیشتر امور مهم نفت در دست انگلیسها و خارجی ها بودند ، در آن موقع ما میخواستیم ایرانیان متصدی همه امور باشند ، اگر چند نفر ایرانی در نتیجه تحصیلات عالی و یا کاردانی خود به درجه ای رسیده باشند که در شرکت نفت سابق متصدی خدمات بالنسبه مهمی بوده و در آن مدت هم صحت عمل و شایستگی نشان داده و مورد تقدیر شده باشند بدون اینکه خیانتی به دولت و ملت خود کرده باشند ، آیا انصاف خواهد بود که ما آنها را به بهانه اینکه در گذشته مورد تقدیر و رضایت کارفرمایان خود بوده اند از خود برانیم و از تخصص و کارشناسی آنها استفاده نکنیم؟

بلی در شرکت سابق نفت اشخاصی بوده اند که مأموریت سیاسی داشتند و جاسوسی میکردند و در امور داخلی مملکت به نفع شرکت مداخله میکردند ، این اشخاص باید از دستگاه شرکت ملی نفت رانده شوند و رانده هم شده اند ، حال یا وجود همه اینها فرض کنیم دولت در این امر اشتباهی کرده باشد ، آیا این اشتباه کافی خواهد بود تا با دولت مخالفت اصولی بکنیم؟ مگر این همان دولتی نیست که در دوره گذشته اگر وزراء خود را از رجال دوره سابق انتخاب کرده بود و شما با آن موافق بودید و به ملت ایران میگفتید که ما مجبور هستیم تا مدتی با همان ابزار گذشته کار کنیم ، حال چه شده است که استدلال خود را تغییر داده اید؟

فروش نفت با تخفیف

موضوع دیگری که در این روز ها بهانه بدست آقایان داده فروش نفت با تخفیف 50 درصد میباشد. بعضی آنها تاراج هستی ملت و جناب آقای دکتر بقائی زمینه سازی برای سازش های بعد معرفی میکنند ، این

هم از همان تهمت های جمال امامی و شوشتری است که در موقع اقامت استوکس به دکتر مصدق نسبت میدادند.

کسانی که مسبب این تحریکات واخلال گری ها در کار حکومت دکتر مصدق بوده اند آنها که در تضعیف حکومت و برای ساقط نمودن او میکوشند به این ترتیب دانسته یا ندانسته به سیاست انگلستان خدمت میکنند.

آقایان سیاست ما ونظر ما از روز اول درموضوع ملی کردن نفت معلوم بوده و همواره بر آن اصل ثابت و استوار هستیم. ما علیرغم دسته مزدوری که ابطال قرارداد باطل 1933 و یا ملی کردن نفت جنوب را پیشنهاد میکردند و علیرغم کسانی که طرق سازش دیگری را با دولت انگلستان و شرکت سابق پیشنهاد مینمودند به محکم ترین واستوار ترین اصل حقوقی بین المللی یعنی ملی کردن صنایع نفت در سراسر کشور متوسل شدیم و خدا را شکر میکنیم که در این راه تشخیص ما درست بوده و اتخاذ همین سیاست معقول ملی موجب گردید که ما را در جهان به پیروزی های درخشان نایل کند واکنون نیز در برابر خداوند متعال و در برابر ملت ایران بار دیگر عهد وپیمان می بندیم که تاپیروزی نهائی وتا آخرین نفس در این راه ثابت و پایدار باشیم.

اما اشخاصی هستند که اکنون در صف مخالف ما قرار دارند و خود را از دردکشان روز ازل میدانند و در این باره نظرات دیگری داشتند که اکنون به ذکر یک مورد آن میپردازم و آن نقل از شماره چهارشنبه 22 فروردین ماه 1329 روزنامه صغیر به قلم آقای دکتر مظفر الدین بقائی کرمانی استاد اخلاق است که برای راستی و آزادی قیام کرده است. باید در نظر بگیریم که این مقاله بعد از مبارزات دوره 15 و بعد از مبارزات انتخابات دوره 16 نوشته شده است ، در سر لوحه این شماره یک جمله تاریخی بسیار معنا دار و مطابق با خط درشت مرقوم شده وآن این است «حرف مرد یکی است» و بعد سرمقاله آن تحت عنوان "اندر پس مرگ ، چه دریا چه سراب" میباشد. در این مقاله آقای دکتر بقائی درباره ملی کردن نفت مرقوم میدارند:

«واین یک امربدیهی است که اگرما باهمان فرض محال نفت را بدست بگیریم ، اداره آن مسلماً بدست رجال عالیقدری مانند جناب آقای گلشانیان، جناب آقای دکتر اقبال ، جناب آقای دکتر زنگنه و یا اشخاص بسیار صلاحیت داری مانند جناب آقای بدر و جناب آقای ابتهاج خواهد

بود».... ما باید واقع بین باشیم، باید خوب توجه کنیم که این دستگاه نمیتواند کار کند و نمیخواهد مسئولیت قبول کند .

بعداً جناب دکتر بقائی در مقابل سیل احساسات و افکار عمومی و نهضت ملی شدن نفت از اظهار خودشان پوزش خواستند ولی من از ایشان سؤال میکنم آیا در عقیده خود درباره مهندس حسینی باقی هستند یا باز هم حرف مرد یکی است؟

در مقدمه این قسمت عرض کردم مخالفت با دکتر مصدق باید یکی از دو امر را ثابت کنند ، یا باید ثابت کنند که ایشان از سیاست مبارزه علیه سیاست استعماری انگلستان و پیروی از قانون ملی شدن صنعت نفت عدول کرده اند و یا ثابت نمایند که ملی کردن صنعت نفت اصلاً و از روز اول سیاست خود انگلستان بوده است.

نمیدانم عقیده آقای حائری زاده در اینمورد چیست؟ ولی درباره این نظریه دوم باید عرض کنم که این حرف گفته منفی باfan، و مستضعفین و مرعوبین و یا مزدوران و عمال محض انگلستان است . چگونه میتوان تصور نمود که دولت انگلیس و شرکت سابق نفت نشستند و نقشه ای کشیدند که نتایج آن برای انگلستان از این قرار می باشد:

از دست دادن حیثیت و مقام و اهمیت انگلستان در تمام خاور میانه و آسیا و تشویق ممالک دیگر خاور میانه به اقدامی نظیر آن .
از دست دادن یک پایگاه مهم سیاسی و ارتباطی در آسیا و خاور میانه

از دست دادن سالی متجاوز از یکصد میلیون درآمد .
از دست دادن سالی متجاوز از ششصد میلیون دلار ارز خارجی .
از دست دادن نفت مفت برای بحریه انگلستان .
و محروم نمودن چند هزار نفر انگلیسی از حقوق و وسایل بی نظیر زندگی در دنیا .

اگر فرض کنیم انگلیسی های زیرک میخواستند نفت ایران را برای خاطرمنافعی که تصور میکردند از دست بدهند چرا باین طریق متوسل میشدند که هم در دنیا پرستیژ خود را از دست بدهند و هم منافع هنگفت خود را و هم در همین حال بیست میلیون مردم ایران را از خود متنفر و بدبین سازند؟ و چرا مثل لنین یکباره الغای امتیازات دوره تزاری

را در ایران نمود ، لغو قرارداد 1933 را اعلام نمی‌کردند که محبوبیتی هم در دل ایرانی ها بدست آورده باشند؟

این جمله را هم برای آقایانی که به او رأی داده اید و از او در مقابل حملات جمال امامی و شوشتری که عیناً نظیر اتهامات امروز شما است حمایت کرده اید و یا در توطئه و نقشه های او شریک بوده اید که در اینصورت عالماً و عامداً ملت خود را فریب داده اید و حق ندارید که برای مبارزات خود در نهضت ملی ایران افتخاری برای خویش قائل باشید و یا خود شما فریب خورده اید. در این صورت اشخاصی که اینقدر گول و ساده و زود باور و مستعد انحراف هستند، برای حایری زاده باید از خود اضافه کنم شما که میگوئید و یا می‌خواهید چنین وانمود کنید که دکتر مصدق از روز اول در حلقه سیاست انگلستان بوده و نقشه های آن دولت را در کشور خود بازی کرده است هرگاه این ادعای کاذب و بی اساس و توهین آمیز شما راست باشد دراینصورت شما و نظایر شما که از اول و سالها در این مبارزه با دکتر مصدق همراه و همقدم بوده اید و در جبهه ملی او وارد شده اید و در ملی کردن صنایع نفت با او شریک بوده اید فریب خورده باشند حق زعامت و رهبری ملت را ندارند و از کجا معلوم است که گول وسیله و نیرنگ سیاست مکار و محیل دیگری را نخورده باشید؟

قتل مرحوم افشار طوس

درموضوع قتل مرحوم افشار طوس آقایان قنات آبادی و دکتر بقائی اظهاراتی فرمودند در قسمتی که مربوط به شخص آقای دکتر بقائی است اینجانب هیچگونه اظهار نظر نمیکنم زیرا عضویت کمیسیون دادگستری را دارم و به وظیفه وجدانی خود عمل خواهم کرد و هرگونه اظهار نظری را قبل از اینکه مدارک و سوابق رسیدگی شود ممکن است قضاوت قبلی تلقی شود نموده و عرض میکنم و وجداناً تعهد مینمایم که هرگاه جناب آقای دکتر بقائی یکی از چهار مطلب زیر را ثابت نماید:

- اول - افشار طوس برده و کشته نشده است .
- دوم - درصورتیکه برده و کشته شده باشد مربوط به اشخاصی که متهم شده اند نیست ، بلکه اشخاص دیگری عامل آن بوده اند.
- سوم - درصورتیکه شرکت و مباشرت متهمین ثابت باشد ولی آقای دکتر بقائی ثابت کنندکه موضوع ربودن افشار طوس درمنزل حسین خطیبی صحیح نبوده است .

چهارم - در صورتیکه انجام جرم ربودن در منزل خطیبی صورت گرفته باشد ولی ثابت نشود که حسین خطیبی و سایر متهمین در این موضوع ارتباطی با دکتر بقائی نداشته و آقای دکتر بقائی از جریان برکنار و بی اطلاع و دستگاه دولتی به منظور مخالفت سیاسی برای ایشان پرونده سازی کرده است .

من نه تنها کوچکترین نظری برخلاف ایشان اظهار نخواهم کرد بلکه از مدافعین جدی ایشان خواهم شد و در این باب دفاعی از ایشان خواهم کرد که دفاع معروف امیل زولا را از دریغوس تحت الشعاع خود قرار دهد.

آقای قنات آبادی در نطق خود این طور وانمود کرده اند که دستگاههای دولتی در قتل افشار طوس دخالت داشته اند ، ضمناً گویا خواستند آن را مربوط به تیمسار ریاحی بکنند ، ایشان به مردم وعده داده بودند پرده ها را بردارند و اسرار را فاش کنند ولی این بیان ایشان یک ادعا و تهمت صرف است و کوچکترین دلیل و قرینه ای به آن اضافه نکردند و معلوم نیست کی این حقایق را بیان خواهند کرد و تا موقعی ادعای خود را ثابت نکنند بر طبق معمول قانون عنوان دیگری غیر از مفتی در مورد ایشان صدق نمیکند. آقا شما با دولت مخالف هستید اگر واقعا راست میگوئید و دولت اسباب این قتل و سرقت و جنایت را فراهم کرده است چرا آن را بیان نمیفرمائید؟ چرا آنرا آشکار نمیکنید؟

آقای دکتر بقائی بحث مفصلی راجع به شکنجه و آزار متهمین کرده اند و از صندلی آهنی مجهولی که با شمع سرخ میشود صحبت به میان آوردند ، تمام این حرفها و اتهامات از ناحیه ایشان ادعا است و به ثبوت نرسیده و بطور مکرر از ناحیه مقامات رسمی و خود متهمین هم تکذیب شده است. حتی خدا شاهد است شوهر مزینی که بعد از دو روز آزاد شده بود به منزل اینجانب آمد و از او پرسیدم که آیا شما را شکنجه کرده اند؟ اظهار داشت به هیچوجه شکنجه ای در کار نبوده است.

تا آن درجه اطلاعی که من دارم به وجدانم قسم میخورم که شکنجه داده نشده است ولی شما اگر راستگو هستید اول باید ثابت نمایید که این اشخاص عامل ربودن و کشتن مرحوم افشار طوس نبوده اند ، آن وقت بیان و ادعای شما که متهمین بی گناه آزار و شکنجه وارد کرده اند مؤثر و قابل توجه میشود. اکنون این ادعای شما شبیه حرف جیب بری است که جیب شخصی را زده باشد و شکایت نماید وقتی که

دست در جیب آن شخص کرده است دست او را پیچانیده و صدمه به او وارد آورده است.

چرا درمورد شکنجه و آزاری که به افشار طوس وارد آمده اند هیچگونه رقت قلبی پیدا نمیکنید؟ آیا با آن فجایع که خوانده اید، بیهوش کردن و طناب پیچ نمودن و چاقو زدن و خفه کردن و نیمه جان در گودال فرو بردن شکنجه و آزار نیست؟ آخر توضیح بفرمائید چه شده است که آزار و قتل یک بیگناه شما را متأثر نمیکند ولی ادعای موهوم وارد کردن شکنجه بر قاتلین و محرمین این همه حس راستی و آزادی طلبی شما را تحریک کرده است؟

شما باید بدانید تا به این نکته ها جواب ندهید حرف شما و فریاد شما و مغلطه شما درملت ایران ودرهیچ شخصی را که دارای وجدان سالم باشد مؤثر نخواهد بود.

افشای حقایق

آقای دکتر بقائی دیروز درنطق قبل ازدستورخود متذکر شد که دو پوشه از پرونده متهمین به قتل افشار طوس مفقود شده است، از طرف کمسیون دادگستری برای محافظت این پرونده و دقت در رسیدگی به آن چه تصمیمی گرفته خواهد شد؟

آقای میلانی رئیس کمسیون دادگستری مجلس پاسخ داد که اگر پرونده قتل افشار طوس و متهمین آن بدست من برسد تصرف در پرونده امری محال خواهد بود ولی این را از همین اکنون باید بگویم که ما پرونده موجود را رسیدگی میکنیم، رسیدگی ما نیز بدون حب و بغض و طرفداری از این و آن انجام خواهد شد، من خود به این مسؤولیتی که متوجه ما شده واقف هستم و بهیچوجه و بهیچ قیمتی حاضر نیستم برای آینده خود کوچکترین ناراحتی وجدان خریداری کنم.

17 تیر 1332

آقایان دکتر صدیقی وزیر کشور، لطفی وزیر دادگستری، دکتر علی اسمعیلی معاون پارلمانی و سیاسی نخست وزیر و آقایان پست و تلگراف و وزیر اقتصاد ملی به مجلس آمدند.

آقای دکتر صدیقی اظهار داشتند دولت برای پاسخ به استیضاح آقای زهری آمادگی دارند، استدعا دارد در اسرع اوقات زمانی تعیین فرمائید

که پاسخ لازم داده شود و ضمناً چون جناب آقای نخست وزیر کسالت دارند (حایری زاده - ایشان سالمند و باید در مجلس بیایند).

بهداری - بله آقا صحیح و سالم است باید بیاید.

میراشرافی-آقای ناخوش را میبرند بیمارستان یا دارالمجانین

وزیرکشورادامه دادچون جناب آقای نخست وزیرکسالت دارند من آقای دکترملکی را به سمت وزارت بهداشتی و جناب آقای مهندس عطائی را به سمت کفالت وزارت کشاورزی و آقای مبشر را به سمت کفالت دارائی معرفی میکنم.

رئیس اظهار داشت آقای نخست وزیر نامه ای نوشته اند راجع به تاریخ روز استیضاح وبنده هم که به سوابق مراجعه کرده ام سابقه داردکه وزراء یعنی وزیری که سابقه او بیشتر است از طرف نخست وزیر به عنوان پاسخ دهنده معرفی میشوند.

میراشرافی - بله ولی جواب استیضاح مرا باید خودش بیاید بدهد.

حائری زاده - اوسالم است به همه جا میتواند برود ، به سفارت روس و سفارت امریکا میرود ولی برای مجلس است که ناخوش است.

بهداری - بله آقا به او بگوئید باید به مجلس بیاید.

میراشرافی- طبق آئیننامه خود نخست وزیر باید به مجلس بیاید و جواب استیضاح را بدهد.
احمد فرامرزی- به او پیغام بدهید که خودش باید در مجلس حاضر شود.

میر اشرافی - مملکت را مسخره کرده اند نخست وزیری که به مجلس نیاید چرا نخست وزیر شده ؟ مملکت را نمیشود از زیر پتو اداره کرد ، چرا به او نمیگوئید به مجلس بیاید؟

زهری - طبق مواد 173 و 183 نظامنامه آقایان وزرائی که مورد استیضاح قرار گرفته اند باید به مجلس تشریف بیاورند ولی آقایان وزیر دفاع ونخست وزیر که مورد استیضاح هستند الان در مجلس نیستند.

رئیس - برای تعیین وقت به حضور همه وزراء احتیاجی نیست.
دکتر بقائی - آئین نامه صراحت دارد.

شمس قنات آبادی - مطابق آئین نامه جدید وزیری که استیضاح میشود باید در جلسه حضور داشته باشد، چه روز تعیین و چه روز استیضاح.

بقائی - من میخواستم همان مطلبی را که آقای زهری فرمودند عرض کنم. باید وزیر مورد استیضاح در جلسه حضور داشته باشد.

فرامرزی - آنچه در این یکساله ما میخواهیم به بعضی از رفقا حالی کنیم این است که آیا آخر عمر دولت ایران و مشروطیت ایران بعد از عمر مصدق سر میرود یا بعد هم ما باید مجلس و دولت و مشروطیتی داشته باشیم اگر آخر عمر ایران و مشروطیت ایران است حرفی نداریم ولی اگر قبول داریم که بعد از این هم مشروطیت باید باقی باشد جلوی آنهایی را که خلاف قانون رفتار میکنند باید بگیرد. آقای نخست وزیر دوسالی است که مریضند و به مجلس نیامده اند و آدم هم تا بیاید تذکر بدهد و علت را سؤال کنند میگویند خائن است. مشروطیت را فدای یک نفر نکنید باید بیاید اینجا و جواب بدهد.

رئیس - آقایان الان استیضاح مطرح نیست ، فقط بحث در تعیین وقت است یعنی تاریخ آن را میخواهیم تعیین کنیم اگر اجازه بفرمائید روز سه شنبه را برای استیضاح تعیین کنیم؟

بقائی - این برخلاف آئین نامه است زیرا روز تعیین استیضاح هم باید خود وزیر استیضاح شده حضور داشته باشد. طبق ماده 173 آئین نامه

قنات آبادی - اگر اجازه بفرمائید آئین نامه خوانده شود مسأله حل است.

احمد فرامرزی - باید متن آئین نامه خوانده شود.

میر اشرافی - در متن هم نوشته بجز آقای دکتر مصدق

رئیس - برای تعیین روز میتواند یکی از طرف دولت یا وزیر بیاید و مانعی ندارد.

20 تیر 1332

توهین به دولت

آقای دکتر مصدق در مورد جریانات جلسه 17 تیر که طی آن اقلیت مجلس جملاتی مشابه « اگر مریض است باید به دارالمجانین برود » توسط میراشرافی و یا « جناب دکتر مصدق به سفارت روس میرود » را توهین نسبت به خود و دولت تلقی کرده و معتقد است مادام که رفع توهین نشود به وزیر خود اجازه نخواهد داد در مجلس حاضر شوند.

امروز آقای میراشرافی هنگامی که از اطاق فراکسیون آزادی خارج میشد به خبرنگاران گفت به نظر بنده همه اش بهانه است من اصلا چندین اعلام جرم دارم. استیضاحی دیگر در مورد سیاست خارجی دولت تهیه شده که تا بحال به امضای 12 نفر از نمایندگان رسیده و منتظریم پس از تعیین تکلیف استیضاح آقای زهری آنرا تقدیم مجلس کنیم و از این بهانه جوئی های دولت هم باکی نداریم.

روش مخالفین

روشی که اقلیت برای تضعیف دولت در نظر گرفته این است که موضوع استیضاح از دولت را مرتباً ادامه دهند ، بدین معنی که به مجرد اینکه دولت به استیضاح زهری پاسخ داد، استیضاح دیگری از دولت بشود و روی همین نظر هم استیضاح دیگری درباره سیاست خارجی دولت تهیه کرده اند که تا بحال به امضای 12 نفر رسیده و قرار است پس از تعیین تکلیف استیضاح زهری تقدیم مجلس گردد و از طرف دیگر میخواهند از موضوع قهر دولت از مجلس استفاده نمایند و با توجه به آئین نامه داخلی مجلس بی میل نیستند که همین وضع ادامه یابد که در روز جلسه عدم حضور دولت را به عنوان عدم توانائی او در جواب دادن به استیضاح تلقی نموده و دولت را ساقط شده بدانند.

رفراندوم

نخست وزیر در ملاقات با نمایندگان فراکسیون نهضت ملی اظهار داشت در حال حاضر 90 درصد نیرو و قدرت دولت صرف مبارزه با اقدامات مخالفین و خنثی کردن تحریکات آنها میشود. در اینموقع که سیاست خارجی دولت به مرحله ای رسیده که بایستی از پشتیبانی مجلس کاملاً برخوردار باشد تمام توجه دولت معطوف به حملاتی است که

مرتبا در مجلس به او میشود. بدین جهت تصمیم نهائی من این است که طی یک نطق رادیوئی مشکلات کنونی دولت و اقدامات مخالفین را در میان بگذارم و برای ادامه حکومت خود «رفراندم» کنم و نظر ملت را نسبت به خود بخواهم.

به قرار اطلاع نخست وزیر در این تصمیم خود کاملاً مصمم است و با وجود مذاکرات زیادی که تاکنون با ایشان شده است به هیچوجه حاضر نیست از نظر و تصمیم خود عدول کند.

30 تیر 1332

نطق دکتر مصدق به مناسبت قیام 30 تیر

هموطنان عزیزم

به مناسبت تصادف با روز سی ام تیر به یاد بود شهیدانی که جان خود را در راه استقلال و عظمت کشور فدا کرده اند مراسمی بپا خواهید کرد که هم مراتب تکریم و احترام قلبی خود را به روح پاک این سربازان مجاهد راه حریت و آزادی تقدیم کنید و هم بدین وسیله ایمان و علاقه باطنی خویش را به ادامه مبارزه ای که این رادمردان فداکار در راه آن شربت شهادت نوشیدند ابراز و اظهار نمائید.

روز سی ام تیر در تاریخ مبارزات ممتد ملت ایران فراموش شدنی نیست زیرا در این روز تمام افراد ملت از هر طبقه و مقام در مقابل تحریکات اجانب یکدل و یک زبان قیام و اقدام کرده اند و تا به مقصود نرسیدند از پای ننشستند.

در این روز تاریخی عده ای از گرامی ترین فرزندان ما به افتخار شهادت نایل شدند و با خون پاک خود نهال آمال ملت را آبیاری کرده اند تا به همت آیندگان روزی بارور و سایه گستر شود و ملت ایران از نعمت امن و آسایش و استقلال واقعی و آزادی حقیقی برخوردار گردد.

اگر در آنروز آن مردم بیدار و هوشیار نبودند و این حادثه را با ایمان و علاقه بی شائبه خود نسبت به ادامه نهضت ملی تلقی نمیکردند و زمام سرنوشت خویش را بدست حوادث نامعلوم می سپردند نه تنها آینده خود را دچار خطرات عظیم کرده بودند بلکه به افتخارات گذشته خویش نیز خط محو و بطلان می کشیدند. اما خوشبختانه به عکس آنچه اجانب تصور میکردند ملت ایران با روشن بینی و بصیرت کامل به آینده خود می نگریست و خویشتن را برای مقابله با هر حادثه ای که

او را از ادامه مبارزه باز دارد آماده و مهیا می داشت و از هیچ مشکلی حتی مرگ بیم و هراس به دل راه نمی داد.

حادثه سی ام تیر بوته امتحانی شد که ملت ایران را در خود گذاخت و زر خالص او را از عیار فساد و تباهی جدا کرد و محک تجربه ای بود که افراد بی اراده و سست عنصر و همچنین خیانتکاران به مصالح ملی و دست نشانندگان سیاست اجنبی از آن آلوده و رسوا بیرون آمدند. پس اگر در این حادثه عده ای از عزیزترین فرزندان ما به درجه شهادت رسیدند برای وصول به هدف مقدسی بود که این قیام ملی در پیش داشت و فنانی ظاهری آنان ضامن بقای استقلال کشور و دوام حیات ملت شد و چون به طیب خاطر برای جهاد در راه حق و حقیقت و تقوی و فضیلت تن به مرگ دادند در این سودا سرمایه حیات و زندگانی جاوید حاصل کردند و در مقابل این فداکاری البته تا ایران باقی است نام این آزاد مردان در سربلندی و دیپاچه تاریخ افتخارات کشور به عظمت و بزرگی ثبت و ضبط خواهد شد و اثری که با خون پاک خود در تحکیم میانی ملت و اساس استقلال مملکت برجای گذارده اند یاد آن را پیوسته در دلهای ما و نسل های آینده باقی و برقرار خواهد گذاشت.

هموطنان عزیز ،

نهضت مقدس سی ام تیر نشان داد که ملت ایران در مبارزه با اجانب به پایداری و استقامت مصمم است و ثابت کرد که این ملت آنجا که پای شرافت و استقلال مملکت در میان باشد مرگ را بر زندگی آلوده به ننگ و رسوائی ترجیح میدهد و به هیچ قیمت از ادامه نهضتی که آن را به بهای خون فرزندان خود خریده است باز نخواهد ایستاد.

لا بد بخاطر دارید که سال گذشته در چنین روزهایی دولت از ادامه خدمتگذاری مأیوس شد زیرا از هر جانب خود را با موانع و مشکلاتی مواجه میدید که دست سیاست اجنبی فراهم کرده بود. در آن ایام نیز مانند این روزها دست تحریکات و دسایس اجانب از هر جانب در کار بود و دولتی که می بایست تمام کوشش و نیروی خود را در آن دقایق حساس در راه پیشرفت آمال ملت صرف کند بیشتر اوقات خود را برای مقابله و مواجه با این گونه تحریکات مصروف میداشت و در نتیجه از هدف اصلی خود که پیشرفت نهضت ملی بود باز میماند و این تنها آرزوی بیگانگان بود که دولت را خسته و ناتوان کنند و از میدان مبارزه بدر برند، عاقبت این گرفتاری ها و کارشکنی ها دولت را در تنگنا و فشار گذاشت که راهی جز کناره گیری در پیش نداشت و ناچار شد بار

مسئولیت را که ملتی بر دوش او گذاشته است در نیمه راه مبارزه بر زمین گذارد.

اما بلافاصله معلوم گشت که ملت ایران با کناره گیری این دولت از کار موافق نیست و بهر قیمت که ممکن باشد نخواهد گذاشت این جهادمقدس بی نتیجه و ناتمام بماند.

قیام بی نظیر سی ام تیر و فداکاری بی مانندی که عموم افراد ملت در این روز از خود نشان دادند نمودار واضحی از عزم راسخ ملت ایران به دوام و بقای نهضت ملی بود که به صورت ابراز عقیده عمومی دائر به بقا و ادامه خدمت گزاری این دولت درآمد. این رستاخیز ملی ثابت کرد که مردم ایران با واقع بینی و توجه کامل به مصالح خویش را خود انتخاب کرده و دیگر به هیچ قیمتی از آن باز نخواهد گشت. بیگانگان که در کمین بودند پس از این واقعه دانستند که این بار برخلاف انتظار با ملتی بیدار و علاقمند به استقلال خویش سر و کار پیدا کرده اند و دیگر ممکن نیست با حيله و نیرنگ این ملت را از ادامه طریقی که به دشواری پیموده است بازدارند و او را به همان سر منزل اول برگردانند و مردمی را که برای تأمین مقاصد حقه ملی خود با کمال شهامت و شجاعت حتی تن به مرگ داده اند بفریبند.

امروز هم اگرچه نفع طلبی عده ای معدود روزنه امیدی در پیش چشم آنان گشوده است و در تاریکی پاس و حرمان راهی در پیش پای مطامع خود می بینند ولی چون هنوز اکثریت قریب به اتفاق ملت در عزم خود راسخ و در تصمیم خویش پایدار است هرگز به مقصود نخواهند رسید و از این غبار کدورت کمترین گردی بر دامن ملت ایران نخواهد نشست.

هموطنان عزیز ،

قیام سی ام تیر و جانفشانی و استقامت بی دریغ ملت و قطع امید اجانب از اینکه بتواند در مبانی اتحاد و اتفاق ما رخنه ای ایجاد کنند در پیشرفت ملت ایران به سوی مقصد و هدف نهائی خود بیش از آنچه بتوان گفت پر ارزش بود و مفید و مؤثر افتاد ، اکنون بر ما فرض و واجب است این سرمایه معنوی را که در بهای خون پاک عزیزان بدست آورده ایم و بزرگترین ضامن پیروزی ملت در این مبارزه و جهادمقدس خواهد بود مفت و رایگان از دست ندهیم و اتحاد و اتفاق خود را با کمال دور اندیشی و خالی از هرگونه شائبه و غرض ورزی و کینه توزی حفظ کنیم و نگذاریم حریف مکار این حربه قاطع را از دست ما بگیرد و با ایجاد نفاق

و پراکندگی ما را چنان بخود سرگرم و مشغول کند که آمال ملی خویش را بکلی فراموش کنیم و از پیشرفت بسوی مقصد نهائی باز مانیم.

ملت ایران اگر خواسته باشد در ردیف سایر ملل بزرگ جهان مقام و موقعیتی را که شایسته او و گذشته پر افتخار او است بار دیگر احراز کند باید از محرومیت و مشکلات نگریزد و از فداکاری و جانبازی نترسد. ما نباید زندگی را بهر صورت و بهر کیفیت که به ما عرضه میشود دوست بداریم و بدان قانع و خرسند باشیم اگر زندگانی توأم با آزادی و استقلال نباشد پیشیزی ارزش نخواهد داشت.

برای رسیدن به این هدف عالی تاریخ زندگی ملل بزرگ عالم شاهد مبارزات و مجاهدات و گذشت ها و فداکاری ها است سرنوشت ملت ایران نیز در طول تاریخ خود همواره با اینگونه محرومیت ها و مصائب توأم و همراه بوده است و در همه این موارد ملت ما موانع و مشکلات را با بردباری و شکیبائی تحمل و تلقی کرده و سرانجام از آن پیروز و سربلند بیرون آمده است.

جای تأسف نیست که جمعی از برادران و فرزندان گرامی ما در واقعه 30 تیر جان خود را در راه حفظ سعادت و عظمت ملت ایران فدا کرده اند و با این فداکاری سرمایه افتخار جاوید برای خود و خاندان خویش اندوخته اند. جای تأسف موقعی خواهد بود که خدای ناخواسته ملت نتواند از این فداکاری های بی دریغ فرزندان خود نتیجه ای که لازم است بدست آورد و از این خون های مقدس که ریخته شده بهره ای که شایسته است نتواند تحصیل کند، آنهم یقین دارم که با حسن تشخیص و موقع شناسی ملت ایران هرگز پیش نیاید و آرزوی ما در حفظ استقلال و تجدید دوران مجد و عظمت دیرین این کشور باستانی هرپه زودتر تحقق پیدا کند.

آموزه ای برای تمام قرون

5 مرداد 1332

پیام نخست وزیر

هموطنان عزیز ، یک سال پیش هنگامی که اینجانب از مسافرت لاهه به خاک وطن عزیز مراجعه کرده بودم و همه در انتظار صدور رأی دیوان بین المللی دادگستری بودیم مشکلاتی در راه دولت بوجود آمد که خدمت گذار ناگزیر از کار کناره گرفت ، اما شما ملت رشید ایران که همواره با واقع بینی خاص متوجه حقایق امور بودید نگذاشتید دشمنان نهضت ملی ایران به آرزوی خود برسند و نهالی را که پس از مرارت ها و زحمت های زیاد با خون دل مردم ایران آبیاری شده بود ریشه کن کند.

از این رو با یک قیام جانانه و با ایثار خون خود در روز تاریخی سی ام تیر دست عمال اجنبی را از کار کوتاه کردید و ملل دنیا را از این قوت نفس و قدرت اراده دچار اعجاب و شگفتی ساختید ، در نتیجه این دولت بار دیگر با استظهار به حمایت و پشتیبانی بی دریغ شما زمام امور را بدست گرفت و با تأییدات خداوند متعال و به اتکاء شما مردم فداکار توانست با وجود مشکلات فراوان مبارزات خود را با اجانب در راه تأمین استقلال کشور ادامه دهد و بقدر امکان درانجام اصلاحات داخلی با وضع و اجرای لوایح قانونی سودمند قدمهایی بردارد.

در طی این مبارزه و اصلاحات که بنا بر اراده ملت ، دولت بدان دست برد البته منافع عده ای در خطر افتاد و مسلم بود که آنها حاضر نمیشدند به آسانی از مطامع خویش صرفنظر کنند و طبعاً هرچه دامنہ اصلاحات توسعه می یافت بر عده ناراضی که این بار برخلاف گذشته نمیتوانستند با خدعه و تزویر خود را با وضع موجود تطبیق دهند افزوده میشد و بیگانگان نیز که از هر فرصتی استفاده میکنند با تحریک و تقویت این عده و هماهنگ ساختن فعالیت های آنها می کوشیدند تا هر روز مشکلات تازه ای ایجاد کرده و سر انجام دولت را به زانو درآورند.

حوادث غم انگیز نهم اسفند و توطئه قتل فجیع سرلشگر افشار طوس و تحریک برای ایجاد بلوا و آشوب در بین عشایر و حملات زننده به خدمتگذاران مملکت و استفاده از تریبون مجلس شورای ملی برای حملات غرض آلود به دولت و تعطیل مشروطیت با منجر ساختن مجلس از ایفای وظیفه اصلی خود توسط اقلیت و بالاخره طرح نقشه سقوط دولت با بکار بردن دسایس اوضاعی بوجود آوردند که سد بزرگی در راه دولت ایجاد شود ، بطوری که قسمت اعظم وقت دولت مصروف آن میشد که از این اخلالگریها و کار شکنی ها جلوگیری کند و نگذارد

عناصر ضد ملی در کار خویش توفیق حاصل کنند و نهضت ملی ایران را سرنگون سازند.

آنچه در این ماجرا شایان توجه میباشد این است که حملات و اعتراضات مخالفین به تحریک اجانب همواره وقتی رو به شدت می نهاد که ایران از لحاظ سیاست خارجی در موقعیت مناسبی قرار گرفته بود چنانکه کارشکنی مخالفین که منجر به انقلاب تاریخی سی ام تیر شد نیز هنگامی صورت گرفت که رأی دیوان لاهه در شرف صدور بود. بدیهی است تنها وقوع همین حوادث در چنین مواقع خاص کفایت می نمود که مردم بیدار و هوشیار ایران از منشاء تحریک و منبع الهام مخالفین ادامه نهضت ملی ما بخوبی آگاه شوند.

در میان این مشکلات دولت به اتکاء ملت راه خود را با کمال استقامت ادامه میداد و چون از نعمت اعتماد مردم برخوردار بود از هیچ مشکلی هراس نداشت و در طی متجاوز از دوسال خدمتگذاری مراحل بسیاری از مبارزات ملت ایران را با حسن ختام به انجام رسانید اما این موفقیت ها آسان بدست نیامد و در تمام مراحل ملت ایران در خارج و داخل با کارشکنی ها و اخلاصگری های اجانب مواجه بوده است و اکنون هم که مراحل چندی از این مبارزه با موفقیت طی شده و امید میرود بزودی با قطع نفوذ اجانب و تأمین استقلال واقعی مملکت آمال ملت ایران جامه عمل بپوشد.

هنوز آن تحریکات و دسایس باقی است و بیگانگان که بر اثر اتحاد کلمه و اتفاق مردم مملکت خود را با اینگونه شکست مواجه می بینند می کوشند تا این اتحاد و یگانگی را به اختلاف و نفاق مبدل سازند و مخالفین داخلی را که هر یک به عللی علم مخالفت برداشته اند به یکدیگر نزدیک نموده و به این طریق دولت را از میدان مبارزه بدر و راه را برای تأمین منافع دیرین خود بار دیگر هموار کند.

هموطنان عزیز ، چنانچه عرض شد قدمهایی که تاکنون برداشته شد بعد از مشیت الهی به واسطه اتحاد کلمه و پشتیبانی و حمایت عموم ملت ایران بوده است و هرکس ادعا کند که در این کار سهمی و حقی بیش از دیگران داشته ادعایش باطل و بی اساس است. ما همه در این مبارزه با هم همکاری کردیم و نتایجی هم که بدست آمده بر اثر همین همکاری متقابل و صمیمانه بوده است. امروز هم اگر بر اثر اغراض خصوصی عده ای منحرف شده باشند در صورتی که ملت ایران با

منحرف شدگان همکاری نکند و آقایان را از خود براند اقدامات اجانب بجائی نخواهد رسید و دولت به هدایت ملت بی دغدغه خاطر راه خود را با کمال ثبات و استقامت ادامه خواهد داد.

در میان مخالفین امروزی عده قلیلی هستند که از شروع این نهضت از همفردمان و همراهان بوده اند ولی به علتی که ترک ذکر آن اولی است اکنون ملت را در آخرین مراحل پیروزی رها ساخته و در تضعیف دولت و جلوگیری از پیشرفت آمال ملی حتی از مخالفین قدیم هم پیش افتاده اند. اگر نهال نهضت ملی ایران که با خون پاک فرزندان برومند این کشور آبیاری شده به ثمر رسیده بود و یا در مبارزه دولت با اجانب و تأمین سعادت و استقلال ملت ایران اندک انحرافی حاصل شده بود اینگونه نفاق ها و خصومت های فردی و غرض ورزی های شخصی محملی داشت و ممکن بود مخالفت آنان را بطریقی موجه قلمداد نمود ولی با وضع فعلی هیچ نمیتوان گفت که این عده به کدام دلیل قابل قبول در این دقایق حساس خود را از سرنوشت ملت خویش جدا ساخته و علم مخالفت برافراشته اند؟

آیا مخالفین فعلی تصور نمیکند در صورت ادامه این وضع ثمره فداکاری ها و جانبازی های چندین ساله ملت ایران که اکنون به آخرین مراحل خود نزدیک میشود بهر رود لعن و نفرین ابدی برای آنان در تاریخ خواهد ماند؟ در مبارزه ای که اکنون در پیش گرفته ایم دو راه بیشتر وجود ندارد ، یا مقاومت و پایداری که پایان آن سعادت و استقلال واقعی و عظمت ملت ایران است یا انقیاد و تسلیم که نتیجه اش ننگ و رسوائی ابدی و محرومیت از مزایای حکومت ملی و تحمل مقاصد و مظالم حکومت های فردی و دیکتاتوری است.

هموطنان عزیز، اکنون بیگانگان با تمام قوا میکوشند که در صفوف متحد ملت ایران رخنه کنند ، متأسفانه در مجلس شورای ملی هم که حقاً میبایست بزرگترین مرکز مبارزه با اینگونه افکار باشد کانونی برای پیشرفت مقاصد سوء آنها تشکیل شده است. در این مجلس گروهی از مخالفین با پیروی از سیاست بیگانه، با بعضی از منحرف شدگان میکوشند که زمام امور را به دست دولتی بدهند که بتواند مطامع بیگانگان و منافع آنان را تأمین کند و برای انجام این منظور تریبون مجلس را وسیله ای برای تبلیغات مضره خود قرار داده اند.

با مشکلات فراوانی که در پیش است دولت نمیتواند این کار شکنی ها و دسایس را تحمل کند و به این عده مجال دهد که با سرنوشت ملت ایران بازی کرده و مجلس شورای ملی را جولانگاه مقاصد شوم خود قرار داده و عرصه را بر اکثریت نمایندگان دلسوز و علاقمند به مصالح کشور تنگ کنند. شاید در هیچ یک از ادوار قانونگذاری سابقه نداشته باشد که عده ای از نمایندگان مجلس تا این حد احترام این مرجع بزرگ را که کانون آرزوها و آمال ملت است از بین ببرند. کسانی که برای حمله بدولت بیشتر اوقات از حربه عدم نظم و امنیت استفاده میکردند و به دولت اعتراض مینمودند خود آنها مرکز قانون گذاری را به صورت بی نظم ترین و نا امن ترین مراکز درآورده اند و بجای اینکه دولت را در اجرای لوایح قانونی عام المنفعه و سودمند یاری کنند هر روز به نحوی در کار دولت و مجلس شورای ملی کارشکنی میکنند.

این آقایان برای آنکه مقاصد خود را جامه عمل پوشانده و بشدت به دولت بتازند موضوع مشکلات مملکت و فقر و بیچارگی مردم را بهانه و دستاویز میکنند و حال اینکه این مشکلات و فقر و بدبختی چیزی نبوده و نیست که در دو سال اخیر بوجود آمده باشد ، بلکه اینها ثمره صد و پنجاه سال تسلط اجنبی بر ایران بوده است. از اینها گذشته اگر در خلال یکی دو سال اخیر مشکلاتی از لحاظ مالی و بازرگانی بوجود آمده این موضوعی است که یک ملت وارد در مبارزه و پیکار باید آنرا تحمل کند زیرا هیچ کس نیست نداند متجاوز از دو سال است با یکی از مقتدر ترین دول استعماری روی زمین وارد یک مبارزه اقتصادی و سیاسی شده ایم و بدون شک در این پیکار حیاتی وضع حریف با همه کمک هایی که متحدینش به او میکنند از ما بد تر است و هنوز پس از 8 سال که از جنگ دوم جهانی میگذرد بسیاری از مواد خواربار در آن کشور جیره بندی است و از لحاظ مالی و اقتصادی به تصدیق مسئولین آن کشور در آستانه ورشکستگی قرار دارد.

بنابراین در روزهای جنگ سربازانی که بخاطر مقاصد عالی و هدفهای ملی قدم در میدان مبارزه میگذارند باید انتظار ناملایمات و محرومیت هایی را هم داشته باشند و کسانی که تنها راحت و آسایش خود را میخواهند هیچگاه نباید قدم به میدان کارزار بگذارند. ملت هایی که برای احقاق حقوق از دست رفته و در راه آزادی و استقلال خود وارد پیکار شده اند سالها فداکاری و جانبازی و از خود گذشتگی کرده اند تا به مقصود خود نائل شده اند. ملت ایران نیز در طول تاریخ درخشان خود قرن ها با دشمنان خود پیکار کرده و فداکاری ها نموده و قربانی ها داده

تا دست اجانب را از خاک وطن کوتاه کرده . مبارزاتی را هم که ملت ایران دو سال است آغاز نموده برای ریشه کن ساختن یک تسلط شوم صد و پنجاه ساله از بیگانگان است که با همه سر سختی و کینه توزی در عرض همین مدت کوتاه موفقیت های بزرگی نصیب آن شده و انعکاس آن حتی در کشور های مختلف گیتی موجب تحسین و تمجید ملل آزاد گردیده است.

در خلال 27 ماهی که از عمر این دولت میگذرد مخالفین نهضت ملی ایران که جز منافع خصوصی و اغراض شخصی منظوری ندارند در همه جا بر علیه مصالح مملکت قیام کرده اند. این مخالفت ها طی ماه های اخیر از صفحات بزحی از جراید و اجتماعات تجاوز کرده و به مجلس شورای ملی کشیده شده است بطوری که میتوان گفت مجلس در ماه های اخیر به صورت هسته مرکزی و پایگاه اصلی این اخلال گریها درآمده است.

هدف مخالفین و منافقین علاوه بر اخلال در کار دولت این است که اصلت نهضت ملی ایران را لکه دار کنند و به دنیا اینطور بفهمانند که دیگر کسی طرفدار این نهضت بزرگ تاریخی نیست ولی مردمی که موجب این رستاخیز عظیم هستند و با خون خود اوراق این نهضت مقدس را نگه داشته اند طی تظاهرات پر شور و پر هیجان خود نشان داده اند که نهضت ملی ایران با حیات و موجودیت آنها بستگی دارد و دست هیچ نامحرمی نمیتواند نهضت تاریخی مردم ایران را لکه دار کند. ملت ایران با قیام های دلیرانه خود بارها عدم رضایت خویش را نسبت باعمال و رفتار دشمنان نهضت ملی ایران و نمایندگان مخالفی که پا بر روی مصالح ملت و مملکت میگذارند ابراز داشته است.

آن رادمردان و مجاهدینی که در صدر مشروطیت در راه آزادی و مشروطیت ایران نقد جان باختند و آن خونهایی که از پیکر افراد فداکار و از جان گذشته بر خاک وطن ریخته شد برای این بود که ملت ایران بتواند در سایه آزادی و قانون در خانه خود یعنی در وطن خویش با رفاه و آسایش و سربلندی و سرفرازی زندگی کند. آنها هیچگاه تصور نمیکردند که روزی عده ای در پناه قانون اساسی دست به هر بی قانونی بزنند و بنیان مشروطیت و قوانین مملکت را متزلزل سازند و در سایه مصونیت پارلمانی با سرنوشت کشور بازی کنند.

آنها هیچگاه پاور نمیکردند که پس از مدت کوتاهی عده ای مجلس را به صورت سنگری علیه استقلال و حاکمیت ایران درآوردند و راهی دنبال کنند که سرانجام آن اضمحلال مشروطیت و فناى آزادی باشد بهمین جهت وقتی دولت احساس کرد با این همه اخلاص گریها و کارشکنی ها نمیتواند وظایف خود را انجام دهد و مسؤولیت بزرگی را که بر عهده دارد همچنان بدوش بگیرد تصمیم گرفت در این مورد از ملت رشید ایران استمداد کند. این نکته را جمعی از آقایان نمایندگان نیز تشخیص داده و چون دیدند که با یک چنین اوضاع نامساعد ادامه خدمت مقدور نیست از مقام نمایندگی استعفا دادند.

هموطنان عزیز ، امروز یکبار دیگر دولت ناچار شده است این حقایق را بی پرده با شما در میان بگذارد و در رفع مشکلات خویش از شما استمداد کند زیرا این رأی و نظر شما است که باید حق و باطل را از هم جدا سازد و خوب و بد را از یکدیگر تشخیص دهد ، شما همه از جریان کار مجلس شورای ملی خوب با خبر هستید و هیچ یک از جزئیات آن از نظر شما پوشیده و پنهان نیست دولت ناچار است صریحاً اعلام کند که با وضع کنونی مجلس، امید هیچ گونه موفقیتی درمبارزه ملت ایران نیست ناچاراست از شما مردم وطن پرست تقاضا کند عقیده خود را در بقا یا انحلال آن صریحاً اظهار کنید. در صورتی که بین مجلس و افکار عمومی ملت اختلاف حاصل شود و مجلس به صورت یک دستگاه کارشکنی برعلیه دولت درآید مجلس منحل میشود و قضاوت امر را به عهده مردم محول مینماید ، چنانچه افکار عمومی با نظر دولت تطبیق کند نمایندگان دیگری انتخاب و روانه مجلس شوند و باین ترتیب بین دولت و مجلس همکاری ایجاد شود و چرخ اداره مملکت از کار نیفتد.

بنابراین تنها اراده قاطبه افراد ملت که دولت و مجلس به وجود آنها قائم است میتواند قضاوت قطعی در این باب را بنماید و آن کسانی که ادعا کنند ملت حق ندارد و نمیتواند در این مورد اظهار عقیده کند سخت در اشتباه هستند زیرا تنها ملت است که میتواند راجع به سرنوشت خود و سرنوشت مملکت اظهار عقیده کند.

پنجاه سال پیش ضرورت تاریخی ایجاب کرد که ملت ایران در راه آزادی و مشروطیت خود قیام نماید و با ایثار خون خویش به حق خود برسد و قانون اساسی را بوجود آورد ، اکنون نیز در این لحظات حساس که کشور ما در استانه مرگ و زندگی قرار دارد و دشمنان ایران علیه استقلال و آزادی ما بالاترین تلاش خود را بکار میبرند مصالح کشور

ایجاب میکند که ملت ایران تصمیم خود را درباره نهضت ملی و وضع مجلس و دولت روشن کند. این تنها ملت ایران یعنی بوجود آورنده قانون اساسی و مشروطیت و مجلس و دولت است که میتواند در این باره اظهار نظر کند لاغیر، قانون ها، مجلس ها و دولت ها همه برای خاطر مردم بوجود آمده اند، نه مردم بخاطر آنها. وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند میتوانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند.

در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده مردم نیست. بهمین جهت دولت در این لحظه حساس تاریخی مشکلی را که با آن مواجه شده با ملت در میان میگذارد و راجع به این مجلس از مردم سؤال میشود که اگر با ادامه وضع کنونی مجلس شورای ملی دوره هفدهم تقنینیه موافقت دارند دولت دیگری روی کار بیاید که بتواند با این مجلس همکاری کند و اگر با این دولت و نقشه و هدف آن موافق هستند رأی به انحلال آن بدهند و مجلس دیگری تشکیل شود که بتواند تأمین آمال ملت با دولت همکاری کند. طرز اجرای این منظور و استنباط از افکار عمومی درمورد انحلال یا ابقای دوره 17 مجلس شورای ملی و مقرراتی که برای اجرای آن پیش بینی شده بعداً به اطلاع هموطنان عزیز خواهد رسید تا با رعایت آن به ایفای وظایف ملی خود قیام فرمایند و یکبار دیگر ایمان و علاقمندی خود را به اصول و هدف نهضت مقدس ملی به جهانیان ثابت کنند.

6 مرداد 1332

شمس قنات آبادی که علاوه بر عضویت در فراکسیون نجات نهضت به رهبری دکتر بقائی نقش سخنگوی اقلیت را نیز به عهده دارد به خبرنگاران گفت ما نیز از خبرهای آغاز مجدد مذاکرات نفت مستحضر میباشیم اما حقیقت قضیه این است که دکتر مصدق در مسأله غرامت که به هیچوجه مورد قبول ملت ایران نبوده و نیست و نخواهد بود قصدسازش با امریکائی ها را دارد و برای اجرای این منظور مسأله رفراندوم را پیش کشیده است و به اتکاء آن میخواهد مجلس را منحل کند و بعد به سازش خود با امریکائی ها و انگلیس ها در مسأله غرامت صورت قانونی بدهد. بدین جهت اعلام میکنم که مراجعه دکتر مصدق به آرای عمومی نه مربوط به اعمال اقلیت است و نه استیضاح زهری، بلکه دکتر مصدق فقط و فقط از نظر سازش با خارجی در مسأله غرامات شرکت نفت قصد اقدام باین عمل را دارد.

سد دیگری در برابر دولت نظارت در نشر اسکناس

آقای مکی امروز اظهار داشت آقای نخست وزیر از انتخاب اینجانب به سمت نظارت بانک ملی عصبانی است، عصبانیت ایشان به این علت است که اگر اسکناس اضافی منتشر کرده باشد بیم دارد که اگر من از این مسأله خبردار شوم ملت ایران را در جریان خواهم گذاشت. اگر ایشان همانطور که همیشه متذکر شده اند مایلند همیشه ملت را در تمام امور بگذارند چرا مایل نیستند که ملت از این راز که با هستی آنها بستگی دارد مطلع شود پس عملی برخلاف مصالح ملت شده است که نمیخواهد ملت از آن آگاه شود.

ضمناً نامه ای به آقای دکتر نصیری مدیر بانک ملی نوشته ام مبنی بر اینکه از نظر مسئولیتی که مجلس شورای ملی جهت نظارت در اندوخته اسکناس به اینجانب ابلاغ نموده است از نظر اجرای قانون هر نوع فعل و انفعال در نشر اسکناس و همچنین هر نوع فعل و انفعال در پشتوانه اسکناس به عمل آید باید با نظارت کامل اینجانب باشد و تخلف از آن موجب مسئولیت خواهد بود. ضمناً رونوشت این نامه جهت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان دیوان عالی کشور و مجلس شورای ملی نیز فرستاده شده است.

اعلامیه فراکسیون آزادی

جناب آقای مصدق السلطنه چون ضمن پیام رادیویی خود برای انحراف افکار عمومی متوسل به تهمت و افترا گردیده و روش ما را در انجام وظایف قانونی تخطئه نموده و خواسته اند با دلایل غیر موجه عمل انحلال مجلس را که خود قیام علیه مشروطیت ایران است صحیح و لازم قلمداد کنید امروز بر هیچکس پوشیده نیست که عملیات و خیالات غیر قانونی جنابعالی برای فرار از جواب استیضاح نمایندگان و اغفال افکار عمومی میباشد ضمن پیام خود فرموده اید که اعمال و گفتار ما برای حفظ اصول قانون اساسی و حقوق مجلس و مجلسیان موجب اتخاذ چنان تصمیم غیر قانونی گردیده است. لذا با استظهار به ملت ایران و موکلین خود بدین وسیله به اطلاع آن جناب میرسانیم که اگر از فاش شدن حقایق باکی ندارید و واقعاً مؤمن به اصول دموکراسی هستید اجازه فرمائید ساعتی از وقت خود را در اختیار ما بگذارید تا

بتوانیم به اتهامات ناروای جنابعالی پاسخ گفته نظریات خود را با ذکر دلایل در معرض قضاوت عامه هموطنان عزیز قرار دهیم.

7 مرداد 1332

اعلامیه کاشانی

جون رادیو که بودجه آن ازمال این ملت فقیر است و باید صرف تبلیغات و مطالب و مباحث مفید بحال این ملت بشود فقط و فقط برای مقاصد شخصی و اغراض منافعی مساعی ملت و مملکت و اشتباه کاری و بی آبرو نمودن مردم آبرومند و متهم داشتن اشخاص صالح و میهن پرستی که میتوانند سدره دیکتاتوری آقای محمدمصدق بشوند بکار میرود و ممکن نیست بدان وسیله عقاید خود را به سمع هموطنان عزیز برساند بدین وسیله به اطلاع میرسانم :

ملت غیور ایران فراموش نکنید که از 10 سال به این طرف یک نهضتی درایران پیدا شده و هر روز قوی تر و محکم تر گردیده تا توانست دولت های دست نشانده امثال هژیر و رزم آرا را از بین ببرد و نفوذ اجانب را نابود و یا لاقط ضعیف و نفت را ملی سازد و آقای دکتر مصدق از این نهضت استفاده کرده و هماهنگی با آن نشان داده تا بوسیله آن حریف های خود را از عرصه حکومت دور کرد و خود بر مسند صدارت نشست. اکنون 28 ماه است که ایشان زمامدار است و در تمام این مدت یک قدم مفید بحال شما که بتواند آنرا اسم ببرد برنداشته مگر موضوع ملی شدن نفت که با فداکاری و قیام عمومی ملت ایران بوده است.

هر روزهاده های بزرگ میدهد و فردا عذر میآورد که من میخواستم این کار ها را بکنم ولی عمال اجنبی کارشکنی کردند و به ادعای او عامل اجنبی هر کسی است که از او مؤاخذه کند یا بپرسد آن مواعیدی که شما در این مدت داده اید کجاست؟ یا چرا یک قدم اصلاحی برنمیدارید یا چرا اعمالی را که ب دیگران ایراد میگیرید خودتان مرتکب میشوید.

با این ترتیب یعنی با هو و جنجال و ادعا و تهمت و افترا تمام قوه های موجود در مملکت را از بین برده و ساعت بساعت راه را برای رسیدن به دیکتاتوری و حکومت فردی و خودسری هموار ساخته تا بر تمام قوای مملکت مسلط گردید و اکنون به انکای چند تانک و ارابه جنگی و انواع نظامی و پلیس و ژاندارمری که در دست دارد میخواهد رفراندوم و مجلس را منحل کند.

آقای دکتر مصدق مجلسی را که خودش انتخاب کرده و بیش از صد بار گفته که صدی هشتاد آن ملی است قبول ندارد و برای فرار از استیضاح و راه ندادن به ناظر بانک که از طرف مجلس انتخاب شده تا به حساب اسکناس های زیادی که منتشر ساخته و ظاهراً در حدود 450 میلیون تومان است مجلس را با وادار ساختن نوکران خود به استعفا تعطیل و برای انحلال آن رفراندوم میکند.

این مجلس وقتی به دکتر مصدق اختیارات غیر قانونی میدهد ملی و وقتی او را استیضاح میکند عامل اجنبی است. رفراندوم مال ممالکی است که دولت آن معلوم نیست و مشروطیت و قانون اساسی ندارد یکبار رفراندوم میکنند که رژیم مملکت را معین سازند و الا در مملکتی که رژیم آن معین و قانون اساسی دارد و حکومت آن مشروطه است هیچ راهی برای فرار از استیضاح و دست ردن به رفراندوم نیست. در مملکت مشروطه مطابق قانون اساسی برای نخست وزیر حدود و ثغوری معین شده و هرکس برخلاف این قوانین قدمی بردارد اقدام برخلاف مشروطیت و قانون اساسی نموده و از لحاظ خیانت به کشور قابل تعقیب و مستحق شدید ترین مجازات است.

این نکته را برای این تذکر میدهم که وزرا و مأمورین لشگری و کشوری متوجه باشند مخصوصاً وزیر دارائی از لحاظ پرداخت از بیت المال برای صرف رفراندوم خلاف قانون خصوصاً متوجه گردند که در صورت انجام دستور های خلاف قانون در مورد رفراندوم و تضییع حقوق ملت ایران شریک و سهیم هستند و از تعقیب مصون نخواهند بود.

آقای دکتر مصدق خوب میداند که اگر با آزادی و بطور طبیعی به آراء ملت مراجعه کند صدی نود و هفت مردم علیه او رای میدهند ولی چون تمام قوای کشور را در دست دارد و یک قانون من درآوردی امنیت اجتماعی و یک حکومت نظامی دائم مثل شمشیر بران بالای سر مردم نگاه داشته و یک مشیت اوباش و رجاله و چاقوکش توی کوچه ها راه میاندازد که در حمایت تانک و ارابه جنگی و سرنیزه نظامی به مخالفین او هتاک می کنند رفراندوم میکند آنهم با ترکیبی که موافق از مخالف معلوم و نام و تمام مشخصات رای دهنده معین باشد ، با این ترتیب نتیجه رفراندوم معلوم است.

هرکس چنین رفراندومی بکند نتیجه بکام او خواهد بود، باز اگر مخالف از موافق معلوم نبود و رای مخفی بود و مردم با آزادی میتوانند رای

بدهند نتیجه عاید او نمی شد، ایشان اگر راست میگویند و میخواهند فراندوم کنند و به عمل خلاف قانون دست بزنند وسایل ارباب و تشویقی که در دست دارد به زمین بگذارد و خود استعفا بدهد و بعد فراندوم کند تا بداند که در میان مردم چقدر موافق دارد.

ملت ایران ما و دکتر مصدق همه میرویم این مقام ها زود گذر است ولی مملکت و مردم ایران باید بماند اجازه ندهید که دکتر مصدق برای حکومت چند روزه خود راهی باز کند که همیشه قانون اساسی و مشروطیت و حتی استقلال و وحدت ملی شما در خطر باشد زیرا همین عملی که دکتر مصدق میکند اگر نافذ شد و پیشرفت کرد و شما قبول نمودید هر نخست وزیری بعد از او حق خواهد داشت به مجلس که حکومت بر همه مقامات و قوا دارد اعتماد نکند و اگر خود را از مجلس در فشار دید فراندوم کند و مجلس را منحل سازد و با این ترتیب بجای اینکه اختیار ماندن و رفتن دولت در دست مجلس باشد بقا و عدم مجلس بدست دولت خواهد افتاد.

هموطنان عزیز 28 ماه است که دکتر مصدق با هو و جنجال و عوام فریبی مردم را مشغول کرده و هر روز برای اینکه مردم به حساب گذشته او نرسند و به زمامداری ادامه بدهد حساب نو باز میکند و هر روز بهانه میگیرد و وعده نزدیکی میدهد. از روزی که آمده و زمام امور را در دست گرفته تا امروز به نظر بیاورید که چه وعده هایی داده و چگونه هر روز حرف خود را عوض کرده و گناه را به گردن کسی انداخته و هر دفعه که تقاضائی داشته گفته اگر این تقاضای مرا انجام بدهید در فلان مدت بسیار کوتاه کار را تمام میکنم. روزی که خواست نخست وزیر شود گفت من در یک هفته کار نفت را تمام میکنم و الان بیش از دو سال از حکومت او گذشته و هنوز اندر خم یک کوچه است.

آقای دکتر مصدق در این مدت کاری برای مملکت نکرد ولی برای ادامه حکومت خود به خرابکاری های زیادی دست زده از آن جمله نشر محرمانه مقدار زیادی اسکناس است که گفتم در حدود 450 میلیون تومان است. به علاوه طبق اطلاعات حاصله آن جناب پشتوانه های موجود در افریقای جنوبی را به امریکا حمل و در آنجا به گرو گذاشته و چون جناب آقای مکی به سمت ناظر بانک ملی انتخاب شده و متوجه گشته است که عنقریب از روی خلافتکاری هایش پرده برداشته و رسوا میشود اقدام به تعطیل مجلس کرده است.

اعمال خلاف دولت چه در مورد نفت بخصوص 50 درصد تخفیف قیمت نفت خام و قبول غرامت و قطع منافع ایران از 230 شرکت فرعی و چه درمورد اقتصادیات از قبیل تثبیت ارز به بهای گزاف و زیان مردم و اقدامات خلاف مصلحت او در سیاست خارجی و داخلی به اندازه ای شدید شده است که آقای دکتر مصدق بخوبی میدانند هرچه زودتر باید حساب خطا کاربهای خود را به ملت ایران بدهد و چون نه جوابی برای این اقدامات ناصواب و خلاف قانون دارد و نه جرئت حضور در مجلس را در خود می بیند چون غریقی به هر عمل خلاف قانون متشبث شده از جواب استیضاحات که خفا قانون اساسی برای نمایندگان معین نموده طفره میبرد و برای مشوب کردن اذهان و افکار عمومی دست به تبلیغات غیر واقع زده به عنوان اینکه از طرف نمایندگان به من توهین و یا بنام اینکه برای کشتنم توطئه چیده اند از حضور در مجلس خودداری میکند.

شما هموطنان عزیز می بینید که تا امروز چه کسی به نفع اجنبی قدم برداشته و آنچه تا امروز کرده مستقیماً به مصلحت اجنبی و زیان مملکت بوده است. شما مردم غیور ایران موظفید که از استقلال مملکت و وحدت ملی و آزادی مشروطیت دفاع کنید و اجازه ندهید با عوام فریبی و هو و جنجال راهی باز کنند که زوال مشروطیت و آزادی و زیان استقلال مملکت و وحدت ملی شما باشد.

سید ابوالقاسم کاشانی

تحصن نمایندگان اقلیت در مجلس

نمایندگان غیرمستعفی مجلس که ازدو هفته پیش به عنوان مخالفت با رفراندوم و غیر قانونی جلوه دادن آن در خارج مجلس فعالیت داشتند پس از نطق رادیوئی نخست وزیر و قطعیت یافتن رفراندوم چون برای آینده خویش مخاطراتی تصور میکنند پس از یک جلسه سه ساعته در حضور ابوالقاسم کاشانی مصلحت را در این دیدند که بطور اجماع در مجلس متحصن شوند.

اطاعیه وزارت کشور در مورد برگذاری رفراندوم

به کلیه فرمانداران و بخشداران ، در اجرای تصویب نامه شماره 14160 هیأت وزیران راجع به مراجعه به آراء عمومی درباره ابقا یا انحلال مجلس شورای ملی که جداگانه ابلاغ شده است مراقبت و دقت لازم بفرمائید که این امر در کمال بی طرفی و صحت انجام یافته و مقررات تصویب نامه بطور صحیح و کامل به موقع اجرا گذاشته شود. برای آشنائی

آقایان فرمانداران و بخشداران به طرز عمل جزئیات امور را واضح و روشن در این بخشنامه بیان نموده تا جای هیچگونه ابهام برای آقایان باقی نماند و چون پس از 7 روز از اخذ رأی در شهر تهران در سایر شهرها و مراکز بخش ها اخذ رأی به عمل خواهد آمد مقدمات کار باید طوری فراهم شود که به محض تعیین روز اخذ رأی در تهران در شهرستانها و بخشها برای تشکیل انجمن های نظارت اقدام شود و در روز قبل از اخذ رأی انجمن ها معین شوند و در روز مقرر اخذ آراء به عمل آید. لذا مقتضی است آقایان فرمانداران و بخشداران دستورهای ذیل را با دقت هرچه تمام تر نصب العین قرار داده بموقع اجرا بگذرند.

اول - پس از تعیین روز اخذ رأی در مرکز که از طرف این وزارتخانه اعلام خواهد شد فرمانداران و بخشداران باید در تشکیل کمیسیون دو نفری برطبق ماده (1) تصویب نامه اقدام فوری معمول دارند.

دوم - پس از تشکیل کمیسیون دو نفری در هر شهر یا بخش باید بلافاصله در محلی که گنجایش کافی داشته باشد یکی برای رأی دهندگان موافق با انحلال، دیگری برای رأی دهندگان مخالف با انحلال در نظر گرفته شود و برای اجرای این امر ممکن است از میدان ها و یا تکیه ها و یا مساجد استفاده نمود و بالای درهای ورودی به قطع بزرگ روی کاغذ یا پارچه نوشته شده باشد محل برای رأی دهندگان موافق با انحلال مجلس هفدهم یا محل برای رأی دهندگان مخالف با انحلال مجلس هفدهم. و قبل از اخذ آراء فرماندار یا بخشدار باید موقعیت هریک از دو محل را برای اهالی محل آگهی کنند.

سوم - کمیسیون دو نفری به تناسب رأی دهندگان دو یا چند انجمن که اعضای هرکدام 7 نفر است بدین ترتیب تشکیل خواهد داد. عده ای مساوی 5 برابر عده اعضای انجمن ها از بین قضات دادگستری و استادان (اگر وجود داشته باشند) و کارمندان دولت و یا معتمدین طبقات دیگر دعوت خواهند شد. مثلاً چنانچه با در نظر گرفتن جمعیت محل ایجاب نماید که در یک شهر یا بخش فقط دو انجمن یکی برای موافقین و دیگری برای مخالفین انحلال تشکیل گردد باید پنج برابر افراد انجمن که 7 نفر میباشند یعنی 35 نفر دعوت شوند. پس از حضور در محل از دعوت شدگان درخواست شود از میان عده حاضر به تعداد لازم برای تشکیل انجمن ها از طریق قرعه کشی افراد لازم تعیین گردند.

چهارم - از طرف وزارت کشور روز اخذ رأی در شهر تهران و سایر شهر ها و بخشهای کشور که 7 روز پس از اخذ آرا در مرکز خواهد بود اعلام خواهد گردید و برای اطلاع عموم اهالی محل پس از اینکه انجمن های نظارت تعیین شدند فرماندار یا بخشدار باید روز اخذ آرا را که فردای همان روز است که انجمن ها تشکیل شده اند آگهی خواهد کرد.

پنج - فرمانداران یا بخشداران باید عده کافی مأمورین انتظامی برای حفظ انتخابات در محل منظور دارند.

شش - انجمن های نظارت باید قبل از ساعت مقرر برای اخذ آراء در نقاط معین حاضر و آماده کار باشند. رأی دهندگان بعد از انداختن رأی در صندوق انگشت خود را در مرکب مخصوصی که در حوزه اخذ رأی قبلا گذاشته شده است فرو میکند.

هفت - اوراق آراء چاپی با توجه به تعداد افرادی که احتمالا میتوانند رأی بدهند باید به مقدار کافی در انجمن ها وجود داشته باشند .

هشت - صندوق های آراء پس از پایان اخذ رأی باید با مهر اعضای انجمن مربوطه لاک و مهر شده و در فرمانداری یا بخشداری باقی میماند و پس از آنکه وزارت کشور نتیجه کل آراء را اعلام نمود فرماندار یا بخشدار محل آراء را معدوم خواهند ساخت.

تبصره - وزارت کشور بازرسانی برای نظارت در صحت اخذ رأی به نقاط مختلف کشور اعزام مینماید.

نامه آیت الله بهبهانی

حضرت اشرف آقای دکترمصدق، محترما بعرض میرساند غوغای رجوع بافکار عمومی که یک مملکت را متشنج و افکار را متزلزل کرده و ایجاد یک انقلاب روحی در تمام طبقات نموده است این ضعیف را هم مثل سایر افراد ملت متحیر نموده است. اینکه تاکنون عرضی نکرده بودم تصور میشد که خود حضرت عالی با حسن نیت از این کار منصرف و اقدام به چنین امر خطیری که مستلزم مراتب وخیمه است نخواهند فرمود و اگر گاهی اظهاراتی میشده حمل بر تصمیم قطعی نمیکرد.

اینک مشاهده میشود که حقیقتا بنا به انجام این کار دارید ، تصور میکنم حضرتعالی با ملاحظه حالت اینجانب که مراحل پایان عمر را میگذراند

بیانات داعی را که محض خیرخواهی و مصالح ملت و مملکت است حمل بر غیر حقایق بفرمائید، با اختیاراتی که دارید و با تعطیل قهری مجلس و تسلط بر عموم اوضاع مملکت موجب تصور نمیشد که اقدام به انحلال مجلس از راهی که در قوانین مملکت پیش بینی نشده و سابقه ندارد و مخالف افکار عامه مردم است بفرمائید. با آنکه اینجانب مدتی است از دخالت در امور سیاسی خودداری دارم ولی به جهت حفظ نوامیس دینی و ملت و مملکت و ایفاء به وصیت مقامی عرض میکنم که این عمل اساس مشروطیت را متزلزل و باعث ضعف و انحلال ابدی مجلس و قانون اساسی است و به نحوی که اطلاع دارم در نظر مردم نظیر مجلس مؤسسان اخیر است.

محمد الموسوی بهبهانی

نامه چند نفر از روحانیون مقیم نجف

حضور محترم حضرت مستطاب آیت الله میر سید محمد بهبهانی دامت برکاته العالی

اخیراً مسموع شده است بعضی از اشخاص که هدفی جز لطمه وارد ساختن بعالم اسلامی و علماء اسلامی ندارند بوسیله های مختلف نسبت بمقام شامخ روحانیت مخصوصاً حضرت مستطاب آیت الله حاج سیدابوالقاسم کاشانی دامت برکاته العالی مطالب توهین آور و جسارت آمیزی گفتند و منتشر کردند و مسئولین امر درصدد رفع و منع برنیامده اند ، حقا باعث تأثر و تألم است نسبت به مردی که عمری فداکاری و از خودگذشتگی برای سعادت و عظمت ملت مسلمان ایران نموده و این همه خدمات بزرگ به مسلمانی کرده است مورد حمله یک مشیت مردم مفرض و معلوم الحال واقع شوند وعواطف دینی و احساسات ملت مسلمان ایران را جریحه دار سازند. این حوادث و انتشارات باعث تأثر شدید اینجانبان شده است و از حضرت مستطاب عالی خواهشمند هستیم که به مسئولین امر، امر اکید فرموده که بشدت از بروز این انتشارات و تبلیغات جلوگیری نمایند و جامعه روحانیت ادامه این امر را غیر قابل اغماض میدانند.

الاحقر جمال الموسوی الگلپایگانی ، الاحقر عبدالهادی الحسینی الشیرازی ، محمد حسین آل کاشف الغطاء ، الاحقر ابراهیم الحسینی الشیرازی الاصله باناتی

اعلامیه کاشانی درمورد تحریم رفراندوم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين
هموطنان و برادران عزیزم ضمن اعلامیه قبلی از مفاسد و مضار رفراندم شرحی متذکر و همه مستحضر گردیده و توجه دارید که عمل به آنچه ضررهایی برای دیانت و ملت و مشروطیت و مملکت در بر دارد. با این حال دوران خود را دوره انقراض دیانت و استقلال مملکت و ملت قرار ندهید و طوق رفیت و اسارت و بندگی را به گردن خود نگذارید. شرکت در رفراندوم خانه برانداز که با فتنه اجانب طرح ریزی شده مبعوض حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و حرام است.

البته والبتة هیچ مسلمان وطن خواهی شرکت نخواهد کرد گرچه ممکن است بعضی اشخاص غافل و بی اطلاع از حقایق و مضرات آن و خائنین وطنفروش برای انجام مقاصد شوم دیگران در رفراندوم شرکت کنند و یا اینکه دولت صندوق را از آرای قلابی پر کند علی ایحال عمل به رفراندوم خلاف قانون اساسی و مصلحت کشور و ملت بوده و هیچگونه اثر قانونی ندارد.

اعلامیه حزب ایران

مردم قهرمان تهران، ای پیشقراولان آزادی و شرف میهن، ملت ایران بکوشیم فردا میدان سپه را به جلوه گاه اراده عظیم ملت تبدیل کنیم، بکوشیم که در این روز بزرگ به اراده ملت جان دهیم و مفهوم حکومت مردم، مردمی آزاده و بند گسسته را که دیگر به قیمت خون خودهم حاضر به تجدید دوران اسارت نیستند در معرض مشاهده بگذاریم.

هم میهنان، در روز دوشنبه 12 مرداد فردا نام میدان سپه را عملاً و با تجلی نیروهای عظیم خود به میدان ملت تبدیل کنیم.
جاوید باد ایران - کمیته مرکزی حزب ایران

اعلامیه جمعیت آزادی مردم ایران

کارگران، زحمتکشان، روشنفکران، مردم ضد استعمار تهران برای درهم شکستن آخرین تلاش عمال بیگانه با شرکت آگاهانه خود در رفراندوم ثابت نمائید ملت ایران زنده و تا آخرین مرحله مبارزه ضد استعماری یار با وفای دکتر مصدق خواهند بود.

دو سال مبارزه پی گیر و ثمر بخش شما علیه ارتجاع خارجی و عمال سرشناس داخلی آن امروز نتایجی به بار آورده است که ارتجاع به ناچار

برای مقابله با این پیروزی‌ها و برای درهم شکستن پیکار شما متوسل به وامانده‌ترین نوکران فرومایه خود شده است. عملیات غیر قانونی و روش ضد دموکراتیک وکلای جاه طلب و خائن مجلس امروز دکتر مصدق مظهر مبارزه ملت ما را وادار نموده است برای ادامه راه علیه استعمار به آراء عمومی مراجعه نموده و از شما مردم قهرمان بخواهد که نظر خود را در مورد انحلال مجلس هفدهم اعلام دارید.

جمعیت آزادی مردم ایران به پیروی از خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران از کلیه هم مسلکان و جمیع مردم ایران دعوت مینماید برای خاتمه دادن به تشبثات بیگانگان و عوامل مزدور آنها و ادامه نهضت مقدس ملی همگان در روز دوشنبه 12 مرداد در میدان سپه در فراندوم شرکت نموده و صراحتاً اعلام نمایند که مردم ایران تا آخرین نفس پشتیبان دکتر مصدق بوده و هرنوع عمل ضد دموکراتیک را با اتکاء به اراده مستحکم خود نابود خواهند کرد.

هیأت اجراییه جمعیت آزادی مردم ایران

اطلاعیه و استعفای دکتر معظمی

شرح حوادث و جریانات یک ماه اخیر مجلس شورای ملی بطور مفصل در اعلامیه مورخه 26 تیر ماه 1332 به استحضار هم میهنان عزیز رسید. اینجانب بر حسب وظیفه قانونی نمایندگی و ریاست مجلس شورای ملی برای وصول توافق و پیدا کردن راه حل جهت رفع اختلافات موجود بین افراد و دستجات مختلف پارلمانی و دعوت آقایان نمایندگان محترم به همکاری و اشتراک مساعی و تشکیل جلسات مجلس و حفظ حقوق مجلس آنچه در قوه داشتم بکار بردم متأسفانه زحمات شبانه روزی اینجانب به نتیجه نرسید و آقایان نمایندگان مستعفی حاضر به استرداد استعفای خود نشدند. با اینحال در روز 25 تیر ماه پس از وصول استعفا نامه دسته جمعی 26 نفر از آقایان نمایندگان برای تشکیل جلسه خصوصی از عموم آقایان نمایندگان دعوت کردم ولی بیش از عده معدودی حاضر نشدند، متدرجاً تعداد استعفا نامه‌ها هم زیاد شد و به 56 شماره رسید این بود که بنا به دستور آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی در روز 28 تیر ماه رسماً از عموم آقایان نمایندگان حاضر در مرکز برای تشکیل جلسه علنی دعوت کردم که در مجلس حضور بهم‌رسانند تا طبق ماده 214 آئین نامه استعفا نامه‌ها قرائت و به عرض مجلس برسد اما به مناسبت عدم حصول اکثریت و حضور عده کمی در مجلس جلسه تشکیل نگردید و آقایان مستعفی تأیید نمودند که در استعفای خود باقی و مصمم هستند.

در خلال این احوال عده زیادی از نمایندگان از تهران خارج و به شهرستان ها مسافرت نمودند و با این ترتیب حد نصاب قانونی برای تشکیل جلسه علنی از بین رفت. بدین سبب وسایل و موجبات انجام وظیفه دیگر با این وضع برای رئیس مجلس باقی نمانده است.

در وضع حاضر گرچه از نظر قانونی قطعی شدن استعفا که پس از انقضای 15 روز از تاریخ قرائت آن در جلسه علنی است و از وضعی نظیر آنچه اکنون پیش آمده است در آئین نامه پیش بینی نشده معذالک پس از آنکه با وجود دعوتی که برای تشکیل جلسه خصوصی و جلسه علنی شده بود جلسه تشکیل نگردید و متجاوز از پانزده روز هم از نظر احتیاط و احتمال اینکه شاید نظر آقایان نمایندگان تغییر کند به انتظار گذراند و چون هیچ یک از آقایان استعفا نامه خود را مسترد نکردند لذا انجام تکالیف و وظایف مقرر در قانون اساسی و آئین نامه داخلی مجلس چه از نظر مقام نمایندگی و چه از لحاظ ریاست مجلس شورای ملی با توجه به مشکلات و موانع فوق برای اینجانب غیر ممکن و غیر مقدور میباشد.

دکتر عبدالله معظمی

12 مرداد 1332

فراندم برای انحلال با ابقاء مجلس دوره 17 از ساعت 8 بامداد امروز در تهران رأی گیری برای انحلال و یا ابقاء مجلس شورای ملی و مناطق ده گانه حومه تهران رأی گیری به عمل آمد و بلافاصله پس از پایان رأی گیری در ساعت 11 شمارش آرا شروع گردید . بعد از شمارش کامل آرا در هر محل صورت جلسه تنظیم و به امضای کلیه اعضای نظارت کننده صورت جلسه ها به فرمانداری تهران تحویل داده شدند.

13 مرداد 1332

نتیجه رفراندوم تهران و حومه
نتایج شمارش آراء در تهران حومه نشان میدهد که 155544 رأی موافق با انحلال مجلس دوره 17 و 115 رأی مخالف با انحلال میباشد.

15 مرداد 1332

نطق آیزنهاور رئیس جمهور امریکا

تهدید کمونیست ها نسبت به کشورهای آسیا برای امریکا بسیار خطرناک است. ایران نیز از این لحاظ با سایر کشورهای آسیا در یک ردیف و دارای همان وضعیت میباشد. اگر جبهه دموکراسی کشور های آسیا و منابع خام کشورهای نظیر هئوچین و غیره را از دست بدهد چطور ممکن است سرزمین پر ثروت اندونزی و مواد خام هنگفت آن کشور را که برای دنیای آزادکمال اهمیت را دارد نگاهداری نماید؟

در ضمن اخبار ایران را که در جراید صبح چاپ شده خوانده اید که آقای دکتر مصدق توانست بر پارلمان فایق آید و توانست خود را از مخالفت های پارلمان خلاص و آسوده سازد. آقای دکتر مصدق البته در این اقدام خود از حزب کمونیست ایران استفاده کرد و کمک گرفت.

18 مرداد 1332

با نزدیک شدن اثر عملی رفراندوم و شرکت مردم در رفراندوم اقلیت مجلس آخرین مراحل مبارزه خود را میگذراند و تلاش دارد با هر وسیله ممکن که در اختیار دارد در راه تضعیف دولت کوشش کند. پس از نطق آیزنهاور و سخنان رئیس جمهور امریکا در مخالفت با رفراندوم اقلیت جنب و جوش چشم گیری از خود نشان میدهد بطوری که علاوه بر دو فراکسیون آزادی و نجات نهضت چند نفر از منفردین از جمله آقایان مکی و عبدالرحمن فرامرزی نیز با آنها همکاری نزدیکتری را شروع کرده اند.

بر این اساس امروز بعد از جلسه اقلیت با منفردین آقای میر اشرافی گفت اقلیت بالاخره تصمیم گرفت به سازمان ملل شکایت کند.

تلگراف فراکسیون آزادی به دبیر کل سازمان ملل

جناب آقای داک هامرشولد دبیر کل سازمان ملل ، چون سازمان ملل متحد به منزله پارلمان دنیای آزاد و متعلق به تمام ملل شیفته آزادی است فراکسیون آزادی مجلس شورا ملی ایران لازم دانست اوضاع تحمل ناپذیر و دردناکی را که بر سر ملت ما میگذرد بدین وسیله به اطلاع ملل شیفته آزادی برساند.

آقای دکتر مصدق که به موجب رأی مجلس ایران به نخست وزیری انتخاب شده بود در تاریخ 10 خرداد ماه 1332 طبق اختیاراتی که در قانون اساسی ایران به مجلس داده شده بابتهاام ایراد شکنجه و آزار بدنی زندانیان و پامال ساختن اعلامیه حقوق بشر مورد استیضاح قرار گرفته و برای جوابگوئی به مجلس خوانده شد ولی نامبرده چون احساس نمود که در مجلس شورای ملی فاقد اکثریت است برخلاف قانون اساسی ایران از حضور در مجلس استنکاف و اعلام داشت که پارلمان را منحل خواهد کرد و برای اجرای مقصود خود و جلوگیری از قیام ملت مخالفان سیاسی خود را دستگیر و زندانی نمود و مطبوعات آزاد را توقیف و مدیران آنها را تبعید ساخت و درحالی که هیچگونه آزادی عقیده و عمل برای هیچکس وجود نداشت درسایه قدرت حکومت پلیسی و نظامی با کمک حزب کمونیست (توده) و تمام وسایل دولتی به مفتضح ترین صورتی اقدام به فراندوم عجیبی نمود وکیسه های رأی را مانند کشورهای دیکتاتوری دیگر به نفع خود پر ساخت و اکنون قصد دارد به اتکای این عمل خلاف قانون اساسی ایران یک رژیم دیکتاتوری کمونیستی را بر ملت ایران مسلط کند.

ما اعضای فراکسیون نهضت آزادی مجلس شورای ایران درحالی که جان نمایندگان در خطر است به دنیای آزاد اعلام میکنیم که آقای دکتر مصدق رئیس یک حکومت پاغی است زیرا با توسل به زور علیه پارلمان و قانون اساسی ایران و اعلامیه حقوق بشر قیام و طغیان نموده است و هرگونه اقدام او برای ملت ایران الزام آور نیست.

17 مرداد 1332 مجلس شورای ملی ایران -
لیدر اقلیت ابوالحسن حائری زاده

20 مرداد 1332

صبح امروزاعلیحضرت همایونی و علیا حضرت ملکه ثریا برای استراحت با هواپیمای اختصاصی به رامسر عزیمت نمودند. بقرار اطلاع این مسافرت ممکن است یک هفته تا ده روز طول بکشد و شاهنشاه برای سلام عید قربان به تهران مراجعت میفرمایند.

مقامات مسؤل وزارت دربار در مورد علت مسافرت شاه و ملکه اظهار داشتند چون هوای تهران برای کسالت علیاحضرت ملکه مساعد نیست و سبب تشدید آن میگردد، بنابراین این مسافرت به منظور تغییر آب و هوا و بهبود ملکه ثریا انجام گرفت.

23 مرداد 1332

اعلامیه وزارت کشور درباره نتیجه انتخابات فرمانم در سراسر کشور

در اجرای تصویب نامه شماره 14160 مورخ 4 مرداد 1332 دولت ایران مربوط به مراجعه به آراء عمومی درباره انحلال یا ابقاء مجلس هفدهم وزارت کشور به اطلاع هم میهنان محترم میرساند که نتیجه اخذ آراء همه پرسی نقاط کشور به استثنای دو بخش دشتیاری و پژمان بلوچستان تاکنون به این وزارت اعلام نگردیده است. چون در نقاط مذکور وسایل مخابرات موجود نیست وصول گزارش اخذ رأی در آن دو جا به مراکزی که واجد وسایل مخابرات باشند مدتی طول میکشد و آراء دو محل مذکور تأخیری در نتیجه امر ندارد وزارت کشور به استناد تصمیمی که هیأت محترم وزیران در جلسه 21 مرداد 1332 در این باب اتخاذ کرده اند اعلام میدارد:

درمراجعه به آراء عمومی در شهرستان تهران و سایر شهرستان های کشور دو میلیون چهل و چهار هزار و پانصد و نود شش رأی اخذ شده است که دو میلیون چهل و چهار هزار سیصد و هشتاد و نه رأی موافق با انحلال مجلس هفدهم و هزار و دویست و هفت رأی مخالف با انحلال مجلس هفدهم میباشد.

قطعنامه سوسیالیست های آسیا

رویتر - کنفرانس سوسیالیست های آسیائی که درحیدرآباد هنوستان تشکیل شده بود درقطعنامه پایان کنفرانس که باتفاق آراء کلیه اجزای سوسیالیست به تصویب رسید از دول آسیائی درخواست نمودند که از نهضت ملی ایران پشتیبانی کنند و برای پشتیبانی اقتصادی نفت مورد احتیاج خود را از ایران خریداری نمایند.

24 مرداد 1332

دیروز آقای حائری زاده که برای تشکیل جبهه واحدی علیه دولت فعالیت میکند و با این هدف بیانیه ای از طرف عده ای از نمایندگان غیر مستعفی تدوین کرده است در ساعت 7 بعد از ظهر به دیدن آیت الله کاشانی میرود و پس از ارائه مضمون نوشته شده از ایشان درخواست مینماید درصورتی که با آن موافقت دارند آنرا امضا نمایند ولی آیت الله کاشانی در عین اینکه صدور این اعلامیه را از طرف نمایندگان اقلیت مصلحت دانستند از امضای آن خودداری نمودند و گفتند انتشار این

اعلامیه از طرف نمایندگان اقلیت مانعی ندارد ولی اگر لازم باشد در تأیید آن به منظور هماهنگی با آقایان از طرف من مطالبی انتشار یابد بصورت اعلامیه یا بیانیه در آینده منتشر خواهد شد.

24 مرداد 1332

کودتا علیه نهضت ملی ملت ایران

اطلاعیه دولت

در ساعت 7 بامداد امروز آقای بشیر فرهمند سرپرست اداره کل تبلیغات این اعلامیه شخصاً در رادیو قرائت کرد :

هموطنان عزیز ... از ساعت یازده و نیم دیشب یک کودتای نظامی به وسیله افسران و افراد گارد شاهنشاهی به مرحله اجرا گذارده شد. بدین ترتیب که ابتدا از ساعت مذکور نفرات نظامی مسلح به شصت تیر و تپانچه دستی وزیر امور خارجه ، وزیر راه و مهندس زیرک زاده را در شمعیران توقیف کردند و برای توقیف رئیس ستاد ارتش نیز به منزلشان مراجعه نمودند ولی چون تیمسار ریاحی در ستاد ارتش مشغول کار بودند به دستگیری ایشان موفق نشدند.

در ساعت یک بعد از نیمه شب نیز سرهنگ نصیری رئیس گارد شاهنشاهی با چهار کامیون نظامی مسلح و دو جیب و یک زره پوش به منزل آقای نخست وزیر آمده به عنوان اینکه میخواهد نامه ای بدهد قصد اشغال خانه را داشته است ولی چون محافظین منزل آقای نخست وزی مراقب کار خود بودند بلافاصله سرهنگ مزبور را توقیف کردند.

توطئه کنندگان قبل از توقیف اشخاص تلفن های منازل آنان را قطع کرده بودند ، همچنین ارتباط تلفنی ستاد ارتش را با پادگان گارد شاهنشاهی باغشاه قطع و تلفن خانه بازار را بوسیله سرهنگ آزموده و همراهان مسلح اشغال کرده بودند و معاون ستاد ارتش را که برای سرکشی به باغشاه رفته بود همان جا توقیف نمودند.

وزیر خارجه و وزیر راه و مهندس زیرک زاده را از توقیف گاه سعد آباد به وسیله چهار کامیون مسلح به شهر آورده به ستاد ارتش به تصور اینکه که همکاری آنها قبلاً آنها را اشغال کرده اند بردند ولی چون در آنجا وضع را مساعد ندیدند آنان را مجدداً به سعد آباد میبرند و در توقیفگاه گارد شاهنشاهی تا ساعت 5 صبح نگاه داشتند. در این ساعت که نقشه

کودتا فاش شده بود تیمسار سرتیپ کیانی معاون ستاد ارتش که از توقیف باغشاه رهائی یافته بود به سعد آباد رفته آقایان را به منزلشان برگردانید.

مأمورین انتظامی از این ساعت ابتکار عملیات را بدست گرفتند و اکنون چند تن از توطئه کنندگان را دستگیر کرده اند.

توضیحات رئیس ستاد ارتش

ساعت 9 صبح امروز در یک مصاحبه مطبوعاتی تیمسار ریاحی رئیس ستاد به خبرنگاران داخلی و خارجی اظهار داشت:

ساعت 10 دیشب بدون قصد و اراده از منزل که در شمیران است تصمیم گرفتم به ستاد ارتش بیایم در صد قدمی منزل خود در جاده شمیران یک جیب ارتش را دیدم که به طرف بالا میرفت، این همان جیبی بود که برای دستگیری بنده فرستاده شده بود. افرادی که در این جیب سوار بوده اند پس از اینکه به منزل بنده میرسند چون بنده را در منزل نمی بینند آقایان مهندس زیرک زاده و مهندس حقشناس را که با بنده هم منزل هستند دستگیر می کنند و گماشته منزل را هم به سختی کتک میزنند و مقداری از اوراق و نوشته های موجود در منزل را هم با خود میبرند.

مقارن ساعت ده و ربع شب بود که من به ستاد ارتش رسیدم و ساعت 11 آقای سرتیپ کیانی معاون خود را برای سرکشی به باغشاه که پادگان گارد مستقل شاهنشاهی در آنجا است فرستادم. سرتیپ کیانی به محض اینکه وارد باغشاه میشود از طرف سرهنگ نصیری دستگیر میگردد.

چون مراجعت سرتیپ کیانی به ستاد ارتش به تأخیر افتاد بنده حدس زدم که باید اتفاقی افتاده باشد لذا با تلفن به سرهنگ ممتاز فرمانده تیپ دوم کوهستانی که دیشب در کلانتری یک مأموریت داشت و سرهنگ شاهرخ فرمانده تیپ زرهی دستور دادم که با نفرات خود به باغشاه بروند و سرهنگ ممتاز هنگامی که از خیابان چشمه الدوله به باغشاه میرفته است با سرهنگ نصیری که به طرف منزل آقای نخست وزیر میرفته برخورد میکند و چون نفرات و تجهیزات سرهنگ ممتاز بیشتر بوده است موفق به تسلیم نمودن و خلع سلاح سرهنگ نصیری و افراد او میشود و او را دستگیر کرده به ستاد ارتش میآورند.

سرهنگ نصیری درستاد ارتش پس از بازجوئی مختصری به زندان دژبان منتقل گردید و چهار کامیون سربازان گارد که همراه سرهنگ نصیری بوده اند طبق دستور به سعد آباد منتقل و به وسیله واحد های پادگان مرکز خلع اسلحه شدند و به آنها ابلاغ گردید چون فرمانده آنها سرهنگ نصیری عمل خائنانه ای انجام داده است این عمل درباره آنها صورت گرفته است. آنها هم بلافاصله اسلحه های خود را تحویل سربازان پادگان مرکز دادند و اکنون نگهبانی کاخ های سلطنتی به عهده افراد پادگان و افراد گارد میباشد.

البته این اطلاعاتی که بنده به آقایان دادم مختصری از جریان دیشب است. آقای سرتیپ ریاحی سپس گفت آقای نخست وزیر قبلا اطلاعاتی از اینکه ممکن است عده ای از افسران کودتا نمایند به وسیله مأمورین مخصوص کسب نموده بودند. ساعت 5 بعد از ظهر دیروز بنده خدمت ایشان بودم اجمالا موضوع را به بنده فرمودند و روی همین اطلاعات ما تقریبا آماده برای جلوگیری و حثی نمودن اقدامات کودتا چیان بودیم. سابقا هم چندین مرتبه پیش بینی این عمل شده بود ولی احتمالا به جهاتی اقدام نکردند.

سرهنگ دوم آزموده هنگام شب در حال قطع تلفن های ناحیه بازار دستگیر گردید و در ایستگاه رادیو هم زد و خوردی روی نداد. توطئه کنندگان قصد این کار را داشتند ولی نتوانستند.

کودتا گران افسر نگهبان و ده نفر از پاسبانان کلانتری یک را نیز پس از خلع سلاح کردن بازداشت و به بازداشتگاه سعد آباد منتقل کردند.

طبق نظر یکی از افسران ستاد ارتش اغلب افسران و سربازان گارد شاهنشاهی از موضوع کودتا اطلاعی نداشتند زیرا سرهنگ نصیری برای آنها گفته بود امشب فداکاری کنیم زیرا کاخ سعد آباد در خطر است و عده ای قصد تصرف آن را دارند و افسران باید از کاخ دفاع کنند.

جلسه وزراء در خانه نخست وزیر

بعد از گزارش آقای مهندس حقشناس در مورد چگونگی دستگیری و بازداشتن شب گذشته این بحث مطرح گردید که شرکت کنندگان در توطئه دیشب چگونه باید به مجازات برسند و عمل آنها منطبق با کدام قسمت از قوانین جاریه است؟ چند نفر از وزرا عقیده داشتند که باید با تشکیل دادگاه های صحرانی توطئه کنندگان را محاکمه و مجازات کرد

زیرا اگر آنها موفق به انجام نقشه خود شده بودند عملی غیر از این نمیکردند ولی سایرین با این نظر مخالفت کردند و پس از مذاکرات مفصل قرار شد آقای لطفی وزیر دادگستری و دکتر صدیقی وزیر کشور از لحاظ انطباق عمل توطئه کنندگان با قوانین مجازات کشور مطالعاتی بکنند و نتیجه را در جلسه دولت به اطلاع برسانند.

محافظت از ایستگاه رادیو

دیشب به محض اطلاع از جریان توطئه مراکز حساس از جمله ایستگاه فرستنده رادیو مورد مراقبت و محافظت کامل قرار گرفت و آقای سرهنگ امیر غفاری آشتیانی با یک گردان سرباز از هنگ اقدسیه در ساعت یک بعد از نیمه شب در اطراف ایستگاه رادیو مستقر گردیدند. آقای بشیر فرهنگد سرپرست رادیو تهران در تمام مدت دیشب مرتباً با آقای نخست وزیر و اداره بی سیم و رادیو تهران با تلفن در تماس بود.

خبر خبرگزاری آسوشیتد پرس

آقای شون خبرنگار امریکائی خبرگزاری آسوشیتد پرس در تهران طی خبری که از تهران مخابره کرده اطلاع میدهد در ملاقاتی که با آقای سرلشگر زاهدی داشته نامبرده فرمانی را که به امضای اعلیحضرت همایون شاهنشاه در روز 22 مرداد رسیده است به وی نشان داده و اظهار داشته است که سرهنگ نصیری مأمور ابلاغ فرمان عزل نخست وزیری آقای دکتر مصدق بوده است.

دعوت فراکسیون نهضت ملی از مردم برای شرکت در متینگ هموطنان عزیز

از شما مردم رشید تهران دعوت میشود که برای استماع مطالبی در باب توطئه دیشب و وقایع جاری کشور و شرکت در متینگ ملی در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر در میدان بهارستان اجتماع فرمائید. در تعقیب این اعلامیه از طرف احزاب ایران، نیروی سوم، ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم، جنعیت آزادی مردم ایران و کمیته های محلی، جامعه بازرگانی و اصناف و پیشه وران و کلیه اهالی تهران دعوت میشود که ضمن تعطیل عمومی در ساعت 5 بعد از ظهر در میدان بهارستان حضور بهم رسانند.

متینگ میدان بهارستان

میدان بهارستان و خیابان های اطراف آن مملو از جمعیت است. امواج انسان های خشمناک در سراسر خیابانها منتهی به میدان بهارستان

موج میزند ، در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر آقای جلالی موسوی عضو فراکسیون نهضت ملی متینگ را با سخنرانی خود آغاز کرد:

.... در نیمه شب گذشته دشمنان ملت ایران میخواستند با یک کودتای نظامی نهضت ملی ما را از مسیر خود برگردانند و چند تن از یاران نهضت ملی را توقیف نمایند. سربازان مسلح به خانه پیشوای ملت ایران رفتند و میخواستند با کمال وقاحت مردی را که 50 سال مبارزات خود را در راه وطن پشت سر گذاشته و پاکدامن و سرفراز بیرون آمده بازداشت کنند و بدست دژخیمان برسانند و بساط چپاول شرکت سابق نفت را دوباره برقرار سازند ولی هوشیاری مردم ستمدیده ایران و بیداری دولت ملی نقشه های آنها را نقش بر آب کرد.

بیانات دکتر شایگان

....از دیر زمانی نمایندگان شما و شخص دکتر مصدق میدانستند که بیگانگان نقشه هایی کشیده اند به مقاماتی منوسل میشوند و او را وادار به اجرای نقشه خود میکنند ، آنها سعی کردند دربار را در مقابل نهضت ملی علم کنند ، دکتر مصدق و نمایندگان آنچه در عهده داشتند به عمل آوردند تا این اشتباه را رفع کنند و از خطری که نزدیک بود متوجه ملت ایران شود جلوگیری کنند. سیاست دکتر مصدق این بود که شاه مشروطه در چهارچوب قانون اساسی محدود باشد و دخالتی در کارهای مملکت نکند چرا برای اینکه دخالت شاه در امور مملکت وضع مشروطیت را مختل میکرد و نه تنها به مشروطیت لطمه میخورد بلکه وسیله سهلی بود که خارجی ها مطامع خود را دانسته یا ندانسته وسیله دربار به ملت تحمیل کنند.

اگر دکتر مصدق و نمایندگان اصرار داشتند که شاه آلوده به این مطامع نشود و مواد هشتگانه را تنظیم کردند به خیر مملکت و نهضت ملی ایران و بخیر آن کسی که قدر ندانسته بود میخواستند او در مملکت زندگی کند ولی حکومت نکند. اجانب دیدند که اگر نهضت ملی ایران نضج گیرد پیشرفت مقاصد آنها میسر نیست کوشیدند تا دربار را مقابل نهضت قرار دهند، یک نکته کوچک درهمین قضایا یعنی در کشمکش که بین ملیون و دربار پیش آمد به عرض شما میرسانم پس از وقایعی که به خاطر دارید و پس از اقدامات ناشایسته ای که از طرف اطرافیان دربار شد خود دربار تصمیم گرفت برای اینکه مردم مطلب را فراموش کنند شاه مسافرتی به خارج نماید ، هموطنان گرامی این عرضی را که میکنم از مسموعات بنده نیست از چیزهایی است که خودم به

شخصه دیده ام. نمایندگان نهضت ملی که برای همین قصد به دربار رفته بودند وزیر دربار بطور نجوا به آنها گفت آقایان شما آیا صلاح میدانید به واسطه اینکه اعلیحضرت مریض هستند مسافرتی به خارج بکنند؟ نمایندگان نهضت ملی با کمال ادب به عرض ایشان رسانیدند ما تکلیف شاه مملکت را نمیخواهیم تعیین کنیم اگر میل دارند خودشان تصمیم خواهند گرفت.

این نمونه ای از وضع مماشات نمایندگان نهضت ملی و شخص دکتَر مصدق است. شاهی که مکرر بدون مقدمه به جاهای بسیار ناشایسته به خارج از مملکت مسافرت کرده بود این سفر مصلحتی را بهانه کرده و آن غوغای عظیم را برپا کردند.

از چهار پنج روز پیش خارجی ها و ایادی داخلی آنها درصد برآمدند دکتَر مصدق را توقیف و سران نهضت ملی ایران را بازداشت و سپس اعدام کنند. این بیچاره ها تصور میکنند با از بین برداشتن نمایندگان، شما ملت ایران دست از مبارزه خود برمیدارید زهی تصور باطل زهی خیال محال، جان من و امثال من فدای شما بشود تا شما پا برجا باشید (جمعیت ما شاه نمیخواهیم) از هر قطره خون ما درختی برای نهضت ملی ایران به ثمر خواهد رسید، کودتا چنان از گاردی که دولت ملی دکتَر مصدق برای حفظ جان سلطان وقت گمارده بود استفاده کردند و خواستند به همین وسیله دولت را ساقط کنند، نقشه این بود که عده ای به خانه پیشوای ما بروند او را توقیف کنند عده ای دیگر رئیس ستاد را توقیف کنند، جمعی دیگر اعضای فراکسیون را دستگیر کنند ولی خداوند نخواست. خداوند چنان هوشیاری به دکتَر مصدق داده است که از پنج روز قبل از نقشه خائنانه آنها مطلع بود و همه ما کم و بیش از این توطئه ها اطلاع داشتیم ولی پیشوای شما همه چیز را میدانست و بحمدالله در ظرف 22 دقیقه تمام آن افراد تحت توقیف دولت درآمدند.

قرار براین بود که اگر این ایادی خائن در توطئه خود موفق گردند رادیوی تهران را امروز بکلی ساکت نگهدارند تا خبری علیه نهضت ملی و دکتَر مصدق منتشر نشود. ثانیاً این علامتی بود برای شاه مملکت که بداند آیا توطئه به نتیجه رسیده است یا نه و این علامتی باشد که اگر کودتا انجام گرفته باشد شاه یکسره به تهران بیاید و ملیون را تار و مار کند ولی خدای بزرگ نگذاشت این توطئه انجام گیرد و وقتی که آنها در رامسر و کلاردشت مترصد بودند رادیو تهران ساکت باشد رادیو خبر داد

که ملیون بر توطئه کنندگان غلبه کرده اند طبق مثل معروف متاعی که باید به تهران بیاید به بغداد رفت.

هموطنان عزیز، به حول و قوه الهی دست رد به سینه اجانب زد و بیگانگان دانستند که با احساسات یک ملت بازی نمیتوان کرد. اینک ما نمایندگان نهضت ملی تقاضا میکنیم که دولت مصدق فوراً شورای سلطنتی تشکیل دهد و تکلیف آینده مملکت را تعیین کند.

مهندس زیرک زاده

من و دو نفر دیگر یعنی دکتر فاطمی و مهندس حقشناس و سران دولت شما را در قصر پادشاهی شاهنشاه ایران حبس کردند. آفرین بر چنین دشمنی، هرچه دشمن بیشتر بتازد طالع بلند مردم ایران افتضاح دشمنان را بیشتر ثابت میکند. کودتای مفتضح دیشب به جایی نرسید و یکبار دیگر ملت ایران فاتح گردید. مگر ملت ایران چه میگوید؟ مگر شما مردم چه میخواهید؟ مگر چز اخقاق حق خود چیز دیگری خواسته اید؟

انصافا باید گفت آنها که با حکومت دکتر مصدق سر جنگ دارند کمک به خارجی میکنند ولی اگر توطئه های آنها ملت ایران را دچار مشکل ساخت و در مقابل عده ای از دشمنان روز به روز بیشتر خود را معرفی کردند تا ماسک های خود را برداشتند و علنا وارد مبارزه با مردم ایران شدند و از طالع بزرگ ملت و از وجود رهبری مانند مصدق دشمنان خرد شدند (جمعیت مصدق پیروز است) آری مصدق پیروز است و از این احساسات باید حداکثر استفاده را بکنیم. آقایان دولتی را که اکنون برسر کار نگهداشته اید امروز بیشتر از همه وقت به کمک شما محتاج است، به او کمک کنید برای اینکه دولت شما دشمن زیاد دارد. آنها کودتائی کردند و شکست خوردند و به خارج پناه بردند، ما کار نداریم که سرنوشت آنها چه خواهد شد ملت ایران علت اصلی پیروزی های ما است.

ما راه خود را می پیمائیم و آنها که در جهت مخالف ما میخواهند قدم بردارند با ما نیستند ما حساب گذشته را خوب داریم و برای فردا رفتار دیروز را در نظر میگیریم دولت فعلی ما باید رفته را معرفی کند یعنی شاه را مستعفی بشناسد و شورای سلطنتی را تشکیل دهد.

نطق دکتر فاطمی

مردم قهرمان تهران من به این احساسات پاک شما تعظیم میکنم. وفاداری وثبات شما مردم قهرمان تهران موجب این پیروزیها میباشد. هموطنان وضع مزاجی من طوری نیست که بتوانم زیاد صحبت کنم و من درمقابل احساسات سرشار شما چندکلمه به عنوان تشکر عرض میکنم.

هموطنان عزیز «چوتیره شود مرد را روزگار- همه آن کند کش نباید بکار» دیشب وقتی تفنگ های گارد شاهنشاهی بطرف من نشانه روی میکرد من چون به اراده شما ایمان داشتم میدانستم که نهضت ملی نخواهد مرد.

هموطنان فرزند آن پدری که قرارداد سال 1933 را 60 سال تمدید کرد علیه نهضت ملی قیام نمود. پدرش بیست سال عامل کمپانی جنوب بود و چهل سال دیگر را برای پسرش باقی گذاشت. امروز شما باید نشان بدهید که روی پای خود می ایستید و هرکس که با شما مخالفت کند او را از بین برمیدارید ، به آنها که میگویند نهضت شما رنگ خارجی دارد بگوئید آنکسی که خارج از مرز شما است خارجی است.

برای شما استعمار سپاه سفید ، سپاه و سرخ علی السویه است. هموطنان جنایات دربار پهلوی روی جنایات ملک فاروق را سفید کرد. هموطنان از اسلحه ای که با قیمت خون شما تهیه شده بود فرزند عاقد قرارداد 1933 میخواست علیه شما بکار برد.

روزی که صدای رادیو تهران بلند شد و گفت نقش کودتاجیان نقش بر آب شده وی راه اولین سفارتی را که انگلستان در خارج از ایران دارد در پیش گرفت ، امروز روزی است که فرد فرد شما مانند سرباز باید بیدار باشید. امروز شما باید دست به دست فرزند رشید وطن دکنتر مصدق بدهید و برای ایران نو از تحریکات اجنبی جلوگیری کنید. دربار پهلوی آنچنان منقرض شد که اراده خداوند اراده دیگری نمیتوانست بدون اینکه خون از دماغ کسی برود این کابوس مرگ نابود شد، هموطنان وظیفه سنگین خود را فراموش نکنید از این دقیقه به بعد مواظب تر ، مراقب تر از همیشه باشید.

خدای ایران بزرگ است. خدای ایران نخواست نهضت شما واژگون شود. فرزند عامل قرارداد 33 میخواست بجنگ خدا برود ، میخواست به جنگ

ملت و اجتماع که مظهر اراده خدا است برود ولی شما آنچنان او را بر زمین زدید که هیچکس در مخیله خود تصور نمیکرد.

نطق مهندس رضوی

هموطنان عزیز من ، باز هم وقایع و حوادث ما را بر آن داشت که از شما مردم غیور و رشید تهران تقاضای حضور در این میدان تاریخی را بنمائیم. همانطور که میدانید ما هرگز برای خودمان موجودیت و شخصیتی را خارج از اراده و خواست ملت ایران نخواستیم و افتخار داریم که همواره سربلندی و سرفرازی شما مردم غیور ایران را هدف خود قرار دهیم. دیشب در پایتخت کشور یکی از نقشه های ارتجاعی به معرض آزمایش گذاشته شد و سعی کردند نظامی و افسر را وادار به عملیات قدرت نمایی و دیکتاتور تراشی بنمایند بحمدالله به منظور خود نائل نشدند.

هموطنان من امروز دیگر اراده یکنفر هرکسی که باشد سرنوشت مملکت را نمیتواند تغییر دهد امروز اراده ملت ایران به صورت نهضت ملی ظاهر شده و ارایه سیاست مملکت را در دست دکتر مصدق نخست وزیر سالخورده و با تدبیر ما داده است و هیچ قوه ای نیز از اراده و خواست ملت ایران در سرنوشت مملکت تأثیر ندارد. اکنون ما استقلال حقیقی خود را بدست آورده ایم دیگر تحریکات بیگانگان و عمال آنها نمیتواند چرخ مملکت ما را از گردش باز دارد.

اما تکلیف مملکت اکنون که پادشاه از کشور خارج شده است به وسیله دولت باید تعیین گردد و برای شما مردم رشید در اینجا وظیفه حساس تری است و آن توجه کامل به مصالح کشور است و من فقط به همین مختصر قناعت میکنم و همین قدر مجدداً میگویم که کمال مطلوب ما آن است که استقلال سیاسی و اقتصادی کامل ملت ایران تأمین گردد. خلاصه آنکه امروز ما از دولت میخواهیم که اولاً انفصال پادشاهی که پشت به ملت ایران کرده و با این اقدام خود سعی کرده از منافع خارجی ها حمایت کند به ملت اعلام گردد. ثانیاً در بالا بردن وسایل معاش طبقات ایران کوشش عملی و حقیقی بکار برده و بالاخره با نهایت قدرت حکومت کرده مخالفان نهضت ملی را از هر دسته و طبقه که باشد سرکوب نماید.

اکنون مجلس دوره هفدهم با آراء آزاد مردم منحل شده است بر عهده دولت است که هرچه زودتر اصلاحات لازم را در قانون انتخابات به عمل آورده وسایل انتخابات مجلس 18 را فراهم سازد.

قطعه نامه متینگ

ما شرکت کنندگان در متینگ روز یکشنبه 25 مرداد 1332 میدان بهارستان به پیروی از افکار ملت ایران مواد ذیل را تصویب می نمایم:
اول - چون کودتای خیانتکارانه نیمه شب 25 مرداد سال 1332 به دستور بیگانگان برای سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق و از بین بردن نهضت مقدس ملت ایران بوجود آمده از دولت ملی دکتر مصدق میخواهیم تا هرچه زودتر مسببین و محرکین را به شدید ترین مجازات محکوم نمایند.

دوم - از دولت مصراً خواهانیم تا هرچه زودتر به تشکیل محکمه ملی اقدام و خیانتکاران به نهضت ملی ایران را مجازات نماید.
سوم - چون شاه فراری است از دولت ملی دکتر مصدق میخواهیم که به فوریت به تشکیل شورای سلطنت اقدام و با نهایت قوت و قدرت ب ا تکالیف قانونی خود عمل نماید.

شاه و ملکه از بغداد عازم رم شدند

شاه در ملاقات با حسن صدر رئیس مجلس سنا و فاضل جمالی رئیس مجلس نمایندگان عراق و آیت الله شهرستانی اظهار داشت چون مصدق قانون شکنی میکرد او را معزول و سرلشگر زاهدی را به نخست وزیری تعیین کردم. شاه همچنین گفت کودتایی در بین نبوده و از مقام خود نیز استعفا نداده ام.

اظهارات شاه

رهبران سیاسی و مذهبی عراق دیروز پس از ملاقات با شاه اظهار داشتند که شاه ایران به آنها گفته است که پس از عزل دکتر مصدق و انتصاب ژنرال زاهدی بجای او به سمت نخست وزیری ایران بنا به میل و اراده خود ایران را ترک کرده است.

آنها هم چنین گفتند که شاه از اینکه دکتر مصدق از انجام آرزو ها و امیال وی و مردم ایران مبنی بر اینکه آقای دکتر مصدق باید کناره گیری کند سرباز زده است اظهار تأسف کرد. شاه اضافه کرد که ژنرال زاهدی کودتای نظامی انجام نداده و فقط سعی کرده که دکتر مصدق را از تصمیم شاه مستحضر نماید. شاه تأکید کرد من هنوز زاهدی نه دکتر

مصدق را نخست وزیر قانونی ایران میدانم ، من از حق قانونی خود برای حفظ منافع ملی ایرانیان استفاده کرده ام هدف اساسی من همیشه حفظ قانون اساسی است و در مملکت ما این را نمیتوان به عنوان پشت پا زدن به قانون اساسی تلقی کرد.

شاه گفت نمیتوان بدکتر مصدق اجازه داد که به عنوان یگانه دیکتاتور مطلق العنان در ایران حکومت کند.

سیاست امریکا در انقیاد انگلستان

روزنامه المصری در گزارشی از واشنگتن مینویسد محافل رسمی امریکا عقیده دارند وضع ایران فوق العاده نگران کننده شده است. در ماه های اخیر دیپلوماسی امریکا در ایران کاملاً تحت انقیاد سیاست انگلیس درآمده و این سیاستی است که ایران را مجبور به صبر و انتظار میگذارد تا پشتوانه ارزی او بکلی پایان یابد تا بر اثر وخامت مالی خود ناچار با تسلیم خواسته های انگلستان و امریکا شود و مسأله نفت را بخواست آنها حل و فصل نماید.

تظاهرات امروز

مقارن ساعت 9 بامداد گروهی های متشکلی از خیابان های جنوب شهر درحالیکه شعارهای « زنده باد شاه مرگ بر حزب توده» میدادند به طرف میدان سپه حرکت کردند. درحوالی میدان سپه عده ای دیگر که اکثراً با چوب دستی های بزرگ مجهز بودند به جمعیت قبلی که در میدان سپه مستقر شده بودند پیوسته از طرف خیابان های فردوسی به استانبول و شاه آباد به طرف میدان بهارستان حرکت کردند و شعارهایی بر ضد دولت و زنده باد شاه میگفتند. این گروه تظاهر کنندگان را چهار کامیون حامل سرباز و پاسبان که در جلو هریک از کامیون ها مسلسل های قرار داشت از جلو و عقب تظاهر کنندگان حرکت میکردند و شعلهای آنها را تکرار مینمودند.

حمله تظاهر کنندگان به احزاب و روزنامه های طرفدار دولت

درخود ساعت 10 درحالیکه تظاهر کنندگان طرفدار مشروطیت و شاه چوبدستی های خود را بلند کرده و فریاد زنده باد پادشاه و مرگ بر جمهوری میدادند به حزب ایران نزدیک شدند و از دیوار بالا رفته و تابلوی حزب مزبور را پائین آورده وارد حیاط حزب شدند و کلیه صندلی ها و در و پنجره و اثاثیه حزب را شکسته اوراق را پاره کرده و آتش زدند و چند نفری را که در حزب بودند به شدن مضروب و مجروح کردند.

تظاهرکنندگان که بنظر میرسید اداره کنندگانی دارند به قصد حمله به حزب ملت ایران بربنیاد پان ایرانیسم در خیابان صفی علیشاه حرکت کردند. پان ایرانیست ها که قبلا خود را آماده کرده بودند در پشت بام حزب رفته و با انداختن پاره آجر به طرف تظاهر کنندگان مانع ورود آنها به داخل حزب شدند ، تظاهر کنندگان که این وضع را دیدند شروع به دادن شعار کردند و آنقدر این وضع را ادامه دادند تا سنگ هائی که روی بام جمع شده بود به پایان رسید سپس چند تن از سردسته های تظاهر کنندگان از تیر چراغ برق بالا رفته و تابلو و پرچم ها را از بالای حزب پائین آوردند عده ای از آنها نیز بداخل حیاط حزب وارد شدند همه اثاثیه و صندلی ها را شکسته و پس از جنگ تن به تن با اعضای حزب که بیش از چند نفر نبودند با چند نفر مجروح و زخمی از خود و چند نفر از پان ایرانیست ها از حزب خارج شده بطرف اداره روزنامه باختر امروز که در غرب میدان بهارستان بود رهسپار شدند و بعد از به آتش کشیدن دفتر روزنامه بطرف خیابان اکباتان حرکت کرده در مقابل وزارت فرهنگ مجددا شعار و تظاهرات آنها افزایش یافت و به بهانه اینکه کارمندان فرهنگ توده ای و مخالفین شاه و مشروطیت هستند، قصد حمله به وزارت فرهنگ را داشتند که با شلیک چند تیر هوائی عقب نشینی کرده به طرف دفتر روزنامه شورش به راه افتادند و ضمن دادن شعارهای زنده بادشاه دفتروزنامه شورش را نیز به آتش کشیدند.

بعد از به آتش کشیده شدن دفتر روزنامه شورش تظاهر کنندگان که عده ای از پرسنل نیروی هوائی شاهنشاهی نیز به آنها اضافه شده بودند از خیابان اکباتان واردخیابان سعدی شده به طرف چهارراه مخبرالدوله براه افتادند. در خیابان مخبرالدوله نیز عده ای از افراد ارتش با آنها هم صدا شده بطرف خیابان سعدی شمالی براه افتادند این گروه در مسیر خود وارد بازارمهران شده دفتر روزنامه حاجی بابا را بعد از غارت آنجا با خاک یکسان کردند سپس به مسیر خود ادامه داده وارد خیابان ساهرضا واز آنجا به طرف حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) روانه شدند و آنجا رانیز به آتش کشیدند و چندین نفر را که در داخل حزب بودند با ضرب چوب و مشت و لگد مضروب و شدیداً مجروح نمودند، سپس از طریق خیابان لاله زار وارد میدان سپه شدند. در تمام طول این مسیر با وجود متمرکز بودن نیروهای انتظامی با هیچ گونه عکس العمل آنها مواجه نشدند.

حرکت به سوی بازار

تظاهرکنندگان بعد از عبور از گلوبندک به طرف بازار حرکت کردند ، بازاریان و رهگذران به این وضع و تظاهرات غیرعادی با حالت تعجب و نگرانی شدید آنها را تماشا میکردند و تعجب بیشتر برای آنها این بود که مأمورین انتظامی هیچگونه عکس العملی از خود نشان نمیدادند. تظاهرکنندگان با شعار های زنده باد شاه مجدداً به طرف میدان سپه براه افتادند.

حمله به ستاد ارتش و شهربانی و وزارت خارجه

تظاهرکنندگان درحالیکه عده ای از افسران بازنشسته درلباس سویل رهبری آنها را به عهده داشتند برای تصرف شهربانی و ستاد ارتش به راه افتادند. در ساعت 12 مجدداً در میان سپه اجتماع کردند و چند عکس بزرگ شاه را بالای مجسمه شاه سابق که چند روز پیش سرنگون شده بود قرار دادند. دراین وقت مأمورین مستقر در میدان شروع به تیراندازی هوائی کردند و جمعیت تظاهر کننده پا به فرار گذاردند و در خیابان های کوچه های مجاور پناهنده شدند.

همزمان شلیک تیر در خیابان های ثبت و سوم اسفند شروع شد زیرا با بودن وزارت امور خارجه ، شهربانی و ستاد ارتش و دژبانی مأمورین انتظامی میخواستند به هر وسیله ازکشیده شدن تظاهرات بآن حدود جلوگیری نمایند.

در ساعت 12 و سی دقیقه گروهی از تظاهر کنندگان درحالی که عکس هائی از شاه در دست داشتند با فریادهای زنده باد شاه قصد عبور به داخل شهربانی را داشتند که با مشاهده نیروهای مسلح انتظامی دراطراف شهربانی از تصرف شهربانی منصرف شده به طرف وزارت امورخارجه به راه افتادند، عده ای از آنها نیز بطرف باشگاه افسران رفتند و جمعی نیز بقصد تصرف ستاد ارتش بدان سو رفتند.

گروه های مسلح وارد عمل میشوند

فرماندارنظامی تهران سرهنگ ستاد حسینقلی اشرفی میباشد و همه سربازانی که برای حفظ نظم در خیابان های تهران هستند ابوابجمعی فرماندار نظامی تهران هستند اما به نظر میرسد که فرماندار نظامی تهران دستور شلیک به تظاهر کنندگان را نداده است و ابوابجمعی او با تظاهر کنندگان همراهی و همکاری میکنند.

ساعت دو بعد از ظهر شهربانی و ستاد ارتش از طرف شش تانک و چند کامیون حامل سرباز محاصره شد و تظاهر کنندگان نیز اطراف آنها را گرفتند و قصد اشغال ستاد ارتش و شهربانی را داشتند ولی بعد از چند دقیقه این محاصره شکسته شد و چهار تانک و چند کامیون حامل سرباز و چهار اتوبوس که تظاهر کنندگان در آنها نشستند به طرف میدان سپه حرکت کردند و در آنجا توقف کرده و مجددا شعارهایی به نفع شاه و علیه دولت دادند. فرماندهی این گروه نظامیان و تانک ها با سرهنگ صمصام بود.

بعد از چند دقیقه نیروی مزبور وارد پست و تلگراف شده و عکس های شاه را بالای در آن وزارتخانه نصب کردند ، بعدا جمعیت در معیت تانک ها و زره پوشها به اداره انتشارات و تبلیغات رفته و آنجا را نیز متصرف شدند. جمعیت بدخل اداره تبلیغات رفته تمام اوراق و مطبوعات را بیرون ریخته و عکس شاه را در بالای این اداره نصب کردند. جمعیت بعدا سوار تانک ها شده و بطرف بی سیم رفتند تا آنجا را اشغال کنند.

اشغال ایستگاه رادیو

مقارن دو بعد از ظهر بعد از اشغال اداره انتشارات و تبلیغات تظاهر کنندگان همراه عده ای از زنان که به آنها ملحق شده بودند سوار بر تانک ها و در معیت سربازان بطرف بی سیم پهلوی حرکت کردند تا ایستگاه رادیو را تصرف کنند.

یکی از تانک ها به داخل محوطه ایستگاه رادیو آمد. برق ایستگاه فرستنده قطع شده بود با زحمت برق رادیو وصل شد. در ساعت 3 میراشرافی اعلام کرد هموطنان عزیز تهران بوسیله مردم تسخیر شده است یکساعت است که رادیو کار میکند ولی احساسات مردم اجازه نمیدهد از استودیو با شما صحبت کنم مردم پایتخت در انتظار بازگشت شاهنشاه هستند مملکت را حفظ کنید. به همت زنان و مردم شاهدوست و پشتیبانی ارتش شاهنشاهی تهران تصرف شد و حکومت مصدق السلطنه ساقط گردید.

آقایان پیراسته و احمد فرامرزی ضمن اعلام نخست وزیری سرلشگر زاهدی و قرائت فرمان نخست وزیری ایشان به زمامداری مصدق حمله کردند. و اعلام کردند که ستاد ارتش به وسیله مردم ، سربازان و

افسران تصرف شده است. شاهنشاه به وسیله تلگراف از جریان مطلع شده اند مردم نگذارید مصدق و طرفداران او از دست شما فرار کنند.

گوینده رادیو اعلام داشت که آقای سرلشگر زاهدی نخست وزیر برای ابلاغ پیام اعلیحضرت به مردم به استودیو آمده اند. زاهدی اظهار داشت :

به نام خداوند قادر متعال ، ملت رشید و هموطنان عزیزم برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سمت نخست وزیری را پذیرفته ام و در قبول این خدمت بعد از امید به خداوندی و به نیروی شما متکی هستم. دولت های گذشته خیلی به شما وعده داده اند ولی امیدوارم این خدمتگزار برخلاف آنها به وعده های خود عمل کنم. برنامه اینجانب بطور اجمال چنین است

حکومت قانون، بالا بردن سطح زندگی مردم، موتوریزه کردن کشاورزی پائین آوردن هزینه زندگی، بالا بردن مزدکارگران ، بهداشت عمومی و مجانی برای همه ، تقویت بنیه مالی کشاورزان، تعمیم و حفظ امنیت عمومی، تأمین آزادیهای فردی اجتماعی. در دو بی پایان من به شما مردم ایران. هموطنان نخست وزیرقانونی به امر اعلیحضرت تا مجلس روی کار بیاید اینجانب هستم.

یورش به خانه دکتر مصدق

از ساعت 12 یورش جمعیت به طرف خانه دکتر مصدق شروع شد ولی هرگاه تیری هوائی شلیک میشد مهاجمین برای مدتی عقب نشینی میکردند و در خیابانهای اطراف خیابان کاخ پنهان میشدند. در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر چند تانک به کمک تظاهر کنندگان آمدند در نتیجه مهاجمین که در سه راه شاه تا خیابان آقا شیخ هادی پراکنده بودند مجدداً به طرف خیابان کاخ حرکت کردند. مدافعین خانه دکتر مصدق در ساختمانی در مدخل خیابان کاخ سنگر گرفته و از خیابان کاخ دفاع میکردند فرمانده مدافعین سرهنگ ممتاز است.

با ورود تانک به صحنه مدافعین شروع به تیراندازی نمودند و در حالی که مهاجمین مجدداً از صحنه نبرد فرار میکردند یکی از تانک ها با شلیک توپ تانکها یکی از طبقات ساختمان را ویران کرد ولی هنوز مدافعین با تفنگ و مسلسل به طرف تانک و مردمی که بر آن سوار شده بودند شلیک میکردند. به تدریج تعداد تانک ها که تعداد آنها به 27 میرسید

وارد خیابان کاح شده به طرف منزل دکتر مصدق سرازیر شدند. مدافعین درساختمان روبروی خانه دکتر مصدق نیز سنگر گرفته بودند و وقتی تانک ها و تظاهر کنندگان قصد شکستن درخانه و حمله بخانه را داشتند بار دیگر صدای شلیک از خانه مقابل به طرف مهاجمین آغاز شد که تا ساعت هفت و نیم شب ادامه داشت. با شلیک آخرین فشنگ خانه به تصرف تانک ها و مهاجمین قرار گرفت. هنگامیکه محافظین خانه با دادن سلاحهای خود تسلیم شدند مهاجمین به بردن اثاثه خانه پرداختند. بعد از چند دقیقه خانه به ویرانه ای تبدیل گردید. دو نفر از خادمین خانه که هنوز در خانه بودند به فرمان افسر فرمانده تانک ها با دو شلیک آنها را از پا درآوردند و خانه را به آتش کشیدند.

بعد از غارت خانه دکتر مصدق متوجه خانه های اطراف که منزل فرزندان آقای دکتر مصدق بود شدند و آنجا را نیز درمدمت کوتاهی غارت کرده و آتش زدند. در ساعت 8 شب وقتی مهاجمین از خیابان کاح خارج شدند ، سکوت همه جا را فرا گرفته بود فقط شعله های آتش از دو خانه آن زبانه می کشید.

اعلامیه سرلشکر زاهدی خطاب به آقای دکتر مصدق

چون از طرف ذات شاهانه دستور اکید برای حفظ جان جناب آقای دکتر مصدق صادر شده است مقتضی است خودشان را در ظرف 24 ساعت به اداره کل شهربانی یا فرمانداری نظامی معرفی سازند و برحسب اراده ملوکانه تا وقتی که تکلیف ایشان از طرف ملت معلوم نشده باشد کاملاً در حفظ جان ایشان جدیت به عمل خواهد آمد.

29 مرداد 1332

فرمان دستگیری وزرای سابق

هرچه زودتر صورت اسامی افسران و درجه دارانی را که دیروز به نفع ملیون کارکرده اند تهیه شود تا ترتیب تشویق و تقدیر آنها داده شود و حتی به بعضی از آنها جایزه نقدی داده شود.

عموم وزرای سابق دستگیر و در شهربانی توقیف شوند و درباره آنها از رئیس شهربانی کسب تکلیف شود.

کلیه رزمای قوم و نزدیکان نخست وزیر سابق از قبیل دکتر شایگان ، مهندس زیرک زاده ، مهندس رضوی ، و سایرین که برخلاف قوانین جاریه عملیاتی کرده اند و مخالف منویات ملت ایران قیام نموده اند تحت پیگردقانونی قراردهند. همچنین سرتیپ محمد حسین جهانبانی احضار شوند.

رئیس شهربانی کل کشور - سرتیپ دفتری

دستخط شاه به سرلشگر زاهدی

به نام قادر متعال من از پشتیبانی مردم ایران نسبت به من و دفاع از قانون اساسی صمیمانه سپاسگزارم ، من از کلیه افراد ارتش و تمام مأموران غیر نظامی و همه مردم ایران را به متابعت از اوامر جناب آقای فضل الله زاهدی که طبق قانون اساسی به ریاست حکومت ملی و قانونی ایران از طرف من تعیین شده دعوت میکنم. من بیدرنگ به ایران و ملت من برمیگردم. خدا حافظ ایران و مردم ایران
محمد رضا پهلوی

تلگراف نخست وزیر

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه، مردم شاه دوست و ارتش فداکار در انتظار موکب همایونی با بی صبری دقیقه شماری میکنند. از خاکپای مبارک استدعای تسریع در عزیمت و ابلاغ ساعت نزول اجلال را دارد تا احساسات پاک مردم مطابق آرزوی خودشان اینار قدوم مبارک گردد. چاکر - فضل الله زاهدی

تلگراف شاه به آیت الله بهبهانی

آیت الله بهبهانی تهران بنام خداوند تبارک و تعالی ، از محبتی که ملت ایران به من و حفظ قانون اساسی انجام داده است صمیمانه سپاسگزارم. بدینوسیله از تمام قوای مسلح و تمام مسئولین کشوری و ملت ایران خواستارم دستورات نخست وزیر جناب فضل الله زاهدی که بر طبق اختیارات قانون اساسی از طرف من برای ریاست دولت قانونی و ملی ایران انتخاب شده اند اطاعت کنند. هرچه زود تر به ایران عزیز و ایرانیان برخوادم گشت خداوند بزرگ ایران و ملت ایران را حفظ کند.

پاسخ آیت الله به شاه

پیشگاه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ، دستخط تلگرافی مبارک زیب وصول یافت از خداوند سلامتی وجودمبارک و بقای سلطنت عظمی اسلامی را خواهانم. اشالله عین تلگراف مبارک را به عرض عامه رسانیده همه انتظار زیارت پادشاه معظم و محبوب خود را دارند و با امیدواری کامل به عطوفت ملوکانه مستدعی است در این موقع که الحمدالله موکب همایونی به مقرسلطنت معاودت میفرمایند امر عفو عمومی صادر فرمایند موجب مزید تشکر خواهد بود.
محمدالموسوی بهبهانی

اطلاعیه شماره 2 نخست وزیر

در اینموقع خطیر که با عنایت خداوند توانا و امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه و نیروی لایزال ملت و فداکاری افراد وطن دوست و ارتش ملی زمام امورکشور را بدست گرفته و درقبول این خدمت هدفی جز حفظ استقلال ایران عزیز و تشدید مبادی دین مقدس اسلام و تأمین آسایش و رفاه واقعی مردم و احترام به اراده آزاد آنها ندارم، از قاطبه هم میهنان گرامی و استانداران و فرمانداران و کلیه مأمورین دولت انتظار دارم با درایت و متانت مراقب اوضاع بوده و مطمئن باشند تشویق خدمت گداران و مجازات خیانتکاران برطبق قانون و مقررات مورد نظر و عمل خواهد شد.

نخست وزیر - سرلشگر زاهدی

سرلشگر زاهدی در وزارت امور خارجه

آقای سرلشگر زاهدی نخست وزیر ساعت 11 صبح امروز به وزارت امور خارجه رفته و پس از معرفی شدن اظهار داشتند :

اینجانب که در تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی زمام امور را بدست گرفتم امیدوارم با کمک هم میهنان عزیز مخصوصا شما ها روابط دوستانه با کلیه کشور ها مخصوصا دول دوست و همسایه محفوظ ودر تشدید آن کوشش وافر نمائیم. بطوری که میدانید حکومت سابق در اثر سوء سیاست اغلب کشورها را از خود رنجانده بود و اکنون وظیفه دولت و مخصوصا شما ها است که در ایجاد حسن تفاهم و روابط دوستانه بین کشور ایران و همه دول کوشیده تا جبران گذشته بشود.

مجلس و نمایندگان اقلیت

امروزصبح تقریبا تمام نمایندگان اقلیت مجلس هفدهم درمجلس بودند آقایان دکتر بقائی، حائری زاده، قنات آبادی، کریمی، حمیدیه، بهادری، افشار صادقی، کریمی، حمیدیه، هدی، پور سرتیپ و میراشرافی و همچنین چند نفر از نمایندگان دوره شانزدهم که مخالف دکتر مصدق بودند از جمله آقایان شوشتری و صفائی در سرسرای مجلس اجتماع نمود بودند. این نمایندگان با دیدن یکدیگر نسبت به یکدیگر ابرازاحساسات کرده و به یکدیگر تبریک می گفتند. نمایندگان مزبور هنوز خود را نماینده میدانند.

آقای حایری زاده اظهار داشتند چون دولت از ما درباره وضع موجود و کابینه خود نظر خواسته در منزل آیت الله کاشانی تشکیل جلسه داده و تبادل نظر نموده ایم اما نظر قاطع به جلسه امروز عصر موکول گردید.

دکتر مصدق در شهربانی

براساس گزارش سرهنگ ممتاز فرمانده گارد محافظ دکتر مصدق در مورد محل اختفای دکتر مصدق و همراهان مأمورین انتظامی طبق نشانی که در اختیار داشتند برای بازداشت آنان به منزل مهندس معظمی در خیابان اردیبهشت رهسپار شدند. در آن خانه آقایان دکتر مصدق، دکترشایگان، دکتر صدیقی و مهندس معظمی بودند.

چهارنفر آقایان مزبور با دیدن مأمورین خود را در اختیار مأمورین قرار دادند. هریک از آنها درجیب جداگانه ای نشسته و با مأمورین محافظ به طرف شهربانی حرکت نمودند. به محض رسیدن به شهربانی ابتدا آقای دکتر صدیقی پیاده شده سپس دکتر مصدق و متعاقباً دکتر شایگان و دکتر معظمی پیاده شده باطاق سرتیپ دادستان فرماندار نظامی وارد شدند. پس از اطلاع به آقای نخست وزیر ایشان دستور دادند که آقای دکتر مصدق و همراهان را به باشگاه افسران انتقال دهند. موقعی که آقای دکتر مصدق از پله های عمارت باشگاه افسران بالا رفتند آقای سرلشگر زاهدی بالای پله ها ایستاده بودند.

آقای دکتر مصدق وقتی آقای سرلشگر زاهدی را دیدند گفتند قربان تبریک عرض میکنم. آقای سرلشگر زاهدی به آقای دکتر مصدق سلام نظامی داده روی ایشان را بوسید و دست ایشان را فشرد. آقای سرلشگر زاهدی ضمناً به آقای دکتر مصدق گفتند مطمئن باشید که اعلیحضرت دستور داده اند موئی از سر شما کم نخواهد شد.

ملاقات سرلشگر زاهدی با کاشانی

با توجه به احترامی که آیت الله کاشانی در مدت تحصن سرلشگر زاهدی در مجلس نسبت به ایشان نموده بود آقای نخست وزیر به آیت الله اطلاع دادند که قصد ملاقات ایشان را دارند.

آیت الله منزلی را در تجریش معین کردند تا در آنجا ملاقات صورت گیرد. در این جلسه آقایان دکتر بقائی، حائری زاده، نادعلی کریمی و شمس قنات آبادی حضور داشتند. آیت الله کاشانی در مورد مسأله نفت از

نخست وزیر سؤال کردند و اصرار داشتند نظر ایشان را در مورد مسأله غرامت بدانند.

آقای سرلشگرزاهدی اظهار مینمایند که من به هیچوجه تسلیم نظرات انگلیس نخواهم شد و غرامت تأسیسات نفت را هم به آنها نخواهم پرداخت.

در مورد تعقیب آقای دکتر مصدق آیت الله سؤال کردند. سرلشگر زاهدی پاسخ دادند که دکتر مصدق از دو نظر قابل تعقیب است. اول از جهت اقدامات خلاف قانون ایشان در زمان نخست وزیری و دیگر بر اثر اقداماتی که ایشان در زمانی که از نظر قانونی سمتی نداشته اند انجام داده اند و با اینکه صدور فرمان نخست وزیری من به اطلاع ایشان رسیده بود اقداماتی کردند و از آن جمله مردم را به گلوله بستند.

17 آذر ۱۳۳۲

در بیدادگاه استعمار

آخرین دفاع دکتر مصدق

ساعت ۴ بعد از ظهر سال ۱۳۳۲ در سلطنت آباد آخرین جلسه محاکمه دکتر محمد مصدق با آخرین دفاع دکتر مصدق بیایان خواهد رسید. دکتر مصدق در آخرین دفاع خود اعلام میدارد:

آری تنها گناه من و گناه بسیار بزرگ و بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراتوری های جهان را از این مملکت برچیده ام و پنجه در پنجه مخوف ترین سازمان های استعماری و جاسوسی بین المللی درافکندم و به قیمت از بین رفتن خود و خانواده ام و به قیمت جان و عرض و مالم خداوند مرا توفیق عطا فرمود تا با همت و اراده مردم آزاده این مملکت بساط این دستگاه وحشت انگیز را درنوردم.

من طی این همه فشار و ناملایمات ، این همه تهدید و تضيقات از علت اساسی و اصلی گرفتاری خود غافل نیستم و به خوبی میدانم که سرنوشت من باید مایه عبرت مردانی شود که ممکن است در آتیه در سراسر خاورمیانه درصدد گسیختن زنجیر بندگی و بردگی استعمار برآیند. روز نهم اسفند سال قبل طنابی را که برای انداختن به گردن

من آورده بودند همه دیدند. آن روز هم اگر موفق می شدند می گفتند مردان مسلمان وطن پرست و شاهدوست سزای یک مرد خائن را کف دستش گذاشتند.

من میخوام از افتخاری که نصیب آن مرد (آزموده دادستان محکمه) شده یعنی توانسته است متهم لجوج و عنود ردیف یک را که برای اولین بار از روی لجاج و خیره سری به جنگ با استعمار برخاسته، بر کرسی جرم و جنایت نشانیده استفاده کنم و شاید برای آخرین بار در زندگی خود ملت رشید ایران را از حقایق این نبرد وحشت انگیز مطلع سازم

حیات و عرض و مال و موجودیت من و امثال من در برابر حیات و استقلال و عظمت و سر فرازی میلیون ها ایرانی و نسل های متوالی این ملت کوچک ترین ارزشی ندارد و از آن چه برایم پیش آورده اند هیچ تأسف ندارم. وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام داده ام. من به حس و عیان می بینم که این نهال برومند در خلال تمام مشقت هایی که امروز گریبان همه را گرفته به ثمر رسیده است و خواهد رسید. عمر من و شما و هر کس چند صباحی دیر یا زود به پایان میرسد ولی آنچه می ماند حیات و سرفرازی یک ملت مظلوم و ستمدیده است.

آن مرد گفت که من و اقدامات دولتم سبب شد که آبروی ایران و ایرانیان در انظار خارجیان ریخته شود و لابد الان که من و همفکران و همکاران مرا به نام مجرم و جانی و خائن می نامند و روی کرسی اتهام می نشانند آبروی ریخته شده باز میگردد. آن مرد باید بداند که اقداماتش برای بازگشت حیثیت از دست رفته در انظار جهانیان کافی نیست و باید صبر کند تا پس از افتتاح مجدد سفارت و کنسولگری هایی که بسته شده اند، و پس از استقرار مجدد کمپانی سابق نفت جنوب به همان لباس یا به لباس یک کمپانی بین المللی، آن وقت ادعا کند که لکه ننگ ملی شدن صنعت نفت، ملی شدن شیلات و و ... از دامان او و حامیانش زوده شده است.

چون از مقدمات کار و طرز تعقیب و جریان دادرسی، معلوم است که در گوشه زندان خواهم مرد و این صدا و حرارت را که همیشه در خیر مردم به کار برده ام خاموش خواهند شد و دیگر جز این لحظه نمی توانم با هموطنان عزیز صحبت کنم.

از مردم رشید و عزیز ایران مرد و زن تودیع می کنم و تأکید می نمایم که در راه پرافتخاری که قدم برداشته اند از هیچ حادثه ای نهراسند و یقین بدانند که خدا یار و مددکار آنها خواهد بود.

(همانطور که کرومیت روزولت در آخرین ملاقات خود به اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر توصیه کرده بود محکمه نظامی شاه دکنتر مصدق را به سه سال حبس در زندان سلطنت آباد و اقامت اجباری تا آخرین روزهای عمر در دهکده احمد آباد محکوم میکند).